Marfat.com

Marfat.com

تاریخ نیشابور

تألیف

الحاکم ابو عبد الله محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدویه بن نُعیم

الضبی الطهمانی النیسابوری

ذخیرهٔ کتب محمد اقبال مجددی لاهور

«تلخیص»

احمد بن محمد بن الحسن بن احمد المعروف

«بالخلیفة النیسابوری»

بسعی و کوشش

دکتر بهمن کریمی

استاد دانشکده افسری

و

عضو هیئت علمی جغرافیائی آسیائی پاریس

ناشر: کتابخانه ابن سینا ـ تهران

چاپخانه اتحاد


Marfat.com

132986

Marfat.com

کتبی از مؤلف که بطبع رسیده است

شیرازنامه ـ ابوالعباس احمدبن ابی‌الخیرزرکوب شیرازی

معراجنامه ـ شیخ‌الرئیس ابوعلی‌سینا

نظام‌التواریخ ـ قاضی بیضاوی

جامع‌التواریخ ـ رشیدالدین فضل‌الله جلددوم طبع بلوشه

نه‌رساله ازملامحسن‌فیض بفارسی وعربی

الف ـ ترجمةالصلوة

ب ـ ترجمةالشریعه

ج ـ مفتاح الخیر

د ـ ترجمة الزکوة

ه ـ ترجمةالعقاید

ر ـ شرایط الایمان

ط ـ زادالسالکین

ح ـ الفت نامه

ل ـ آئینه شاهی

ـ راهنمای آثارتاریخی شیراز

جغرافیای تاریخی ایران

راههای باستانی وپایتخهای قدیمی ایران

یزدان شناخت عین‌القضاة همدانی

ذیل ظفرنامه شامی حافظ ابرو

کامل جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله (در دو جلد)

(مجموع تواریخ مطبوع ـ کاترمر ـ بلوشه ـ برزین ـ ...ان وسایر تواریخ دیگر

که جمع آوری شده)

کتاب حاضر تاریخ نیشابور

Marfat.com

بسم الله الرحمن الرحیم

نسخه‌ی منحصر بفرد

تقدیم ارباب فضل و ادب

کتاب حاضر تاریخ نیشابور۔ امام حاکم ابوعبدالله محمدبن عبدالله بن محمدبن حمدویه یکی از کتب منحصر بفرد: علم الرجال علم تاریخ وجغرافیای نیشابور تا اواخر قرن پنجم هجری قمری است. این نسخه منحصر بفرد که در **بورسا** عکس برداری شده وبعداً اصل نسخه در آتش سوزی همان شهر از بین رفته ونسخه عکسی آنهم که بوزارت فرهنگ داده شده در فاضله وزارت فرهنگ و کتابخانه ملی بچنگال سیمرغ افتاده وبکوه قاف رفته است باتحقیق وتتبع ومطالعه سه سال بزیور طبع آراسته گردیده وبدوستدان وپاسداران علم تقدیم میشود امیداست برزلاتش قلم عفو واغماض کشیده وازفوائدش بهره‌مند گردند

وبالله التوفیق

Marfat.com

فهرست مطالب کتاب تاریخ نیشابور

Marfat.com

Marfat.com

Marfat.com

Marfat.com

بسم‌الله الرحمن الرحیم

مقدمة المصحح

الحمدلله الموفق من‌شاء من عباده لخدمة العلم والدین ، و اشهد ان‌لااله الاالله وحده لاشریک‌له شهادة تشهد لصاحبها بحسن الیقین ؛ واشهد ان‌سیدنا محمداً عبده ورسوله الی‌الناس اجمعین ، صلی‌الله وسلم‌علیه وعلی آله‌وصحبه والتابعین‌باحسان الی‌یوم الدین .

سالهاست که گنجینه ها وخزائن کتب قدیمی ، مورد توجه وتدقیق علمای بزرگ دنیا و متتبعین بـا ذوق قرار گرفته وتشنگان علم و ادب و صاحبان سلیقه وقریحه برای سیراب ساختن روان وارضای غوغای درونی‌خود بااین گنجینه‌ها روی آورده‌اند وهر کس بحدامکان مادی‌ومعنوی خویش‌از آن‌دریای بیکران بهره‌ای بر گرفته و بدنیای دانش تقدیم داشته است .

این ذخائر که بیشتر کتب نفیس خطی‌فارسی وعربی را تشکیل میدهد دست قهارطبیعت آنهارا ازسرزمین خـود دور انداخته‌ودر نقاطی غیرمانوس بر روی هم انباشته‌وازاین جهت‌است که محققین‌برای تتبع وبحث درباره کتابی مجبورند بیکی ازآن‌نقاط سفر کرده وازمنابع کتب آنجااستفاده‌نمایند،یالااقل‌فهرست کتابخانه‌های مختلف را بررسی‌کامـل نموده تـااز وجـود نسخ متعدد کتاب مورد بحث اطلاع کافی بدست آورند .

یکی‌از آن نقاط که همچو دریائی ژرف این‌درر گرانبها را در اعماق خـود

Marfat.com

پنهان داشته واز آفات زمان حفاظت کرده کتابخانه‌های استانبول میباشد .

درهر یك از این کتابخانه‌ها هزاران مجله کتب نفیس قدیمی عربی وفارسی که اغلب اقدم نسخ موجوده ویا نسخه منحصر بفرد دنیاست میتوان یافت کــه جز مستشرقین معدود، دیگران وبخصوص محققین ما، یاازوجود آنها بیخبر ندویادسترسی بدانها نداشتند وازاین جهت درمقدمه هیچیك از کتب ادبی که تا حال در مملکت ما تصحیح وطبع شده واقدم واصح آن دراستانبول موجود بوده بهیچوجه استفاده ننموده وحتی اسمی هم از آن نبرده‌اند، وهمین امرسبب شده که باهمه دقتی که درتطبیق مطالب بعمل آورده‌اند منظور مصحح آنطور که شاید وباید تامین نشده‌است .

این کتب پربها، یادر زمان مولف ویااندکی بعداز آن تحریریافته واغلب حاوی تاریخ تحریرونام کاتب است .

ازاین لحاظ نگارنده باسرمایه‌مزجاة درمدت اقامت دراستانبول بکمك دوستان ترك و استادان دانشگاه و روسای مسئول و **مکاتبه با حضرت استاد فقید مرحوم قزوینی ازیکصدجلد کتب فارسی وعربی که همگی اقدام واصح نسخ موجوده یا نسخه منحصر بفرد دنیاست .** عکس‌برداری نموده وبرای استفاده علما ومتتبعین میهن عزیز حاضر کرده‌ام و کوشیده‌ام تابابدست آوردن فرصت یکی راپس ازدیگری بزیور طبع بیارایم :

کتاب تاریخ نیشابور امام الحاکم ابوعبدالله محمدبن عبدالله نیشابوری:

که مولف آن درسال ٤٠٥ هجری قمری درنیشابور وفات یافته ویکی ازمهمترین ونفیس‌ترین کتاب درتاریخ نیشابور است: ازهمان تعداد کتبی است که نگارنده در کتابخانه (کورسنلوجامع) واقع در شهر بورسا (بورسه) که این شهرزمانی هم پایتخت ترکیه بوده‌است عکس‌برداری کرده واکنون پس از مدت ســه سال تتبع و تدوین بچاپ میرسانم .

Marfat.com

دکتر ریچارد فرای استاد دانشگاه هاروارد (آمریکا) (۱) نیز از این نسخه عکس برداری نموده است

نگارنده استاد فرای را در دانشگاه هاروارد ملاقات نمودم و اهمیت این نسخه را که در دنیا منحصر بفرد است بایشان گفتم و تذکر دادم که من این نسخه را در تهران بطبع خواهم رسانید زیرا بمفاد: **وفی التاخیر آفات**: ممکن است که از آفات و بلیات زمان در امان نماند و گویا همینطور هم شد چه: چندی قبل بدبختانه شنیده شد که بورسا طعمه حریق گردید و دیگر خبری دریافت نشد که این کتاب نفیس سوخته و یا مانده است

امام حاکم (۳۲۱ هجری - ۴۰۵ هجری) گویا کتابی نیز بعربی در دوازده جلد شامل تاریخ و جغرافیا و رجال و علما و اسامی محلات و قراء و سایر خصوصیات شهر نیشابور نوشته بوده است که باحتمال قوی این کتاب از بین رفته و اثری هم از آن در دست نیست (۲)

کتاب تاریخ نیشابور ترجمه قسمتی از این کتاب بزرگ است که

---

(۱) در آمریکا دانشگاهی بنام هاوارد در شهر واشنگتن (D.C) وجود دارد که قسمت عمده دانشجویان آن سیاه پوست هستند و از تمام دنیا محصل میپذیرد. این دانشگاه در سال ۱۸٦۸ میلادی تاسیس شده و مزیت آن بداشتن محصل سیاه است

دانشگاه دیگری در بستن بنام هاروارد میباشد این دانشگاه در سال ۱٦۳۸ ... یعنی تقریبا دویست سال و کسری قبل از آن دانشگاه تاسیس شده این دانشگاه در محله کمبریج بنا شده دکتر فرای نیز استاد همین دانشگاه است در ملاقات او را مردی وارسته و عالم دیدم زبان فارسی را بزحمت حرف میزد اما باوضاع و احوال ایران وارد بود

برای اطلاع بیشتری رجوع شود بکتاب آمریکا و عالم و ... نگارش نگارنده

(۲) امام الحاکم تألیفات دیگری غیر از کتاب تاریخ نیشابور داشته است مانند فضائل الشافعی - فوائد الشیوخ - امالی المشات - تراجم الشیوخ - علوم الحدیث - کتاب العلل - کتاب الامالی و غیر ذلك

Marfat.com

شخصی بنام احمد بن محمد بن حسن بن احمد معروف بخلیفه نیشابوری یا یك قسمت از آن کتاب بزرك را ترجمه کرده و یا تمام آن کتاب را مختصر نموده است و نیز معلوم نشد که این شخص کیست و در هیچیك از تذکرهها نام او را نیافتم .

تاریخ نیشابور حاضر دو قسمت است.

قسمت اول - شامل مقدمه مولف - فهرستی از اسامی مهاجرین - انصار - تابعین - علما - فضلا - ادبا و سایر کسانیکه به نیسابور آمده و رفته و زیسته و مردهاند .

و این قسمت شامل چندین بخش است بدین ترتیب :

پس مقدمه بذکر مفاخر خراسان اشارت نموده و آیات و احادیث و اخبار سلف را ذکر میکند .

آنوقت فضائل نیسابور را میگوید و توصیف میکند سپس صحابه کبار نیشابور را شرح میدهد و یکایك را بنام صحابی اول و صحابی دیگر وغیره توضیح تشریح می نماید از این موضوع که میگذرد در خصوص بزرگان نیشابور اعم از علما و اشراف و تابعین قلمفرسائی میکند

این طبقه بندی بترتیب از حروف الف شروع شده و بحرف (ی) ختم میشود بدینجهت برای این قسمت فهرست الفبا که مرسوم کتب جدید است بعبارة اخری فهرست اسامی رجال و اماکن تهیه نشد چه در هریك از طبقات خود مولف این سبك را رعایت کرده و هر طبقه را از الف (احمد) شروع و به (ی) (یحیی) ختم نموده است

مولف کتاب سعی کرده است که تمام خصوصیات افراد را ذکر کند اگر سفری کرده یا کتابی نوشته و حتی اگر نزد عالمی تلمذی نمودهاند یادآور شود و حتی المقدور نگذاشته است مطلبی فوت گردد

قسمت دوم - شرح بناهای نیشابور و مساجد و قلاع و قصبات و مقابر آن است

Marfat.com

البته مختصرتر بدین ترتیب(۱)

ذکر بناء قهندز و شهر قدیم و مفاخر و اوضاع محلات و باروها و وادیها - بناء شهر قدیم - حفر خندق - ارتفاع زمین - قری و قنوات - محلات شهر - فتح نیسابور - مفاخر نیسابور قدیم - مقام خدام نیشابور - روایات دیگری از این قبیل

برای قسمت دوم این کتاب فهرست اسماء رجال و اماکن تهیه شد

نا گفته نماند که در حد امکان ظرف مدت سه سال تتبع و تحقیق بعمل آمد تا نسخه ای صحیح و بدون غلط تقدیم ارباب فضل و ادب گردد : ولی چون نسخه منحصر بفرد آنهم عکس برداری شده و از طرفی چون دسترسی بنسخه اصلی نبود باز اغلاطی در طبع پیدا شد .

این نیز باید گفته شود که بعضی از مطالب مقدمه این کتاب مستفاد از رساله استاد بارتولد ترجمه فاضل محترم آقای حمزه سردادور شده است

در خاتمه باید از زحمات آقای رمضانی مدیر کتابخانه ابن سینا که سالهای متمادی در راه نشر و توسعه فرهنگ زحمات فراوان کشیده و رنج بسیار برده و این کتاب هم یک نمونه از فرهنگ پروری ایشان است تشکر کنم

و همچنین بنوبه خود از چاپخانه صبح امروز و کارکنان آن سپاسگزاری نمایم

امیدوارم که صاحبان فضل و ادب از زلاتش غمض عین فرمایند

والله المستعان وعلیه التکلان

تهران - دکتر کریمی
(بهمن میرزا)

هفتم مهرماه ۱۳۳۷

---

(۱) نگارنده در سال ۱۳۱۳ کتابی بنام شیرازنامه تألیف ابوالعباس احمد بن ابی الخیر زرکوب شیرازی بهمین سبک و بهمین روش تصحیح نموده و با مقدمه مفصلی در شرح شیراز و بناهای قدیمی آثار و ابنیه و سایر خصوصیات آن شهر بطبع رسانیده

Marfat.com

خراسان (۱)

درباب اینکه مهاجرت ارین‌ها از قسمت شرقی بسمت غربی ایران در چه تاریخ وبچه منوال بوده ما اطلاع ندارم اولین دفعه که نام مدیها ذکر می‌شود درسال (۸۳۵ قبل‌ازمیلاد) درکتیبه سالمانسار دوم پادشاه آشوراست وضمناً معلوم نشده که آیامدیهاازنژاد آرین بوده‌اند ویااینکه فاتحین آریائی‌اسم ساکنین‌سابق مملکت را اختیار کرده اند اسامی خاص آریائی‌فقط درکتیبه‌های سارگن (۷۲۱-۷۰۵ق-م) دیده میشود ونیزمانمیدانیم که آیا مهاجرت آرین‌ها فقط ازراه شمال یعنی همان راهی که مدیها رفته بودند بعمل آمده یااینکه از راه جنوب هم که از سیستان بکرمان واز آنجا بفارس میرفت صورت گرفته‌است . شق اخیر ظاهراً بیشتر قریب بصحت است

هردوت گوید: هدروس‌ها (دراصل‌متن- ده‌روسیایوی) وکرمان‌ها (دراصل‌متن- کرمانی اوی) درجزو ایرانیانی بشمار میروندکه در فارس سکونت اختیار کرده بودند یعنی تمام قسمت جنوبی‌ایران کنونی‌را یك‌شاخه ازایرانیانی که‌خودرا پارسه مینامیدند اشغال کرده بودند چون مدیها در ورود بعرصه تاریخ بسایرانیان سبقت جستند لهذا احتمال کلی میرود که مهاجرت از راه شمالی زود تر بوقوع پیوسته است .

مقتبس از کتاب جغرافیای تاریخی استاد بارتولد ترجمه فاضل محترم آقای حمزه سردادور

حرکت آرین‌ها ازقسمت شمالی ایران ازهمان راهی که درقدیم شاهراه عمده از آسیای غربی بشرقی بود یعنی ازطول دامنه جنوبی جبالی بوده که سرحد شمالی فلات ایران راتشکیل میدهند بعضی ازخطوط سیر ممکن است مولد این حدس باشند که قسمتی ازین راه درزمان قدیم شمالی‌تر بوده است

ایزیدور خاراکسی گوید: راه ازولایت قومیسنه (اعراب قومس گویند) که دامغان وسمنان ازبلاد آن بودند روبشمال بهیرکانیا یعنی سواحل رود گرگان که ببحرخزر میریزد میرفت، واز آنجا متوجه ولایت پارتها میشد که قدیمترین پایتخت های آنان یعنی **استاکا** و **پارساکا** که درمحل خبوشان دوزده اعراب بقوچان کنونی واقع بود و**نسایا** که اعراب نسا گویند وخرابه‌های آن امروز درنزدیکی عشق آباد نمایان است در سمت شمالی شاهراهی که بعداً دائر شده قرار گرفته بودند

احتمال دارد که مهاجرت آرین‌ها با سواحل گرگان هم تماس داشته است کلمه هیرکانیا (دراصل ورکانا یعنی مملکت گرگ‌ها) خاطره‌ایست که نام [illegible] آنجا آرین‌ها مهاجرت خود را از دامنه جنوبی جبال دنبال کرده‌اند زیرا سواحل جنوبی بحرخزر درزمان حکومت ایرانیان هم هنوز درتحت اشغال ملل غیرآریانی بوده

درردیف راه هیرکانیا ازشاهراه امروزی هم اسم میبرند چنانکه آریان میگوید که هیرکانیا درسمت یسار راهی که ازمدی بپارت میرفت واقع بود

هردوت چنانکه معلوم است پارت‌ها وخوارزمیان وسغدیها وآریان را دریک ساتراپی قرارمیدهد درتمام کتیبه‌های میخی درجائیکه اسامی ممالک ذکر میشود مملکت پارت از خوارزم سوا و علیحده نام برده شده وربطی به خوارزم و سغدیانا و اریانا نداشته است

در اوائل سلطنت داریوش ساتراپ ولایت پارت ویشتاسپ پدر داریوش بودکه در سال (۵۱۸ ق ـ م) مجبور شد شورش پارت‌ها و هیرکانیا را

Marfat.com

خاموش کند در دوره هخامنشیان این مملکت اهمیت بزرگی نداشت .

استرابن گوید: سلاطین ایران درمواقع سیاحت و گردش در ممالك خود سعی می کردند که حتی الامکان زودتر ازپارت بگذرند زیرا ولایت مزبور بواسطه فقر و بی چیزی قادر نبود آذوقه موکب پرجمعیت شاهان را فراهم سازد ولی بواسطه همین فقر ولزوم دفع حملات کوچ نشینان ملت پارت نسبت بطرز زندگانی ساده و جنگجویانه که ایرانیان مترقی داشتند وفادار مانده و بعد از سقوط دولت هخامنشی پارت ها همان عناصر سالمی بودند که موفق شدند مجدداً دولت ایرانی مقتدری تشکیل داده وحتی بااحراز موقعیت حملات جهانگیرانه روم رادفع کنند، جبال بلخان بزرك و کوچك وکوه کورن داغ وکیت داغ وجبال خراسان که امروز سرحد بین ایران و روسیه است سرحد طبیعی بین ترکستان وحوضه بحرخزررا تشکیل می دهند .

گرزن گوید: هیچ چیز نمی تواند بامنظره تیره وتار این کوههای بی ثمر که جز گیاه هرزه در آنها نروید وفقط چشمه های معدودی از آنها جاری است طرف مقایسه واقع شود.

درعهد قدیم وهکذا درقرون وسطی سکنه واحه های واقعه درامتداد دامنه ـ های این جبال را ایرانیان تشکیل می دادند ولی بدیهی است که واحه های مزبور بواسطه موقعیت جغرافیائی خود ناچار میبایستی غالباً مورد حملات متعدد کوچ نشینان ترك واقع شده وبتصرف آنان درآید از همین تاریخ است که این سرزمین باسم ترکی (**اتک**) ویابطور اصح (**ایتاگ**) که بمعنای ولایت دامنه کوه پایه است نامیده شد.

ازجمله بلاد این سرزمین درقرون وسطی ازنسا وابیورد بیش ازسایر بلاد اسم می برند .

Marfat.com

شهر نسا درنزدیکی عشق آباد کنونی واقع بود وابیورد دراین زمان هم بشکل قریه کوچکی در ده فرسنگی عشق آبـاد پابرجاست .

رباط فراوه (افراوه) که عبدالله بن طاهر درقرن نهم میلادی بنا کرده و مرکب ازسه قلعه متصل بهم بوددر ناحیه نسا بفاصله چهارروزراه ازشهر نسا واقع بود ازاین رباط راه مستقیمی از وسط صحرا بشهر گورگنج (درنزدیکی شهرقدیمی اورگنج کنونی) می رفت .

درفوق گفته شد که (**اتک**) بواسطه موقعیت جغرافیائی خود معرض تاخت و تاز کوچ نشینان آسیای وسطی واقع میشد علاوه بـر آن ملوك آسیای وسطی یعنی ملوك خوارزم که نزدیك ترین همسـایه آتك بودند همواره برای تصرف این ولایت میکوشیدند.

هرودوت می‌نویسد: ماخبری میخوانیم که هنوزبطور رضایت‌بخش توضیح نشده است این خبرراجع است بهوادی که محصور بجبال بوده و پنج معبر داشته و روداکسس ازوسط آن جاری بوده وبین ممالك خوارزمیان وهیر کانیاو پارت‌ها وسرنکان وتمانیها واقعشده ودرابتدا تعلق بخوارزمیان داشت

خبرفوق میرساند که مدتها قبل‌از تشکیل هخامنشیان سلطه خوارزمیان تا ولایت جنوبی صحرا هم بسط یافته بود.

درقرن دهم میلادی نوح‌بن منصور سامانی نسا را بمامون حکمروای قسمت شمالی‌خوارزم وابیورد رابه عبدالله خوارزمشاه فرمانروای‌خوارزم جنوبی بخشید لکن عبدالله بواسطه مخالفت ابوعلی سیمجور که امیرخراسان بود بتحصیل این‌عطیه نائل نگردید.

Marfat.com

پس از آنکه درقرن دهم میلادی صفحه خوارزم در زیر سلطه مأمون که لقب خوارزمشاهی را اختیار کرده بود متحد گردید نساوفراوه درتصرف خوارزمیان(۱) بود تازمانی که سلطان محمود غزنوی در سال ۱۰۱۷ میلادی خوارزم رامسخر ساخت بعد که درسال ۱۰۳۵ میلادی تراکمه درتحت ریاست سلجوقیان بخراسان هجوم آوردند سلطان مسعود غزنوی مجبور گشت که نساوفراوه رابآنهاواگذار نماید.

درقرن دوازدهم میلادی که سلسله جدید خوارزمشاهیان قوت گرفت شهر نسا قبل ازسایر بلادخراسان درجزو قلمرو آنان در آمد درتاریخ این دوره اسم شهر دیگری بنام شهرستان ذکر می‌شود که درسر راه خوارزم بنسا وبفاصله یك فرسنك از نسا درکنار ریگزار واقع بود

یاقوت که سال ۱۲۲۰ میلادی در آنجا بوده تعریف می کنددرحوالی شهرستان بواسطه قرب ریگزار باغاتی وجودنداشت ومزروعات درمسافت بعیدی دور از شهر واقع بودندولایت خوارزم بعدازقتل وغارت مغول اگردوره کوچکی رادرقرن چهاردهم بحساب نیاوریم تا زمان استیلای ازبك ها در اوایل قرن شانزدهم سلسله مستقلی نداشت .

درقرن شانزدهم وهفدهم بلاد(اتك)معمولادرزیر سلطه ازبکهای خوارزم بودند. بطوریکه ابوالغازی شهادت می‌دهد درآن زمان برای تشخیص اتك کلمه (تاغ بویی) (طرف کوه) مصطلح بوده واین کلمه درمقابل سو بویی(استعمال)میشد که سواحل جیحون یعنی خوارزم درمعنای اصلی کلمه بدین نام معروف بود.

درعین حال خوانین خیوه همواره ساعی بودند که طوایف ترکمن را مطیع خود سازند وطوایف مزبوره که درقرن شانزدهم تمام ساحل شرقی بحر خزر را تا

---

(۱) این خوارزمشاهیان باسلسله خوارزمشاهیان که سرسلسله ایشان اتسز خوارزمشاه وآخرین ایشان سلطان محمدوسلطان جلال الدین خوارزمشاه است و بدست چنگیزخان منقرض شده‌اند فرق دارند ودوسلسله مجزی هستند،ایشان خوارزمیان ومآمونیان اند

Marfat.com

گرگان متصرف بودند بعدها که اقتدار شاهان ایران وخوانین خیوه رو بضعف گذاشت تدریجاً سلطه خودرا روبطرف شرق تامرو بسط دادند.

شاه عباس کبیر (۱۵۸۷-۱۶۲۸ میلادی) بنابروایت ایت: درواقع ازاتك صرفنظر کرد هرچند که جانشینانش ملوك ازبك را اسماً باجگزار ومطیع خود نمودند.

شاه عباس برای صیانت مملکت از تاخت وتاز تراکمه ازبکان تصمیم بدان گرفت که اکراد جنگجو را ازولایت غربی بدین سامان کوچ دهد و برابر این تصمیم پنج ولایت کرد نشین درامتداد سرحد از (استراباد تا چناران) تشکیل داد و از ولایات پنجگانه مزبور در این زمان سه ولایت یعنی بجنورد و قوچان ودرگز پابرجا است ضمناً حکومت درگز نه با سلسله کردی بل با خاندان ترك است. مقتدرترین حکام مزبور که حکمران قوچان است بلقب ترکی ایلخانی ملقب شد.

قوچان درقرون وسطی باسم خبوشان (هرچند که در کتاب جدیدی شکل خوجان دیده میشود) معروف بوده است

ایزیدور خاراکسی ذکرمیکند که: درقرن دهم میلادی شهر قوچان مهمترین بلاد ناحیه استوا بود و استوا مطابق آستانه و یا آستاسنه است

درقرن دوازدهم در دوره ترقی خوارزمشاهیان قوچان یکی ازمهمترین نقاطی بود که درسرراه قسمت مرکزی خراسان واقع شده بود شهر مزبور در تمام ادوار خود علاوه بر موقعیت جغرافیائیش مرهون حاصلخیزی اراضی حومه خود بود.

کرزن مینویسد: ولایات شمالی ایران درحاصلخیزی و خوبی شرب اراضی بهتر ازقوچان ولایتی نیست، کوچ دادن اکراد ازتاخت وتاز تراکمه جلوگیری نکرد این دوحریف لایق هم بودند وهیچ یك از طرفین نمیتوانستند بفتح قطعی نائل شوند

Marfat.com

کردها فقط می‌توانستند مزارع اتك راتار ومار کرده انتقام تراکمه را از این راه بکشند

شهر قوچان درسال ۱۸۳۳ میلادی که عباس میرزا بدفع فتنه ایلخانی اشتغال داشت و بعد در زلزله‌های ۱۸۵۱ و ۱۸۷۲ میلادی صدمه‌های فراوان دیده است

کرزن نقل میکند: جمعیت شهر به ۱۲۰۰۰ نفر نمی‌رسید زلزله سال ۱۸۹۵ میلادی بکلی شهر را خراب کرد وقوچان جدید در دوفرسنگی شهر قدیم بنا شده است.

نقطه سرحدی دیگر که با نام **نادرشاه** توأم است قلعه مهم کلات است که در آنجا دست طبیعت قلعه کوهستانی صعب‌الوصولی بنا کرده است محوطه‌ای که قریب به ۲۵۰۰ فوت از سطح دریا ارتفاع دارد دارای ۲۰ میل انگلیسی طول و قریب به ۵ الی ۷ میل عرض واز هر طرف محصور بدیوار طبیعی است که از قلعه‌ها و صخره‌های تیز و عریان بارتفاع ۷۰۰ الی ۱۰۰۰ فوت از سطح وادی تشکیل یافته است.

این دیوار فقط دارای دو معبر تنك میباشد ولی علاوه بر آن راه باریکی از کمرکش جبال موجود است که میتوان بقلعه داخل شد، دروازه عمده بدربند ارغون شاه یعنی بنام بانی خود که روی یکی از صخره‌های صاف نقش کرده واز بنای خود ذکر میکند معروف میباشد.

کرزن ودیگران این ارغون شاه را همان ارغون خان مغول ایران (۱۲۸۴-۱۲۹۱ میلادی) میدانند درباره ارغون شاه مینویسند که وی قبل از جلوس بسلطنت از عموی خود احمد شکست خورده ودر کلات پناهنده شد لکن قلعه در زمان وی خراب بود وهمین که عساکر احمد نزدیك قلعه رسیدند ارغون بدون مقاومت باحمد تسلیم شد. حدسی که بیشتر طبیعی بنظر میرسد این است که در اینجا مقصود از ارغون شاه پادشاه

Marfat.com

محلی و پدر علی بیگ بود که باتیمور محاربه کرده است.

شرف الدین گوید: تیمور در سال ۱۳۸۲ میلادی قلعه رامحاصره کرد و درضمن تفصیل محاصره از چند دروازه اسم میبرد که یکی از آنها در بند ارغونشاه است. علی بیك اظهار اطاعت کرد ولی بعد به تیمور خیانت ورزید و تیمور درمقابل **کلات** قلعه قهقهه را بین کلات و ابیورد وظاهرا در جائیکه امروز ایستگاه راه آهن باسم قهقهه واقع است بنا نهاد.

نادر ازموقعیت قلعه کاملا استفاده نمود واز زمان وی قلعه باسم کنونی کلات نادرشاه یا کلات نادری موسوم گردید.

کرزن می نویسد، که نادر میخواست در اینجا قلعه غیر قابل تسخیری ایجاد و خزائن امنی برای گنجینه هائی که ازهندوستان آورده بود دائر سازد شرح و تعریف قلعه کلات در کتاب **واسیل واتاس** سیاح یونانی که معاصر نادرشاه بود مندرج است. بنابقول سیاح مذکور نادرشاه میخواست شهری ایجاد کند که نظیر نداشته باشد و تمام اهالی شهر بتوانند آنچه را که میخواهند بدون احتیاج باجناس وارده از خارج درخود شهر بیابند برای استهلاك مخارج ساختمان شهر غنائم هند بکار رفت صخره ها را از خارج وداخل تراشیده و هر کجا که احتمال حمله میرفت برجهای پاسبانی بنا کرده بودند.

بعد از نادرشاه کلات تا سال ۱۸۸۵ میلادی تحت حکومت خانهای کوچکی که اسما مطیع ایران بودند بماند و تا زمان تحدید سرحدات روس و ایران در سال ۱۸۸۱ میلادی ابیورد و اتك در جزو خانی مزبور بودند.

کرزن قسمت کوهستانی غرب خراسان را بشرح زیر تعریف میکند:

Marfat.com

چند رشته جبال متوازی درسمت شمال غربی بطرف جنوب شرقی کشیده شده سلسله‌های شمالی را دره‌های عمیق وتنکی که‌درقعر آنها سیلاب صدا میکند از یکدیگر جداکرده ودرسمت جنوب‌جای دره‌ها را وادی‌هائی گرفته که رودهای کوهستانی ازوسط آنهاجاری وقراء ودهات‌در آنجاواقع شده وگاهی جلگه‌های وسیع وپرثروتی‌دیده‌میشود مانندجلگه قوچان‌در شمال وجلگه نیشابور درجنوب. بینالود کوه

سلسله های جبال را دره هائی در طول کوه قطع میکنند وهمین دره‌ها راه ارتباط‌بین وادیهامیباشند دره‌ها اغلب‌منظره طبیعی‌زیبائی تشکیل‌داده وصورت یك سلسله مواقع‌صعب‌الوصولی را دارند. مشکل‌است در جائی‌ازدنیا جبالی باشد که بخط برف دائمی‌رسیده و تااین درجه پرده‌های زیبائی ازطبیعت‌وحشی کوهستانی جلوه‌گر سازند

دربالای سلسله‌های بلندتر آثارمسکین‌ترین نباتات‌کوهستانی بندرت‌دیده میشودزراعت فقط‌در قعروادیها مقدور است‌ومنوط‌بوجودچشمه‌سارهای قلیلی‌است که‌آب آنها رابرای‌شرب اراضی قابل‌زرع آورده‌اند هردهی گوئی‌واحه ایست که‌در زمینه خاکی‌رنك کویر واقع‌شده‌است

اراضی مزرعه دردامنه جبال‌هم دیده میشود واز دامنه‌های جبال چشمه‌هائی بوادی سرازیر میشوند و بطوریکه فریه تعریف میکند در مرتفع‌ترین نقاطهم زراعت میکنند اراضی‌مزروعه که‌دردامنه‌های کوه‌واقع است به صفحه‌های جداگانه منقسم گردیده وعده قراء در این وادی بواسطه وفور آب بیش از سایر نقاط است

دراینجا هم‌مثل‌سایرنقاط ایران‌سبزه‌زاریکسره‌دیده‌نمیشودقطعات آبادبفاصله‌های مختصری ازیکدیگر واقع‌شده‌اند رودی‌که ازپهلوی‌نیشابور میگذرد بمناسبت مزه

Marfat.com

شور و تلخ آبش بشوره رودمعروف است

نیشابور باندازه‌ای دچار زلزله و معرض حملات خانه خراب کنی واقع گردیده که شکل کنونی آن، هم ازحیث وسعت و فضا وعده نفوس بقدری باپایتخت قرون وسطی خراسان فرق دارد که تحقیق وتشخیص نقشهٔ آن بامشکلات بزرگی توام است .

Marfat.com

مختصری از تاریخچه نیشابور

بنای این شهرظاهراً درزمان ساسانیان بدست شاپور اول یاشاپور دوم شده است چنانکه مورخین و جغرافیون نقل کرده‌اند. این شهردرسال (۳۳۰ میلادی) پایتخت ناحیه ابرشهر بوده ویزد کرددوم این شهررامحل اقامت خودقرارداده **و بورجاین** مهر که یکی ازسه آتشکده معروف ساسانیان باشددر نزدیکی این شهر قرارداشته است

شهرمزبور درسال (۳۱هجری) (۶۵۱ میلادی) بدست اعراب افتاده ودرسال (۳۲هجری) (۶۶۲ میلای) حکومت این ناحیه (منظور ناحیه خراسان است که مرو وبلخ وغیره جزو آن بوده) بدست غیث بن الحسام که یکی ازاشخاص معروف آن زمان بوده است اداره‌شده واین خود دلیل آنست که ناحیه خراسان تاقبل ازقرن (دوازدهم هجری) (هجدهم میلادی) وسعت زیادتری را ازطرف مشرق دارا بوده و مرو وهرات وبلخ نیز جرواین قسمت بشمار میرفته ولی فعلانیشابورتنها شهری است که جزوناحیه خراسان محسوب می‌شود و تقریباً تاچند سال بعد از واقعه مذکور اطلاعات راجع به نیشابور جزئی است

در اوائل قرن هشتم میلادی ابومسلم خراسانی نهضتی در خراسان برضد خلافت بنی‌امیه ایجاد کرد ودرسال (۱۳۱ هجری) (۷۳۸ میلادی) داخل نشابور شد وحاکم آن شهر گردید ودرمدت حکومت خود مسجدی درنیشابور ساخت ولی در سال (۱۳۸ هجری) (۷۵۳ میلادی) او را در بغدادبتحریك منصور خلیفه مقتول ساختند

Marfat.com

پس از این قضیه خراسان در اوائل قرن (سوم هجری) (نهم میلادی) در حیطه اقتدار طاهر بن حسین در آمد

طاهر حاکمی بود که از طرف مامون خلیفه در سال (۲۰۵ هجری) (۸۲۰ میلادی) در قسمت مشرق ایران حکومت میکرد ودر زمان او و اولادش ناحیه خراسان حالت استقلال بخود گرفت وعبدالله بن طاهر نیشابور را پایتخت خود قرارداد و باغ معروفی بنام شادیاخ در آنجا ساخت و در زمان او بود که شهر نیشابور فوق العاده اهمیت پیدا کرد وساختمان جدید ودهات زیاد در اطراف آنشهر بنا گردید

در اواخر قرن مزبور سلسله صفاریان خراسان را در تحت تصرف گرفتند ودرسال (۲۷۹ هجری) (۸۹۲ میلادی) عمرو بن لیث صفاری حکومت آنرا عهده دارشد واو نیز نیشابور را پایتخت خود قرارداد

اطلاعات کافی بما نشان میدهد که عمارات زیاد بشهر مزبور اضافه شده و تغییراتی در جامع آن رخ داده است

بعداز عمرولیث خراسان بدست سامانیان افتاد و در این موقع نیز نیشابور کماکان پایتخت بود وتنها ناحیه مرکزی خراسان بشمار میرفت از شهرستان نیشابور زمان سامانیان شرح مفصلی توسط ابن حوقل واستخری نقل شده است واین اشخاص چنین می نویسند :

که شهر مزبور دارای سه میل طول و سه میل عرض بوده (هر سه میل یك فرسنك) وبچهل پاسگاه تقسیم میشده است کوچه های آن صاف وتقریبا عده آنها به پنجاه میرسیده واین کوچه هایکدیگر را طوری قطع میکردند که چهارراه های متعدد تشکیل میدادند (برعکس عقیده اغلب ازمستشرقین که کوچه های قدیمی بعضی از شهرها همیشه کوتاه ودارای اعوجاج بوده)؛ این کوچه ها بسیار مستقیم ومطابق اسلوب

Marfat.com

معماری ساخته شده بود خودشهرنیشابوربسه قسمت تقسیم میشده‌است

۱ـ شهر خاص

۲ ـ نواحی‌خارج شهر

۳ـ پاسدارخـانه ها

۱ـ شهر خاص : دارای برج وحصار وچهار دروازه بوده و در خارج شهر پاسگاهها واقع شده‌که آنهانیزدارای دروازه‌ها بودند وخرابه‌انها باغلب احتمال همـان تپه‌الب‌ارسلان‌است

قسمت خاص‌شهرعبارت بود ازتمام نواحی‌خارج که دارای دیوارها بوده‌است واینجاست، که مسجد جمعه نیشابور دیده میشود : وعمروبن‌لیث صفاری ستون های چوبی آنرا تبدیل بستونهای اجری نموده و سه رواق در اطراف حیاط مسجد ساخته وآنرا یکی از بهترین ساختمانهای مهم که دارای کاشیکاری مذهب میباشد نموده است

این مسجد دارای یازده در باستون هائی از مرمر سیاه و سفید بوده و تمام آنهابانضمام طاق مسجد نقاشی‌ومجسمه کاری شده بوده است و نـزدیك آن محوطه بازار وخانه حاکم شهر قرار داشته که بتوسط عبدالله بن طاهر بنا شده و بدست عمروبن لیث صفارمرمت گردیده است .

نزدیك بازار بزرك شهر بازارکوچك‌دیگری بوده‌که محبس ها درآن قرار داشته‌است واهمیت این‌بازارها از نظر تجـارت‌بسیارمهم بوده واینکه شهر مزبور ونواحی خارج آنرا دیوارها احاطه کرده دلیل براین بوده است‌که مردم احتیاج بامنیت وحفاظت داشته‌اند

چون درشهرنیشابور خاص بنای قابل‌ذکری ساخته نشده است میتوان‌آنرا دلیل براین دانست‌که باوجودیکه شهرمزبوربتوسط ساسانیان بنا شده ولـی کم‌کم

Marfat.com

بواسطه انقراض سلسله مزبور شهر متارکه گردیده و بنای مهمی در آن بنانشده است. و آنچه بعداز اسلام در این ناحیه بنا گردیده درخارج شهر خاص بوده است ولی این تنها یك قضیه بیش نیست و تا اکتشافات بیشتری ازجهت حفاری در نیشابور بعمل نیاید نمیتوان این قول را قبول کرد و نیز گفته سایکس را نمیتوان معتمد شمرد

پس از ساسانیان حکومت خراسان بدست غزنویان افتاد و بعد از یك قرن نیشابور در حیطه اقتدار سلجوقیان ترك درآمد و طغرل بیك (۴۲۹ هجری) (۱۰۳۷ میلادی) شهر را گرفت و پایتخت خود قرارداد و الب ارسلان برای مدت کوتاهی در آنجا اقامت کرد

درزمان سلجوقیان نیشابور را اهمیت فوق العاده‌ای بخود گرفت و برای بار دوم اهمیت سابق را مجدداً احراز کرد.

درزمان خواجه نظام الملك وزیر الب ارسلان و ملکشاه نیشابور را اهمیت بسیاری بدست آورد و تقریباً دارالعلم شد و مدارس متعدد در آن بنا شد و مرکز علم و نظامیه‌ای در آنجا ایجاد گردید.

نیشابور در این زمان دارای سیزده کتابخانه بوده که مهمترین آنها پنج هزار جلد کتاب داشته است .

عمر خیام شاعر و دانشمند و فیلسوف و مورخ و ریاضی دان عصر در آنجا زندگی میکرده است.

درسال (۵۳۰ هجری) (۱۱۳۵) میلادی نیشابور بواسطه زلزله خراب شد و شهر مزبور درسال (۵۳۸ هجری) (۱۱۵۳ میلادی) آتش گرفت و در همین موقع بود که طعمه غارت ترکان غز واقع شد و شهر را اهالی محلی ترك کردند و شهر دیگری در حومه محل سابق که عبدالله بن طاهر ساخته بود بنا نمودند

یاقوت : شهر مفصلی راجع باین ناحیه ذکر میکند و این واقعه را بسال (۶۱۳ هجری)

Marfat.com

(۱۲۱٦ میلاد) می داند .

این شهر بعدا بدست چنگیز و یارانش از بین رفت و ساکنین نیشابور شهر دیگری در شمال شرقی ساختند

حمدالله مستوفی در سال (۷۳۱ هجری) (۱۳۳۰ میلادی) و ابن بطوطه طنجی در سال (۷۵۷ هجری) (۱۳۵۵ میلادی) شهر نیشابور را دیده و آنرا یکی از پر جمعیت ـ ترین شهر های ناحیه خراسان دانسته و از مسجد عالی و چهار مدرسه آن نقل میکنند .

Marfat.com

عقاید مورخین وعلما و مستشرقین
درخصوص تاریخ نیشابور قدیم

نیولدکه گوید:

راجع به‌نشابور قدیم قبل‌ازاسلام همینقدر معلوم است که ابرشهر نام داشته ونام‌کنونی رایکی‌ازسلاطین ساسانی یعنی‌شاپور اول(قرن سوم‌میلادی) ویاشاپوردوم (قرن چهارم میلادی) بآن داده‌است .

مطلب اخیرعقیده‌ای راکه غالباً اظهارمیشد راجع باینکه نیشابور همان‌شهر نسایای پارت است تردیدمی‌کند درزمان ساسانیان وهم در دوره امرای اول عرب شهرعمده خراسان مروبوده نیشابور فقط درزمان سلسله‌طاهریان‌درقرن نهم‌میلادی اهمیت‌یك پایتخت‌راکسب نموده است.

آوازه شهرت نیشابور باصیت اشتهار عبدالله‌بن‌طاهر (۸۳۰ـ۸۴۲ میلادی) برابراست

بنابرقول یعقوبی مورخ :

عبدالله‌طاهر طوری درخراسان حکومت کرده‌که قبل‌ازوی کسی نکرده بود چه‌وی بتامین تمام منافع دهاقین پرداخته است وآنچه مهم است بامروی مجموعه قواعدی‌برای استفاده ازشرب مصنوعی اراضی ترتیب داده شد.

بالاخره عبدالله در نظریه و عقاید خود راجع باهمیت علم از عصرخود فرسنگها جلو افتاده و عقیده داشت که باید عموم آرزومندان دسترس

Marfat.com

وسیعی بساحت علم داشته باشند و تشخیص لایق و نالایق به پیشگاه خودعلم واگذار شود .

سلسله سجستانی صفاریان هم که طاهریان را درسال (۸۷۳میلادی)ازسلطنت خلع کردند پایتخت خود رابنشابور انتقال‌دادند .

عمرولیث صفاری بسال (۹۰۰میلادی) ازاسمعیل بن احمد سامانی شکست خورد وازآن پس خراسان درجزو مملکت سامانیان درآمد وچنان که معلوم‌است پایتخت سامانیان بخارا بود . و اراضی جنوب آمو دریا (جیحون) درتحت سلطه امیرمخصوص بود که لقب سپهسالار داشت ودرنیشابور مقیم بود . (استاد بار تولد)

جغرافیا نویسان ، نیشابور دوره سامانی رامفصل تعریف کرده‌اند : شهر در جلگه ولی بلاواسطه درقرب کوه واقع‌شده‌بود .

ابن رُسته

جنب شهر ازیکطرف کوه بلندی سر کشیده بود محوطه شهرطولا وعرضاً یك فرسنك وخود شهر مانند سایر بلاد بزرگ آسیائی وسطی مرکب بود : از قهندز یعنی ارك ـ وشهرستان یعنی شهر ـ وربض یعنی خارج شهر .

ارك‌جز وشهرستان‌نبود ولی‌بین آن وشهرستان فقط خندقی حایل بود .

در قرن دهم میلادی شهر بواسطه ترقی‌تجارت وصنعت به ربض‌که در قسمت جنوبی شهر واقع بود منتقل گردید .

اصطخری

درضمن توصیف بازار های نیشابور مینویسد که بازار در سمت‌شمالی شهر تاراس القنطره میرسیدو پیش‌از آن درجزودروازه های شهرستان‌که مانند شهرهای بزرك چهارباب بود از دروازه راس‌القنطره اسم میبرد عدهٔ دروازه های ربض بسیار زیاد بود .

Marfat.com

مقدسی گوید:

در بازار فزون از پنجاه مرکز بصورت میدان چهارگوشی موسوم بمربعة‌الکبیره بود که از آنجا به‌هرچهار سمت ردیف دکاکین و کاروانسراها ممتد میشد بدینطریق: بسمت‌شرقی‌تاپشت مسجد جامع- بسوی شمال تاشهرستان- بطرف غرب تاپشت‌میدان‌چهار گوش کوچك «مربعة‌الصغیره»- وجنوب تامقابراولاد حسین؛ بازار امتداد داشت.

در قسمت غربی در نزدیکی میدان کوچك قصری بود که عمرولیث میدان الحسینین بناکرده بود وهم درجنب قصرزندان واقع شده بود

مسجد جامع رامینویسند که دراردوگاه قشونی واقع شده بود

مقدسی

شرحی درتوصیف این‌بنانوشته است که‌نقل میشود:

مسجد جامع مرکب از شش قسمت بودعمارت عمده مسجد که منبر امام در آنجا بود قسمتی از انرا در اواسط قرن هشتم ابومسلم خراسانی مسبب سلطنت عباسیان ساخت وقسمت دیگرش‌را دراواخرقرن نهم عمرولیث صفاری بناکرد بنای ابومسلم به تیرهای چوبی وبنای عمرولیث بستونهای مدور آجری متکی بود.

در اطراف این قسمت سه‌رواق ودر وسط آن گنبدی ساخته بودند رواقها دارای یازده درب وستونهائی ازمرمر رنگارنك.

قنواتی راکه بشهر آب میدادند غالبا زیر زمین‌میکشیدند عده باله هائی که برای رسیدن بآب پائین میرفتند گاهی بصد میرسیددرخارج شهر آب درسطح زمین جاری وبرای شرب اراضی بکار میرفت. شهربداشتن پارچه های ابریشمی و نخی معروف‌بود

وبطوریکه **اصطخری** میگوید این‌پارچه‌هارا بماوراء ممالك اسلامی هم‌حمل میکردند

Marfat.com

ابن حوقل

دکاکین ومهمانخانه های نیشابور مملو از نمایندگان صنایع مختلفه بود در حوالی شهر مس و آهن و نقره وفیروزه ومعادن دیگراستخراج میکردند معادن فیروزه که درکوههای واقعه در ۳۶ میلی شمال غرب نیشابور در سر راه قوچان است تا بامروز در اهمیت خود باقی ودردنیا یگانه معادن فیروزه است .

نیشابور درزمان غزنویان وسلجوقیان هم باوجودیکه بعضی ازسلاطین اخیر مرورا ترجیح میدادند معهذا مهمترین شهرخراسان بود .

درسال (۱۱۵۳ میلادی) نیشابور معرض قتل وغارت عشایرغز گردیدکه برعلیه سلطان سنجر شورش کرده بودند .

غزها شهرنیشابور را غارت کرده وخراب نمودند خاقانی شاعرمعروف بطوری مبالغه کرده و می گوید که وقتی اهالی بعد از رفتن دشمنان بشهر برگشتند نمی توانستند مساکن خودرا بیابند .

شهر جدید در سمت غربی شهر قدیم در محل موسوم به شادیاخ آباد شده است.

محله شادیاخ درزمان سابق هم دایربودو آنرا عبدالله بن طاهر بناکرده بود.

یعقوبی

درشادیاخ تپه بزرگی بودکه برروی آن ارگی ساخته بودند درهمان قرن مذکور نیشابور بواسطه موقعیت جغرافیائی سعادتمند خود بسر منزل رونق وتعالی رسید وابنیه وعمارات تمام محوطه را ازتپه تا خط قدیم اشغال کرد

یاقوت :

نیشابور دوباره اعمر بلادالله گردید وپرثروت ترین وپرجمعیت ترین بلادشد .

مقدسی

نیشابور انبارگاه مال التجاره فارس وکرمان و هند یعنی ولایات جنوبی و همچنین ری وجرجان وخوارزم بود

Marfat.com

یاقوت

علت ترمیم سریع و تجدید عمارت شهر را همان موقعیت جغرافیائی آن می‌داند نیشابور در حکم دهلیز المشرق بود و کاروانیان نمیتوانستند از کنار آن گذشته و وارد شهر نشوند .

قتل‌عام چنگیزخان (۱۲۲۱ میلادی) بمراتب بدتر از حمله غز بود شش ماه قبل از این واقعه داماد چنگیزخان هدف تیر و کشته شد بدین جهت تولوی پسر چنگیز شهر را محاصره کرد و آنچه اهل شهر عجز و الحاح والتماس عفو کردند اثر نداشت و وردشد شهر به یورش متصرف گردید و تمام سکنه آن باستثنای چهارصد نفر صنعتگر که باسیری بردند بقتل رسیدند

ابنیه و عمارات شهر را از بیخ خراب و زمینش را شخم کردند و در محل خرابه های شهر چهارصد نفر مغول گماشتند تا بقیه السیف اهالی را که توانسته بودند درموقع قتل و غارت پنهان شوند معدوم سازند.

دستجات مغول چنگیزخان درخراسان پایدار نشدند و جانشین چنگیزخان مجبور شد دوباره مملکت را مسخر سازد مقاومت بیفایده فقط مانع از آن شد که جراحات وارده به مملکت از حمله مغول التیام پذیرد و شهرهای خراسان پیش از بلاد ماوراالنهر بحال خرابی ماندند.

پس از انقراض سلسله خوارزمشاهیان خراسان ابتدا امارت مخصوصی بود که ملك مشترك سلسله مغول محسوب میشد فرمانروای خراسان را خان بزرگ معین میکرد ولی نمایندگان وجوه رجال خاندان خان نیز همراه فرمانروا بودند .

دراواسط قرن سیزدهم میلادی که مغولها سلطنت مخصوصی درایران تشکیل دادند خراسان هم بدان ملحق گردید.

Marfat.com

حمداله قزوینی مستوفی:

اداره کشوری ومالی مخصوصی داشت عایدات این ملک در جزو عایدات عمومی سلسله مغول در ایران محسوب می شد.

بعدازسقوط سلسله مغول ایران نیشابور (درحدود عشر سوم قرن چهاردهم میلادی) درجزقلمرو سلسله سربداران که در سبزوار تشکیل یافته بود درآمد درسال (۱۳۸۱ میلادی) آخرین نماینده این سلسله بطیب خاطر اطاعت تیموررا گردن نهاده وبدین جهت نیشابور بی‌رحمی های این جهانگشا رانچشید رونق هرات در دوره تیموریان واهمیت مذهبی شهر درزمان صفویه می بایستی که نیشابور راتحت الشعاع قرارداده باشد لیکن تااواسط قرن هجدهم نیشابور شهر مهمی بود تا اینکه بدست احمدشاه افغان خراب وویران گردید.

استاد بارتولد گوید :

بعد ازاین قتل وغارت یك منزل قابل سکونت درشهر نمانده بود احمد شاه شهر را به عباسقلی خان شاهزاده ترك داد وی برای تعمیر وتجدید عمارت آن اقدامی کرد.

دراواخر همان قرن نیشابور بتصرف قاجاریه درآمد مساعی عباسقلیخان وکسان دیگر اهمیت سابق شهر راعودت ندادند.

فریزر :

درسال (۱۸۲۱ میلادی) طول باروی شهر/۴۰۰۰ قدم بود اگر تمام این محوطه مسکون می بود عده نفوس آن به ۳۰ هزار یا ۴۰ هزار می رسید لیکن قسمت عمده شهر خراب بود ایرانیان خانه‌های مسکون شهررا قریب بدوهزارباب می‌دانستند لیکن فریزر ازروی تاثیراتی که شهر دراو بخشیده بودتصور میکندکه عده نفوس ازپنجهزار نفر تجاوز نمیکند.

Marfat.com

استاد بارتولد گوید:

پارچه هائی که در شهر می‌بافند فقط برای حوائج محلی تهیه می‌شد یگانه جنس صادره فیروزه بود .

فریه

عده نفوس شهر از ۸۰۰۰ متجاوز نبوده وضع دیوارها گلی وخراب وبدبود خندق آب نداشت ارك بشکل خرابه افتاده بودحدود بازارها و مسجدجامع وسعتی نداشت.

در زمان سیاحت گرزن معلوم نیست از روی چه مقصودی مشغول تعمیر دیوارهای بکلی بیفایده خراب شهر بودند گرزن احتمال می‌دهد که در زمان وی جمعیت شهر به ۱۰۰۰۰ نفر رسیده بود.

راجع به آثار قدیم نیشابور تحقیقات ومفصلی دردست نیست. دراین باب فریزر ودر زمان اخیرهم ایت بعضی اطلاعاتی می‌نویسند از اطلاعات تاریخی ووضع کنونی شهر فقط این مطلب مستفاد می‌شود که شهر مانند مرو وبلخ ازسمت شرقی بغربی متصل شده است بلافاصله در سمت شرقی شهر کنونی خرابه هائی نمایان بوده که قسمتی از گل و قسمتی از آجر بوده

استاد بارتولد

ارك شهر سابق دراین مکان بوده

فریزر نمینویسد :

که بلندی هم دراین مکان بوده یانه

بطوریکه ایت تعریف میکند :

خرابه‌های مزبور دیگر وجود ندارد و آثار شهر سابق بفاصله یك میل انگلیسی درسمت جنوب شرقی شهر کنونی شروع می‌شود در زاویه جنوب غربی خرابه های

Marfat.com

مذکور ارک برروی تپه بلند واقع است .

ایرانیان به فریزر گفته بودند که ارک نیشابورقدیم که دردوره سامانیان بنا شده بوددراین مکان بوده ولی مشکل است این مطلب اساس داشته باشد.

مقبره فریدالدین عطارصوفی معروف که درموقع تصرف شهر بدست مغولها مقتول گردیده پهلوی زاویه جنوب شرقی ارک واقع است سنگی از مرمرسیاه که خط فارسی روی آن نقش کرده اند دروسط دیوار آجری واقع شده.
این مقبره یگانه اثری است که از قرون وسطی درنیشابور باقیمانده وممکن است تاریخ بنای آن بصحت معلوم شود این مقبره رادرزمان سلطان حسین بایقرا قرن یازدهم میلادی وامیرعلیشرشاعر ووزیر معارف پرور معروف که در ادبیات فارسی مخصوصا ترکی معروف ومشهوراست بنانهاده ونیز مقبره یکی از آل علی که درقرن شانزدهم میلادی شاه طهماسب صفوی ساخته درهمان نزدیکی است .

استاد بارتولد گوید :

امامزاده محمد محروق برادرعلی بن موسی الرضا که قبرش مهمترین زیارتگاه است دراین مکان مدفون است .

پهلوی این مکان مقدس دروسط باغی که درختانش بهم پیچیده وعلفهای هرزه درآن روئیده. مقبره عمر خیام منجم وشاعر فکر آزاد اوایل قرن دوازدهم میلادی واقع شده است .

Marfat.com

اینک بطور مختصر ترجمه‌ای از گزارش هیئت اعزامی موزه مترو پولتین آمریکا را ذیلا درج میکنم :

از گزارش هیئت اعزامی اینطور بنظر میرسد که هیئت نامبرده بیشتر در آثار قدیم بخصوص دوره ساسانیان توجه داشته و اگر هم حفاری در اطراف نیشاپور نموده‌اند و اشیائی بدست آورده بواسطه این بوده است که هیئت مزبور میخواسته‌اند در اطراف شهر قدیمی نیشابور که بدست شاپور اول و یا شاپور دوم ساسانی ساخته شده بود کاوش نمایند ولی درضمن کاوش آشیائی بدست آمد که ابداً مربوط به‌دوره قبل از اسلام نبود واثری از شهر نیشابور قبل از اسلام بدست نیامد (دوره ساسانیان) وگزارش که‌هیئت مزبور میدهدعبارت است :

۱ ـ شرح مختصری از تاریخ نیشابور

۲ ـ شرح ظروف سفالین و کتیبه‌های پیدا شده در این ناحیه

۳ ـ مختصری از نوع و تاریخ سکه‌های مکشوفه و خلاصه هر یك از آنها

۱ ـ هیئت نامبرده در شش موضع نزدیك نیشابور فعلی (همان نیشابور حمدالله مستوفی و ابن بطوطه طنجی که از آن نقل کرده‌اند) شروع بحفریات نموده و کاسه و کوزه و کتیبه‌هائی بدست آورده‌اند که مطابق ریز جداگانه بعضی از آنها در موزه ایران باستان و برخی دیگر در موزه نیویورك ضبط است

Marfat.com

تاریخ این اشیاء را هیئت مزبور از روی سکه‌هائی که بدست آمده تا حدی توانسته‌اند معلوم دارند ولی بطور یقین نمیتوان ذکر کرد که خرابه‌های فعلی که هیئت مزبور مشغول حفاری‌اند متعلق بکدام دوره است و برای اثبات این مطلب لازم است که هیئت نامبرده عملیات بیشتری دراین ناحیه بنمایندوشایدبعدها بتوان بطور یقین تاریخ حقیقی این خرابه‌ها را معین نمود

در اینجا بی تناسب نیست که از نوع ساختمان و رنگ آمیزی کاسه‌ها و کتیبه‌های پیدا شده‌وسکه‌هائیکه از این‌سرزمین بدست آمده‌است و تا حدی بتاریخ قدمت کاسه‌هاوخود خرابه‌ها کمك کرده ذکری بشود .

کاسه‌هائیکه از این ناحیه بدست آمده اکثر ظریف‌ودارای لبه‌های نازك و ته‌های محکم‌اند و درساختمان و رنگ آمیزی آنها استادی و مهارت کامل بکار رفته واغلب آنهااز گل‌سرخ ساخته شده و دربعضی از آنهاخط کوفی که بارنگ سرخ شفاف وحاشیه‌سیاه است دیده میشودوازهرحیث بی‌شباهت بکاسه‌های‌سمرقند نیست ولی بعضی دیگر از این کاسه‌ها دارای حاشیه سفیدی که در روی زمینه‌قهوه‌ای‌رنگ آمیزی شده وشبیه بکاسه‌های ساوه وسامره وحیره‌اند دیده میشودواین کاسه‌های اخیر را می‌توان بقرن دوم‌هجری (هشتم‌میلادی) نسبت داد ونیز کاسه‌های بسیار قشنگ‌وظریفی بدست آمده که‌ازهرحیث‌شباهت کامل بکاسه‌های‌عصر ساسانی دارد و از این رو می‌توان گفت که نفوذساسانیان دراین‌ناحیه بعد از اسلام بوده‌است وکاسه‌های دیگری که نفوذ چینی را نشان میدهد بدست آمده‌است‌والبته‌نبایدتعجب کردزیراکه نفوذچینی دراین‌سرزمین و آنزمان‌بسیاربوده چه‌تاریخ بما نشان میدهد که در زمان سلطنت (تانگ) کوزه سازی وصنایع دیگرچینی‌درعراق وایران‌ومصر رونق یافت و ما بخوبی‌میدانیم که‌درزمان سلطنت این‌پادشاه وسعت‌چین بترکستان

Marfat.com

رسید و رابطه چینیها با خلیج فارس بسیار بود و همینکه چینی‌ها با اعراب مواجه شدند **زیاد بن صالح** آنها را در رودخانه **تالاس** نزدیك تاشكند شکست داد و بقول خود اعراب بیست هزار اسیر از آنها گرفت و بگفته **ثعالبی** این چینیها بساکنین سمرقند کاغذسازی را تعلیم دادند و بگفته **ابن فقیه همدانی** این اسرا اغلب صنایع خود را باهالی خراسان آموختند و از این رو نفوذ صنعت چینی و بخصوص کاسه‌سازی در ایران دیده میشود ولی رویهمرفته ثابت شده است که این ناحیه کمتر در تحت نفوذ صنعت خارجیان مانند عراق و سامره و نقاط دیگر واقع شده و کاسه‌های نیشابور دارای ممیزات خاص و مشخص است که اصلی و متعلق بهمین ناحیه است و شاهد بتوان گفت که اولین کاسه های دوره اسلامی است

۲- در ناحیه سبز پوشان چندین سکه بدست آمده که کومك فوق العاده‌ای بتاریخ اشیاء پیداشده نموده است مثلاً دریك ناحیه ۹ عدد سکه بدست آمده که ۷ عدد از آنها بین سنوات (۱۵۳-۲۰۰ هجری) (۷۷۰-۸۱۵ میلادی) است و یکی از آنها متعلق بعهد طاهریان و یکی درحدود سال (۵۹۸ هجری) (۱۲۰۰ میلادی) است ودو عدد سکه دیگر بدست آمده که تاریخ آن (۱۵۳ هجری (۷۷۰ میلادی) است و از روی این سکه می‌توان حدس زد که تاریخ ساختمان اولیه این ناحیه (در نیمه دوم قرن دوم هجری) (هشتم میلادی) بوده است و از این ساختمان دیوار جنوب غربی که محراب در آن ناحیه قرار گرفته بود و شاید دیوار غربی دیوار اطاق باقی مانده باشد و این ساختمان را در قرن (سوم هجری) (نهم میلادی) - خساراتی وارد آمده و آنهم در موقع و کشمکش سلسله طاهریان با صفاریان بوده است و پس از ساختمان و تعمیر دو باره دیوار محراب بدو تقسیم شده و محراب را دو پاره کرده بطوریکه یك گنبد در این محل ایجاد شده است و در این جا کتیبه‌ها و نقاشی‌های عهد سلجوقی بدست آمده و تصور

Marfat.com

میرفت که سلجوقیان در ساختن این بنا شرکت داشتند چه طغرل بیك (۴۲۹هجری) (۱۳۰۲ میلادی) سلطنت سلجوقی را بدست آورد ودرسال (۵۱۰ هجری) (۱۱۳۵ میلادی) نیشابور را پایتخت قرار داد ودر حوالی این محل تپه ایست که بنام **تپه‌ی الب ارسلان** معروف است ولی بیشتر این نظریات حدس است مقرون بیقین وپس از دقت ومطالعه معلوم میشود که ممیزات ساختمان **تپه سبز پوشان** ابداً شباهتی به ساختمان زمان سلجوقی ندارد واگر نظری بقبر جلال‌الدین **در اوزکند** ترکستان شود (۵۳۷ هجری) (۱۱۵۲ میلادی) وبا مقایسه از **حیدریه** قزوین بعمل آید (قرن ششم هجری) (دوازدهم میلادی) اختلاف ساختمان این ناحیه با زمان سلجوقیان بخوبی معلوم خواهد شد وتا حال چیزی بدست نیامده که شباهت تام به سبز پوشان داشته باشد مگرچند طراحی از کتیبه مسجد نائین که شباهت به کتیبه این محل دارد اگرچه ساختمان آنهم بکلی متفاوت با این ناحیه است چه بعضی ممیزات مخصوص این ناحیه **مثلا اگر حروف گنبد مسجد نائین را که باخط کوفی نوشته شده و بخصوص در کلمه (الاخرین) آن نگاه کنیم یك رابطه وشباهتی بکلمه‌ای که در کتیبه سبز پوشان** نوشته شده است دارد

فرق عمده در طراحی است نه خطاطی چه در کلمه(**یوم الدین**) دال آنها با هم فرق دارد بدبختانه تاریخ ساختمان نائین درست معلوم نشده و(**Flury**) (فلوری) تاریخ آنرا بقرن دهم نسبت میدهد واو حدسش ازروی شباهت خطاطی این ناحیه با سامره وابن‌تولون درقاهره است وبعلاوه درسبز پوشان سکه یا علائم دیگری به دست نیامد که از سلجوقی باشد چه سکه های بدست آمده را میتوان بسه دوره تقسیم نمود

اول ـ قرن دوم وسوم هجری ـ قرن هشتم ونهم میلادی

Marfat.com

دوم ـ نیمه دوم قرن چهارم هجری ـ نیمه قرن دهم میلادی

سوم ـ قرن ششم ببعد ـ دوازدهم ببعد

وچون دوره اول مهمند ومطابقت باسایر علایم میکنند میتوان گفت که سکه‌های دوره سوم ازدست رعایا که درحدود قرن دوازدهم وسیزدهم میلادی در اطراف این ناحیه بوده‌اند افتاده زیرا شهر نیشابور پس ازغارت غزها بمحل دیگر انتقال یافت وتنها سکه های دوره دوم مهمند که در زمان صلح و صفا و زمان حکومت محمد بن سیمجور که از طرف منصور اول ونوح دوم در آنجا حکومت میکرده بوده است .

پس کتیبه‌های سبزپوشان بین سنوات(۳۰۵ـ۳۲۱هجری) (۹۶۱ـ۹۸۰میلادی) نوشته شده است.

خلاصه سکه‌های پیدا شده

از ۱۸سکه پیدا شده درسبزپوشان ۳۱ سکه آن تاریخ دوم وسوم هجری ـ (هشتم ونهم میلادی) رادارد ودوسکه آن متعلق باواخرسامانی است وچهار سکه آن تاریخ معین ندارد.

از ۱۳ سکه تپه الب ارسلان ۹ سکه آن متعلق بقرن هشتم ونهم وبقیه بدون اهمیت اند .

خلاصه ازروی سکه هائیکه توسط ابومسلم بنام عبدالرحمن ضرب شده و سکه محمد المهدی که حکومت افتخاری نیشابور را داشته (۱۳۱-۱۵۱هجری) (۲۵۸ ـ ۲۶۸ میلادی) وازسکه ضرب شده دربخارا (۱۶۰هجری) (۶۲۶میلادی) توسط عبدالمالك بن یزید الخراسانی که حاکم نیشابور بوده ودیگر ازموحدبن

Marfat.com

مسلم وسایر سکه ها که در این ناحیه پیداشده است میتوان ثابت کرد که ساختمان وتعمیرات این ناحیه در این قرن بوده است اطلاعات بیشتری در این باب منوط با کتشافات بیشتری است.

تهران - دکتر بهمن کریمی

اول مهر ماه ۱۳۳۹

Marfat.com

بسم الله الرحمن الرحيم

رب يسر و تمم

حمد و سپاس لایق بعد دانفس و انفاس خلایق مرخالق قدیم راکه جواهر روحانی و عناصر جسمانی از مکامن عدم در میادین وجود ، بقدرت بدیع ابداع کرد . وبسایط فسطاط خضرا ، وبساط بسیطه غبرا را محتوی برغرایب حکم بحکمة منیع اختراع فرمود . وباختلاف احوال سال بشتا ومصیف ، واتفاق ایام ولیال بربیع و خریف صحاری و براری وجبال و تلال آنرا مظهر اظهار اجناس از هار ، و انتشار انواع انوار ساخت . وبابنات نبات در مراتع اوساط بسیط و حواشی آن بطیب هوا و تطییب غذا برصنوف و افراد رواتع و حواشی خصوصاً درخراسان، خورآسان کرد، و قطر نسابورصینت عن الفتور باعتدال هوا وفسحت فضا و نزهة اماکن وخلقة معادن براماکن ومساکن اقطار هردیار فضیلت بخشید ، وطینت طیبه وتربت طاهره آنرا منبعث اولیاء کرام و اصفیاء عظام وعلماء هداة وادباء ثقات داشت .

درود بیغایت و سلام و تحیة بی نهایت کی آن خاص کرام باوقات ولیالی وایام باد فره نثار، نثار آستانه نبوت حضرة سید المرسلین و شفیع المذنبین و رحمة للعالمین و خاتم النبین صلوة الله وسلامه علیه و علی آله وصحبه اجمعین کردند

سبب رفعت مقام ، وقربت علی الدوام ، و حلول منازل هدایة عظمی ، و صعود مدارج ولایة کبری ایشان گردانید : صلوة الله و تحیاته علی المصطفی حبیب الله محمد النبی الامی و علی آله و اصحابه اجمعین.

غرض ازعرض این تقریب آنکه در سالف زمان، وسابق اوان وقرون ماضیه،

Marfat.com

سنه ثمان و ثمانین و ثلثمائه. شیخ اسلم واسوة اولیای کرام سلطان المحدثین برهان المحققین امام حاکم شیخ ابوعبدالله النیسابوری رضی‌الله عنه. بوصف نسابور قدیم، کتابی کریم بلغت فصیح صریح، ثبت فرموده‌اند، و مقصود اعظم و مقصد اهم از آن کتابة ذکر اسامی کرام صحابه وعظام تابعین و اولیاء و اصفیاء امت است کـه بآن بلدۀ نفیسه وارد و صادر شده‌اند ودر آن شهر نشو وظهور یافته وبذکروقت ولادة، وصفت نشاة، وبیان نسبت، وارادة وسلوك وریاضة، وکیفیة صحبت وخلوة، و شرح کرامـه و مدة حیوة و سنه وفـات و مدفن هریك از آن اربـاب الباب، آن کتاب باجار ده مجلد اطناب یافته و برسبیل مذییل و طریقه تطویل بعضی از اوضاع شهروبانیوبنا وبنیان وتقلب احوال و ظهور دین اسلام و اسلامیان بس اوصاف معابد ومساجد وبعضی مفاخر و مآثر آن بیان فرموده، و باشاره آیه وحدیث نفیس وآثار ائمه کبارموشح گردانیده، بعدها بعضی ازاجله کرام و ائمه اسلام رضی‌الله عنه وعنهم از آن کتاب نفیس مختصری هم بعبارة تـازی مشتمل براسامی گرام اولیا و اعـلام اصفیا وبعضی از آن مذیـلات انتخابی فرموده بعدالاستجازت آن اختصـار را بآثار سلف بطریق ایجاز بعبارت فارسی ترجمه اتفاق افتاد مگر آیات تنزیل و احـادیث نبیل که بهمان نظم فصیح صریح کتابة یافت ورمزی از آن بفارسی معروض گشت.

نکتۀ که کشف بعضی مقاصد آن کتاب بآن منوط وفهم مرادبآن مربوط است، آنست که بعرف فصحان عرب وسکان غرب، خراسان عبارت ازطرف شرق است تاغایت که:

خوارزم و ماوراء النهر و حوالی آنرا خراسان خوانند و دیگر آنك هرمتکلم بلغت اهل خراسان را بفارس نسبة دهند و فارسی گویند هر چند اصطلاح این دیار خراسان عبارة از این بعضی اماکن معینه و فـارس اشارة بآن بعضی بلاد معلومـه است جنانج سلمان رضی‌الله‌عنه باآنك اتفاق جمهور است که از اصبهان بود واصبهان

Marfat.com

از عراق عجم است ایشان را بفارسی وصف فرموده‌اند وکلی این کلمات ترجمه کلام آن امام است قدس سره و اگر احیاناً بروجه تقریب و محل تاویل حکایتی یا روایتی ازجانبی دیگر ذکر کرده شود بر آن تنبیه خواهد شد و بالله العصمة والتوفیق

ذکر مفاخر خراسان باشارت آیات و احادیث و اخبار کبار سلف

عن ابی‌هریره رضی‌الله عنه فلمانزلت هذه‌الایة « و آخرین منهم لمایلحقوا بهم» کلهم‌فیهاالناس فاقبل رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم‌الی‌سلمان فقال هم قوم هذا.«لوکان‌الدین بالثریالناوله رجال‌هوالاء»

امام حاکم فرمود که این حدیث در صحیح امام مسلم قشیری رضی‌الله عنه مذکور است مفهوم آیة و ماقبل آن والعلم عندالله : اوست آن خدائی که بعث‌فرمود درعرب رسولی از ایشان که میخواند بریشان آیات او ، وپاك میگرداند ایشان را از اعتقادات و اعمال‌خبیثه ، و تعلیم میدهد ایشان‌را قرآن و احکام شریعت و سنة ، و بدرستی‌که بودند ایشان پیش از آن بعثت در ضلالی آشکار و درکسان دیگر یعنی بعث فرمود در عرب و درکسان دگر آن رسول را و آن کسان دگرقولی است که همه مؤمنان‌اند که بعداً از صحابه پیدا آمدند و پیدا آیند تا قیامت . وقولی دیگر آنست که مراد عجم است بدلیل آنك چون این آیة نازل شد صحابه در آن سخن گفتند و دوبار یاسه بار از حضرةصلوةالله‌علیه وسلامه علیه سؤال کردند سلمان فارسی رضی‌الله‌عنه حاضر بود حضرةصلوةالله‌علیه وسلم دست‌مبارك برسلمان نهادند وفرمودند این وقوم او، ودرحدیث که مذکور شد چنین است که آن گروه‌قوم این اند . اگرایمان معلق بودی بپروین هر آئینه دریافتی اورا مردانی ازقوم‌او

وجهی‌دیگر در آیه آنست که بعث فرمود رسولی که تعلیم میدهد ایشانرا قرآن

Marfat.com

وسنت وتعلیم میدهـد آن کسانرا قرآن و شریـعت وسنة وتحقیق آیه چنان‌مینماید که هرپاك وعالم بکتاب وسنة که بود وباشد تاقیامت پاك کننده وتعلیم فرمایندهٔ همه نورمقدس حضرت مصطفی‌اند صلوة‌الله وسلامه علیهم بسلمان فارسی ویادکردن ایشان قوم اورا اشارت است بهمه کسانی کـه بفارسی سخن میگویند تااقصی بلاد خراسان این آیه درشان این جماعت نازل است. وایضا درحدیث است که. چون حضرةصلوةالله وسلامه علیهم این آیت خواندندکه: ان‌تتولوایستبدل قوم غیرکم ثم‌لا یکونوامثالکم مفهوم آیه والعلم عندالله اگرروی بگردانید یعنی از ایمان وطاعة بدل آورد خدای تعالی قومی غیر شما. پس نباشند ایشان امثال شما یعنی روی ازایمان نبگردانند و طاعت کنند. صحابه گفتند یارسول‌الله کیستند آنهاکه بدل ما بیاورند ونباشد امثال‌ما حضرت‌صلوه‌الله وسلامه دست مبارك بران سلمان‌زدند پس‌فرمودند هذاوقومه این وقوم‌او. لوکان‌الدین عندالثریالناوله رجال من‌الفرس اگر بـودی دین نزدیك پروین هرآینه فرا گرفتی آنرا مردانی ازفرس یعنی‌فارسیان ء

الاحادیث

عن ابن عباس. قال‌ذکرت فارس عندالنبی صلوةالله وسلامه علیه‌قال‌فارس عصبتنا اهل‌البیت قلنا ولم یا رسول الله قال‌لان اسمعیل عم‌ولد اسحق ـ واسحق‌عم‌ولد اسمعیل

عبدالله عباس رضی الله عنهما فرمودکه ذکر کرده شد فـارس پیش حضرت نبی‌صلو ةالله وسلامه علیه فرمودندکه فارس عصبهٔ ما انداهل البیت ، گفتیم چرا یا رسول الله فرمودند برای آنك اسمعیل عم فرزندان اسحق اند، و اسحق عم فرزندان اسمعیل. عصبه‌اقربا را گویندکه ازطرف پدرباشدچون‌برادر پدر و مادری وپدری و پسران ایشان وعم همچنین وپسران ایشان گویدکه‌این‌طایفـه از اولاد اسحق انـد علیهما السلام.

Marfat.com

عن ابی هریره: قال رسول الله صلوة الله وسلامه علیه اعظم الناس نصیبا فی الاسلام اهل فارس

مفهوم حدیث والعلم عندالله بزرگوارترین آدمیان بجهت نصیب در اسلام اهل فارس اند.

آثار سلف وظام رضی عنهم

حضرت امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه فرمودند: والعلم عندالله ترجمه این است بدرستیکه خدایرا بخراسان شهریست که آنرا مرو گویند اساس آن ذوالقرنین کرد وعزیر علیه السلام در آنجا نماز گزارد در آن جویهاء آب روان نهاده وزمین آن گشاده برهردری ازدرهاء آن ملکی شمشیر کشیده دفع میکند از آن شهر بلارا تاروز قیام ساعت. وبدرستیکه خدایرا بخراسان شهریست آنرا طالقان گویند چه گنجها است در آن شهر، لا از نقره وزر لکن مردان ایمان دار، دین پرور، ایشان درمصلی بطاعت قائم وخلق دربستر نائم. وبدرستیکه خدایرا بخراسان شهریست که آنرا اشاش گویند قایم اودرحجرات ونائم درجامه خواب همچون مجاهد آلوده بخون است در راه خدای بطلب ثواب. وبدرستیکه خدایرا بخراسان شهریست که آنرا بخارا گویند وچه مردانند ببخارا ایمن ازفریاد هنگام فتور، ساعة اندوه خندان ازسرور، خوش باد بخارا رااطلاع فرمایند: خدایتعالی برایشان هرروز اطلاعی پس بیامرزد هرکس راکه خواهد از ایشان و توبه قبول کند از هرکه توبه کند از ایشان. و بدرستیکه خدایتعالی را بخراسان شهریست آنرا سمرقند گویند بنانهاد آنرا شمر بن برعش در گذرد خدایتعالی از گناهان ایشان وقبول کند فریاد و اندوه ایشان منادی می کند بایشان هرشب منادی خوش باد شما را وخوش باد شما را جنة عیش خوش و گوارنده باد سمرقند را، وهرکه را درحوالی اوست ایمن آید ازعذاب خدای تعالی در روز قیامت. اگرفرمان برید سید کریم را صلوة الله و سلامه علیه، پس فرمودند حضرت

Marfat.com

امیر المؤمنین کرم الله وجهه خادم خاص خود ابن کوا رضی الله عنه که ای ابن کـوا چندست میان فوشنج وهرات گفت شش فرسخ فرمودند نی بل هفت فرسخ است زائد نیست یك میل و کم نیست یك میل. همچنین خبر کرد مرا خلیل من یا حبیب من صلوة الله علیه بعد از آن فرمود بدرستیکه خدای تعالی را بخراسان. شهریست آنرا طوس گویند وچه مردانند بطوس مؤمنان درمیان ایشان است حجة قائم باشد بطاعت او واحیا کنند سنت نبی او صلوة الله وسلامه علیه. و بدرستیکه خدایرا بخراسان شهریست آنرا خوارزم گویند نائم او در و همچون قـائم است در درازتر ایام تـابستان. بدرستیکه خدایرا بخراسان شهریست آنرا جرجان گویند خوش است زرع او، سبز است صحرای او و کوههای او، کثیرست آبهای او، وسیع است برخورندگان مایه‌های او، اوامر خدا را متر صد، و بطاعة او متعبد خوش ایشان را و خوش ایشان را. اگر ایمان آرند و طاعة دارند. و بدرستی کـه خدایرا بخراسان شهریست آنرا قومس گویند وجه کوهها است برجوانب قومس. و بدرستیکه در قومس اعتبار و منزلتست ارباب الباب را.

وامام شعبی رضی الله عنه گفت نرود شبها و روزها تا منتقل نگردد علم بخراسان و عبدالله عباس رضی الله عنهما گفت چون برون آید علماء سپاه ازخراسان آن مار است اهل البیت.

و روایة است از شریك بن عبدالله که او گفت خراسان کنانهٔ خدای است عزوجل در زمین او. پس چـون غضب فرمـاید خدایتعالـی برقومی تیرزند ایشان را بکنـانهٔ خـویش و عـبدالله مبـارك گـفت کـه بیـرون نیامـد از خراسان علمی کـه باز گردانیده شده بـاشد پیش ازآنکه فتح و نصرت یـابد و امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه فرمود که بدرستیکه مر پدر ما ابراهیم را علیه السلام

Marfat.com

نشانها بود در کوهها خراسان ، بآنجا آمدی و آنجا مسجد بنانهاد ، و آثار ایشان اینجا پیداست و عبدالله عباس رضی‌الله عنهما در مسجد حرام غریبی دید فرمود که بگوی ازکدام شهری گفت ازاهل‌خراسانم گفت ازکدام شهری گفت ازهراة گفت از کدام موضع هراة گفت از فوشنج گفت مرابراهیم را علیه‌السلام دو مسجد بود مسجد حرام یعنی درمکه و مسجد فوشنج. پس‌از درختی که نزدیك مسجد بودی پرسید فوشنجی گفت درخت برحال خودست . فرمودکه پدرم عباس بن عبدالمطلب رضی‌الله‌عنه مرا گفت که‌بسیار در سایهٔ آن درخت چاشتگاه خواب کرده‌ام .

ذکر فضائل نیسابور

شیخ ابن جریح ازکبارتابعین فرمودند که بهترین خراسان نیسابوراست پرسیدندکه برای خود فرمودید گفت‌بل که‌شنیده‌ام درحدیث، امام‌حاکم فرمود این آن‌حدیث است که مروی است ازابن‌مخارق عن‌النبی صلوة‌الله‌وسلامه علیه : قال‌خیرخراسان‌نسابور و روایت است ازشیخ ابراهیم بن طهمان وایشان‌نیز از کبارتبع‌تابعین‌اند که خیرخراسان‌نسابوراست وشیخ عبدالله مؤذن‌نسابوری رحمه‌الله گفت حضرت خواجه را صلوة‌الله وسلامه علیه بخواب دیدم که فرمودندکه من‌این انت ازکجائی‌تو ، گفتم از نسابور فرمودند صلی‌الله علیه و سلم نعم‌البلد نسابور . نیك شهریست نیشابور

ذکر صحابه کبار رضوالله‌علیهم به نیسابور

رسیده‌اند یا گذشته‌اند یاساکن شده وروضهاء] مبارك‌ایشان آنجاست: قال‌صلوة‌الله‌وسلامه‌علیه مامن احد من اصحابی یموت بارض الابعث قایداً او نوراًلهم یوم‌القیامة : العلم عندالله فرمودندکه نیست هیچ یکی از اصحاب ماکه فوت شود درزمینی‌مگر که‌برانگیزند اورا پیش رو اهل آن زمین یانور ایشان روزقیامت. راوی‌راشك است که قاید فرمودند یانور فرمودند

Marfat.com

امام حاکم فرمود که هر کدام از صحابه که بمرو یا هرات یا بلخ یا بخارا یا سمرقند فرود آمده‌اند به‌نیسابور آمده‌اند در رفتن و آمدن ویا رفتن یا آمدن .

اول ـ ابوالفضل عباس بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف عم حضرت خواجه ماصلوة الله وسلامه علیه وحاصل قصهٔ ایشان آنست که ایشان اول عمر تجارت میکردند واز دیار مکه بخراسان میآمدند واجناس بزازی از خراسان میبردند و تردد ایشان بهراة و فوشنج بود .

عبدالله عباس رضی الله عنهما گفت پدرم مرا خبر کرد که او بسیار بزیر درخت خواب چاشتگاه میکرد عبدالله عباس مردی رادید از خراسان گفت از کدام شهر خراسانی گفت از اهل فوشنج گفت آن درخت که درکوه اسفار (؟) است میدانی گفت بلی همچنان است گفت که پدرم گفت که بسیار آنجا خواب چاشتگاه کرده‌ام وفرمود که پدرم رخت بزازی از خراسان بمکه میبرد ابن مخلد میگوید که شیخ من بمکه مرا گفت کسی رادید جامهای عجیب نه برسم اینجا پرسیدم که کیست گفتند عباس بن عبدالمطلب عم خواجه ماصلوة الله وسلامه علیه از ایشان پرسیدم که این جامه از کجاست فرمود که بهراة بودم از آنجا آوردم این جامه‌ها را

صحابی دیگر: بریدة بن حصیب بن عبدالله اسلمی چون حضرة خواجه ماصلوة الله وسلامه علیه ازغزاء بدر مراجعت فرمودند او اسلام آورد و آخر در مرو فوت شد و نزدیك حصارك مرو دفن کردند پسرش عبدالله میگوید که پدرم بریده گفت مرا حضرة مصطفی صلوة الله وسلامه علیه فرمود یا بریده: انه سیبعث بعدی بعوث فاذا بعثت تلك البعوث فکن فی بعث المشرق ثم کن فی بعث خراسان ثم کن فی بعث ارض یقال له مرو فاذا اتیتها فانزل مدینها فانها بناها ذالقرنین وصلی فیها عزیر انهارها تجری بالبرکة علی کل باب منها ملك شاهر هاسیفه یدفع السوء عن اهلها الی یوم القیامه . مفهوم حدیث و العلم عندالله

Marfat.com

ای بریده بدرستی که برانگیخته شود از مالشگرها سپس چون برانگیخته شدند آن لشگرها پس باش در لشگر مشرق پس باش در لشگر خراسان پس باش در لشگر زمینی که گفته میشود مر آنرا مرو پس چون بیائی در آن زمین فرود آی در شهر آن پس بدرستی که آن شهر بنا کرده است آنرا ذوالقرنین و نماز کرده است در آن عزیر جویهای آن میرود ببرکت. بر هر دری از آن ملکی است شمشیر کشیده دفع میکند بدی از اهل آن تا روز قیامت. و روایتی دیگرست از رسول صلوة الله وسلامه علیه که بریده ربع الاسلام. العلم عندالله بریده چاریك اسلام است و مؤید این حدیث است آنچ روایت است که بریده اسلام آورد آن وقت که حضرة خواجه ما صلوة الله وسلامه علیه از مکه هجرة فرمودند باامیر المؤمنین ابی بکر رضی الله عنه و عامر بن فهیره بمدینه بریدة آمد و از جانب مکه بود اگرچ هنوز آشنا نبود اما چو بر نبی آمد و پی روی کرد باین پی روی نیز محبوب حق شد و نور نبوت بروی تافت و اسلام آورد وچون سیم خدام شد که با حضرة بودند صلوة الله وسلامه علیه او را ربع اسلام خواندند و بریده گفت بمدینه در نیائیم مگر با علامی. و جامهٔ خود بگشاد و بر سر نیزه تعلیق کرد و در پیش مرکب حضرة خواجه ما صلوة الله وسلامه علیه میرفت پس اول علمی که در اسلام بسته شد علم بریدة بود رضی الله عنه وارضاه و بریدة و این قصه و بودن او در خراسان فضلة و مفاخرة است اهل خراسانرا

و روایت است که خواجهٔ ما صلوة الله و سلامه علیه فرمودند مر او را یابریدة لایکل بصرك ولا یذهب سمعك انت نورالاهل المشرق مفهوم حدیث والعلم عندالله. ای بریده مانده نشود بصر تو و نرود سمع تو و تو نوری اهل مشرق را وصیت کرد که جون فوت شود او را برمیان راه جاده دفن کنند و جون قبر کندند ولحد ساختند از همه جوانب دیوارها و لحد درهم افتاد از آنجا دور بردند و علی حده برمیان راه گذر روضهٔ او مرتب کردند رضی الله عنه

Marfat.com

صحابی دیگر- عبدالله بن حصیب برادر بریده پیشتر از بریده وفات کرد رضی الله عنهما

صحابی دیگر: الحکم عمرو الغفاری رضی الله عنه امام حاکم فرمود که معاویه بن ابی سفیان حکم را برمال خراسان عامل کرد حکم رضی الله عنه با کفار جهاد کرد و غنیمتهاء بسیار گرفت بمعاویه نامه نوشت که غنیمتهاء بسیار بسیار گرفتم معاویه باو نوشت که نیك بنگر هرچ از صفراو بیضا یعنی زرونقره یابی همه را با امیرالمؤمنین بفرست و باقی برلشکر جهاد قسمت کن حکم رضی الله عنه علما را جمع کرد و گفت حکم شرع چیست گفتند کتاب خدای تعالی آنست که همه از آن لشکر جهادست مگر خمسی که از آن سادات ودیگر مستحقانست و گفتند که معاویه را در آن حقی نمی بینیم حکم رضی الله عنه بمعاویه نامه نوشت که نامهٔ تو با کتاب خدای عرض کردم موافق نبود متابعة کتاب خدای واجب دیدم آنچه غنیمت گرفته بودم همه برلشکر قسمت کردم معاویه فرستاد تا اورا حبس کردند و در سلاسل و بندها کشیدند حکم خسته شد و در آن فوت شد بوقت وفات وصیة کرد که اورا با سلاسل و بند دفن کنند تا مخاصمه کند با معاویه روز قیامت که اورا برای چه امر بند کرده است و او را پهلوی بریده دفن کردند چنانك میان ایشان یك ذراع بیش نیست رضی الله عنهما.

صحابی دیگر: عطیة بن عمرو الغفاری برادر حکم که ذکر رفت و او نیز مدفونست بمرو نزدیك برادر او حکم رضی الله عنهما.

صحابی دیگر: ابوزره اسلمی رضی الله عنه و نام او گفته اند عبدالله و ساکن مدینه می بود از آنجا ببصره آمد بس بخراسان آمد و در خراسان فوت شد سر او اولاد او بمرواند بدرستی که روایت است که به نیسابور فوت شد اینجا آسوده است رضی الله عنه

صحابی دیگر: عامر بن سلیم الاسلمی رضی الله عنه و می گویند که او صاحب علم

Marfat.com

خواجه مـاصلوة الله و سلامه علیه بود و بنیسابور فوت شد نبیره او عمرویه گفت که وفات کرد جدمن عامر بن سلیم در نسابور ودفن شد در ملقاباد.

صحابی دیگر: عثمان بن ابی العاص الثقفی واواز کبار صحابه بـود رضی الله عنهم

صحابی دیگر: مهلب بن ابی صفوه

صحابی دیگر: فیش بن ابی ودیعة الانصاری از آن جماعت بودند که باعبدالله عامر آمدند وخراسان بسعی ایشان فتح شدو قصه آن مشروح بیامد

صحابی دیگر: ابورفاعه تیم بن اسدالعدوی.

صحابی دیگر: عثمان بن حبیب از صحابه بود با عبدالله عامر به نیسابور آمد و ساکن شدو اینجا متوفی شد.

صحابی دیگر: همان بن زید از صحابه بود باعبدالله عامر به نیسابور آمد وساکن شد و اینجا متوفی شد و این دو صحابـی را در نیسابور اولاد و اعقاب بود

صحابی دیگر: ابورشه بن رفاعه وپسراو فریط هرد و بخراسان آمدند و ساکن شدند وایشانرا آنجا اولاد و اعقاب بود

صحابی: غالب بن عبدالله بن فضالة بن عبدالله صحابی بودی فوت شد و حکومة خراسان ویرا بود

صحابی: عبدالرحمن سرة بن حبیب ساکن بصره بود برای غزای سجستان نیسابور آمد و درابرشهر یعنی نسابور ساکن شد و بعدها بمرو نقل کرد و آنجا وفات کرد و او را آنجا اولاد بودند.

صحـابی: سعیدبن خریث بغزابالشکر اسلام بخراسان آمد و اینجا فوت شد صحابی ابوبکر انصاری بمرو بود و آنجات فوت شد واولاد داشت بقریه نسابور تـره صحابی. الخخام ازقوت بن ابی الاسود بود و ابوالاسود از ملازمان امیرالمؤمنین علی

Marfat.com

بود کرم‌الله وجهه سه مقدمه علم نحو از ایشان تعلیم گرفت وعلم نحو استنباط کرد و بخلیل بن احمد آموخت و خلیل بسیبویه آموخت واقوام دیگر بس این علم منتشر ، خخام را بمرو اولاد و آثار است .

صحابی : العباس بن مراس السلمی الشاعر باحضرت صلوة الله وسلامه علیه صحبت داشت و او را درمرو فرزندان بودند

صحابی : اقرع وورقه پسران حابس تمیمی .

صحابی : محتقر بن اوس باحضرة صلوة الله و سلامه علیه صحبت داشت و آخر بموقف وطن گرفت .

صحابی : قاسم بن عباس بن عبدالمطلب با لشگر اسلام بغزا بخراسان آمد و باامیرالمؤمنین حسن کرم‌الله وجهه برادر رضاعی بود و او بسمرقند فوت شد و او را بحضرة صلوة الله و سلامه علیه مانند میگفتند چون پسرعم بود .

صحابی دیگر:اس بن ثعلبة التمیمی باسعیدبن عثمان بغزا بخراسان آمد

صحابی دیگر :کعب بن عتیبه اورا بمرو اولاد بود

صحابی:عبدالله بن خازم سلمی والی نسابور بوداز جانب عبدالله بن عامر وساکن جوین شد واورا آنجا اولاد شدند امام حاکم فرمود که آنجا اولاد اورادیدم قوی بودند دهاقین.

صحابی:ابوعمرو انصاری درمرو درقریه بایشان ساکن شدواوراولاد بودندعلماوفقها

صحابی دیگر محمد مولی حضرة خواجه ما صلوة الله و سلامه علیه و از مرو بود تجارت میکرد نام او مانـاهیه بود مجوسی نمودی خود را ناگاه نام حضرت ما شنود صلوة الله و سلامه علیه هجرت کرد وبحضرت خواجه آمد صلوة الله وسلامه علیه اورا محمد نام نهادند و مولی حضرة شد صلوة الله وسلامه علیه وسلمان بمرو مراجعه کرد و در مقابل در مسجد جامع مروسرای او بود

Marfat.com

امام حاکم فرمود که آنچ بما رسید از صحابه که این دیار بقدوم ایشان مشرف شد این بود که ثبت افتاد .

ذکر بزرگان کی بنسابور رسیده اند از علما و اشراف تابعین رضوان الله علیهم اجمعین وساکن شده اند یا گذشته اند

فایده ـ هر کس که با ایمان در بیداری حضرة خواجه ما صلوة الله وسلامه علیه رادیدا و صحابی است و آنها که با ایمان صحابه را در یافتند اما خواجه مارا صلوة الله وسلامه علیه ندیدند یادیدند اما در آن زمان ایمان نیاوردند بعد از آن ایمان آوردند این جماعة را تابعین خوانند . کعب اخبار در زمان خواجه ما بود صلوة الله وسلامه علیه اما بعد از آن زمان ایمان آورد او نیز از تابعین است و کسانی که صحابه را ندیدند اما علماء تابعین را دیدند این جماعت را تبع تابعین گویند و کسانی که این جماعت بزرگان را دریافتند اما تابعین را ندیدند ایشانرا اتباع گویند تابعین قرن دوم اند ازصحابه ـ تبع تابعین قرن سیم اند ازصحابه ـ اتباع قرن چهارم اند ازصحابه رضوان الله علیهم اجمعین

احنف بن قیس سعیدی. امیة بن اسعد خزاعی . اسلم بن ذرعه. اس بن ودیعه. ارقم بن ارقم. درزلزله نسابور برحمت خدای منتقل شد. بسر بن جلال عدوی. بکر بن باعر کوفی. بشیر بن یحیی. از علما تابعین بود. و از نسابور بود بمرو وساکن شد. ثمامة بن عبدالله بن انس بن مالك رضی الله عنه. جعدة بن هیره مخزومی حضرة امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه خال او بودند علم از حضرة ایشان آموخت وحدیث از ایشان روایت داشت جریة بن بدر بنسابور فوت شد و مدفن مبارکش اینجاست ، خراج بن عبدالله الحامی ابن سعید البلخی جراب بن عبدالله التمیمی الحسن البصری الزاهد الفقیه الواعظ کنیة ابوسعید و کنیة ابیه ابوالحسن از تلامذه و تربیة یافته حضرة امیرالمؤمنین علی بود کما هو

Marfat.com

مشهور کرم‌الله و جهه. الخرث‌بن عمرو الکیدی، الحکم‌بن کثیر الحارث المازنی حضیر‌بن المبذر، حجاج‌بن الثقفی، خلد‌بن عبدالله خلد‌بن الاسلمی داود‌بن عمان بن حبیب. ابوسلیمن النیشابوری علم حدیث از انس‌بن مالك استفاده کرد. الربیع بن انس‌بن‌مالك بمرو ساکن‌شد، الربیع بن زیاد بهراة فوت شد، زید‌بن الحواری البصری قاضی هراة، زیاد‌بن، ابی عمرو التابعی، سعید‌بن امیرالمؤمنین عثمان بمدینه متولد شد و بالشکر تمام بغزاء خراسان آمد و در آن لشکر صحابه و تابعین بودند و بنسابور آمد و لشکر بماوراء النهر برد و بخارا و سمرقند او فتح کرد، سعید بن عبدالرحمن السلیمن البصری، سلیمان از اولاد حصیب الاسلمی، سالم الخراسانی و او از نیسابور بود، سلیمن‌بن ربیعه - شهر‌بن حوشب، صلت‌بن ایاس، سفرة‌بن حمید ضحاك‌بن مزاحم، طلحة‌بن ایاس البصری، طلحة الطلحات، با لشکر سعد‌بن عثمان بود رضی الله عنه بنسابور آمد عبدالله‌بن بریده‌بن خضیب الاسلمی، عبدالله صامت و این صامت پسر برادر ابی ذرغفاری بود رضی الله عنه، عامر‌بن شراحیل الشعبی همدانی، علقمة‌بن قیس النخعی از ملازمان تلامذه حضرة امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه علم از ایشان آموخت، عطا‌بن ابی السایت المکی، عمرو‌بن عبدالله الهمدانی، عمرو‌بن سالم الانصاری، عمرو‌بن مسلم عمرو‌بن‌عبدالله عکرمه، مولی عبدالله عباس مدتی در نیسابور فتوی او داد، عباد البصری، علیا‌بن احمر، غیاث بن عبدالله از کبار الصحاب امیرالمؤمنین علی بود کرم الله وجهه، قرعة‌بن دنیا و قتیبة‌بن مسلم از علماء تابعین بود و والی خراسان بود، محمد‌بن واسع البصری الزاهد مهلب الاردی، مغیرة‌بن عبدالملك، مشعث بن طریف، مروان‌بن عبیدالله النیسابوری وله اولاد کبار، مصعب بن ابی زهیر مقاتل بن سلیمن البلخی، منصور‌بن عبدالحمید الخراسانی، نصر‌بن عمران نافع، مولی عبدالله بن عمر، نافع الارزق

Marfat.com

نهارالعبدی ، وهب بن منیةابن وهب وهمام و عبدالله و معقد پسران منیة از هراة بودند کسری ایشانرا جلاکرده بفارس برده بود هرون بن عبدالله بن عامر ، لاحق بن حمید، یحیی بن یعمرفقیه ادیب از کبار تابعین بود ،ابن حمید البصری ، یحیی بن عقیل البصری ، یزیدبن المهلب و الی بود هریك از این بزرگان کوکب دری آسمان علم وهدی بوده‌اند

ذکر اتباع التابعین من النسابوریین و من وردها اوسکنها او حدث بها

من علماءالاسلام: ابراهیم بن طهمان بن سعیدالفقیه الزاهد بهراة متولد شد و بنسابور وطن گرفت و آخر بمکه رفت ومجاور شد آنجا برحمت حق منتقل شد رضی الله عنه وارضاه ، ابراهیم بن مراء بن بصر بن انس بن مالك انصاری، ابراهیم بن رستم المروزی الفقیه ساکن نیسابور شدو اینجا وفات یافت ابراهیم بن سلیمان الباخی ، اسمعیل بن ابراهیم النیسابوری ، اسحق بن بشر الکاهلی ، ابوحذیفه البخاری اصل او از بلخ ومنشأ او بخارا، احمدبن ابی طیبه الجرجانی، اصرم بن حوشب الخراسانی ، اصرم بن غیاث النیسابوری مسجده فی محلة الزمجار اسدبن عبدالله از عاما بود و والی بود در خراسان، انس بن عیاض المدنی، بسار بن قیراط النیسابوری، بکر بن معروف النیسابوری سنه ثلث وستین و مائه وفات یافت، جعفر بن الحارث جارود النیسابوری ، حسن بن محمدالقاصی، حسین الولید شیخ شهر بود در نسابور سنه ثلث و مأتین برحمت حق پیوست،حسین بن داودالبلخی حماد بن سلیمن الفقیه النیسابوری مسکنه بمحله قز ،حفص بن عبدالرحمن النیسابوری ، حفص بن سالم السمرقندی ، حجاج بن ارطاة الکوفی ، حبیب بن مهران النیسابوری، الحکم بن عبدالله البلخی خارجه بن مصعب السرخسی ، داودبن سلیمن الجرجانی داودالقشیری ، زافر بن سلیمن القهستانی زهیر بن محمد

Marfat.com

نسابوری سکن مکه والمدینه ، سفین بن الثوری امام عصره و زاهد زمان بنسابور رسید وقت رفتن ببخارا ، سفیان بن حسین سلمی ، سلیمن بن عیسی سخری ، سلم بن قتیبه که این قتیبه والی خراسان بود ، سالم بن سالم البلخی ، سعید بن سالم بن قتیبه چون جد والی نسابور بود، شیبان بن ابی شیبان ، شفیق بن ابراهیم الزاهد البلخی ، صالح بن سعید النیسابوری ، عبدالله بن مبارک امام عصره فی الافاق ، عبدالله مسلم الدمشقی ، عبدالله بن عبدالرحمن النیسابوری ، عبدالله بن و افدالهروی، عبدالله بن عبدالرحمن عبیدالله بن محمد النیسابوری فقیه عصره ، عبدالله بن المطوعی ، عبدالرحمن بن مسلم ابوقتیبه، ابومسلم عبدالرحمن حاجب الدوله عبدالرحمن بن عبدالله النسوی قاضی نیسابور ، عبدالرحمن عماد النیسابوری ، عبدالعزیز بن ابی رواد ، عبدالعزیز المروزی ، عبدالملک الاصمعی

امااهل اللغة۔ عمر بن هارون البلخی، عمر بن الرماح، ابوعبدالله عمر القاضی اصل او از بلخ بود اما عبدالله نیسابوری است ، عمر بن قیرط النیسابوری ، عیسی بن موسی البخاری، عیسی بن ابراهیم القرشی، عیسی بن نصرالله السرخسی، ابوعامر النیسابوری، عامر خداش النیسابوری ، عینة بن عبدالرحمن اللغوی، فضل بن خالد النحوی ، فضل بن موسی المروزی،قتیبة بن سعید البغلانی در نیسابور مقیم شد عینة قحده بن سلیمن البصری ورد نیسابور، کتانه بن حلیلة الهروی و گویند بپوشنج ساکن بود ، محمد بن مشیر الصقانی ، محمد بن الفضل بن عطیه محمد بن الحق القرشی. توفی ببغداد ، محمد عبدالرحمن المقری ، معمر بن حسین الهروی، معروف بن حسان، مورخ بن عمرو البصری اقام بنیسابور ابوسهل نصر النیسابوری، نصر بن عبدالکریم النیسابوری مکی بن ابراهیم البلخی، مجیر بن مخدم در اصل از بصره بودند اما در نسابور متولد شد ، نهشل بن سعید بن وردان ازعلماء نسابور بود، مسکن او در کوچه صرامین بود در مسجد او مسجد عتیق بر سر کوچه بعدها

Marfat.com

بلقابادانتقال فرمود، نوح بن ابی مریم المروزی، نصر بن سمیل المازنی صاحب علم عربیة، وهب بن وهب الفرسی القاضی واو از خراسان بوددر اصل بی شکی و گویند که از نسابور بود ولید بن سلمه الازدی ازاهل طبرستان بود ، هباح بن بسطام التمیمی الهروی اکثر اوقات ساکن نسابور می بودند مدفن مذکور نیست اما یحیی بن صیح النیسابوری معلم قرآن اول معلمی که درنیسابور قرآن بمسلمانان تعلیم داد ومسجد ایشان معروف بود بر درکاروان سرای معربکه رفت وآنجا وفات یافت رضی الله عنه امام المحدثین که دعا برسر قبرایشان مستجاب است البته اما یحیی بن بکر بن عبدالرحمن التمیمی کنیته ابوزکریا معلم قرآن بود بنیسابور متولد شد اولاد درنسابور مدفون اند در معیره ، حسن بن معاذ بن مسلم رضی الله عنهم

اتباع الاتباع بعدالصحابه وهوالقرن الرابع بعدالنبوة والثالث بعدالصحابه

ابراهیم بن نصر بن منصور ابواسحق الفقیه، ابواسحق ابراهیم بن هانی النیسابوری سکن ببغداد ، ابراهیم بن الحارث بن اسمعیل ابواسحق البغدادی سکن بنیسابور و توفی بها ، ابراهیم بن مخلدالکبیر ، ابراهیم بن محمد بن عبدالله الرباطی ویقال له الحمال، ابراهیم بن عبدالله بن یزیدالسعری ، ابراهیم بن سالم ابوخالدالنیسابوری ، ابراهیم بن زیدالاسلمی النیسابوری ، ابراهیم بن الاشعث ابواسحق البخاری ابراهیم بن اسحق عیسی السان الطالقان و یقال المروزی ، ابراهیم بن ابی صالح و ابو صالح اسمه هاشم بن عبدالله الثقفی المروزی ضاضی نیسابور وتوفی بها ، ابراهیم بن محمد القرشی من اهل مدینه ورد بنسابور واستوطنها وتوفی بها، ابراهیم بن محفوظ ابواسحق السلمی ، ابراهیم بن سعدان الحمراوی ابواسحق الازدی النیسابوری ، ابراهیم بن منصور ابواسحق ، ابراهیم بن شماس المروزی الزاهد ابراهیم بن هاشم بن منصور النیسابوری ابراهیم بن مهدالبزازالبصری امام بنسابور ، ابراهیم بن محمد بن عبدالله السلمی و محمد ملقب

Marfat.com

ملحمش النیسابوری ، ابراهیم بن عمار الانصاری، ابراهیم بن الایوب النیسابوری ، ابراهیم بن عثمان النیسابوری، ابراهیم بن سلیمن الخیاط النیسابوری ، ابراهیم عبدالرحمن البصری نزیل نیسابور ، ابراهیم بن الفضل ابواسحق النیسابوری، ابراهیم ابن الفضل یحیی النیسابوری، ابراهیم بن القاسم اخو بشر بن القاسم الفقیه، ابراهیم بن الحصین بشر النسابوری ابراهیم بن حرب ابواسحق النسابوری ، اسمعیل بن ابراهیم بن الولید الاسفراینی ، اسمعیل بن الفضل ابو ابراهیم قاضی جرجان یعرف بالشالجی ، اسمعیل بن الحجاج ، اسمعیل بن حمید النسابوری ، اسحق بن محلد بن مطر الحنظلی ابو یعقوب راهومه سکن بنسابور و توفی بها و قیل اصله مروزی وقیل هروی و لکن مات بنسابور قال له عبدالله طاهر لم قیل لك راهویه و مامعناه قال انا ولدت فی طریق مکه فقالت المراوزه راهویه لانه ولد فی الطریق و کان ابی یکره هذا ولکن انا ماا کره، اسحق بن منصور بن بهرام الکرسخ مولده بمرو ومنشاؤه بنسابور و توفی بها ، اسحق بن ابراهیم بن یحیی العفصی ، اسحق بن عبدالله بن محمد بن زرین السلمیؒ المعروف بالحشل النسابوری اسحق بن حکم بن ابی خدیجه المهار النسابوری ، اسحق بن ابراهیم السمی النسابوری اسحق بن نعیم النسابوری ، اسحق بن موسی عبدالله بن یزید الانصاری وارد بنسابور ، اسحق بن الصباح ابومحمد التاجر النیسابوری، اسحق بن العنبر بن محمد الحرش النیسابوری احمد بن عمرو بن سعید الحرش النیسابوری ، احمد بن ازهر بن بنیع العبدی ابوالازهر النیسابوری احمد بن احجم الخزاعی ابوالحسن المروزی سکن بنسابور و توفی بها ، احمد بن ایوب ابوذر العطار النیسابوری من المدینه الداخله ، احمد بن ابراهیم البرمقی ، احمد بن ابراهیم حرب بن یزید ابوعبدالله القرشی ، احمد بن بکر النیسابوری ، احمد بن جواد بن قطی الکثیری النیسابوری، احمد بن حواس ابوجعفر الاستوایی، احمد بن حفص بن عبدالله بن راشد السلمی النسابوری ، احمد بن الحکم بن سان السلمی النیسابوری احمد بن

Marfat.com

حریس ابومحمدالقاضی بنسابور و هراة ، احمدبن حرب وهوسهل بن فیروز وفیروزهو عبداللہ الزاهد النسابوری قال یحییٰ بن زکریا بن حرب ، سمعت ان تقول توفی ابی حرب بن عبداللہ الاصفهانی بنسابور سنه ثمانین ومائه وخلف محمدا والسه لتسع واحمد لاربع سنین وولدت اما بعد وفاته، احمدبن الحسن الحافظ ابوالحسن الترمذی صاحب امام احمدبن حنبل، احمدبن حمزة النسابوری احمدبن حاج بن القاسم العامری وله مسجدفی نیسابور، احمدبن الخلیل ابوعلی البغدادی التاجر سکن بنسابور وتوفی بها ، احمدبن حواس بن محراق السمی النسابوری، احمد بن خلد بن حماد الدنبلی توفی بنسابور، احمدبن خلد بن عبداللہ ابو بکر النسابوری ، احمدبن سنان القشیری ابوعبداللہ الخرقنی وخرقن قریة علی باب مدینه نسابور، احمدبن سعیدبن صخر ابو جعفر الدارمی ولد بسرخس ونشاة نیشابور وتوفی بها، احمدبن سلیمن القری النسابوری شیخ قدیم من محله قز ، احمدبن ستار ابوالحسن الفقیه المروزی ، احمد بن عبداللہ الحمیری النیسابوری وکنیته ابوجعفر، احمدبن عاصم ابوبکر صاحب ابی عبید نیسابوری، احمدبن عبداللہ بن وافدا بوالید الهروی، احمدبن علی بن حمومه النحوی النیسابوری ، احمدبن عمرو ابوسعید النهندزی النیسابوری احمدبن عبدالرحیم الازدی النسابوری، احمدبن عمر بن عبداللہ النرازی ابوبکر المروزی ولی قضا بنسابور ، احمدبن عمر بن ربیعه الحرسی النسابوری ، احمدبن عبدالوهاب بن حبیب بن مهران العبدی ، ابومحمد النسابوری ، احمدبن علی بن سعید السرخسی النسابوری، احمدبن عبیر النسابوری، احمدبن العباس بن منصور النسابوری احمدبن معاذ بن عبداللہ السلمی النسابوری احمدبن منصور بن راشد الحنظلی ابوصالح المروزی واقام بنسابور ، احمدبن منصور النسابوری ، احمدبن محمد بن یوسف البلخی کتب عنه بنسابور احمدبن مسلم الزاهد النسابوری کنیته ابومسلم ، احمد بن محمد بن نصر المعروف بالمعاذ النسابوری ، احمدبن مخلد ابو شجاع العیدلانی النسابوری ، احمدبن محمدبن

Marfat.com

سعیدالفراری النیسابوری، احمدبن محمدبن المهلب بن همام النسابوری ، احمدبن نصر بن زیادالقرشی ابوعبدالله المقری، احمدبن یوسف ابوالحسن السلمی النسابوری ، احمدبن یحیی بن الصباح بن اخی سعیدبن الصباح النسابوری ، ایوب بن الحسن ابوالحسن الفقیه الزاهد مسجده ومسکنه بنصر آباد ولمجده کرامات مروته محترمه قبره فی رأس میدان زیاد ، ایوب بن منصورالنسابوری ، اسلم بن سلیمان النسابوری ، اشرف بن محمدالقاضی ابوسعید قاضی نیشابوری من اصحاب ابویوسف القاضی ، اسدبن عمادبن عبدالله العتکی اسدبن عبدالله المرابطی النسابوری ، اسدبن موسی الفقیه النسابوری ، از هربن حبیب النسابوری، اسدبن نوح صاحب خراسان، اسودبن ابی الاسودالنسابوری ، بشربن الحکم بن حبیب بن مهران العبدی ابو عبدالرحمن النسابوری، بشربن ابی الازهر القاضی النسابوری و ابوالازهر نزیل بنسابور وهومن اعیان علماء کوفه ،بشربن القسم بن حماد النسابوری بسربن ،سهل بن موسی النسابوری ابوسهل العباد، بشربن یحیی السکری ابواحمدالمروزی ،بشربن حفص بن یحیی الفقیه النسابوری، بشربن محمدالعاری المطوعی النسابوری ، بشربن هاشم ابوسهل السجستانی،بشربن عیسی النسابوری، بکربن جذاش اخوعامر بن جذاش النسابوری، بدیل بن محمدالاسفراینی،جعفر بن محمد عروة النسابوری جعفربن عبیدالله الفزی النیساوری ، حسن بن عیسی سرخسی ، ابوعلی مولی عبدالله المبارک وکان نصرانیا ثم صار امام المسلمین ، الحسن بن ابی عیسی و ابو عیسی مومی بن میسرة الهلالی النسابوری الحسن بن عبدا لصمدبن عبدالله بن رزین السلمی ابوسعید النسابوری ،الحسن بن بشر بن القسم بن حمادبن عبدرب السلمی النسابوری ،ابوعلی قاضی نیسابور ،الحسن بن هارون بن المعیره بن فرقد التمیمی النسابوری ، الحسن بن سهل اخوجعفربن سهل المذکر ، الحسن بن شجاع بن رجاابو علی البلخی الحافظ ،الحسن بن عمروبن عبدالله بن معاذ

Marfat.com

ابو علی النسابوری، الحسن بن یعقوب بن موسی البخاری ابو یوسف نزیل بنشابور، الحسن بن محمدبن جعفر المدینی الزاهد ابوجعفر المدفون مقبرة مولقاباد الذی یزار ویرجا اجابت الدعا، الحسن بن ماهان ابو الزبیر النسابوری نزیل بغداد، الحسن بن ایوب ابوعلی الرفخاری النسابوری، الحسن بن عبدش النسابوری الزاهد، الحسن بن عبدالرحمن ابوعلی المستملی النسابوری، الحسن بن نصر ابو شد ادالخزاعی النسابوری الحسن بن مهاجر ابوالحسن المقری النسابوری، الحسن بن علی النسابوری الحسن بن مسلم ابوعلی البغدادی نزیل نسابور، الحسن بن صالح بن محمد ابوعلی الزجاجی النسابوری، الحسن بن قتیبه البشتی، الحسین بن منصور السلمی ابوعلی النسابوری الحسین بن جریث بن ابوعمار المروزی الخزاعی، الحسین بن عمارة المقری النسابوری، الحسین بن فضل بن عمیر بن القاسم بن کیسان الحلی ابوعلی الکوفی امام عصره قدم مع عبدالله طاهر الی نیسابور وسکنها وتوفی بها ودفن فی مقبرة الحسین بن معاذ، الحسین بن بشر بن القسم بن حماد بن عبدربه السلمی، الحسین علی النسابوری المشهور بابی علی المرتقع، الحسین بن ضحاك بن عبدالرحمن ابوعلی القربین النسابوری الحسین بن عیسی بن حمران ابوعلی البسطامی کان من کبار المحدثین سکن نیسابور وتوفی بها، الحسین بن عبدالله بن محمد ابونصر النسابوری، الحسین بن حرب الفقیه النسابوری، اخواحمدبن حرب الزاهد، الحسین بن سلم ابوعلی القرنین النسابوری، الحسین بن عمرویه ابوعلی الصانع النسابوری، الحسین بن منصور بن ابراهیم بن عبدالله ابومحمد النسابوری، الحسین بن معاذ بن مسلم النسابوری، حفص بن عبدالله بن راشد ابوعمر والسلمی النسابوری، حفص بن عمر و القصیر النسابوری، حفص بن یحیی بن حفص التمیمی ابو الاشعث السرخسی، حماذ بن سلیمن النسابوری، استاد احمدبن حرب، حماذ بن موسی النسابوری، اخومسرور بن موسی الفرا،

Marfat.com

حماد بن هرون النسابوری ، الحکم بن المبارک النسابوری ، الحکم بن حبیب بن مهران العبدی النسابوری ، الحکم بن عبدالله الححرودی النسابوری ابوالفضل حامدبن ابی حامد المقری النسابوری ، حامدبن عبدالوهاب الاسفراینی ، حمدان بن خالدابو العباس الفرسی النسابوری ،حمدان بن محمدبن عبدالعزیزبن سلام النسابوری حجاج بن مهاجر ابو یوسف البصری نزیل بنسابور حجاج بن مسلم القشیری، ابومسلم الام النسابوری وتوفی ومسلم کان صغیراً ، حاتم بن یونس الجرجانی اقام نیسابور برهة من الدهر ، خاتم بن منصور ابوطیب الکشی حدث بنشابور ، حمیدبن رنجویه النسوی ، ابواحمد محدث کثیرالحدیث،حسویه بن کیسان اخو محمدبن کیسان النیشابوری ،حسین بن حشام الحرسی النیسابوری ، حسوبه بن عبدالله النیسابوری ابوعلی اخوحسین المرتفع ،حسن بن عبدالرحیم الرتکی الزاهد ،ابوعبدالله المطوعی النیسابوری صاحب الصومعه و المسجد اللذین یتبرک بهما ، حمران بن عثمان بن عفن النیسابوری، خاشدبن اسمعیل البخاری ، حری بن محمدبن یوسف البلخی ،خلدبن حمادبن عمرو بن مخلدبن مالک وهوالخخام روی عنه احمد واحمدعندنامدفون بنسابور خلدبن یزیدبن الخلد الملخی النیسابوری ، خشنام بن الصدیق النیسابوری ومسکنه رأس مکه عمارفی سکه معتیاباد ، خشنام بن عبدالرحمن النیسابوری المعنیابادی ، خشنام بن عبدالله بن ابی زیادالنسابوری، خضر بن عبدالله بن سنان بن الحکم النسابوری ابوسعید السلمی ، خلیل بن محمدبن عبدالرحمن النحوی ابومحمدالنسابوری ،خلف بن عبدالله العنبری الهروی حدث بنشابور ، خلف بن ایوب العامری ابوسعید البلخی فقیه اهل بلخ ، حداش بن عمروابوعامرالنسابوری، داودبن محراق الفاریابی،داودبن مجدبن مخدم ابوسلیمن قیل ولد بنسابور و مات ببغداد ، داودبن ابراهیم النسابوری ، داودبن علی بن خلف الفقیه الاصبهانی اقام بنسابورمدة ، داودبن سعید ابوسلیمان

/32986

Marfat.com

النسابورى ، داودبن عدى الطوسى ، رجابن السندى النسابورى، ابومحمد الاسفراينى ركن من اركان الحديث، رجـابن عبدالرحيم ابوالمصا القرشى الهروى ، رجابن اسدالنيسابورى، رجابن ابراهيم بن طهمن ، زياد بن عبدالرحمن ابومحمد المنسوب اليه ميدان زياد ، زكريابن حرب النسابورى ، ابويحيى اخو احمد حرب زكريابن يحيى بن يحيى النسابورى، ابومحمد التميمى، زاهربن بجرالنسابورى، زنجويه بن عبدالرحمن العابدالنسابورى و يقال له زنجويه الحيرى من محلة الحيره ،زيدبن ابى موسى النسابورى ، سلمين بن ابى مطر المطوعى النسابورى ، سليمن بن مطر النسابورى اخو قتاده، سليمن بن بحر بن معاذ النسابورى الزهانى ، سليمن بن داود بن بكر ابوداود النسابورى الحفاف ، سليمن بن داود بن شعيب كيسان النسابورى، سليمن بن محمد بن ابى داود النسابورى المستملى ، سليمن بن عمر بن الحسى النيسابورى ، سليمن بن خلد بن يونس الكاتب ابوداود النيسابورى ، سليمن بن الاشعث ابو داؤد السجستانى امام اهل عصره بلامدافعه وكان مقيماً بهراة وتوفى ببصره ، سليمن بن عبدالله البكرى النيسابورى ، من محله قز ، سليمن بن مسلم بن الحسين بن معاذ النسابورى ، سليمن بن عبدالله العامرى النسابورى ، سليمن بن سعد القرشى النسابورى ، سعدبن يزيد للفرا النيسابورى اختلفوافى كنيته ، سعيد بن معاذ ابو عصمة المروزى ، سعيد بن عبدالرحمن موالى ال الجرود النسابورى و يقال سعدالحيرى من محلة حيره ، سهل بن مهران ابوبشر البغدادى نزيل بنسابور ، سهل بن بشر بن القسم التقى النسابورى ابوالقاسم و يلقب بسهلويه ، سهل بن عمار بن عبدالله العتكى النسابورى ، سهل بن عمان النسابورى المعروف بالسخرى ، سهل بن اسلم النسابورى ، سهل بن عبدالعزيز بن موره الصنانى ، سعيد بن الصباح اخويحيى النسابوريان المنسوب اليهما الخان والمحله : سعيد بن محمود ابوالطوسى نزيل نيسابور ، سعيد بن ابى سعيد البلخى قوم بنسابور

Marfat.com

جاجا ، سعیدبن اشکاب الساسی حدث بنسابور ، سعیدبن مروان البغدادی ابوعثمان ویقال الرهاوی سکن بنسابور و بهامات ، سعیدبن سلم بن قتیبه بن مسلم والی نیسابور، سعیدبن صالح النسابوری ، سعیدبن عبدالرحمن الجارودی النسابوری ، سعیدبن یحیی الکریزی البصری ، سعیدبن منصور ابو عثمان النسابوری و یقال الخراسانی و یقال الجورجانی و یقال البلخی، سعیدبن النصر ابوالنصر النسابوری، سلمه بن شعب النسابوری ابو عبدالرحمن المستملی ، سلم بن الحرودبن یزید النسابوری، سلمه بن بشیر النسابوری؛ السری بن عطیة التمیمی النسابوری ، السری بن نصر ابوسهل النسابوری ، السری بن خزیمه بن معویه ابومحمد الابیوردی و توفی بابیورد ، ساسان بن الحسین ابوکسری الخراسانی، سختویه بن مازیار النسابوری ، سختویه بن الجنید ابوعبدالله الجرجانی ، شبل بن عبدالرحمن الادیب النحوی النسابوری. شداد بن حکیم البلخی حدث بنشابور شریک بن عبدالله النخعی القاضی ولد بخراسان و قیل بنشابور، شریح بن عقیل بن رجا ابوعقیل البیهقی، شوکر بن عبدالله الاسفراینی ، شفم بن اصیل ابواحمد العجلی النسابوری وهومن رستاق ارغیان ، صالح بن یونس ابوحاتم النسابوری ، صالح بن جناح ممن ادرک الاتباع بلاشک، صالح بن محمدبن حبیب بن ابی الاشرنین الحافظ ابوعلی البغدادی و توفی بیخارا، طاهربن الحسین بن مصعب بن دریق بن شادان الخزاعی ابوطلحه ذوالیمینی والی خراسان ، طاهربن سعید المقری النیسابوری ، ابوالقاسم طاهربن عبدالله بن عطا الامیر و توفی بنشابور یوم الاثنین من رجب سنه ثمان واربعین وماتین و دفن من العذ، طیفور بن عبدالله النسابوری ابوالطیب المؤذن، عبدالله بن حسان ابوعبدالرحمن الطوسی ولد بهاو بنشابور نشر علمه ، عبدالله بن محمد بن عبدالله بن جعفر الیمان المسندی ابوجعفر البخاری ، عبدالله بن عثمان بن حبله بن ابی داود العتکی المروزی، عبدالله بن هرون بن مامون بن الرشید الرشیدامیر المومنین ، عبدالله بن مهران

Marfat.com

الطبسی ابومحمد عبداللہ بن الجراح القہستانی ابومحمدسکن بنسابور و بہاانتشر علمہ عبداللہ بن یوسف بن خرشید الدویری النسابوری و دویر قریۃ علی باب نیشابور، عبداللہ بن محمد عبدالرحمن المقری النسابوری، عبداللہ بن عبدالرحمن بن الفضل بن بہرام السمرقندی، عبداللہ بن عبدالوہاب تمیمی ابومحمد الخوارزمی اقام نیسابور، عبداللہ بن مخلد التمیمی النسابوری ابومحمد النحوی، عبداللہ بن یونس ابومحمد النسابوری الفقیہ، عبداللہ بن محمد الدقیقی النسابوری، عبداللہ بن عمر بن الرماج القاضی النسابوری، عبداللہ بن محمد برہانی، ابوعبدالرحمن النحوی النسابوری، عبداللہ بن محمد بن عبداللہ النسابوری، عبداللہ بن ابراہیم المروزی حدث بنشابور، عبداللہ بن مہدی العامری ابومحمد النسابوری، عبداللہ بن طاہر بن الحسین بن مصعب بن زریق الخزاعی، ابوالعباس الامیر العادل ووفاتہ بنسابور قدمرار بع تسعۃ بنین لہ من سبعۃ عشر: عبداللہ بن ابرہیم الشنفاضی النسابوری: عبداللہ بن یونس النسابوری، عبداللہ بن سعید بن جعفر الجعفی البخاری حدث بنسابور، عبداللہ بن محمد ابوالطیب المکفون الفقیہ النسابوری، عبداللہ بن خالد بن فارس الدنبلی النسابوری، عبداللہ بن احمد بن عبداللہ بن سنان الملالی النسابوری عبداللہ بن سنان الہروی صاحب ابن المبارک. عبداللہ بن حماد ابوحامد القہندری النسابوری. عبداللہ بن محمد بن رباب النیسابوری، عبداللہ بن ابی نجیہ النیسابوری، عبداللہ بن ابرہیم ابومحمد الخشاب المعروف بالبصری وہو نیشابوری عبداللہ بن عرامہ الساسی حدث بنشابور، عبداللہ بن الحارث ابومحمد الصنعانی طرطری علی رساتیق بنسابور مثل جوینی واسفراینی و بیہقی و بشتی، عبداللہ بن سعید بن یحیی بن برالیشکری السرخسی الاان روایۃ واصحابہ بنیشابور و مسکنہ بنیشابور الی ان توفی: عبداللہ بن محمد بن سلیمن الہاشمی حدث بنسابور، عبیداللہ بن عبداللہ بن ابی الہیثم عم ابی جعفر الترک و کان یسکن دارالترک فی سکہ باذان، عبدالرحمن بشر بن الحکم بن حبیب بن مہران العبدی

Marfat.com

النیسابوری ، عبـدالرحمن بن علقمه ابو یزیـد السعدی المروزی ، عبـدالرحمن بن عمار النیسابوری الشهید و هو المنسوب الی سکه عمار، عبدالرحمن بن مسعودالجورجانی حدث بنشابور : عبدالحمید بن عبدالله بن محمد بن هانی ابوهانی ابوهانی النیسابوری عبدالوهاب بن منصور ختن الحسین بن عبدالله النبسابوری الترك ، عبدالوهاب بن حبیب بن مهران العبدی النیسابوری ، عبدالوهاب بن الضحاك النیسابوری ، عبدالعزیز بن یحیی ابو عبدالرحمن المدینی ، عبدالعزیز بن مسلب المروزی ابوالدردا ، عبدالعزیز بن سلیمن بن یحیی بن معاد بن مسلم النیسابوری عبدالجبار بن امان القرشی النیسابوری عبدالرحیم النیسابوری، عبدالصمد بن حسان ابو یحیی المروزی ، عبدالصمد بن مسعود بن عبدالله بن زرین السلمی النیسابوری ، عبدالصمد بن ابی مطر ابی بکر البلخی ، عبدالسلم بـن صلح بـن سلیمن بن میسره ابوالصلت خـادم علی بن موسی الرضا ، عبدالسلم بن نهشل بن سعید النیسابوری ، عبدالخالق بن محمد بن القسم النیسابوری عبید بن سعد الیسابوری ، عمر بن عبدالله بن محمد بن رزین النیسابوری ، عمر بن عبدالعزیز بن سلام بن عبدالعزیز بن حبیب فیروز التمیمی السعدی ، عمر بن عصام بن سلم بن زیاد النیسـابوری ، ابوحفض المقری و کل القراریسمونه عمرواو هو عمر عمرو بن عقبة الا ستوائی النیسابوری من رستاق استوا ، عمر بن سعید بن دردان التشیری النیسابوری ، عثمان بن عبدالله. بن عمرو بن عثمان ابو عمرو القرشی سکن بنشابور و بها حدث الی ان توفی ، عثمان بن سعید بن خالد ابو سعید الدارمی ، امیر المؤمنین علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب رضی الله عنهم الرضا ابوالحسین الامام الشهیدورد بنشابور ، سنه ماتین فلما وافی الرضا بنشابور و اقام بهامدة والمامون بمرو الی ان امر باخراجه الیه ثم کان بعد ذلك ماکان واستشهد بسناباد من طوس لتسع یقین من شهر رمضان لیلة الجمعه من سنه ثلث

Marfat.com

و ماتین و هوابن تسع واربعین سنه و تسعةاشهر و قال الرضا رضی الله عنه من زارنی علی بعد داری اتیته یوم القیمة فی ثلث مواطن حتی اخلصه من اهوالها اذا تطایرت الکتب یمنیاو شمالا و عندالصراط و عندالمیزان ، علی بن ابرهیم البناتی المروزی ، علی بن اسحق المروزی صاحبا عبدالله المبارک، علی بن اسحق الحنظلی ابوالحسن السمرقندی من کبارشیوخهم ، علی بن بشر النعانخدی النیسابوری ، ابوالحسن علی بن بکر البرنوذی الکبیر علی بن جریر ابوالحسن الابیوردی حدث بنشابور ، علی بن الجرود بن یزیدالنیسابوری ابوالحسن ، علی بن جمعه بن هانی بن قنبر مولی امیرالمومنین علی رضی الله عنه و هوممن ولدبنشابور فان هانی سکنها عند وروده مع جعدة بن هبیره و آل قنبر عندنا بنشابور بیت کبیر وخطبهم باب الری ، علی بن الحسین بن سفیق العبدی المروزی، علی بن الحسین بن عبدالرحمن بن یزید ابوالحسن الذهلی النیسابوری شیخ عصره ، علی بن الحسن بن موسی الهلالی النیسابوری وهو ابوالحسن الدرابجردی والدّرابجرد محلة متصله بالصخرآتی علی البلد ، علی بن الحسن الترمزی ابوالحسن ،علی بن الحسین بن وافدالمروزی ، علی بن الحسین بن عبدویه البیهقی النیسابوری ، علی بن الحسین بن الولیدالقرشی النیسابوری ، علی بن حجر بن ایاس المروزی ، علی بن الحکم المروزی و یقال له الملحکانی ابوالحسن علی بن سلمه عقبة القرشی ، ابوالحسن اللیقی النیسابوری ، علی بن سعید بن جریر ابوالحسن النسوی ، علی بن عثام بن علی العامری، ابوالحسن الکوفی ساکن نیسابور علی بن عیسی بن حرب البیهقی النسابوری ، علی بن قدامه بن سامه النشابوری ، علی بن مخلد بن شیبان النیسابوری ابوالحسن خطته مشهوره فی المربعه الصغیره سکه زنحونه ، علی بن محمد بن آدم الذهلی النیشابوری، علی بن محمد بن معاویه النیشابوری علی بن موسی بن خاقان النیسابوری ، علی بن محمد الزیادابادی النیشابوری و زیاد

Marfat.com

اباد قریه بیہقی ، علی بن نصر الوراق النیشابوری ، علی بن یعقوب بن صباح القس النیشابوری ' علی بن یونس البلخی حدث بنشابور ، عیسی بن جعفر ابوموسی قاضی الری ، عیسی بن ابی عیسی الدرابجردی النیشابوری ، عیسی بن حنان النیشابوری ، عمرو بن زرارة بن واقد ابومحمدالکلاتی النیشابوری ،عمرو بن ہشام بن زبیر النیشابوری عمرو بن معمر العمرکی النیشابوری ابوعثمن ،عمرو بن عامر بن الفرات ابوسعیدالذہلی النیشابوری، عمرو بن مسلم ابوحفص الزاہدالنیشابوری ، عمرو بن صالح المروزی حدث نیشابور ، عمرو .ن عصام الاستوایی ، عمار بن عبدالجبار ابوالحسن النیشابوری ، عاصم بن عصام بن منیع بن تعلبه الشیری النیشابوری ، عاصم الباخرزی النیشابوری ،عصمة بن الفضل المیری النیشابوری سکن بغداد ،عصمه بن ابراهیم الزاهد النیشابوری : عصمه بن ابان النیشابوری ، عامر بن شعیب النیشابوری یقال له الاسفنجی من قریه بارغیان من رستاق نیشابور ، عباس بن سهل ابوالفضل المیدانی النیشابوری من میدان زیاد، عباس بن الضحاك البلخی ،عقیل بن خویلد بن معویة بن سعیدرشدؓ صاحب رسول اللہ النشابوری عقیل بن عمر بن بکر والی نیشابوری، عقیل بن الہلال النشابوری، عقیل بن یحیی النشابوری عمران سوار البغدادی نزیل نیشابور ، عمران بن سهل ابوسعیدالنیشابوری ، عمران بن علی الخزاعی النیشابوری ، عتیق بن محمد بن سعید الحرسی ابوبکر النیشابوری ، عبدان بن یوسف السلمی النیشابوری ؛ عبدان بن محمد بن الفضل النیشابوری غسان بن سلیمن الهروی ،غسان بن محمد بن عبداللہ بن سالم النیسابوری ، غسان بن عبداللہ السلمی الصبری حدث بنشابور،فضل بن محمد بن المسیب بن موسی ابومحمد السران البیهقی النیسابوری ، فضل بن عماد التمیمی النیسابوری و ملقب ببندش او ابن بندس ، فضل بن الحکم بن نصر بن عقیل العدل النیسابوریؒ ابوالعباس التاجر ، فتح ابن الحجاج ابونوح الفقیه النیسابوری فتح ابن محمد بن عبدالرزاق التمیمی

Marfat.com

النیشابوری ، فتح بن نوح بن سنا بن راشد بن عبدالله العامری ابو نصر الشاهنبری محلہ فی اعلی البلد ، فتح بن محمد السمرقندی حدث بنشابور ، فضیل بن اسحق بن النصر بن اسحق النیشابوری ، فضالۃ بن ابی زید التشیری عم محمد بن رافع ، القسم بن الضحاك القرشی ، القسم بن حیوبه النیسابوری و هو من رستاق نیشابور باستوا ، القسم بن دهیم البیهقی النیشابوری ، القسم بن محمد بن عبدالله الفرغانی ابو عبدالرحمن المذکور توفی فی اسفر این ، قرۃ بن حبیب العتوی اصلہ من نیشابور ، قتادۃ بن مطر النیشابوری ، قطن بن ابراهیم التشیری ابو سعید النشابوری محمد بن الازهر بن حریث بن ماهان ابو جعفر السحری نزل بنشابور فی عنفوان شبابه و بها ولد ابنه ابو العباس و بها توفیا جمیعاً ، محمد بن احمد حفص النیشابوری ابو عبدالله ، محمد بن اسلم بن سالم بن زید الکندی ابوالحسن الطوسی توفی بنشابور و دفن فی جنب اسحق بن راهویه فی مقبرہ شادیاخ وهذا من انشاده :

ان الطبیب لطبه و دوایه — لا یستطیع دفاع مقدوراتی

ما للطبیب لموت بالداء الذی — قد کان سوی مثله فیما مضی

هلك والمداوی والذی — جلب الدواء و باعه و من اشتری

محمد بن ابان ابوبکر البلخی المستملی ، محمد بن اسمعیل بن ابراهیم بن المغیرہ البخاری ابو عبدالله الجعفی ورد بنشابور علی کبر سنه واقام به خمس سنین الا ان وقعت الفترۃ بینه و بین شیخ عصرہ محمد بن یحیی الذهلی رضی الله عنه

ولولا ذاك لما خرج من نیشابور فقد کان سکنها قال ابو حسان مهاب بن سلیم الکرمینی مات محمد بن اسمعیل رحمۃ الله عندنا لیلۃ الفطر اول لیلۃ من شوال سنه ست وخمسین ومأتین و کان بلغ عمرہ اثنین وستین الا عشر لیله و کان موالدہ فی شهر شوال من سنه اربع وتسعین ومائۃ و کان فی بیت وحدہ فوجدنا لما اصبحا و هو میت و هذا کان فی

Marfat.com

فترة اخرجوه فیهـا من بخارا و سببه جریب ابن ابی الورقا و تمسك محمد بن یحیی الذهلی النشابوری و قال انه اخرجه من نیشابور و هو امام عصره وقیل سبب اخراجه خالدبن احمدالذهلی الامیرخلیفه الطاهریه ببخارالان اباعبدالله محمدبن اسمعیل ابی تعلیم اولاده رحمةالله علیه رحمةواسعة ؛ محمدبن اسدابوعبدالله النیسابوری الخوشی والخوش قریةمن قری اسفراین ؛ محمدبن ابراهیم بن طهمن، محمدبن احمدبن محمد النیشابوری ، محمدبن احمد بن غالب النیسابوری الانصاری ، محمدبن اسکاف بن خلدالنیسابوری ، ابوعبدالله الجـوری ، محمدبن اشرس بـن موسی السلمی ابـوعبدالله النیشابوری ، محمدبن ابراهیم بن سعیدبن عبدالرحمن العبدی ابوعبدالله الفقیه الادیب نزل بنشابور وتوفی بها ؛ محمدبن احمدبن انس القرشی النشابوری ؛ محمدبن اسحق بن ابرهیم بن یونس النیشابوری ابوعبدالله محمدبن احمدبن الجراح ابوعبدالرحیـم الجوزجانی حدث بنشابور واقام بها ،محمدبن اسمعیل الرمانی النیشابوری؛ محمدبن ایوب بن الحسن الزاهدالنیشابوری ابوعبدالله الفقیه، محمدبن ازهر ابوحفض النیشابوری محمد بن اسمعیل بن علی الهاشمی ابوعبدالله البغـدادی حدث بنشابور ، محمدبـن احمدبن اسلمه السلمی ابوعبدالله النیشابوری ، محمدبن احمدبن ابرهیم بن داود ؛ محمدبن ابرهیم الصابغ النیشابور، محمدبن افلح بن عبدالله الملقب بالترك النیشابوری کنیته ابوعبدالرحمن ختن یحیی بن یحیی علی ابنته ، محمدبن احمد بـن حفض ابوعـون النیشابوری ،محمدبن احمدبن الحلیل بـن سوادبن عبدالله القـرشی النیشابـوری ، محمد بن بنداد ابوعبدالله النیشابوری ؛ محمدبن بشربن النجم الحرشی النیشابوری ، ابوعبدالله محمدبن بکربن خلد ابوجعفر النیشابوری ساکن بغداد ، حمد بن بحر ابوعبدالله الاسفراینی ،محمدبن الحنیدالزاهد ابوعبدالله الاسفراینی ،محمدبن جعفر بن محمدبن علی ابن حسین بن علی بن ابیطالب رضی عنهم ابوجعفر یعرف بالدیباج ورد

Marfat.com

خراسان نزل بنشابور وسمع منه مشایخها و توفی بجرجان وله بها مشهد رضی الله عنه ،

محمدبن حجاج بن عیسی السلمی النیسابوری ابوجعفر الوراق محمدبن الحسن بن الحیری النیشابوری ، محمد بن الحجاج العامری النیشابوری ، محمدبن الحجاج النیشابوری اخو اسمعیل بن الحجاج، محمدالحسن بن شهریار النیشابوری ابوعبدالله محمدبن الحسین بن طرخان النیشابوری ، ابوعبدالله السعرانی الصواف و المنسوب الیهم سکه طرخان ، محمدبن حفص ابوثابت الجرشی النیشابوری ، محمدبن حماد ابوعبدالله الابیوردی الزاهد، محمدبن حمدویه بن عبده بن شیبه الانصاری ، محمدبن الحسین الکابلی النیشابوری ، محمدبن خلد ابوبکر الصومعی الطبری الزاهد الفقیه ورد بنسابور و بها ظهر حدیثه و بهامات ، محمدبن خلد الحنجرودی ابوبکر النیشابوری محمدبن الشامی حدث بنشابور ، محمد بن خلف بن شعبه النعمان النیشابوری ابوعبدالله القشیری و یعرف بحمدان بن خلف ، محمدبن خالدبن بشر النیشابوری ابوبکر المعروف بالفاق ، محمدبن دادویه بن منصور ابوبکر الفقیه الزاهد توفی فی صفر سنه خمس و ستین ومأتین و دفن فی مقبره حیره ، محمدبن رافع بن ابی زیدالقشیری النیشابوری شیخ عصره فی خراسان ابوعبدالله خطة السکه الادلی بمن باغ الزارس ، محمد بن رحابن السندی ابوعبدالله النشابوری ، محمدبن زیادبن سنان القشیری النیشابوری ، محمدبن زیدبن عبدالله الثعلبی الشامی ابوالحسن البزاز سکن بنشابور و بهامات ، محمدبین سعیدالحلاف النیشابوری ابوعبدالله اخو خشنام ، محمدبن سعید القاضی نزیل بنشابور و بهامات ، محمد بن سعیدبن هناد ابوغانم العوسخی نزیل بنشابور بهامات محمدبن سهل بن ابرهیم بن حماد ابوعبدالله النیشابوری ، محمدبن سعید ابولقاسم النیشابوری سکن مصر ، محمدبن سعید الهروی محمدبن سلیمن بن عبدربه المروزی ، محمد بن شعیب ابوعبدالله الاسدی النیشابوری ، محمدبن شعیب

Marfat.com

ابوبکر النیشابوری الحیری ، محمدبن ساذان ابوسعید النیشابوری المعروف بالصبری محمدبن طاهر ابوبکر النیشابوری من رستاق جوین ، محمدبن عبدالله بن حبیب ابویحیی النیشابوری ، محمدبن عبدالله بن عمار العتکی النیشابوری ، محمدبن عبدالله الخوی النیشابوری محمدبن عبدالرحمن قدم بنشابور حاجاً ، محمدبن عبدالرحمن ابوعبدالسعران النیشابوری ، محمدبن عبدالرحمن الانصاری النیشابوری المحتسب محمد بن عبدالرحمن بن موسی ابوعبدالله النیشابوری ، محمدبن عبدالرحمن ابوجعفر النیشابوری من رستاق استوا ، محمدبن عبدالرحیم بن سعود بن عبدالله بن رزین النیشابوری و یعرف بجمش ، محمدبن عبدالوهاب بن حبیب بن مهران العبدی ابو- احمدالادیب الفقیه الفراوکان اعقل مشایخنا و یلقب بحمد وذلك ان اهل الثروة و الشرف فی بلاد نا خصوصاً بنشابور یلقبون اولادهم لعزهم وشفقتهم علیهم فیقولون لمحمدحمداوحمش اوغیرذلك ، محمد بن عبدالجبار العبدی ابو مسافر النیشابور وروی ان الاصمعی لماورد بنشابور نزیل بلاده فی العقصر ویعرف الیوم بقصرجند بسکه شکش وقال الاصمعی سمعت اعرابیایقول ایاك و الحسناء فانها تزهو علیك بحسنها و اکثرعشاقهانائم انشأ

ولن تصادف مرعی مرعاً الا وجدت به آثار مأکول

محمد بن عبدالعزیز ابوعمر المروزی ، محمدبن عبدالسلم المؤذن النیشابوری، محمد بن علی بن الجسین بن شفیق المروزی ابوعبدالله المطوعی ، محمد بن علی بن حمزه ابوعبدالله الحافظ المروزی ، محمدبن عمربن زیادبن مهاجربن ابی السمح النیشابوری ، محمدبن عثمان القیسی النیشابوری ، محمدبن عیسی یزید الطرطوسی ابوبکر التمیمی وتوفی ببلخ و من نال بنشابورو هم محمدبن عمیره ابوعبدالله الجرجانی بهراة ، محمدبن عیسی بن عبدالرحمن ابوعلی النیشابوری ، الوزیر بن الوزیر ذوالتمینی

Marfat.com

محمدبن عمرویه‌الهروی ابوعبدالله ، محمدبن عمروالقرشی النیسابوری ، محمدبن عمرو ابوعبدالله القهندزی ، محمدبن عمروبن النصر النیشابوری ابو علی الجوشی ، محمدبن‌عقیل‌بن‌خویلد بن معویة‌بن سعیدالخزاعی، ابو عبدالله النیشابوری، من اعیان العلماء الصالحین المنسوب الیه المسجد و المناره علی رأس سکه حرب ، محمدبن عبدك ابو عمروالزوزنی النیشابوری ، محمد بن عنبر بن عثمان الحرشی النیشابوری ، محمد بن کاشه‌بن محصن ابو عبدالله الکرمانی ، محمد بن‌عنبر الاطروش ابوالحسن الخزار الکوفی نزیل بنیشابور و مات بها و دفن فی مقبرة بـاب معمر ؛ محمد بن الفضل المعبری ابو عبدالله الوری الزاهد ؛ محمد بن فیض النیشابوری ؛ محمد بن القسم بن مجمع الطالقاق النیشابوری ؛ محمد بن کیسان النیشابوری ، ابو عبدالله التمیمی و یعرف بابی عبدالله المحاملی ؛ محمد بن منصور بن عبد الرحمن ابو عبد الله النیشابوری ؛ محمد بن منحل دولی عبد الرحمن بن تمرة القرشی النیشابوری ؛ محمد بن معویه بن اعین النیشابوری، ابو عبد الله الهلالی و یقال ابو علی نزیل مکه ،محمد بن موسی العال النیشابوری، ابو عبدالله المطوعی الفقیه ؛ محمد بن مکی ابو عبدالله المروزی،محمد بن موسی ابو عبدالله السامی النشابوری محمد بن موسی البلخی ؛ محمد بن مسلم بن واره ابو عبد الله الرازی ؛ محمد بن مسلم النشابوری ؛ محمد بن مروان الاسدی النیشابوری ؛ محمد بن المهلب السرخسی ، محمد بن النعمان بن بشیر النیشابوری، ابو عبد سکن بیت المقدس و بهامات ؛ محمدبن نوح السعدی النیشابوری محمد بن نصرالله النیشابوری ؛ محمد ابن الوجیه النیشابوری،محمدبن هانی بن عبدالله السلمی ابو عبد الله النیشابوری من میدان زیاد. محمد بن یحیی بن عبدالله بن خلد بن فارس النیشابوری، ابوعبدالله الذهلی امام اهل الحدیث فی عصره بلا مدافعه ، محمد بن یوسف بن عبدالله ابـو

Marfat.com

سعید النیشابوری و یعرف بالجوسقی ؛ محمد بن یحیی بن عمار ابو مسلم القهستانی رضی الله عنهامحدث کبیر المحل و قیل توفی بنشابور ، محمدبن یونس ابو عبدالرحمن السرخسی ، محمد بن یحیی بن موسی النیسابوری، ابوعبدالله الاسفراینی و یحیی ملقب یحیویة ، محمد بن یزید بن عبدالله النیشابوری ، ابو عبدالله السلمی شیخ اهل الرای ،محمدبن یحیی ، محمد بن یوسف ابوبکر المقری النیشابوری ، محمد بن یحیی ابو ابراهیم الصفار النیشابوری ،محمدبن یحیی بن سعید ابوبکر النیشابوری و هو ولد ابراهیم بن محمد الصیدلانی ، محمد بن یحیی بن بلال البزاز النیشابوری والد ابی حامد البزاز

الامام مسلم بن الحجاج بن مسلم ابو الحسین القشیری النیشابوری المقدم و الحجة فی التمییز بین الصحیح و السقیم وکان مسکنه اعلی الزمجار و منجزه خان محمش و معاشه من ضیاعه باستواو توفی رحمة الله عشیة یوم الاحد و دفن یوم الاثنین لخمس سبعین من رجب سنه احدی وستین و مأتین ومقبرته فی راس میدان زیاد

قال الحاکم رضی الله عنه سمعت اباعمرو بن ابی جعفر یقول سمعت ابا العباس بن سعید بن عقده و سألته عن محمد بن اسمعیل البخاری و مسلم بن الحجاج النیشابوری ایهما اعلم فقال کان محمد عالماً و مسلم عالماً فکررت علیه مراراً و هویجیبنی بمثل هذا الجواب ثم قال لی یا عمرو قد یقع لمحمد بن اسمعیل الغلط فی اهل الشام و ذاك انه اخذ کقیهم فنظر فیها مربما ذکر الواحد منهم بکنیته و یذکرو فی موضع آخر باسمه و یتوهم انهما اثنان فامام مسلم فقل ما یقع له الغلط فی العلل لانه کتب المسانید ولم یکتب المقاطیع والمراسیل

ذکر مصنفاته کتاب المسند الکبیر علی الرجال ، کتاب الجامع الکبیر علی الابواب کتاب الاسامی و الکنی کتاب المسند الصحیح ، کتاب التمییز ،

Marfat.com

کتاب العلل،کتاب الواحدان ، کتاب الافراد ، کتاب الاقران ،کتاب سئوالات احمد ابن خلیل ، کتاب الانتفاع باهب السباع ، کتاب عمرو بن شعیب مذکر من لم تحیج بحدیثه و ما اخطأفیه ،کتاب مشایخ مالك بن انس ، کتاب مشایخ الثوری ، کتاب مشایخ سعبه ،کتاب ذکر من لیس له الاراو واحد من رواة الحدیث ،کتاب المخفرنین کتاب اولاد الصحابه فمن بعد هم من المحدثین ،کتاب ذکر اوهام المحدثین ،کتاب تفصیل السنین ،کتاب طبقات التابعبین ،کتاب افراد الشاملین من الحدیث عن الرسول صلی الله علیه و سلم ،کتاب المعمر فیه ذکر ما اخطاء معمر

مسلم بن الحسین الذهلی النیشابوری و یقال انه ابو معاذ بن مسلم ، بن معاذ بن مسلم ابو سلمه النیشابوری، مسلم بن الحسین بن معاذ بن مسلم النیشابوری رای سفیان بن سعید الثوری ؛ موسی بن یزید بن عبد الرحمن ابو عمران الاسفنجی النیشابوری واسفنج من رستاق ارعنان ، موسی بن ابراهیم بن سعد ابو عمران الروزنی النیشابوری،موسی بن یزید العمی النشابوری،موسی بن سلیمن عبد الرحمن ابوعمران النیشابوری ؛ مسعود بن عبدالله بن زرین بن محمد بن برد ابو عبدالله السلمی النیشابوری القهندزی اخو الجماعة و هو اولهم ، مسعود بن قتیبة بن زیاد ابو قتیبة النیسابوری ، منصور بن طلحة بن طاهر ابو العباس اخو عبدالله طاهر و خلیفة مرو و سرخس و مرو الرود و کان عالماً و هو مدفون بنیشابور بالشاد یاخ فی محلة محمد آباد و من اشعاره فی الحیة الکثیفة الطویله لیس للحیة الطویلة معنی غیر قبح اسمها و عم النواداِن راها الحکیم اعرض عنها اوراها الشنعیه قام ینادی و قال لمدح الخلیفة الواثق بالله

ان الذی بعث النبی محمدا — و هب الخلافة للامام المهتدی
قمران اجدی و ناران سطا — لا یعدلان عن الطریق الاقصد
اشرب علی وجه السرور مدامة — خمرا کالعیوق او لفرقد
من لون اعید قد تضرع کفه — من لونها او خده المتورد

Marfat.com

قال ابو تمام فی حق عبدالله طاهر و لم يقبل صلته .

يا ايها الملك المقيم ببلدة لاتأمنن حوادث الازمان
صاح الزمان بآل برمك صيحة خروا لشدتها على الاذقان
وثنى باخرى مثلها فارادهم واتى الزمان على بنى ماهان
و غدايصيح بآل طاهر صيحة غضب يحل بهم من الرحمن

منصور بن جعفر بن عبدالله بن زرين السلمى النيشابورى ابو العباس ، منصور بن الحارث الزمجارى ابو عبد الرحمن النيشابورى مبشر بن عبدالله بن رزين بن محمد ابن سرو السلمی ابوبکر النيشابورى اكبر الاخوة القهند زى ، مبسر بن القاسم النيشابورى اخوانس ، مسيب بن زهير بن مسلم ابو مسلم البغدادى نزيل بنشابور و بهامات ، مسرور بن موسى ابو عبدالله النيشابورى ، مسرور بن نوح بن خزيمه ابو بشر الذهلى النيسابورى ، معاذ بن الحارث بن معاذ بن محمد بن مخلد بن حسان السامى النيسابورى ، معاذ بن مسلم بن رجا و رجا اسمه فى العجم ابادوار النيشابورى معاذ بن خلد النيشابورى مسكن عستلان ، معاذ بن أسد المروزى حدث بنشابور ، مقاتل بن ابراهيم ابو الحسن العامرى البلخى القلاس ، مخلد بن مالك ابو جعفر الحمال الرازى سكن بنشابور و بها خرج حديثه و بهامات ، مخلد بن عمرو بن لبيد ابو موسى البلخى حدث بنشابور فى ميدان الحسين بن معاذ ، مخلد بن خلد بن عبدالله التميمى النشابورى ابو عبدالله ، محمود بن خداش الطالقانى ، محمود بن غيلان ابو احمد المروزى ، محمود بن محارب ابو سهل النيشابورى ، محمود بن هشام بن محمد بن ميمون بن ابراهيم ابو يحيى النيشابورى ، محمود بن احرب ابو حامد المقرى النيشابورى ، محمود بن يزيد النيشابورى ، مهدى بن حرث النيشابورى من رستاق استوا من قرية يقال لها الفرعرى ، محمش بن عصام النيشابورى ابو عمرو المعدل مهر جان الزاهد النيشابورى ، محمش بن عبد الرحمن السالمى ، مطرف بن عبدالله

Marfat.com

الیشابوری نصر بن فضاله ابو عبد الرحمن النیشابوری، نصر بن خلف بن ابو محمد النیشابوری ، نصر بن زیاد بن نهیک بن حسل القاضی النیشابوری ابو محمد وکان کوفی المذهب واعقابه ءواخر هم کوفیون وولی قضا بنشابور سنه ثلث عشرو مأتین و توفی لسبع بقین من سفر سنه ست وثلثین ومأتین هوابن سته و تسعین ، نصر بن جناح ابو اللیث القهستانی ، نصر بن ابرهیم ابو احمد النیشابوری الحقاف ، نصر بن خلف الفراابومحمد النیشابوری. نصر بن الحسین المعروف بفروية التاجر النیشابوری نصر بن جمیل القشیری النیشابوری ، نصر بن عبدالله بن مروان النیشابوری ابوالقسم المؤدب نزیل بغداد ، نصر بن مهران ابو سعید الطوسی حدث بنشابور ، نوح بن صالح ابو القسم الفرا النیشابوری، نوح بن عبدالرحمن الصیرفی النیشابوری، النصر بن محمد ابن النصر بن سلمه بن الحرود بن یزید ابو محمد النیشابوری البیشکی و هی قصبة الرخ و بقره الان بیشکی مشهد یزار قال یحیی بن منصور القاضی ان سعید بن عثمان ابن عفان لما توجه الی خراسان وردعلی طریق اصبهان الی بیشک و منها الی طریق الرخ فل نزل بیشك مرض بها فتزوج و خرج و قدولدت له بنتاً فسما هاعین نساء و کانت بیشك الی ان تزوج بها محمد بن نصر البیشکی و کان من علماء الوقت فولدت ابناً فسماه النصر و هو النصر بن محمد البیشکی جدوالد ابی الحسن المحمی النصر ابن سلمه بن عروة ابو سعید النیشابوری ، النصر بن سلمه المؤدب النیشابوری ، النصر ابن منصور ابو غیاث الحارثی النیشابوری ، نعیم بن زیاد بن ابا زیاد النیشابوری ، نعیم بن مرتع ابوالفضل النیشابوری نعیم بن زربن بهاول ابو منصور النیشابوری ، ولید بن محمد بن النعمان ابو سعید السلمی البصری وکان ملقب بـ لحجام حدث بنشابور هرون بن المهدی بن المنصور ابو جعفر الرشید امیر المؤمنین و هومات بسنا باد طوس و هی قریة وهو ابن ستة و اربعین سنه و کانت خلافته ثلث وعشرین

Marfat.com

سنة و شهرین و ثلثه عشر یوما ، هرون بن عمرو الار غیانی من رستاق نیشابور ، هرون بن یزید بن اخت ابی جعفر مخلد بن مالك النیشابوری ، هاشم بن الولید ابوطالب الهروی سکن بغداد ، هیثم ابن سعید النیسابوری ؛ هشام بن الزبیر الشیبانی النیسابوری همام بن علی النسابوری ، ابو الحسین البشکری و یعرف مالسورسی ، هملم بن زکریا ابومحمد النیسابوری ، یحیی بن محمد بن یحیی بن عبدالله بن خلد بن فارس الذهلی حیکان امام نیشابور فی الفتوی و الریاسة و سکه و مسجد منسوبتان الیه و صار شهیداً ، یحیی بن معاذ الرازی ابو زکریا الواعظ سکن به نیشابور و توفی بها و قبره فی مقبرة باب معمر القریب من قبر احمد بن حرب رحمهما الله ، یحیی بن جعفر بن عبد الله السلمی ، یحیی بن ابراهیم الضریر النیسابوری الزاهد ، یحیی بن المسی ابو زکریا النیسابوری یحیی بن اسحق بن حکیم بن ابی خدیجه النیسابوری یحیی بن صالح النیسابوری ، یحیی بن معاذ بن مسلم النیسابوری یحیی بن بکر بن مسلم النیسابوری یحیی بن الیاس النشابوری یحیی بن الحسن بن غافم النیسابوری ، یحیی ابن اکثم بن محمد التمیمی ، ابو محمد القاضی المروزی ، یحیی بن عاصم البخاری حدث بنشابور و اقام بها ، یحیی بن الحسین ابو زکریا الا سفراینی النیسابوری و یقال انه من قریة خورید من اسفر این رستاق نیشابور ، یحیی بن عامر بن خداش النیسابوری یحیی بن الجنید ابو زکریا النیسابوری ، یحیی بن حماد کاتب عبدالله طاهر و هو نیشابوری ، یحیی بن منصور الزوزنی من رستاق نیشابور ، یزید بن صالح ابو خالد الفرا النیسابوری، یزید بن مخلد ابو خالد الهروی حدث بنیشابور یعقوب ابن سفیان ابو یوسف القسوی امام اهل الحدیث بفارس ، یعقوب بن یوسف النیسابوری یعقوب بن عبدالله ابو یوسف النیسابوری ، یعقوب بن اشرش ابویوسف، یوسف بن عیسی البخاری ابو یعقوب ساکن نیشابور وله دار معروف بها ، یوسف بن یحیی

Marfat.com

ابن‌عبدالله بن خلد بن فارس الذهلی اخوالامام محمد بن یحیی ، یاسین بن‌النصر بن یونس بن سلیمن بن سلمن الباهلی ابو سعید القاضی النیسابوری و خطة سلیمان بنشابور مشهوره ؛ یعمر بن بسر المروری من کبار اصحاب عبدالله مبارک یونس بن آدم ابو محمدالنیسابوری ، یونس بن افلح ابو محمد الملقب باکترك النیسابوری ابو الاسود المنسوب الیه المحلة و هی محله فی اعلی البلد بنشابور علی‌طریق‌الجبل تدعی باب ابی الاسود ؛ ابو نصر الدهان النیشابوری ، ابوبکر بن ابی طالب اخو ابراهیم بن ابی طالب

ذکر الطبقة الخامسة من علماء نیسابور و من دخلها و نشر علمه

ابرهیم بن اسحق بن مهران بن عبدالله الثقفی النیسابوری سکن بغداد الی ان توفی بها وکان احمد بن حنبل یحضره و یبسط فی مجلسه و یفطر عنده و هو اکبر الاخوة، ابرهیم بن احمد بن عبدالله بن خبله ابو اسحق الهروی ، ابرهیم بن اسحق بن یوسف الا نماطی ابواسحق النیشابوری ابرهیم بن‌اسمعیل الغیری ابو اسحق الطوسی محدث عصره بها ، ابرهیم بن اسمعیل النیشابوری ، ابرهیم بن اسمعیل ابو اسحق المعلل النیسابوری القران ، ابرهیم بن بلال ابو اسحق الاسفراینی و هو نیسابوری، ابرهیم ابن‌جعفر بن الولید ابو اسحق المعدل النیسابوری من باغ الرازمین ، ابرهیم بن ابو اسحق الکرامینی النیشابوری من محلة الجوری ، ابرهیم بن الحسن النیسابوری المیدانی من میدان زیاد ، ابرهیم بن حمش الزاهد ابو اسحق الواعظ النیشابوری ابرهیم بن الحصین بن بشر النیشابوری ، ابرهیم بن خالد الزوزنی ابو اسحق ، ابرهیم بن زیادة العابد النیشابوری ، ابرهیم بن سعید ابو اسحق النیشابوری المعرف ماکزمکی ، ابرهیم بن سلمة بن زیاد النیشابوری ، ابرهیم بن علی بن محمد بن آدم الذهلی ابو اسحق النیشابوری ، ابرهیم بن علی المروروذی حدث بنشابور ؛

Marfat.com

ابرهيم بن على بن‌الحسين ابو اسحق الترمدى نزيل بنشابور ، ابرهيم بن عمر بن عباد النيسابورى ابو اسحق الحيرى ، ابرهيم بن عيسى بن عمير الذهلى ابو اسحق النيشابورى ، ابرهيم بن عبدالرحمن بن سهل الانادبارى ابو اسحق النيسابورى ، ابرهيم بن الفضل بن اسحق الهاشمى و الفضل ملقب بفضلويه ؛ ابرهيم بن محمد بن نوح بن عبدالله بن خلد بن اشر بن ابو اسحق المزكى النيشابورى و محمد مكنى ابوطالب ، عبدالله بن سعيديقول ما رأيت مثل ابرهيم بن ابى طالب ولاراى مثل نفسه‌و توفى يوم الاحد الثانى من رجب سنه خمس و تسعين و مأتين و دفن فى مقبرةالحسين ابن‌معاذ و قال ابو عبدالله محمد بن‌يعقوب الحافظ غير سره يقول‌انما اخرجت مدينتنا هذه من رجال الحديث ثلثه محمد بن يحيى و مسلم بن الحجاج و ابرهيم بن ابى طالب رحمهم الله و له تصانيف فى علم الحديث ، ابرهيم بن محمود بن حمزةالفقية ابو اسحق المالكى المعروف بالقطان و مسجده و مدرسة المعروف بميان دهيه ولم يكن بعده للمالكيه بنيسابور مدرس ؛ ابرهيم بن سعيد ابو اسحق المعدل الصيدلانى ابرهيم بن محمد بن مخلد النيشابورى ابو اسحق الضرير ، ابرهيم بن عبدالله بن موسى بن‌جعفر بن محمد بن على بن‌الحسين بن على بن‌ابيطالب رضى‌الله عنهم‌المعروف بابى اسحق الاسبح المدنى‌حدث بنشابور سنه خمس و ثمانين و مأتين ؛ ابرهيم بن محمد بن عبد الله الا بيوردى نزيل بنشابور ، ابرهيم بن محمد بن هانى ابو اسحق النيشابورى‌المحدث على‌رأس ميدان زياد ، ابرهيم بن مخلد ابو اسحق البلخى‌سكن بنشابور ، ابرهيم بن محمد بن هاشم ابو اسحق البنا تخدى النيشابورى ، ابرهيم بن محمد بن‌سفيان ابواسحق‌النسابورى‌الفقيه ، ابرهيم بن محمد بن‌اسمعيل النيسابورى ابرهيم‌بن الحسن‌المهلبى ابو اسحق النيسابورى ، اسمعيل بن قتيبة بن عبد الرحمن السلمى ابو يعقوب الزاهد البتبقانى و هى قرية على نصف فرسخ من البلد وكان‌اكبر

Marfat.com

ما يحدث ببستبقان وله منزل في البلد في محلة زمجار ، اسمعيل بن اسحق بن ابرهيم بن مهران النيسابوري الثقفي ابو محمد السراج نزيل بغداد و هو من كبار اصحاب احمد بن خليل المحيصين ، اسمعيل بن يحيى بن خادم السلمي النيسابوري ابو يعقوب الاغور ، اسمعيل بن ابرهيم بن الجراث القطان ابو ابرهيم النسابوري ، اسمعيل بن احمد بن اسد بن نوح بن سامان خداى ابو ابرهيم الامير الماضي و الى خراسان الامام العدل الزكي الدين وتوفي ببخارا للنصف من صفر سنه خمسين وتسعين و مأتين و كان ولايته على خراسان سبع سنين ، اسمعيل بن زكريا اللباد النيسابوري اسمعيل بن عبدوس بن احمد بن حفص الحرسي النيسابوري ، اسمعيل بن عبدالله ابو يعقوب النيسابوري ، اسمعيل بن يحيى بن ابى منصور التاجر النيسابوري ، اسحق ابن ابرهيم بن عماره من اولاد سعد بن عباده الخزرجي الانصاري ، ابو يعقوب النيسابوري من اشرف بيت الانصار و من اوجه مشايخ نيسابور في الثروة والعدالـه والورع و القبول الاتقان في الروايه و مات سنه سبع عشرة وثلثمائه و صلى عليه يحيى بن منصور القاضي في ميدان زياد ، اسحق بن ابرهيم بن نصر ابو يعقوب النيسابوري من رستاق بشت ، اسحق بن ابى عمران الشا فعي ابو يعقوب النيسابوري وهو اسحق بن موسى بن عمران الاسفرايني من رستاقه و توفي باسفراين في رمضان سنه اربع و ثمانين و مأتين ، اسحق بن حمدان ابو العباس النيسابوري سكن بلخ و بهامات ، اسحق ابـن ابرهيم التاجر المروزي ابو يعقوب ، اسحـق بن يعقوب السمسار ابو يعقوب ، النيسابوري ، اسحق بن محمد بن الحسن النيشابوري ، اسحق بن احمد بن اسد ابن نوح الساماني ابو يعقوب وكـان اكبر من الامير الماضي ، اسحق بن ايوب بـن يزيد الصبعي ابو يعقوب النيسابوري ، اسحق بن حنيفه الفقيه ابو يعقوب النيسابوري المطوعي ، احمد بن ابراهيم بن عبدالله ابو محمد بن ابنة نصر بن زياد القاضي و كان

Marfat.com

من وجوه نيشابور توفى سنه خمس و ثلثمائه بمحلة سولقا باد و هناك خطتهم و قبورهم ، احمد بن ابرهيم بن ابى صلح المروزى ابو صلح نزيل نيشابور ، احمد ابن اسحق بن ابرهيم الطوسى نزيل بنشابور ، احمد بن حمدويه بن مسلم ابو على البيهقى من رستاق بنشابور و من قرية ايوره محدث كبير ، احمد بن حمدون ابو حامد الاعمش النيسابورى ، احمد بن حجاج بن عاصم بن مرواس النيسابورى ابو جعفر ، احمد بن الحسن بن فضل ابوالفضل المستملى النيسابورى ، احمد بن حفض الزاهد النيشابورى ، احمد بن حديفه ابوالحسن النيسابورى البشتى ، احمد ابن خلد ابوالحسن الدامغانى نزيل بنشابور شيخ كبير و سكن بنشابور و توفى بها احمد بن خلد بن احمد الذهلى ابومحمد ولم يكن فى اولاد خلد بن احمد الامير افقه منه قول قضا بنشابور احمد بن خلدالحيرى ، احمدبن الخليل بن محمدالبشتى احمد بن زرعة بن قيس الذهلى النيسابورى ، احمد بن سلمة بن عبدالله النشابورى ابوالفضل البزاز ، احمد بن سهل بن بحر ابوالعباس النيسابورى ، احمد بن سهل بن مالك ابوبكر الاسفراينى النيسابورى ، احمد بن سعيد بن مسعود ابو العباس المروزى قيل ما اخرجت خراسان من الرؤسا مثل ابى العباس فى الرأى والعقل والدها ، احمد بن سليمن العبدى النيسابورى ، احمد بن شعيب بن بحر ابو عبد الرحمن الفقيه ، احمد بن صلح بن عبدالله ابوبكر الجوهرى النيسابورى ، احمد ابن عماد بن كوكب ابوالحسن العامرى ، احمد بن يملك ابو العباس الجوهرى المروزى والدعمر اقام بنشابور مفيدا ومستفيدا ، احمد بن عمرو بن معقل ابو حامد النيسابورى ، احمد بن على بن عبدالله المعروف بابى على الانصارى ، احمد ابن على بن عبدالله بن سنان النيسابورى ، احمدبن عبدالله ابوحامد المناشلى النيسابورى من محله مناشل ، احمد بن عقيل بن الازهر البلخى ، احمد بن عثمان بن عبدالرحمن

Marfat.com

النسوی ابو عبد الرحمن ، احمد بن علی العدنـان النیسابوری ، احمد بن عبدوس بن حمدویه ابو العباس النیسابوری ، احمد بن عباس بن حمزة الواعظ النیسابوری ، احمد بن علی بن اسد البردعی ، احمد بـن الفضل بن منصور ابو حامد السامانی ، احمد بن محمد بن عمار النیسابوری ابو حامد المستملی ، احمد بن محمد بن سعید الصیدلانی ، احمد بن محمد بن سالم ابو حامد النیسابوری ، احمد بن محمد بن الازهر بن السحری ابوالعباس الازهری ، احمد بن محمد بن یزید البراز ابو حامد النیسابوری ، احمد بن عبیده بن زیاد النیسابوری ابو بکر الوبری ، احمد بن محمد ابن موسی الدهقان النیسابوری ، احمد بن محمد بن بکر النیسابـوری ابو العباس نزیل بغداد ، احمد بن محمد بن الحسن ابو بکر الذهبی من مامله بلخ و عداده فی نیشابور بین و بها مسکنه و اعقابه ، احمد بن محمد بن ابی خلد ابو جعفر الاصبهانی نزیل بنشابور قدیما و توفی جمادی الاخر سنه ثلث و ثلثمائه و دفن فی مقبره باب معمر احمد بن محمد بن عمر ابو بکر المکندری مولده المدینه و منشائه الحرمین و ورد بنشابور واقام بها و ولد له بها ابـو عمر المکندری ، احمد بن محمد بن نصر ابـو جعفر الترمذی ، احمد بن محمد بن عمر بن بسطام ابو بکر المروزی والمراوزه بهایسه و نه البسطامی ، احمد بن محمد بن آدم الشاشی ابو بکر احمد بن محمد بن عمر ابو الحسن النیسابوری ، احمد بن محمد بن حفص بن یزید بن مسلم بن علی الحرسی ابو عمرو الحیری شیخ نیسابور فی عصره فی الریاسه والعداله و الثروة والتحدیث و وفات الشیخ الجلیل الزکی بن الزکی العاشر من آذر ماه سنه سبع عشره و ثلثمائه رحمه‌الله و صلی علیه فی مصلی حیره ، احمد بن محمد بن هاشم المعدل ابو حامد الطوسی سکن بنشابور الـی ان مات بـها ، احمد بـن محمد بن جعفر ابو حامد النیسابوری ، احمد بن محمد بن حامد ابو نصر البلخـی ، احمد بن عبد الکریـم

Marfat.com

الجرجانی وکنیته ابو زرعه ، احمد بن حبیب الدهان النیسابوری ، احمد بن محمد ابن عمار المستملی النیسابوری ، احمدبن المبارك الزاهد ابو عمرو المستملی و ملقب بحملویه العابد وکان مستجاب الدعوة و راهب اهل عصره دعا یوم الجمعه وقال اللهم اقبضنی الیك فمات لیلة الخمیس الحادی عشر من جماد الاخره من سنه اربع و ثمانین ومأتین و دفن عشیة یوم الجمعه فی مقبرة الحسین بن معاذ رحمه الله رحمة واسعه ، احمد بن محمد بن سعید ابوحامد الصیدلانی النیسابوری ، احمد بن محمد ابن الحسین ابو العباس الماسرخس بن بنت الحسن بن عیسی النیسابوری ، احمد بن نصر بن ابرهیم ابوعمرو الحافظ المعروف بالخفاف ومات یوم الاحد بسبع خلون من شعبان سنه تسع و تسعین و مأتین و دفن یوم الاثنین تحت الحوض الذی لصدق به رحمه الله رحمة واسعة ، احمد بن نصر بن عبدالوهاب النیسابوری ، احمد بن نصر البوزجانی الشهید و بوزجان من رساتیق نیشابور ، احمد بن هرون البودنجی ابوبکر البرزعی الحافظ ، احمد بن یحیی بن یوسف اسمه یعقوب ابوبکر البسطامی المقیم بنشابور الیاس بن رجا النیسابوری ابو اسحق الدهقان ، بدل بن محمد بن اسد الحوشی الاسفراینی ، بشار بن حمدان ابو عفان المعدل النیسابوری ، تمیم ابن محمد بن طمغاج ابو عبد الرحمن الطوسی ، جعفر بن محمد بن الحسن ابوالفضل النیسابوری شیخ عشیرته فی عصره ، جعفر بن محمد بن سواد بن سنان ابو محمد النیسابوری من اکابر الشیوخ ، جعفر بن احمد بن ابی عبدالرحمن النیسابوری ، جعفر بن احمد بن نصر ابو محمد الحافظ المعروف بالحصیری رکن من ارکان الحدیث بنشابور فی الحفظ والاتقان و توفی سنه ثلث و ثلثمائه و دفن بشاهنبر ، جعفر بن سهل ابوالفضل المذکر النیسابوری ، جعفر بن محمد بن موسی الحافظ ابو محمد النیشابوری ، جعفر بن المفید بهذا یعرف فی بغداد وبنیشابور مسکنه و

Marfat.com

عشيرته ، جعفر بن شعيب ابو محـمد الشاشى ، جعفر بن احمد بن سلمه السلمى ابو محمد النيسابورى ، جعفر بن ولويه النيسابورى ابو محمد الدقايق ، جعفر بن محمد بن الفضل بن زياد التميمى ابوالفضل النيسابـورى السعدى الملقب بـصعومه جعفر بن محمد بن القسم الزاهد ابومحمد النيسابورى ، جعفر بن حمويه الفارسى نزيل بنشابور ، جعفر بن محمد بن الحرات النيشابورى ، جعفر بن يعقوب بن سليمن المقرى النيسابورى المطوعى ، جبريل بن مخاع بن الفضل السمرقندى ، الحسن بن سفيان بن عامر بن عبدالعزيز بن النعمان بن عطاء الشيبانى ابوالعباس النسوى من قرية بالوز و هى على ثلث فراسخ من بلـد النشابور و محدث خـراسان فى عصره و توفى رضى الله عنه سنه ثلث و ثلثمائه ، الحسن بن مخلد بن سنان النيسابورى ابو محمد المطوعى ، الحسن بن على بن نصر ابو على الطوسى الملقب بكروش تـوفى بطوس ، الحسن بن حمدون بن الوليد بن عسان بن الوليد مولى عبدالقيس ابوعلى النيسابورى و كان يسكن بباب عروة ، الحسين بن على ابى عيسى الهلالى ابـو على النيسابورى الدرا بجردى المحدث بن المحدث ، الحسن بن ابى جعفر واسمه محمد بن يحيى الجوزجانى ابو على الحاجى ، الحسن بن عبدالله ابو على النيسابورى ، الحسن بن على بن القاسم بن عباس بن عبدالصمد ابو على الشاديـاخى ، الحسن بن الازهر بن الحارث بن سكسك النيسابورى ابو عـلى السكسكى ، الحسن بن عبدالرحيم بـن سهل بن نوفل النيشابورى ابو على : الحسن بن صاحب بن حميد ابوعلى الشاشى ، الحسن بن عبدالله بـن مخلد النيشابورى ، الحسن بن جعفر بن محمد الهمدانى نزيل بنسابـور ، الحسن بن بالربه بن زيد بن سيار النيسابورى ابو على الحيرى ، الحسن بن اسمعيل بن سليمن ابو على الفارسى نزيل بخارا ، الحسين بن الحسن بن مهاجر بن النيسابورى ابو محمد المهاجرى من كبار المحدثين و كان

Marfat.com

یحدث فی سکه معقل فی مسجد عبدالله عامر و توفی فی سنه ثمان و سبعین و مأتین

الحسن بن محمد زیاد نیشابوری ابو علی القیافی الحافظ احدارکان الحدیث واستاد محمد بن اسمعیل البخاری ، الحسن بن احمد بن حفص بن عبدالله النیسابوری ابوعلی، الحسین بن معاذ بن محمد منصور النمیری ابو علی النیسابوری مسکنه بباب عروة ، الحسین بن علی بن مهران النیسابوری ابو علی الدقاق ، الحسین بن احمد بن الفضل بن عبدالله بن عیسی ابو علی البلخی ، الحسین بن اسمعیل بن علی الارنیانی ابو عبدالله النیسابوری وارنیان قریة من رستاق استوا الحسین بن معاذ بن ادریس النیسابوری ابو عبدالله المودب ، الحسین بی عبدالله بن محمد بن مخلد النیسابوری الحافظ ابو علی الباعکی ، الحسین بن المسیب ابو علی المروزی نزیل بنشابور ، حمدون بن احمد بن بکر النیسابوری ابو نصر الذهلی ، حمدون بن احمد بن عمار بن رستم النیسابوری الزاهد ابو صلح القصار و کان من الابدال من اصحاب ابی حفص و هو والدابی حامد الاعمشی ، حمدون رجا بن رجابن شجاع بن المهدی النیشابوری ابو رجا العمری من محلة الزمجار ، حمدون بن الفضل بن عمر النیسابوری ابوسعید الخفاف ، حمدون بن خالد بن بزید بن زیاد النیسابوری ابو محمد الملقابادی ، حماد بن معاذ بن سعید بن حماد الباهلی ساکن نیشابور ابو سلیمن ، حاتم بن الحسین ابو سعید الساسی نزیل نیسابور ، حاتم الخلیل بن سنان بن عبد الرحمن ارداد القرشی السمرقندی الحراث بن زکریا المقری ابو سعید النیسابوری ، حامد بن موسی الابزاری وهی قریة بقرب البلد ، حمدان بن محمد بن رجا ابوعلی البیهقی حمادبن الحکم ابوبکر النیسابوری ، حم بن احمد بن سعید بن محمدالبلخی ، حمویه بن عماد النیسابوری ابو عبد الرحمن السراج ، حیان بن محمد بن حیان المیرانی النیسابوری ، خلد بن احمد بن خلد بن حماد بن عمرو بن مخلد بن ملک

Marfat.com

و هو الخمخام بن الحارث الذهلی الامیر توفی ابوه بنشابور و هو احمد بن خلدو یقال خلد ولد بنشابور و سکن بخارا و له بها آثار مشهورة محمودة الا ما فعل فی حق امام اهل الحدیث محمد بن اسمعیل البخاری الجعفی فانها زلة و سبب لزوال ملکه ، خشنام بن اسمعیل بن مسیب ابوبکر النیسابوری من المتقین الاثباب ، خشنام بن ابی معروف النیسابوری ابو محمد داود بن الحسین بن عقیل بن سعید النیسابوری ابوسلیمن الخسروجردی ، داود بن عبیدالله بن الفضل النیسابوری ابوالفضل الاستوایی، زکریا بن دلشاد بن مسلم بن العباس النیشابوری ابو یحیی الفرهادچردی، زکریا بن داود بن بکر بن عبدالله النیسابوری ابو یحیی الخفاف المقدم فی عصره ، زکریا بن یحیی بن الحرث النیسابوری الزکی ابو یحیی البزاز شیخ اهل الرای فی عصره وله مصنفات کثیرة ، زکریا بن یحیی بن موسی بن ابرهیم النشابوری ابویحیی الملابادی ، زکریا بن ولویه الزاهد النیشابوری ابویحیی الواعظ ، زکریا بن یحیی حوثرة البرنودی النیسابوری ابویحیی الدهقان ، زنجویه بن محمد بن الحسن بن عمر النیسابوری ابو محمد الزاهد المعروف باللباد وکان من العباد ، سعید بن اسمعیل بن سعید منصور ابو عثمن الزاهد الواعظ الحیری وبها مسجده و و منزله وله بالری و نشا بها ثم سکن بنشابور الی ان توفی بها و کان مجاب الدعوة و مجمع العباد والزهاد و کرماته کثیرة لایحصی و توفی رحمة الله علیه لیلة الثالث عشر یقین من ربیع الاخر سنه ثمان و تسعین و مائتین ، سعید بن شادان بن محمد ابو عثمان النیسابوری وهو الذی یعرف سعید بن ابی سعید البشتی سعید بن عیسی بن زید ابو عثمان النیسابوری و کان من فقها اهل الکوفه ، سعید بن سعید ابو عثمان النیسابوری ، سلیمن بن سلام ابو داود النیسابوری ، سلیمن بن منصور ابو داود

Marfat.com

النیسابوری ، سهل بن عبد العزیز سورة الصنعانی ، سلیمن بن اسرائیل ابوعبدالله الخجندی ، شعیب بن ابرهیم بن شعیب النیسابوری ، ابو صلح العجلی هویقول سمعت اعرابیا یقول ما اطیب الثلج بماء العذب یستخرج الحمد من اصل القلب ، صلح بن خغضویه النیسابوری وکان من حفاظ الحدیث ، صلح بن محمدالجوینی ابو سعید النیسابوری ، صلح بن محمد رجیح الترمدی طیب بن محمد بن طلحه بن طاهر النیسابوری ابو اسحق الطاهری ، عبدالله بن احمد بن شبویه ابو عبدالرحمن المروزی من ائمه اهل الحدیث ، عبدالله بن احمد بن الهیثم بن مخلد ابو محمد النیسابوری الخفاف ، عبدالله بن اسحق بن الیاس بن ابی عصام النیسابوری ابوالقاسم من باب عروة ، عبدالله بن احمد بن جعفر السرخسی ابو محمد الفقیه ، عبدالله بن بشر بی عمیرة البکری ابو محمد الطالقانی سکن بنشابور و بهامات ، عبدالله بن نحر بن عبدالله بن طیفور ابو بکر الطیفوری ، عبدالله بن جعفر بن خاقان بن غالب من ولد حجاج بن غلاط السلمی ابو محمد المروزی محدث عصره ، عبدالله بن الحسن بن ایوب السامی من الزهاد رازی ، عبدالله بن زید بن سیار ابو محمد النیسابوری المودب ، عبدالله بن سلمه بن یزید القاضی النیسابوری ابو محمد بن سلمویه ، عبدالله بن سلیمن بن الاشعث بن اسحق بن بشر بن عمرو بن عمران الازدی و قتل عمران یوم صفین بین یدی امیرالمومنین علی علیه السلام ، عبدالله بن صلح بن یونس ابو محمد الفرائضی النیسابوری ، عبدالله بن علی بن الجرود ابو محمد النیسابوری نزیل مکه ، عبدالله بن عمر بن سلیمن ابوالعباس الرکنی النیسابوری عبدالله بن قتیبه بن سعید الثقفی ابو قتیبه بن ابی رجا البغلانی ، عبدالله بن محمد بن محمد بن عبدالرحمن الفقیه النیسابوری ابو محمدبشرویه و محمد ملقب بحمویه

Marfat.com

القرشی ، عبداللّٰہ بن محمد داود النیسابوری الدھان ، عبداللّٰہ بن محمدبن علی الحافظ البلخی رکن الحدیث وله مصنفات فی التواریخ والعلل و غیرها ، عبداللّٰہ بن محمد بن العباس ابو محمد المروزی ، عبداللّٰہ بن محمد بن الحسن المؤذن النیسابوری ابو محمد الحیری ، عبداللّٰہ بن محمد بن عمر ابو محمد النصر آبادی النیسابوری من محلة نصر آباد فی اعلی البلد وکان بذکر اصحاب الرأی . عبداللّٰہ بن عمرو القراطی الواعظ النیشابوری ابوبکر ، عبداللّٰہ بن محمدبن سعید ابومحمد المروزی ، عبداللّٰہ بن محمدبن عبداللّٰہ بن یونس بن عبداللّٰہ السمنانی ابوالحسین من اعیان المحدثین ، عبداللّٰہ بن محمدبن الحسن بن شہریار النیسابوری ، عبداللّٰہ بن محمدبن مالک النیسابوری نزیل سمرقند ، عبداللّٰہ بن محمد بن رجا النیسابوری ابومحمد ، عبداللّٰہ بن محمدبن ابی خلدالنیسابوری ابومحمد الصیدلانی، عبداللّٰہ بن محمد بن عبد العزیز الجرجانی ابوالحصب العاصی ، عبداللّٰہ بن هرون بن یحیی النیسابوری ابوبکر الحری ، عبداللّٰہ بن یحیی بن موسی السرخسی ابومحمد العاصی ، عبیداللّٰہ بن عبداللّٰہ النیسابوری ابوعبدالرحمن الحداد نزیل بغداد ، عبدالرحمن بن محمدبن عقیل بن خویلد بن اسد الخزاعی صاحب رسول اللّٰہ صلی اللّٰہ علیه وسلم ، عبدالرحمن بن الحسن بن خلدالقاضی ابوسعید النیسابوری امام اهل الرأی فی عصره بلامدافعه وخطته وخطه اسلافه محله متاشل، عبدالرحمن بن جعفر ابوسعید النیسابوری سکن مرو ، عبدالرحمن بن رجا ابوالقسم النیسابوری فقیه لاهل الرأی من قریة بزدیغر ، عبدالرحمن بن یوسف بن خراش الحافظ البغدادی ، عبدالرحمن بن بحر بن معاذ النسوی ابومحمدالبزاز ، عبدالملک بن الحکیم بن عبدالملک النیسابوری ابوبکر بیہقی الملقب بعبدان الخسروجردی ، عبدالصمد بن هرون بن عمرو بن حنان بن یزیدالقیسی النیسابوری وهو یلقب مقاتل قیتبه ، عبدالرحمن بن عیسی الجرجانی ابوعبدالرحمن ، عبدان بن محمد بن عیسی الحافظ ابو محمد

Marfat.com

المروزی الزاهد علی بن ابرهیم بن احمد ابوالحسین النسوی اقام بنشابور ، علی بن احمد بن محفوظ بن معقل ابوالحسن المحفوظی النیسابوری و سکه معقل خطهتم ، علی بن احمد الفقیه الشافعی الجرجانی ، علی بن الحسن بن شهریار ابوالحسن الرازی نزیل بنشابور وقبره بالحیره ، علی بن الحسین بن بشر بن القسم النیسابوری ابوالحسن الفقیه ، علی بن الحسن بن سلم الاصبهانی ابوالحسن الحافظ ، علی بن مهران النیسابوری ابوالحسن الصفار من محله باب عروة ، علی بن الحسن بن هشام ابوالحسن النیسابوری، علی بن حمدون بن هشام ابوالحسن النیسابوری من اجله مشایخنا ، علی بن الحسین بن بشار النیسابوری ابوالحسن الکرمانی کان ابوه من اهل کرمان نزیل بنشابور ، علی بن خاتم البخاری ابوالحسن الحاجی ، علی بن الحسن بن معاذ النیسابوری ابوالحسن السحتیانی ، علی بن حمدان بن سلمه ابوالحسن المروزی ، علی بن سعید بن عبدالله ابوالحسن العسکری من اعیان المحدثین کثیر التصنیف وقد حدث عنه حفاظ الدنیا فی عصره وتوفی بالری سنه ثلث عشره وثلثمانه، علی بن عبدالرحیم بن سنان ابوالحسن الصفار النیسابوری ، علی بن عمر بن علی بن عمر النیساری ابوالحسن الدنودی ، علی بن عبدالله بن احمد الطبری ابوالحسن الفقیه ، علی بن الفضل بن اسحق النیسابوری ابوالحسن المناشك علی بن یحیی بن خلد المروزی ابوالحسن الخالدی ، علی بن محمد بن حمدویه الطوسی ابوالحسن نزیل بنشابور ، علی بن محمد بن العلا النیسابوری ابوالحسن القبابی و قباب اقصی محلة من البلد علی طریق العراق ، علی بن محمد بن حمدان البغدادی نزیل بنشابور ؛ علی بن موسی بن یزید ، الفقیه ابوالحسن القمی امام اهل الرأی فی عصره ، علی بن محمد بن یزید الحداد ابوالحسن الطبسی نزیل بنشابور ، عیسی بن محمد بن عیسی بن عبدالرحمن بن سلیمن ابوالعباس اطهمانی ویعرف بالکاتب المروزی هو امام فی اللغة واحد الاشراف فی نفسه وابائه واسلافه توفی رضی الله عنه فی سنه

Marfat.com

ثلث وتسعین ومأتین ، عیسی بن القاسم بن موسی النیسابوری ، عیسی بن اسحق بن موسی الحطمی ابوالعباس الانصاری القاضی بن القاضی بنشابور ، عمرو بن بشر ابوحفص النیسابوری سکن بغداد ، عمرو بن نصر بن عبدالله النیسابوری ، عباس بن حمزه بن عبدالله بن اشرس ابوالفضل الواعظ النیسابوری صاحب احمد بن حرب والسکه منسوبة الی العباس وهو من اکابر العظام وله مع ذی النون بصر مباحثات وحالات وکان مجاب الدعوة توفی رضی الله عنه فی شهر ربیع الاول سنه ثمان وثمانین ومأتین ، عمران بن موسی بن بحامع ابواسحق السحبستانی وهو محدث ثبت مقبول کثیر الرحله والتصنیف وتوفی بجرجان سنه ثلثمائه ، عمران بن موسی ابو موسی الاعیانی النیسابوری ، عبدوس بن محمد بن عبدالله السحوری النیسابوری ، عصمة بن مسعود بن منصور بن ابرهیم النیسابوری ابوسعید القطان عسان بن محمد النیسابوری العابد ابوجعفر القارونی ، القسم بن خلد بن قطی ابوسهل المروزی محدث عصره بمرو ، امام الحدیث فی عصره محمد بن اسحق بن حزیمة بن المغیره بن صالح بن بکر السلمی مولی محشر بن مراحم ابوبکر العالم الاوحد المقدم باتفاق اهل عصره علی تقدمه رضی الله عنه وکان یسکن بجنجرود وکان شیخ محمد بن اسمعیل البخاری ومسلم بن الحجاج النیسابوری ومحدثی عصره.
قال الحاکم سمعت ابابکر محمد بن علی الفقیه الشاشی یقول حضرت ابابکر محمد بن اسحق بن خزیمه فقال له ابوبکر النقاش المقری البغدادی بلغنی لما وقع بین المزنی و بین عبدالحکم ماوقع قیل للمزنی انه یرد علی الشافعی قال لایمکنه الا بمعونة محمد بن اسحق النیسابوری ایاه قال ابوبکر کذا کان و ایضاً سمعت عن محمد بن یحیی اذتته امرأة فسالتة عن مسئلة فی الحیض فقال محمد بن یحیی اذهبی الی جنجرود ثم مثات یعرف بمحمد بن اسحق بن خزیمه مسئلته عن هذه المسئله و کراماته مرویه رضی الله عنه وارضاه وتوفی من ذی القعده سنه احدی عشره وثلثمائه وصلی علیه انبه ابوالنصر

Marfat.com

وكان قدامتلا ميدان الحسين والى جنجرود فى الموضع الذى صلى عليه ودفن فى حجرة من داره ثم صير تلك الحجرة مقبره اللهم ارحمه ، محمدبن اسحق بن مهران بن عبدالله الثقفى ابوعبدالله السراج النيسابورى محدث عصره وتوفى رضى الله عنه سنه ثلاث عشره وثلثمائه وهكذا قرأت على قبره فى مقبرة الحسين بن معاذ على طريق اليمين من الشارع عن يمين قبر يحيى بن يحيى ، محمدبن اسحق بن ابرهيم بن مخلد الحنظلى ابوالحسن ولد بمرو و نشاء بنشابور وانصرف فى آخر عمره الى مرو و توفى بها ، محمدبن اسحق بن عبدالله بن ابرهيم بن عبدالله المستلى النيسابورى ابوعبدالله الملقب بالمنتوف، محمدبن اسحق بن الاشعث السحرى النيسابورى هذا شيخ من محله باغ سين وله بها اعقاب محمدبن اسحق الشافعى النيسابورى شيخ قديم ، محمدبن اسحق بن عبدالرحمن ابوعبدالله المناشكى النيسابورى، محمدبن اسحق الانماطى النيسابورى ، محمدبن اسحق بن النعمان النيسابورى ابوعبدالله الصفار ، محمدبن اسحق بن نصر اللباد النيشابورى ، محمدبن اسحق بن الصباح ابوعبدالله التاجر النيسابورى ، محمدبن اسحق بن ابرهيم النيسابورى ابوالعباس البيهقى الزاهد ، محمدبن اسحق بن ابرهيم النيسابورى ابوعبدالله الصيدلانى ، محمدبن ابرهيم بن القسم النيسابورى ابوعبدالرحمن المدينى ، محمدبن ابرهيم بن اسمعيل الفقيه ابو عبدالله النيسابورى ، محمد بن ابرهيم بن بشر بن عبدالله بن حبيب النيسابورى ، محمدبن ابرهيم بن عبدالله الاديب النيسابورى ابوبكر ، محمدبن ابرهيم بن مقاتل بن صلح المبكنى النيسابورى ، محمدبن ابرهيم بن القسم الاصبهانى نزيل بنشابور ابوبكر محمدبن ابرهيم بن هاشم النيسابورى ، محمد بن ابرهيم بن القسم النيسابورى ابوعبدالله الحشاب ، محمدبن ابرهيم بن سعيد بن قطبه القيسى ابوعبدالله النيسابورى من محله باب عروة وهومن بيت كبير ، محمد بن اسمعيل بن مهران بن عبدالله ابوبكر الاسماعيلى النيسابورى احد اركان الحديث بنشابور كثرة

Marfat.com

ورحلة واشتهاراً وتوفی رحمة‌الله فی‌ذی‌الحجه فی‌سنه خمس وتسعین و مأتین و قیل لایصح سماع من مسمع من‌الاسماعیلی بعدالتسع والثمانین وانه کان لایقدران تحرک لسانه الا بلا و کان اذا قیل‌له کماقرأناقال لا.لا.لا مقام نعم و تحرک رأسه ، محمدبن اسمعیل‌بن‌موسی بن‌عبدالله‌البلخی ، محمدبن اسمعیل‌بن‌الحجاج النیسابوری‌الحجاجی وهوشیخ قدیم : محمدبن اسمعیل‌بن‌اسحق ابوالحسن المروزی ، محمدبن احمدبن المثنی بن سعید النیسابوری ابوعبدالله و هومحدث کثیرالحدیث والرحلة من رستاق الزاوه ، محمد بن احمد بن نصر المروزی ابوبکر النیسابوری ، محمدبن احمد بن حفص النیسابوری و هوغیرالحرشی محمدبن احمدبن ابورجا القاضی الجوزجانی و کان من اعیان الفقهـا علی مذهب الکوفیین ، محمدبن احمد بن عبدالله النیسابوری ابو احمد المناشکی محمدبن احمد بن عبیدالله النیسابوری ابو عبدالله العامری ، محمد بن احمدبن ایوب بن الصلت المقری ، محمدبن احمد بن منصور ، محمدبن احمدبن هاشم ابوبکر النیسابوری ، محمد بن احمدبن المغیره‌التمیمی ابوبکر النیسابوری ، محمدبن احمدبن سعیدالنسوی ابوالحسن ، محمدبن احمدبن مجاهد السمرقندی شیخ قدیم ، محمدبن‌احمدبن عبدالله بطحا النیسابوری ، محمدبن‌الحسین النیسابوری ابوجعفرالکاتب ، محمد بن احمدبن بالویه النیسابوری ابوالعباس‌البالوی ویلقب بعصیده و کان من اعیان المشایخ ، محمدبن احمدبن بوعون النسوی‌ابوجعفر الردنفی ، محمدبن‌احمدبن نعیم ابو عبدالله نزیل بغداد ، محمدبن ایوب بن الحسن الفقیه ابوبکرالنیسابوری محمدبن جمعة‌بن‌الخاف‌الحافظ ابو قریش القهستانی الاصم وکان من الحفاظ المتقین توفی رحمة‌الله‌فی‌قهستان سنه ثلاث عشرة وثلثمائه ، محمد بن جابربن حمادالمروزی ابوعبدالله‌الحافظ الفقیه احدائمة اهل زمانه ادرکته‌المنیه فی الکهوله رحمة‌الله یروی‌عن ابن عباس قال الشاعر:

انت‌بشرط النبی‌اذقال یوماً   اطلبوالخیرفی حسان الوجوه

Marfat.com

محمدبن جعفر بن ابرهیم بن مسلم النیسابوری ابوجعفر ، محمدبن حمید ابو عبدالله القهستانی نزیل بنشابور ، محمدبن جعفر بن محمدبن یزیدالشعرانی ابوعبد النیشابوری الازاروازی قریة من جوین هویروی هذا الشعرعن اعرابی :

یافالق الاصباح انت ربی وانت مولایی وانت حسبی

فاصلحن بالیقین قلبی ونجنی من کرب یوم الکرب

محمد بن حمدان بن مهران المهرانی ابوبکر النیسابوری سماعه کله بنیسابور ، محمدبن حبیب بن فضاله الحلاب ابو عبدالله النیسابوری ، محمدبن الحسن بن عبیداله بن محمد بن طغان الترك النیسابوری ، محمد بن الحسن ابوعلی الحیری ، محمدبن الحسین بن عمارة ابوعبدالنیسابوری المقری من المدینه الداخله ، محمدبن الحسن بن هشام الحیری ابوبکر النیسابوری ، محمدبن محمدبن الحسین بن معاذ النیسابوری یلقب بحمویة الطویل محمدبن حامدبن محمدبن ابرهیم النیسابوری ابوبکر الحیری ، محمدبن الحمید البزاز النیسابوری ، محمدبن الحسن بن الحسن ابوبکر النیسابوری ویعرف بابی بکر بن ابی علی البرزعی ، محمدبن الحسن ابوعبدالله الزمجاری ، محمدبن حمزة بن عبدالله السمرقندی ، محمدبن خالد ابوبکر القاضی الرازی نزیل بنشابور ، محمدبن خشنام بن سعد ابو عبدالرحمن النیشابوری ، محمدبن داودبن یزیدبن حازم ابوبکر الرازی ، محمدبن دلویه ابوبکر النیشابوری ، محمدبن ابی ذرة القاری النیسابوری ، محمدبن دلویه بن عبدالله النیسابوری ابوبکر الخراز ، محمد بن درست الزاهد ابوعبدالله النیشابوری شیخ قدیم ، محمد بن رومی النیسابوری ، ابوعبدالله شیخ صاحب اخبار وحکایات ، محمدبن مسیح بن سریع ابومسیح العامری الترمدی ، محمدبن روح النیسابوری ابواحمد الاستوایی شیخ قدیم ، محمد بن رزام ابواحمد الهروی الفقیه الادیب من اجله اهل البلد ، محمدبن زیاد النیسابوری ابو عبدالله الفقیه البردیعی و کان من الزهاد والفقها ، محمدبن زکریا بن قمیم

Marfat.com

ابوعبدالله النیسابوری محمدبن زنجویه بن الهیثم بن عبدالله القشیری ابوبکر النیسابوری، محمدبن زکریابن الحسن بن زکریا الشیبانی النیشابوری ابوعبدالله الرتقیانی، محمد بن سعدویه النیشابوری ابوعلی البیهقی ، محمدبن سفیان بن عبدالله بن سان النشابوری ابوعبدالرحمن و منزله جنیدابیه ، محمد بن سهل بن عبدالله ابوتراب القهستانی ، محمدبن سهل ابوتراب الطوسی ، محمدبن سلیمان بن فارس النیسابوری ابواحمد الدلال ، محمدبن سلیمن بن مهران النیسابوری ابی بکر ، محمدبن سلیمن بن خالدالعبدی ابو عبدالله النیسابوری شیخ مشهور من میدان زیاد ، محمدبن سُهیل بن الاصبهبد الحرس ابوعبدالله النیسابوری من محله جنجرود ، محمدبن سلیمن بن یوسف السلیطی ابوعبدالله النیسابوری ، محمدبن سهل بن عبدالله النیسابوری محمد بن سعیدبن محمد المروزی ابوعبدالله البورقی حدث بنشابور بحمله من المناکریمن قوم مجهولین فروی عنه جماعت من شایخنا وامسك جماعة وقد وضع من المناکیر علی التقات مالایحصی وافحشها روایته عن بعض مشایحنه عن الفضل بن موسی الشیبانی عن محمدبن عمرو عن ابی سلمه عن ابی هریره عن رسول الله صلی الله علیه وسلم کمازعم انه قال سیکون فی امتی رجل یقال له ابوحنیفه هوسراج امتی هکذی حدث فی بلاد خراسان ثم حدث به فی بلاد عراق باسناده وزادفیه انه قال سیکون فی امتی رجل یقال له محمدبن ادریس فتنته علی امتی اضرمن فتنته ابلیس فکل من حدث بهذاالحدیث فانه فی النبی علیه السلام من جمله من قال فی حقهم من حدث عنی بحدیث یری انه کذب فهواحدالکاذبین ، محمدبن سهل المروزی، محمدبن سعیدبن غالب النیسابوری ابوعبدالله ، محمدبن شادان النیسابوری ، ابوسعیدالاصم الجند فرخی الشیخ الفهم المتقن المقدم وجند فرح قریة علی فرسخ من البلد و کان لایدخل البلدالا فی الجمعات ویحدث فی قریته وتوفی رضی الله عنه سنه ست و ثمانین مائتین ، محمدبن شادان بن

Marfat.com

علی النیسابوری ابوالعباس الضریر کف بصره بعد الثمانین ، محمدبن شعیب بن محمد بن المغیره بن بکر السلمی النیسابوری ابوبکر الجنجرودی ، محمدبن شعیب بن علی ابوبکر النیسابوری ویلقب بالصر ، محمدبن شادان بن اسمعیل النیسابوری ابوالعباس، محمدبن شادبن عبدالله النیسابوری ابوعبدالله ، محمدبن شهریار النیسابوری ، محمد بن شعیب بن صالح النیسابوری ابو عبدالله القصری و یقال انه من قصر عبدالجبار ، محمدبن الصباح النیسابوری ابوعبدالله الخیاط ، محمدبن صالح بن جمیل ابوالحسن الطوسی محدث کثیر ، محمدبن صالح بن یونس النیسابوری ابوعبدالله ، محمد بن صالح بن الهیثم القشیری ابوبکر النیسابوری من محله ملقاباد ، محمد بن طیفور الزاهد ابوعبدالله النیسابوری ، محمد بن طاهر بن عبدالله بن طاهر الامیر ابوعبدالله النیسابوری وتوفی ببغداد ، محمدبن عبدالسلم بن بشار ابوعبدالله النیسابوری المعروف بالوراق کان مورق علی اسحق بن راهویه و کان من العباد ، محمد بن عبدالله بن یوسف بن خرشید النیسابوری ابو عبدالله الدبیری و دبیر قریة علی فرسخ من البلد ، محمدبن عبدالله بن المبارك الخیاط النیسابوری ، محمدبن عبدالله بن اسحق الحوار ابوعبدالله الطوسی ، محمدبن عبدالملك بن سلمه النیسابوری ابوعبدالله القشیری ، محمدبن عبدالله بن حامد النیسابوری ، محمدبن عبدالله بن الجنید النیسابوری ابو عبدالله ، محمدبن عبدالله بن القسم ابوعبدالله العمری ، محمدبن عبدالله العاملی ابو عبدالله النیسابوری ، محمدبن عبدالله بن یزید الرازی ابوبکر سکن بنشابور ، محمد بن عبدالله بن عمرو المروزی ، محمد بن عبدالصمد النیسابوری ابوبکر الاسفراینی محمدبن عبدالله بن محمدبن مخلد الهروی ابوالحسن المخلدی ، محمدبن عبدالملك بن سلمه النیسابوری ، محمدبن ابی عیاض النیسابوری ، ابوعبدالله الواعظ الزاهد ، محمدبن عیسی النیسابوری نزیل مکه ، محمدبن علی بن ابرهیم ابوعبدالله الحافظ

Marfat.com

المروزی ، محمدبن عمربن هشام الحافظ ابوبکرالرازی وتوفی بمرو ، محمدبن علی بن علویةالفقیه ابوعبدالله الجرجانی الرزاز من ائمة عصره للشافعیین ، محمدبن عمروبن سلیمن بن عبدالرحمن بن عبدالله النیسابوری وهوابوبکر بن عمرویه الملقابادی، محمدبن عمربن العلا العامری ابوعبدالله الجرجانی الصیرفی ، محمدبن علی بن الحسن النیسابوری ابوعبدالله ، محمدبن عبدبن عامربن مرداس بن هرون السعدی توفی فی۔ البادیه ، محمدبن عمروبن جبریل النیسابوری من رستاق بیهق ، محمدبن عمروبن خالد ابوبکرالبلخی ، محمدبن علی بن الحسن ابوعبدالله المرقدی ، محمدبن علی بن رافع التمیمی الحافظ ابوبکرالبلخی ، محمدبن العباس بن الحکم المروزی ، محمدبن عبدربه النیسابوری ، محمدبن علی بن سعیدبن جریرالنسوی ابوعبدالله ، محمد بن علی بن عثمان بن حمزة الانصاری ابوعبدالله المدنی ، محمدبن علی بن الحسن بن خلیل النیسابوری ابوعمر والقطان المجاور برباط قراره ، محمدبن عبدالله النیسابوری محمدبن عبدالله بن مهدی بن ابی المهدی النیسابوری ابوبکر الشعرائی من قصبه المهرجان کثیر الرحلة والحدیث ، محمدبن ابو عبیدالله الحافظ الملقب بقرطمة البغدادی ، محمدبن عمروبن الربیع بن سلیمان الطافی ابوعبدالله الطوسی ، محمدبن علی القاضی ابوعبدالله المروزی المقلب بالخیاط الزاهد العابد المجتهد فله قضاء نیشابور ، محمد بن علی بن ابرهیم المروزی ابوتراب ، محمدبن العباس بن یوسف بن القسم بن سلیمان بن سلیط النیسابوری من المدینه الداخله ، محدبن علی العمری ابوجعفر الشافعی سکن بنشابور ، محمدبن فراس ابوعبدالله الاسفراینی النیسابوری ، محمدبن الفضل محمدبن الطیب ابوالحسن النیسابوری و ملقب بفوزالبشتی ، محمدبن فوزبن عبدالله بن مهدی النیسابوری ابوبکرالعامری ، محمدبن الفضل بن عصمة النیسابوری،محمد بن قتیبة بن عبدالله بن موسی النیسابوری ابوبکر الاسفراینی ، محمدبن القاسم ابونعیم

Marfat.com

صاحب الرباط هراوه ، محمدبن قبیصته اللقابادی ابوبکر النیسابوری ، محمدبن کرام العابد ابوعبدالله السحری وقیل انه من بنی قرارمولده بقریةمن قری زرنج و نشأ بسجستـــان وحصل عنداحمدبن حرب فی خراسان ، محمدبن اللیث ابو عبدالله النیسابوری محمدبن محمدبن رجابن الستدی ابو بکر النیسابوری من اهل اسفراین،محمدبن المسیب بن اسحق بن ادریس النیسابوری ابوعبدالله الارغنانی و کان من العبادالمحتهدین، محمدبن المنذربن سعیدبن عثمان الهروی ابوعبدالرحمن شکر ، محمدبن ماهان الجوینی ، محمدبن منصور النیسابوری من اهل اسفراین ، محمدبن محمدبن شاد النیسابوری ابوعبدالله الرادسانی ، محمدبن محمدبن سعیدبن عبدالحمید الانصاری ابونصرالمقیم بنشابور،محمدبن موسی الواسطی ابوبکر الصوفی صاحب الاحوال قد سکن بنیسابور مدة ثم سکن بمرو و صارله بها اصحاب من افضل المسلمین وتوفی بها ، محمدبن مهران النیسابوری ، محمدبن مصر بن معن المروزی ابومضر الرباطی صاحب الاخبار و الحکایات ، محمدبن نصرالامام ابو عبدالله المروزی الفقیه العابد العامل امام اهل الحدیث فی عصره بلامدافعه وتوفی بسمرقند فی المحرم سنه اربع و تسعین ومأتین وقیل رجال خراسان اربقه ، عبدالله بن المبارک ویحیی بن یحیی واسحق بن ابرهیم الحنظلی و ابو عبدالله محمدبن مضر المروزی ، محمدبن نعیم بن عبدالله النیسابوری ابوبکر المدنی وذلك ان منزله ومسجده فی المدینه المداخله فنسب الیها من اعیان المحدثین الثقات الاثبات ، محمدبن النصر بن سلمة الحرودبن یزید ابوبکر الجارودی شیخ وفیه وعین علماء عصره خطأ و کمالا وثروة وختطة المشهوره ومسجده فی المربعة الصغیره والجارود جدابیه صاحب ابی حنیفه ، محمدبن نصر الفراء النیسابوری محمدبن هاشم بن زیاد الترمدی ، محمدبن هارون بن سعیدبن عبدالحکیم السمرقندی

Marfat.com

الکاغذی ابو نصر ، محمدبن یحیی بن سهل النیسابوری ابوبکر المطرز والمسجد فی المربعه منسوب الیه وهی خطه کثیره لاهل الحدیث، محمدبن یحیی بن خالدبن مهران النیسابوری ابوبکر الاعوج، محمدبن ابی یزید بن صالح الفرا النیسابوری ابواحمدبن ابی خالد ، محمدبن یاسین بن النصر بن سلیمن بن ربیعه الباهلی ابوبکر الفقیه النیسابوری محمدبن یاسین بن النصر ابواحمد النیسابوری الفقیه اخو ابوبکر ، محمدبن یحیی بن خالد ابویحیی المروزی ، محمدبن یحیی بن عبدالرزاق البخاری ، محمدبن یحیی بن مهران ابوبکر المستملی النیسابوری ، محمدبن یوسف بن معقل ابوعبدالله النیسابوری الاموی ، محمدبن یوسف بن سعید ابوحمزه النسوی ، موسی بن اسحق بن موسی الحطمی ابوبکر الانصاری القاضی ، موسی بن هرون بن عبدالله الحافظ ابوعمران البزاز ، موسی بن محمدبن موسی النیسابوری الذهلی ابوعمرو الاعین ، موسی بن عبدالمؤمن النیسابوری ابوالعباس البشتی محدث مفید واسع الرحله ، موسی بن الحسین بن عبدالرحمن النیسابوری ابوعمران البیهقی مضارب بن ابرهیم النیسابوری ، ابوالفضل الادیب وکان اوحد عصره بنیسابور فی الادب والخو ، مذکور بن الحارث النیسابوری ابواللیث البوزجانی ، مطهر بن محمدبن یحیی النیسابوری ، ابوعلی منصور بن علی بن عبدالله النیسابوری ابونصر السختیانی ، منصور بن اسد النیسابوری ، مکی بن محمدبن احمدبن ماهان ابوالعباس البلخی ؛ مکی بن عبدالغفار النیسابوری مسدد بن قطن بن ابرهیم النیسابوری ابوالحسن القشیری وکان مزکی عصره والمقدم فی الزهد والورع واکبر بیت فی العلم بنشابور بیته من الطرفین جمیعاً، موقل بن الحسن عیسی بن ماسرخسی النیسابوری ابوالوفا الماسرخسی شیخ بنشابور فی عصره ابوة وثروة وکمال عقل وکرماً حتی یضرب به المثل فی ذلك، محمود بن هزیمة النیسابوری المقری ، محمود بن عبدالرحمن البلخی مقبل بن رجا الطوسی ، محبیب بن ابرهیم بن سلیمن بن

Marfat.com

خالدالعبدى النيسابورى الميدانى ، نصربن بشر النيسابورى ، نصر بن محمدبن الحراث بن نصربن المفلس النيسابورى ابوالليث ، نصربن عمارةبن يحيى بن العباس بن عبدالرحمن بن سالم الخرزجي ثم الانصارى النيسابورى ابوالليث ؛ نصربن احمدبن اسدبن نوح ابوالليث السامانى الاميروهوا خوالاميرالماضى اسمعيل بن احمد واكبرالاخوه نصربن احمدبن نصرالحافظ ابومحمدالكندى البغدادى اخوائمةالحديث ويعرف بنصرك البغدادى؛ النصربن سلمةبن عبدالله النيسابورى اللغوى ابوسلمة التميمى محمدبن احمدبن يوسف السلمى ابواسمعيل نعيم بن الفضل ابوالفضل النيسابورى ؛ هارون بن عبدالصمدبن عبدوس بن حسان النيسابورى ابوموسى الدخى ، هارون بن هشام النيسابورى ابوموسى الاستوايى ، هارون بن محمدبن منخل بن قاسم القرسى ابوموسى النيسابورى ، همام بن احمدبن يزيدبن عبدالله النيسابورى ابواحمدالعابد، يحيى بن منصورالزاهدالحافظ ابوسعيد الهروى امام بلده فى عصره ، يحيى بن زكريا بن حرب النيسابورى ، يحيى بن زكريابن يحيى النيسابورى ابوزكرياالاعرج ؛ يحيى بن عبدالله بن سليمن النيسابورى ، يحيى بن عمرالنيسابورى يحيى بن مختارالنيسابورى، يحيى بن زكريابن يحيى بن ناصح التميمى النيسابورى يحيى بن محمدبن حمادبن داود الثعلبى الكوفى سكن بنشابور ، يحيى بن محمدبن غالب ابو زكريا العابد النسوى ، يحيى بن نوح بن عمر ابوزكريا العابد النيسابورى ، يحيى بن المثنى النيسابورى ابوزكرياالشعار ،يعقوب بن يوسف بن يعقوب النيسابورى ابويوسف السوسى من كباراهل نيسابور من بيت العداله والثروه، يعقوب بن سليمن النيسابورى ابويوسف الاسفراينى ، يعقوب بن يوسف بن يعقوب النيسابورى ابويوسف الاخرم الشيبانى الفقيه ؛ يعقوب بن يوسف بن معقل بن سنان الاموى النيسابورى ابوالفضل الوراق ولد ابى العباس الاصم والخطه منسوبة اليه يقال سكه يعقوب الوراق فى محلة الزمجار ، يعقوب بن اسحق بن

Marfat.com

ابرهیم بن یزید النیسابوری ابوعوانة الاسفراینی من علماء الحدیث ومن الرحاله فی اقطار الارض مطلب الحدیث ، یوسف بن موسی بن عبدالله بن خالدبن حموك ابویعقوب المروروذی من اعیان محدثی خراسان المشهورین بالطلب والرحله وتوفی بمروالرود سنه ست وتسعین ومأتین ، یوسف بن یعقوب بن یوسف ابوعمرو النیسابوری نزیل بغداد یوسف بن الجوزجانی ابویعقوب العابد النیسابوری ، یوسف بن ابرهیم النیسابوری ابویعقوب الماکیانی،یونس بن ابرهیم بن النصر ابومحمد النیسابوری .

ذکر الطبقة السادسة من العلماء النیسابوریین ومن سکنها وحدث فیها من علماء المسلمین رضی الله عنهم

احمد بن اسحق النیسابوری ابوحامد الاسفراینی ، احمدبن اسحق بن ابرهیم بن موسی الحیری ، احمدبن ابرهیم بن احمدبن حاجب النیسابوری ابوسعید الحاجی وکان ملقب بحمدان ، احمدبن ابرهیم بن داود النیسابوری المیدانی من میدان زیاد وتوفی سنه خمس عشرو ثلث مأئه احمدبن ابرهیم بن شاذان بن عبدالله النیسابوری ابوحامد الحفاف ؛ احمدبن اسحق ابوحامد البزاز النیسابوری ، احمد بن اسمعیل بن جبریل النیسابوری ابوحامد المقری الصرام وکان من کبار قراء المجتهدین ، احمدبن بشر بن محمود النیسابوری ابویحیی الاسفراینی ؛ احمدبن جعفر بن مشکان النیسابوری ابوحامد الخفاف ، احمدبن جعفر بن احمدبن بکر بن زیاد ابوحامد الشیبانی النیسابوری، احمدبن حمدان بن علی بن سنان النیسابوری الزاهد العابد ابوجعفر بن حمدان الحیری وکان مجاب الدعوة وتوفی رضی الله عنه سنه احدی عشر وثلثمائه بنشابور قبل ابی بکر محمدبن اسحق بن خزیمه ، احمدبن حمدویه بن موسی النیسابوری ابوحامد المؤذن وکان من اعیان الصالحین جاورمکه خمس سنین احمدبن حامدبن ابی حامد ابوعمر

Marfat.com

الشاشي ، احمدبن الحسين النيسابوری ابوحامد السراج ، احمد بن الحسين بن محمدبن عبدالله بن بكر بن جعدالمذكر ابوحامد النيسابوری المعروف بالدقاق، احمدبن جعفر بن عمير المروزی ، احمدبن السری بن سهل النيسابوری ابوحامد الجلاب و كان مسكنه كالماباد ، احمدبن سعيد العابد النيسابوری ، احمد بن شاذان بن محمد النيسابوری ابوالعباس الاسفراينی ، احمدبن عبدالرحمن بن محمدبن نصر النيسابوری احمدبن عبدالرحمن ابوحامد السرخكی وهی قرية على باب البلد ، احمدبن عبدالرحمن بن يحيى بن سعيد النيسابوری ابوبكر الجودی ، احمدبن عبدالرحمن بن اسمعيل النيسابوری ابوحامد الجلودی ، احمدبن علی بن الحسين بن شهريار الحافظ النيسابوری المقدم العالم بالحديث صاحب المصنفات الكثيرة المفيدة وروى عنه حفاظ الدنيا فی عصره و كان ابوه من الری سكن بنشابور وبها نشأ ومات وقيل مات فی سنه خمس عشره وثلثمايه بالطابران من طوس و هو اربع و خمسين سنه ، احمد بن عبيد بن عبدالعزيز ابوطاهر النسوی ، احمدبن عبدالله ابوحامد الذهلی النيسابوری احمدبن محمدبن الحسين الحافظ ابوحامد بن الشرقی النيسابوری صاحب الصحيح وتلميذ مسلم بن الحجاج واحده عصره فی المغرقه ومات فی رمضان سنه خمس وعشرين وثلثمايه ودفن فی مقبرة شاهنبر والخطة المشهوره بالشرقيين فی اعلی الزمجار ؛ احمد بن محمدبن همام ابوالحسين النيسابوری، احمد بن محمدبن السعيد النيسابوری ، ابوبكر بن ابی الحجارة شيخ معروف ويسكن سكة الخندق ، احمد بن محمدبن اسحق ابوحامد الوراق النيسابوری ، احمد ابوعلی النيسابوری احمدبن محمدبن حامدبن منصور بن الفضل البزاز الطوسی ابوحامد سكن بنشابور

وقال الحاكم واظنه نيسابوريا ولی قضاطوس ونسب اليها ، احمدبن محمدبن يحيى النيسابوری ابوالحسن الرازی احمدبن محمدبن علی الفقيه ابوخاتم النيسابوری و يعرف بالسحری، احمد بن محمدبن ابوحامد الغازی، احمدبن محمدبن رنحويه الموازينی، احمدبن

Marfat.com

محمدبن ادم الساسی، احمدبن محمدبن عبدالرحمن بن سر الحکیم العبدی، احمدبن محمدبن الحسین النیسابوری ابوالحسین الحداسی ، احمدبن محمدبن عمر بن جعفر بن حفص محمد النیسابوری ابوعمروالسمسار و کان من المتعصبین لاهل السنه الباذلین للمال و الجاه و کان ابومجاب الدعوة ، احمدبن محمدبن موسی النیسابوری ابوحامدالقلاسی، احمدبن محمدبن یحیی بن بلال البزاز ابوحامدالمعروف بالخشاب النیسابوری مدفون فی باب معمر، احمدبن محمدبن اسحق بن ابرهیم بن عمارالخزرجی ابوعمروالمزکی احمدبن محمدبن الحسین بن قریش الماهیانی ابونصرالمروزی الغازی سکن بنیسابور حتی مات بها ، احمدبن محمدبن حمدان المؤدب ابوحامد النیسابوری ، احمدبن محمدبن صالح النیسابوری ، احمدبن محمدبن عبدالله النیسابوری ابوعبدالله العمری ، احمدبن منصورالمروزی الاحول ، احمدبن محمدبن معروف النیسابوری ، احمدبن نصربن محمدبن اشکات النجاری ابونصر الزعفرانی، احمد بن یونس بن ابرهیم بن النصرالنیسابوری ابوالعباس ، احمدبن یوسف الصابونی الفقیه ابوالحسن المناظر ، احمدبن یحیی بن سعیدالنیسابوری ابوحامدالکردی ،ابرهیم بن محمد بن نصر النیسابوری ابواسحق الکرامیسی ، ابرهیم بن الحسین بن محمد ابواسحق المقری ، ابرهیم بن محمدبن ابرهیم ابواسحق النیسابوری الفقیه و کان یعرف بالخدامی من باب عروه سکه خدام وهومن اجلة الفقها لاهل الرأی ، ابرهیم بن احمدبن محمدالنیسابوری ابواسحق السختیانی ، ابرهیم بن اسحق بن ابرهیم الادیب النیسابوری ابواسحق المروزی ، ابرهیم بن محمدبن مرشد النیسابوری ابواسحق المعدل النیشابوری ، ابرهیم بن ابی مطیع ابواسحق النیسابوری القطان ، ابرهیم بن محمد بن قمیصه ابواسحق النیسابوری ، ابرهیم بن محمد ابواسحق النیسابوری المعروف بالابیوردی ، ابرهیم بن احمدبن الحسن ابواسحق النیسابوری المعروف بالبغدادی ، ابرهیم بن محمدبن ابرهیم بن شداد

Marfat.com

النيسابورى ابواسحق الشدادى الحاكم ، ابرهيم بن على بالويه ابواسحق البلخى ، ابرهيم بن محمد ابواسحق الرييس البسطامى سكن بنسابور بباغ الدارس و بهامدرسته وداره اللتى بناها لاهل الحديث ابرهيم بن سيمجور ابواسحق الامير بن الامير العادل بن العادل ولى بنسابور سبع ستين فصارت ايامه تاريخا فى العدل و توفى ببخارا فى سنه خمس وثلثين وثلثمائه ابرهيم بن عبدالله ولقب عبدالله بن عبدوس بن احمد بن جعفر الحرش ابواسحن العدل النيسابورى من محلة الحيره ، اسمعيل بن ابرهيم بن عمال الخرزجى الانصارى ابومحمد النيسابورى ، اسمعيل بن ابرهيم بن عبدالرحمن النيسابورى اسمعيل بن مطرب بن بحر بن سنان النيسابورى ابوعبدالله الزمجارى ، اسحق بن ابرهيم بن عبدالملك النيسابورى ابويعقوب الهجرى محدث جرجان فى عصره اسحق بن عيسى بن يونس ابو يعقوب المرجانى ، اسحق بن محمد بن عبدالله النيسابورى ابويعقوب الجنابدى ، اسمعيل بن محمد ابويعقوب الوراق النيسابورى و كان من الصالحين ، الياس بن محمد بن يوسف بن حفص ابويحيى الطوسى ، احمد بن على بن الحين القاضى الترمذى ، بكر بن محمد بن اسحق بن خزيمه ابونصر النيسابورى قال الطاهر محمد بن الفضل بن اسحق توفى عمى ابوالنصر سنه ثلاث وعشرين وثلثمائه يروى عنه هذا البيت،

لسان الفتى نصب و نصف فؤاده ... فلم يبق الاصورة اللحم والدم

و كاين ترى من ساكت لك معجب ... زيادته اونقصه فى التكلم

بكر بن عبدالله بن محمد القاضى ابوعلى بن ابوبكر الحنال الرازى وقدروى وحدث بالمناكير بكر بن محمد بن عبدالله النجارى، بشر بن العباس بن الاشعث المروزى، جعفر بن محمد بن احمد بن بحر بن التميمى ابومحمد النيسابورى جعفر بن احمد بن عمرو ابو محمد النيسابورى جعفرك الغازى، الحسين بن محمد بن الحسن بن ابرهيم القاضى ابوعلى الجنابدى ولى قضا بنسابور، ا لحسن بن محمد بن ابرهيم ابوطاهر الجنابدى النيسابورى، الحسن بن

Marfat.com

ابو محمد النصر آبادی السمسار وکان من العباد الحسن بن محمد بن بکر النیسابوری ابوعلی بن خان یحیی بن معاذ، الحسن بن محمد بن جابر النیسابوری ابوعلی الشعیری المعروف بحسن الوکیل، الحسن بن علی بن الحسین جعفر النیسابوری ابوعلی من محله عمر آباد، الحسن بن محمد بن سنان النیسابوری ابوعلی السواق القنطری، الحسن بن محمد بن یاسین بن النصر الباهلی النیسابوری، الحسن بن محمد بن قیس بن صالح النیسابوری ابوعلی البزاز، الحسین بن محمد بن احمد بن یونس بن جندل النیسابوری ابوعلی القهستانی نزل ابوه بنسابور، الحسین بن محمد بن هارون ابوعلی النیسابوری، الحسین بن محمد بن موسی بن محمومه النیسابوری ابوعلی السمسار وکان من اهل الصدق والمعروف بطلب الحدیث والرحلة، الحسین بن فوران النیسابوری، الحسین بن محمد بن بشر النیسابوری ابوعلی الانماطی، الحسین بن نصر النیسابوری ابوعلی الباری وبارقریة من قری بنسابور، الحسین بن هارون ابوعلی المراغی من الرحاله فی طلب الحدیث و توفی بنیسابور سنه خمس عشره و ثلثمائه، الحسین بن اسمعیل بن یحیی النیسابوری ابوعلی الصفار، الحسین بن بحر بن عبدالله المعلم النیسابوری ابوعلی المعروف بالصوفی، الحسین بن محمد بن محمد سام التمیمی ابوعلی الحاکم البلخی، حمید بن محمد بن علی الشیبانی ابوعمر و النیسابوری یعرف بحمید الصبی، حامد بن محمود بن معقل النیسابوری ابومحمد القطان حامد بن محمود محمد النیسابوری ابوالعباس المشهور بابی العباس بن کالیم الشاهد و مسکنه سکة سکش، حامد بن احمد بن محمد بن حبیب ابواحمد المروزی، حامد بن ابی حامد الاشروسنی حدث بنیسابور، حوتره بن محمد النیسابوری ابومحمد البرنودی خلف بن حنظلة بن خاقان السرخسی ابو محمد، زکریا بن محمد بن آثار العدل النیسابوری ابویحیی المیدانی من میدان زیاد، زیدبن یحیی بن الحسین العامری النیسابوری

Marfat.com

ابوالحسین من محله دروان کوس ، سلمین بن داود بن عبداللہ النیسابوری ابوایوب و یعرف بابن داود النسوی و کان ابوہ نزل بنسابور ، سہل بن عبداللہ ابوحاتم السجستانی ، سفیان بن محمد بن حاجب بن محمود النیسابوری ابوالفضل الجوہری و کان من المشہور بطلب الحدیث بخراسان والعراق ومن اہل الثروۃ والافضال علی اہل العلم رحمۃاللہ، سلمہ بن النصر بن سوادۃ بن عقیل القشیری ابوالنصر النیسابوری من باب الدیر، صالح بن نوح بن منصور النیسابوری ابوالفضل الفرہاد جردی ، صدیق بن عبداللہ الرادسانی النیسابوری، طاہر بن یحیی بن قبیصتہ النیسابوری ابوالطیب البلغی، عبداللہ بن محمد بن عمر النیسابوری ابومحمد العطری ، عبداللہ بن محمد بن ابرہیم النیسابوری ابومحمد الزوزنی ، عبداللہ بن محمد صبیح بن عبدالعزیز و ہوابوبکر بن سالم بن عبداللہ عمر بن الخطاب العدوی ابومحمد الجوہری ومنزلہ فی سکہ حمدان

قال الحاکم رحمۃاللہ ومنزل ابی ایضا سکہ حمدان ومسجدہ ومسجد ابی الذی کان علیہ المیذنہ قدیما وقال ابی توفی عبداللہ اخی من الرضاعہ سنہ خمس عشر و ثلثمائہ، عبداللہ بن الفضل بن محمد بن عقیل بن خویلد الخزاعی ابوبکر النیسابوری عبداللہ بن الحسین بن محمد النیسابوری ابوبکر المؤدب، عبداللہ بن محمد بن داود القشیری النیسابوری ابومحمد الدہان، عبدالله بن محمد بن زیاد بن فاضل الفقیہ النیسابوری ابوبکر الشافعی سکن بغداد و کان امام الشافعیین فی عصرہ ، عبداللہ بن محمد بن مسلم النیسابوری ابوبکر عبداللہ بن محمد بن ہاشم بن طرماخ الطوسی ابومحمد و کان مز اعیان المحدثین فی عصرہ، محمد بن علی بن طرخان الباہلی ابوبکر البلخی محدث بلخ فی عصرہ ، عبداللہ بن محمد بن منازل النیسابوری ابومحمد الصوفی المجرد علی الصحۃ والحقیقہ لاعلی مجری العادہ وتوفی رضی اللہ عنہ لیلۃ الخمیس الخامس من ربیع الاول سنہ احدی و ثلاثین وثلثمائہ و دفن فی مقبرہ شاہنبرول. حالات عجیبہ قال ابوعبداللہ الملقابادی

Marfat.com

عاولت عبدالله بن منازل فی طریق الحج و معنا ابوعلی الثقفی و کنا نجتمع و یذکر فضل الجنید بن محمد فنزیر ناشوقا الی لقائه وعبدالله بن منازل ساکت فلما دخلنا بغداد فقمت اناوابوعلی الثقفی وقلنا لعبدالله قم بنا تزورا بالقاسم فقال اذهبا انتما فقلنا الاتجئی فقال لافتعجبنا وذهبنا الیه فزادت مشاهدته علی ما کان عندنا من اخباره فقال لنا اهل صبحکما غیر کما قلنا بلی هل من اصحابنا یعرف بعبدالله بن منازل قال کیف لم یحضرنا قلنا لعله فقال اذا انصرفتما الی فاسئلاه ان یصبحکما قلنا نعم انصرفنا الیه و قصصنا علیه ماسمعنا ووصفنا فلم یتکلم بشئی الی ان اصبحنا الیوم الثانی وعرضنا علیه زیارة ابی القاسم فامتنع قلنا اذا امتنعت فاخبرنا الذی منعك عن زیارة هذا الشیخ فقال لابدان اخبرکم قلنا لاقال ان کان امر ابی القاسم علی ما وصفتموه فامثل ماتسمعوه منه الامثل الطعام الطیب تیناوله الرجل ثم یخرج فضله علی ما ترون و کذلك علم المعرفة انما یلقی الحق الی من شاء من خلقه لطیبه ثم لایخرج بلسانه و لاینطقه الحق الا باردا فلان اکون منحوس الخطه بالکلیه من ابی القاسم احب الی من ان اکون مغبونا آخذ منه اردی ماالقی ویبقی طیبه عنده فاعجبنا کلامه و قمنا من عنده حتی دخلنا ابی القاسم و رحب بناوسالناعنه فقصصنا علیه القصه فبکی ابوالقاسم حتی کادان یغشی علیه وسکت ذلك الیوم ولم ینطق الی ان قمنا من عنده ، عبدالله بن دلشاد النیسابوری ابومحمد الرلعری ، عبدالله بن محمد بن احمد بن نصر النیسابوری ابومحمد العابد ، عبدالله بن محمد بن ابرهیم البحاری ابومحمد الداعونی، عبدالله بن حمشاد بن حندل بن عمران بن حماد ابوعبدالرحمن المطوعی من سکة نوند ، عبدالله بن حمید بن معقل القنطری، عبدالله بن سعید النسوی ، عبدالله بن احمد النیسابوری ابومحمد الوبری ، عبدالله ابن عبدالرحمن بن الحسین القاضی بن القاضی ابوالقاسم الحاکم ، عبدالله بن سلمه المودب ابومحمد النیسابوری، عبدالله بن سعید مخلد الطوسی نزیل بنسابور، عبدالله بن محمد بن

Marfat.com

سلمه النیسابوری ابومحمد البزاز الحافظ ، عبدالله بن محمد بن یعقوب البخاری ابو-
محمد الفقیه الکلابادی المعروف بعبدالله الاستاد، عبدالله بن احمد بن محمد بن الحسین
الماسرخسی ابومحمد النیسابوری ، عبدالله بن اسحق بن یعقوب الکرمانی و غیره ،
عبدالله بن محمد بن الحسین بن الشرقی ابومحمد النیسابوری اخو ابی حامد و کان
اسن منه واسند منه ، عبدالله ابن فارس بن محمد بن علی البلخی ابوظهیر العمری، عبدالله بن
ابی صالح المذکر ابو عبدالرحمن الزاهد المتکلم و کان من المجتهدین فی العباده
ولکن انه رای، رای القدر ، عبید الله ابراهیم بن بابویه النیسابوری ابوالقاسم مزکی
عصره ومن اعیان المشایخ ومسجده المعروف فی سکه معقل، عبیدالله بن محمد النیسابوری
المعروف بعبیدالوراق ، عبیدالله بن یعقوب بن یوسف الرازی ابوالقاسم الواعظ وتوفی
بنیسابور ودفن فی مقبره باب معمر، عبدالرحمن بن محمد بن الحسین بن علی بن احد
النیسابوری ابوالقاسم المذکر الواعظ الادیب الاوحد فی عصره فی صنعته بلا مدافعه
وله کرامات مشهوره رضی الله عنه ، عبدالرحمن بن محمد بن عبد الرحمن السرخسی
المذکر ابوبکر سکن بنسابور الی ان توفی بها ، عبدالرحمن بن محمد بن سلیمان
النیسابوری ابومحمد من قریه بغوحك ، عبد المرحمن بن محمد بن علویه الابهری
ابو بکر القاضی ولی قضاء طوس وابیورد ، عبدالواحد بن سعید النیسابوری ابواحمد
الارغیانی ، عبدالعزیز بن الحسن ابوبکر البردعی العابد ، عبدالعزیز بن محمد الخشاب
ابوعمر النیسابوری و کان من الزهاد یسکن سکة تنکش ، عبدالملك بن محمد بن عدی
الجرجانی ابونعیم الفقیه الاستر آبادنی، عبدالواحد بن محمد بن احمد بن بالویه النیسابوری
ابوالحسن البالوی الحیری ، عبدالواحد بن محمد النیسابوری ، عبد الواحد بن محمد
النیسابوری ، عبدالواحد بن محمد بن هانی ابوحاتم شیخ ال هانی و اشتغل بالفتوة
فصار اوحد اهل بلدنا فیها ، عمر بن علی بن عبدالرحمن الجوهری ابوحفص المروزی
المعروف بابن علل، عقیل بن اسحق ابوحاتم النیسابوری المعروف بعقیل القنارزی

Marfat.com

علی الوراق وهوابن محمدبن احمدبن علی بن عبدالله بن نور النیسابوری ابو محمد من سکه عاصم ، علی بن ابی علی النیسابوری ابوالحسن الزیقی ، علی بن نصر بن عماد الخزرجی ابوالحسن المعروف بابن الحسنك ، علی بن ابراهیم بن معاویه النیسابوری ابوالحسن المعدل وكان من الصالحین ، علی بن محمد بن محمود النیسابوری ابوالحسن الضریر ، علی بن محمدبن احمد النیسابوری ابوالحسن القاضی من راس جوش ابی العنبر ، علی بن الفضل بن طاهر البجلی ابوالحسن الحافظ ، علی بن الحسین بن محمد بن حمدویه السنجابی المروزی ، علی بن قاسم بن علی النیسابوری ابوالحسن الخوافی الادیب الشاعر . علی بن العباس بن سهل النیسابوری ابوالحسین المذكر ، علی بن الحسین الانماطی ابوالحسین النیسابوری ،علی بن محمد الطلحی الكوفی ابوالحسین نزیل بنسابور ، علی بن محمدبن اسحق المروزی ، علی بن سهل بن مصلح النیسابوری ابوالحسین ، عبدوس بن الحسین بن منصور ابوالفضل النصر آبادی ، عمرو بن عبدالله بن درهم النیسابوری المطوعی الزاهد ابو عمرو المعروف بالبصری ،عمرو بن احمد بن محمد بن حمدان النسوی ابوالقاسم نزیل نیسابور ، العباس بن الفضل بن الحسن النیسابوری ابوالفضل المحمد آبادی ، العباس بن منصور بن العباس بن شداد بن داود النیسابوری ابوالفضل الفرید آبادی وهی قریه بباب الباد ، العباس بن محمد موهار النیسابوری ابوالفضل ، العباس بن مرزبان المودب ابوالفضل الاصبهانی نزیل بنسابور ، العباس بن ابراهیم بن العباس النیسابوری ابوالفضل هذا شیخ من اسفراین من قریة كوران ، عمران بن موسی بن حصین السنجری نزیل بنسابور ، عباس بن حمویه بن احمدبن نصر بن زیاد القاضی ابوفضل المسسلی ، فضل بن محمد بن عقیل بن خویلد النیسابوری ابوالعباس و یلقب بفضلان الخزاعی و خطلتهم براس سكته حرب مشهوره ، الفضل بن محمدبن احمدبن مطرف النیسابوری ابوالعباس الكرامیسی ،

Marfat.com

الفضل بن حاتم بن هاشم بن سنان النيسابوری ابو العباس الفضل بن محمد بن اسحق بن خزيمه ابو العباس السلمی وهی اکبر ولد الامام ابی بکر ، القاسم بن عمر بن سلمين ابو محمد النيسابوری اخو ابی العباس الكوكنی ، القسم بن محمد بن الحسين بن زياد بن الحسين بن اسلم النيسابوری ابو محمد الاسامی من باب معمر من سكه ابی دز ، ليث بن محمد بن ليث بن عبد الرحمن المروزی ابو نصر الكاتب ، محمد بن علی بن ابی طالب بن زياد ابو جعفر القزوينی ، احمد بن الحسين النيسابوری ابو احمد بن ابی العباس الماسرخسی ، محمد بن عبد الوهاب الثقی ابو علی الامام المتقدی به فی الفقه والكلام والوعظ والورع والعقل والدين

قال الحاكم سألت ابا محمد عبدالله بن محمد الثقفی عن نسبة جده فال سمعت جدی ابا علی ينتسب ابا محمد بن عبد الوهاب بن عبد الرحمن عبد الوهاب بن عبد الاحد بن ابی بن كعب و هو محمد بن الحجاج بن يوسف بن الحكم و ينتسب الی مصر وقال كان ابی عبد الوهاب امير قهستان فی عهد عبدالله طاهر فولدت بقهستان سنه اربع واربعين ومائتين وقال ابو محمد توفی جدی ابو علی رحمةالله ليلة الجمعه و دفن يوم الجمعه الثالث والعشرين من جماد الاولی سنه ثمان وعشرين وثلثمائه ودفن فی مقبرة قز،وهی ابن تسع و ثمانين سنه رضی الله عنه وارضاه وحالاته مشهوره ، محمد بن جعفر بن ورنه النيسابوری ابو عبدالله المازنی محمد بن محمد بن سعيد النيسابوری ابو العباس البختری ، محمد بن زكريا النيسابوری ابو بكر الكاغذی من مصنفی الحديث ، محمد بن الحسن بن الجليل ابو بكر القطان اسند اهل نيسابور فی مشايخ النيسابور بين فی عصره ، محمد بن حمدون بن خالد بن يزيد بن زياد النيسابوری ابو بكر بن ابی حاتم السلی من اعيان المحدثين و توفی رحمةالله ربيع الاخر سنه عشرين و ثلثمائه ودفن فی مقبره الحيرة ، محمد بن عمرو بن هشام بن الزبير النيسابوری ابو احمد البزاز مسجده وداره فی ميدان

Marfat.com

زیاد، محمد بن سعید بن اسمعیل النیسابوری الفقیه ابو بکر بن ابی عثمان الزاهد، محمد بن عبدالله بن العنبر بن عطاء بن العنبری ابو عبد الله النیسابوری و کان من اعیان وجوه بنسابور، محمد بن عبدالرحمن الاصبهانی ابو جعفر الارزنانی من الحفاظ الاثبات، محمد بن محمد بن یوسف قاضی القضاة بخراسان ابو ذر البخاری محمد بن خالد بن احمد الذهلی الامیر، محمد بن علی بن زیاد النیسابوری ابو الفضل السمدی، محمد بن حمویه بن عباد النیسابوری ابو بکر طهمان محمد بن الرومی ابو عبدالله الزمجاری، محمد بن ابرهیم بن عبدویه بن سدوس بن علی بن عبدالله الهذلی ابو عبدالله العددی النیسابوری المعروف بکثرة السماع و الرحله و التصنیف، محمد بن حمدویه بن سهل الغازی ابو نصر المطوعی المزوری، محمد بن الحسن بن اسحق النیسابور ابو جعفر الصوفی ویقال له الاصبهانی لان اباه من اصبهان، محمد بن احمد بن ابرهیم الوراق ابو بکر الخیاط الهروی، محمد بن شریك بن محمد ابو بکر الاسفراینی، محمد بن سعد بن حمدویه النسوی ابو عبدالله، محمد بن عمران بن موسی النسوی ابو جعفر الشرمغولی قریه بنسابور، محمد بن عبدوس بن العلا النیسابوری ابو بکر الاهاری محمد بن احمد بن قریش بن یحیی النیسابوری ابو بکر الکاتب ویعرف بالابرص ومسکنه محلة باب الدیر وهو من اهل الصدق، محمد بن شعیب بن ابرهیم بن شعیب النیسابوری الفقیه ابو الحسن ابو الحسن العجلی البیهقی، محمد بن هرون بن منصور النیسابوری ابو سعید المسکی وکان من الاعیان فی الحدیث و العقل والثروة و السخا، محمد بن علی بن الحسین البلخی ابو عبدالله الختلی، محمد بن احمد بن ابراهیم ابو بکر النیسابوری الصوفی، محمد بن جعفر بن سلیمان النیسابوری ابو بکر الصیرفی محمد بن همام بن معویة النیسابوری ابو عبدالله الهلالی، محمد بن الحسین بن اسحق المقری النیسابوری ابو عبدالله، محمد بن محمد بن صدیق النیسابوری ابو حامد محمد بن یحیی ابو بکر النیسابوری، محمد بن حسن بن عمرو بن عروة النیسابوری

Marfat.com

ابوعمرو الزمجاری ، محمدبن ابرهیم بن عبدالله النیسابوری ابوبکر الخاررنجی ، محمدبن الفضل بن عبدالله النیسابوری ابوالفضل ، محمدبن اسعمیل بن عیسی الجرجانی ابوعبدالله المستملی ، محمدبن یعقوب بن اسحق الجوهری ابوبکر النیسابوری ، محمدبن عمرو بن سلمة بن هشام النیسابوری ابوبکر البزاز، محمدبن ابرهیم بن شاذان بن عقیل النیسابوری المذکر ابوبکر الاکارعی الشعرانی ، محمدبن احمدبن الحسن بن زیادالقیمی ابوالفضل النیسابوری الزورابدی وخطهتم باب معاذ سکةالرشنه ، محمدبن احمدبن فوران النیسابوری ابوبکر الدهان ، محمد بن ابراهیم بن فوران النیسابوری ابوعبدالله ، محمدبن اسحق بن محمدبن ابوتراب الموصلی، محمد بن اسحق بن عبدالله النیسابوری ابواحمدالشاد یاخی ، محمد بن احمد بن زهیر بن طهمان القیسی ابوالحسن الطوسی محدث کثیر الحدیث و التصنیف ، محمد بن الحسن بن حمید بن معقل النیسابوری ابوبکر الهوام ، محمد بن علی بن حمویه النیسابوری ابوالعباس العطار، محمدبن حسنویه بن علی النیسابوری الشیخ الصالح ابوبکر،محمدبن منصور بن عبدالله الزاهدالنیسابوری ابوعبدالله وکان مجاب الدعوة رحمةالله محمدبن حمدان بن سهل بن موسی النیسابوری ابوبکر الصانع،محمدبن عبدوس النیسابوری ابوعبدالله السیسر آبادی، محمدبن علی بن الحسن النیسابوری ابو جعفر النحتری ، محمدبن احمدبن عبدالوهاب النیسابوری ابوعبد الله التاجر ، محمد بن هارون بن مطرف بن اسحق النیسابوری ابو جعفر و یعرف بابی المطرفی ، محمد بن حسنویه بن اسمعیل النیسابوری ابوبکر الفانی، محمدبن احمدبن الفضل النیسابوری ابواحمدالشخنانی ، محمدبن احمدبن اسمعیل الحثعمی و کان قاضی الری ، محمدبن احمدبن عمرویه النیسابوری ابوعبدالله البیلی الشاهد ، محمدبن سلوان الکرابیسی ابوبکر النیسابوری، محمدبن سهل بن عبدالله النیسابوری ابوعبدالله المؤدب، محمدبن

Marfat.com

احمدبن الحسن النیسابوری ابوبکر الکاتب ، محمدبن احمدبن اسدبن مشکان النیسابوری ابوعبداله المروزی ، محمدبن موسی بن معاویة النیسابوری، محمدبن ابراهیم بن اسمعیل الطوسی نزیل نیسابور ،محمدبن موسی بن محمدبن زهیر النیسابوری ابوحاتم السختیانی ، محمدبن عقیل بن فضاله النیسابوری ابوبکر ، محمدبن علی بن الحسن ابوعبداله البخاری ، محمدبن الحسین بن الهیثم ابوبکر الخزاعی البصری ، محمد بن عبداله بن معقل بن بشر بن حسان بن حسان الهروی المزنی، محمدبن جعفر ابو عبدالله القصاب النیسابوری ، محمدبن جعفر بن محمدبن نصرویه النیسابوری، محمدبن الحسین بن محمویه ابوبکر العابد النیسابوری ، محمدبن عبداله ابوالفضل السختیانی النیسابوری، محمدبن الحسین ابوعبدالله الباغکی النیسابوری من محلة باغاك ، محمدبن الحسن بن ابی سعد یحیی بن منصور ابوافضل الشهید الحافظ الهروی ، محمدبن احمدبن حمویه ابو عبداله المزوری ، محمدبن احمدبن هارون بن حنان النیسابوری ابوعبدالله القرشی ، محمد بن ابی سهل الرباطی المزوری محمد بن الحسین بن معاذ النیسابوری ابوالحسین المازلی ،محمدبن یعقوب بن داود الفارسی ابوعبدالله الموسدخابی، محمد بن احمد بن هلال ابوالنصر السمرقندی ، محمد بن یعقوب ابوجعفر الواعظ الطبری ، محمدبن عبدالرحیم الشاشی، محمدبن حمویه النیسابوری ابوعبدالله الحزکی، محمدبن محمدبن ابراهیم النیسابوری ابوبکر النسوی ، محمدبن الطمعون ابوبکر بن محتاج الامیر صاحب جیوش خراسان ، محمدبن عبدالرحمن بن محمد الفقیه ابوالعباس الدعولی امام عصره بخراسان اقام بنیسابور مستفیداً ، علی بن محمدبن یحیی الذهلی وعبدالرحمن بشر واقرانهما سنین وبعدمحمدبن اسحق وابوالعباس السراج ما کان احمد مثله ، محمدبن احمدبن یوسف السلمی ابوبکر النیسابوری ، محمدبن الفضل بن محمد بن المسیب الشعرانی النیسابوری ابوبکر البیهقی، محمدبن نصر بن عمار الانصاری ابوبکر النیساری، محمدبن اسحق بن ابراهیم بن عمار الخزرجی الانصاری ابولحسن النیسابوری

Marfat.com

روی عن فضیل بن عیاض وکنا نستطب اذا مرضنا فصارهـلاکنا بیدالطبیب فکیف نجـز غصتنا بشئی ونحن نقص بالماء الشریب، محمدبن یحیی بن سعید النیسابوری ابوبکرالجلودی ، محمدبن احمد بن علی الرئیس ابوالحسن ابن ابی عبدالرحمن النیسابوری المعروف کان ابوه بابی عبدالرحمن العانخدی وکان ابی الحسن رئیس بنیسابور فضایله کثیره رحمةله، محمدبن عبدالله بن محمد بن رجابن سعیدبن علوان الوریز ابوالفضل البلعمی رضی الله عنه واحد عصره فی الرای والعقل و اجلال العلم و اهله ، محمد بن محمد بن الفضل ابوالحسن الشعرانی الطوسی سکن بنسابور ، محمد بن محمد ابوعلی القصاب الهروی، محمد بن علی ابوبکرالنیسابوری ابن اخت مسلم بن الحجاج، محمد بن احمدبن محمدبن زیاد النیسابوری ابواحمدالملقب وکان وجوه البلد ، محمد بن یونس بن ابرهیم بن النصر بن عبدالله النیسابوری ابوعبدالله المقری الشعرانی ، محمد بن عثمان ابوالطیب القطان النیسابوری و کثرالمقام ببغداد محمد بن محمدبن عثمان ابوالسهل القطان ابن ابی الطیب، محمد بن عمر-بن جمیل ابوالا حرز الطوسی الاصم ، محمد بن احمد بن دلویه النیسابوری ابوالحسن الصیدلانی ، محمد بن الحسین بن علا ابوالعباس الزبیری النیسابوری من المدینة الداخلة، محمد بن احمد بن علی النیسابوری الادیب ابوبکرالعجلی، محمد بن علی بن محمد ادریس النیسابوری ابوعمروالمزکی، محمد بن قریش ابواحمد المرورودی شیخ بلده ، محمد بن الحسین بن یزیدبن عبدالرحمن ابواحمد الورای المعروف بالحافظ وکان اهل طوس یسمونه النیسابوری و اهل نیسابور الطوسی و کان من نیسابوری من محله الحیرة ، محمد بن احمد بن محمدبن معقل ابوعلی المیدانی من میدان زیاد ، محمد بن عمر بن حفص بن محمد العابد ابوبکر و کان من المجتهدین لایشتغل الا بالصلوة والقرائة ولما توفی رغبت الخلائق فی الصلوة

Marfat.com

علیه اکثر من الاعیاد ، محمد بن الطیب ابوالنصر الکشتی الزاهد ، محمد بن علی بن الحسن بن مهران بن عفان النیسابوری الحافظ ابوبکر التجار ، موسی بن العباس بن محمد النیسابوری ابوعمران الجوینی من ازادوار و هوصنف علی کتاب مسلم الحجاج، مکی بن عبدان بن محمد بن بکر بن مسلم بن راشد النیسابوری ابوحاتم التمیمی ، مسعودبن علی بن الحسن المروعی ابوالقاسم الجوال فی طلب الحدیث بمصر والحجاز ، معتزبن احمد بن یحیی الزمی من زم جیحون ابواحمد الحاجی ، محمود بن احمد بن عطا القهستانی نزیل نیسابور ، یحیی بن محمود بن عبدالله بن اسد النیسابوری ابوزکریا البرنودی ، یحیی بن عبدالرحمن النیسابوری ابوزکریا التیممی المعادی ، یعقوب بن محمد بن ماهان النیسابوری ابویوسف الصیدلانی ، یعقوب بن اسحق بن الجعد النیسابوری ابویوسف الجعدی شیخ من المشهورین یعقوب بن یوسف بن عاصم ابوالفضل العاصمی البخاری شیخ اهل بلدة فی عصره ، یعقوب بن محمود المقری ابویوسف النیسابوری من کبار القرا ، یعقوب بن یوسف بن یوسف ابویعقوب المکاتب مرتع بشسفروش یوسف بن جمیع النیسابوری .

قال الحاکم رضی الله عنه هذه اسامی المشایخ الذین مارزقت السماع عنهم من هذه الطبقه فنشرع الان فی اسامی الذین ادرکتهم ورزقت السماع منهم بنسابور من هذه الطبقه ایضا علی الترتیب المذکور .

احمد بن اسحق بن ایوب بن یزید بن عبدالرحمن بن نوح النیسابوری الفقیه ابوبکر، الامام، المفتی، المتکلم، الغازی، الرئیس، الزکی واحد عصره، رضی الله عنه توفی شعبان سنه اثنی و اربعین و ثلثمائه وهوابن اربع و ثمانین واشهر و مناقبه کثیره من الفقه والاصول والحدیث الفروسیة مقدم فی عصره فی جمیعها بلامدافعه، احمد بن ابراهیم المعدل الصیدلانی ابوبکر النیسابوری، احمد بن ابراهیم بن اسمعیل الامام اسماعیلی النیسابوری

Marfat.com

واحد عصره و شيخ الفقها والمحمدثين و مات بجرجان، احمدبن اسحق بن عبدويه ابونصر العبدوى النيسابورى رئيس نيسابور ، احمد بن ابراهيم بن مالك بن سعيد الرازى ابوسعيد الصوفى نزيل خانقاه الشيخ ابوبكر بن اسحق، احمد بن ابراهيم بن محمد بن عبدالله بن الحسين الفارسى ابوحامد المقرى نزيل بنسابور، احمدبن اسمعيل بن يحيى خادم الارزى ابوالفضل الاسماعيلى من وجوه نيسابور و اولاد العرب، احمدبن ابراهيم احمد بن عبدالله الرقى النيسابورى وردجده من الرقه جاء ايام الطاهريه ، احمد بن ابراهيم بن عبدويه بن سدوس الهذلى ابوالحسن العبدوى النيسابورى الزاهد اخوابى عبدالله العبدوى .

احمدبن ابراهيم بن عبدالله الفقيه ابوسعيد الا صبهانى وكان مولده بنسابور، احمد بن ابراهيم بن محمدبن يحيى ابوحامد المزكى النيسابورى، احمد بن اسحق بن ابراهيم بن يزيد العدل ابوالحسن النيسابورى والدابى عمروالصغير، احمدبن بالويه ابوحامد العصفى النيسابورى، احمد بن بندار ابو زرعة الاسترابادى اقام بنسابور مدة ، احمد بن بسام ابوالحسين البغدادى.احمدبن جعفر بن سليمان ابوحامدالبزاز النيسابورى من دارابجرد، احمدبن الحسن بن منده ابوعمروالاصبهانى نزيل بنسابور،احمد بن حسنويه على اللبادابوالحسين النيسابورى التاجر، احمدبن الحسن بن الحسين بن منصورابوالحسين النصرآبادى النيسابورى ، احمد بن الحسين بن بندار بن ابان الاصبهانى القاضى ابوبكر الطوسى وتوفى بنيسابور، احمدبن الحسين بن محمد بن على البلخى ابواحمدالفقيه الشافعى،احمدبن الحسين بن احمدبن عبيدبن الحسين بن الضبى ابونصرالمروزى، احمدبن الحسين بن مهران الزاهد ابوبكرالمقرى النيسابورى امام عصره فى القرات وكان اعبدمن رأينا من الفقرا وكان مجاب الدعوة ، احمد بن الحسن بن احمدبن حفص بن مسلم بن يزيدبن على الخرسى النيسابورى ابو بكر

Marfat.com

القاضی، احمدبن الحسین بن احمد ابو نصر الفقیه النیسابوری وهوابن ابی علی الفامی، احمدبن الحسین بن محمدحمویه النیسابوری والحسین یلقب محکومه ابو نصر الوراق احمدبن الحسین بن علی قاضی القضاة بخراسان ابوحامد المزوری وکان ابوه همدانیا احمدبن الحسین الحافظ ابوالفضل الادیب الشاعر، احمدبن الحسین ابوبکر السروری المقری، احمدبن الحسین التاجر ابو العباس الرازی من اعیان کتبه الحدیث، احمدبن الخضر بن احمدبن محمدبن عبدالله نهبك الشافعی ابو الحسن الفقیه النیسابوری، احمدبن داود بن عیسی الهاشمی ابوالعباس الطبری، احمدبن رافع بن الحسین ابویوسف المزوری، احمدبن زیدبن محمدالطوسی ابو نصر التاجر، احمدبن سلیمن بن اسمعیل ابوالسین بن نوح ابوسعید الحیری النیسابوری وکان من الصالحین ، احمدبن سعیدبن اسماعیل ابوالحسین بن ابی عثمان الزاهد النیسابوری، احمدبن سعیدبن نصر بن بکاد الزاهد ابوبکر الواعظ البخاری، احمد بن سهل بن ابرهیم بن سهل الانصاری ابو حامد النیسابوری، احمدبن صالح بن علی المزوری، احمدبن طاهر بن عبدالله بن یزید ابوعلی بن طاهر النسابوری، احمدبن عبدالله بن محمدبن عبدالله بن عبدالله بن محمدبن بشر بن معقل بن حسان بن عبدالله بن معقل المزنی صاحب رسول الله صلی الله علیه وسلم رضی الله عنه وکان امام اهل العلم والجود فی عصره بلا مدافعه وکان من اولیاء السلطان.

وقال الحاکم انه هروی ولکن مات رضی الله عنه ببخارا و یعرف بابی محمد المزنی.

احمدبن عبدالله بن زکریا بن عبدالکریم بن عبدالله بن عبدالعزیز ابوالحسین بن زکریا الفقیه الشافعی الجرجانی ، احمدبن عبدالله بن سعید ابوالعباس الذهلی ، احمد بن عبدالله بن سرمد ابوالحسین الکرابیسی النیسابوری، احمد بن عبدالله بن محمد بن اسمعیل الفقیه الشاهد ابوالحسین الطوائفی النیسابوری، احمدبن عبدالله بن احمد بن محمدبن الحسین ابونصر بن ابی محمدبن ابی العباس الماسرخسی النیسابوری، احمد

Marfat.com

بن علی بن محمدبن ابرهیم بن احمدویه الاصبهانی نزیل بنسابور، احمدبن علی بن عبدالرحیم التاجر ابوحامدالصفار النیسابوری ، احمدبن علی بن محمدالفامی ختن۔ الحاکم ابی علی الجنابدی ابوبکر النیسابوری ، احمد بن علی بن الحسن بن شادان المقری ابوحامدالتاجر العابدالنیسابوری، احمد بن علی بن محمد الوراق ابو عمرو النیسابوری،احمدبن علی بن عمرو بن سلیمق الزاهد البخاری ابوالفضل السلمین، احمدبن عبدوش بن سلمویه الصرام ابوحامدالنیسابوری ، احمدبن العباس بن عبیداللہ المقری ابوبکر الامام البغدادی، احمدبن عبدالعزیز بن محمد بن اسحق بن ابرهیم ۔ اسحق بن ابرهیم الوراق ابوحامد النیسابوری عم ولد ابی عمرو الصغیر، احمدبن عبداللہ بن حمشاد بن محمدالغازی ابونصر التاجر النیسابوری وعاشر اکابر الشیوخ من ۔ المتصوفه ، احمدبن عمر بن سیبویه المزوری ، احمدبن عبداللہ بن محمد ابوصابر الفقیه من اصحاب ابی العباس احمدبن هارون ، احمدبن الفضل بن محمد ابو بکر البزاز ۔ النیسابوری ، احمدبن القسم ابونصر الکاتب ، احمدبن القاسم ابونصر النیسابوری ۔ الکاتب وکان من اعقاب الحسین الفامی ، احمدبن کوفی بن ایوب بن ابرهیم الاصبهانی التاجر ابوبکر ، احمدبن اللیث بن الحسین بن علی الزاهد الخیاط ابواحمدالنیسابوری مجاور الجامع ، احمدبن محمدبن عبدوس العبدی ابوالحسن الطرائفی النیسابوری وکان من اصحاب الصدق و المحدثین ، احمدبن احمد بن سلیمن الحافظ الحنفی ابوالطیب الصعلوکی النیسابوری عم استاد ابی سهل رضی اللہ عنه ومدفون فی مقبرة باغك، احمدبن محمدبن عبداللہ القاضی ابوالحسین النیسابوری قاضی الحرمین وامام الکوفین فی عصره بلامدافعه ، احمدبن محمدبن یحیی المعدل ابوالحسن بن یحیویه النیسابوری واقام ببغداد مدة ثم رجع احمدبن ابرهیم الفقیه الادیب ابو جعفر الجرجانی نزیل بنسابور، احمدبن محمدالقاسم المذکر السرخسی اقام بنیسابور، احمدبن محمدبن

Marfat.com

سهل الفقيه البارع ابوالحسين الطبسى الشافعى، احمدبن نصر بن اشكاب البخارى، احمدبن محمدبن شعيب بن هارون الفقيه الجلابادى النيسابورى من محله جلاباد وكان من الصالحين العباد، احمدبن محمدبن محمدبن ابرهيم بن عبده النيسا بورى التميمى ابوالحسين السليطى، احمدبن محمدبن ايوب الواعظ المفسر ابوبكر الفارسى نزيل بنسابور، احمدبن محمدبن ابرهيم بن هاشم الحافظ ابومحمد البلادرى الطوسى، احمدبن محمدبن اسمعيل بن مهران ابوالحسن بن ابى بكر الاسماعيلى الشاهد النيسابورى احمدبن محمدبن الحسين الواعظ ابوالعباس النصرالدارى، احمدبن محمدبن سهل ابوالحسن بن سهلويه المزكى النيسابورى شيخ اهل الراى فى عصره، احمدبن محمد بن الحسين الخطيب ابوحامد الخسروجردى شيخ كبير، احمدبن محمدبن سعيد بن منصور الواعظ الحافظ ابوسعيد قدجمع الحديث وصنف فى الابواب وهونيسابورى و مات بطرسوس، احمدبن محمدبن يحيى المتكلم ابو بكر الاشقر شيخ اهل الكلام فى عصره بنسابور، احمدبن محمدبن موسى بن كعب الشاهد ابوسعيد الكعبى النيسابورى وكان نقال فن رأس الاوقه منزل واحد يخرج منه محدث وشاهد وفقيه، احمدبن محمد بن الحسين الطوسى ابوتراب الواعظ النوقانى، احمدبن محمدبن عيسى بن الجراح الحافظ ابوالعباس النحاس المصرى، احمدبن محمدبن ابرهيم الواعظ ابوحامد المقرى النيسابورى ويعظى لكل علم حقه، احمدبن محمش بن مهران بن عبدالله الاصبهانى ابوالعباس الكافورى، احمدبن محمدبن الحسين بن على ابوطاهر الطاهرى النيسابورى من محلة جودى، احمدبن محمدبن احمدبن اسحق بن عبدالله ابو العباس بن ابى الحسين المعروف بالصندوقى النيسابورى، احمدبن محمدبن احمد بن بالويه ابو حامد النيسابورى، احمدبن محمدبن عبدالله الاديب اللغوى العلامة ابوعمرو الرزدى النيسابورى والرزد قرية من قرى اسفراين احمد بن محمدبن ابوحامد الحازرنجى

Marfat.com

امام اهل الادب بخراسان فی‌عصره بلامدافعه ، احمدبن محمدبن ابرهیم ابو عمرو ـ الزوزنی الکاتب ، احمدبن محمدبن الحسین البخاری ابونصر الطلاآبادی الکاتب احمدبن محمدبن عبد و س بن حاتم الفقیه ابو الحسن اللحاتمی ابو حاتم الفقیه ـ المزکی المزوری ، احمد بن محمد بن الحسن الفقیه ابونصر الطرائفی النیسابوری احمدبن محمدبن اسحق المعدل ابوعلی البراز النیسابوری، احمدبن محمدبن احمد بن محمدبن یحیی الانماطی النیسابوری ابن بنت ابی الحسین البزاز،احمدبن محمد بن ابرهیم ابو نصر الطبسی التاجر نزیل بنسابور،احمدبن محمدبن جعفر محمدبن یحیی بن نوح ابوالحسین البحتری النیسابوری ، احمدبن محمدبن عبدالله العنبری ابومنصور الصوفی النیسابوری ، احمدبن محمد بن صالح القاضی المنصوری من اهل منصوره، احمدبن محمدبن المومل بن الحسن بن عیسی الحافظ ابوحامد الفقیه الادیب المزکی الطوسی ، احمدبن المنصوربن محمدالحافظ ابوالعباس الصوفی الشیرازی ،احمد بن موسی بن حماد ابوحامدالنیسابوری، احمدبن ابرهیم بن محمدالفقیه الزاهد ابوحامد البغولی النیسابوری، احمدبن محمدبن معقل السرخسی ابوعمرو الکاتب نزیل مزینان، احمد بن محمدبن مسیح بن وکیلی النجفی ابوسعیدالحافظ النسوی ، احمدبن محمد بن الحسن ابوعمرو بن ابی طاهر المحمد آبادی محلة خارج البلد ، احمدبن محمدبن شیرك الفقیه ابوحامد الشافعی الهروی مفتی هراة فی عصره ، احمدبن محمدبن ایوب بن سلیمان القامی ابوحاتم الجوبقی النیسابوری، احمدبن محمدبن عبدالله بن محمدبن عبدالله بن محمد عبدالوهاب الصایغ ابوحامد النیسابوری ، احمدبن محمدبن اسمعیل البغدادی ابوالحسن الخلال، احمدبن محمدبن ابراهیم بن حازم البخاری ابو نصر ـ الحازمی المؤذن ، احمدبن محمدبن حسنویه العابد ابو بشر الحسنوی النیسابوری ، احمد بن محمد بن عمر الزاهد ابو الحسین بن ابی نصر الخفاف المجاب الدعوة

Marfat.com

النیسابوری ، احمدبن محمدبن محمدبن حمویه ابوالوفاالمزکی النیسابوری، احمدبن محمدبن بشر بن العباس ابوسعیدالمعروف بالبصری ولکن هونیسابوری ، احمد بن محمد بن احمدبن سعیدابوسعید بن ابی سعیدالعانی النیسابوری، احمدبن محمدبن جعفر الخواری، احمدبن محمدبن علی بن یحیی ابوالحسن المناشکی النیسابوری، احمدبن محمدبن حامد الفقیه ابوالحسن بن ابی العباس القطان النیسابور توفی سنه اثنی وسبعین وثلثمائه، احمدبن محمدبن احمدبن العطریف بن الحکم البحتری النیسابوری، احمدبن محمد بن همام بن محمدالعبد الصالح ابوعمرو بن ابی العباس بن همام النیسابوری کان یصلی اللیل فاذا اصبح مشی من محلة الی محلة ویأمر بالمعروف وینهی عن المنکر ووقت الصلوة فی کل مسجد وصلی اذن وصلی، احمدبن محمدبن اسمعیل بن نعیم ابوحامد الطوسی الاسماعیلی، احمدبن محمدبن یحیی بن جبویل الذهلی ابو نصر النیسابوری قریب محمدبن یحیی الشهید الذهلی، احمدبن محمدبن حمدان ابوحامدالمرادی، احمدبن محمدبن عبدالله بن الحسین، احمدبن محمدابوالعباس بن ابی نصر الماسرخسی النیسابوری، احمدبن محمدبن عبدالله الفقیه ابونصر العبشمی، احمدبن محمدبن احمدبن سهل المستعلی ابوالفضل بن ابی طاهر المطر ز النیسابوری ، احمد بن محمد بن یوسف ابوالحسن بن ابی الفضل الفقیه القهندری النیسابوری احمدبن محمدبن علی بن عمر ابو العباس المذکر النیسابوری، احمدبن محمد بن احمدبن خصال العابد ابوالفضل النیسابوری ، احمدبن محمد بن محمد بن ابرهیم ابو حامد بن ابی سعید الفامی النیسابوری ، احمدبن محمدبن یوسف للستملی ابونصر الانماطی النیسابوری، احمد بن محمد بن الحسین ابوسعید الفامی، احمد بن موسی بن عیسی بن عبد الرحمن الجرجانی ویعرف بابی الحسن بن ابی عمران الفرایضی ، احمدبن موسی بن محمد المنادی ابوبکر العابد النیسابوری، احمدبن ابی اللیث وهونصر بن محمدالیصیبین،

Marfat.com

احمدبن نصر بن محمدالزهری ابوالحسن البغدادی الحنودی ،احمدبن هرون بن ابرهیم
الفقیه ابوالعباس الحاکم المزکی شیخ اهل الرای فی عصره النیسابوری، احمد بن یعقوب
بن احمدبن مهران بن عبدالله ابوسعید الثقفی النیسابوری، احمدبن یعقوب بن ناصح
الاصبهانی الادیب ابوبکر النحوی ، احمدبن یوسف بن عبدالرحمن الصوفی ابوحامد
العمروف بالاشقر ممن صحب المشایخ القدما بخراسان والعراق ، احمدبن یعقوب بن
عفر بن الجنیدبن موسی التمیمی ابوالفضل الخجندی، احمدبن یعقوب بن العاطر عبد
الجبار القرشی الجرجانی، ابراهیم بن اسمعیل بن ابرهیم العابدابواسحق المعروف
بابوهتماك النیسابوری کان علی رأس سکه خشاوزه و توفی رحمة الله سنه ثمان و ثاثین و ثلثمائه
و کان احدودب حتی رداوه فوق العمامم ، ابرهیم بن احمدبن محمدبن رجا الفراری
النیسابوری ابواسحق الوراق، ابرهیم بن احمدبن عبیدالله المستملی ابواسحق الهمدانی
الاعور، ابرهیم بن اسحق بن حمویه البزاز ابو اسحق الرازی، ابرهیم بن احمد الزاهد
ابواسحق السامانی النیسابوری، ابرهیم بن احمدبن محمدبن عبدالله الترنومدی، ابرهیم
بن اسحق الادیب اللغوی ابواسحق الضریر، ابرهیم بن جعفر السختیائی ابواسحق النیسابوری
ابرهیم بن الحسن الفقیه ابوالحسن النیسابوری، ابرهیم بن سیمجور الامیر بن الامیر ابو
اسحق بن ابی عمران الادیب والی امارة بخار او هراة ومروو نیسابور فامابلاد قهستان
فلم نزل برسمه، ابرهیم بن عصمة بن ابرهیم ابواسحق النیسابوری، ابرهیم بن علی بن بالویه
البلخی ابواسحق، ابرهیم بن عبدالله بن اسحق العدل ابواسحق الاصبهانی، ابرهیم بن
الفضل الهاشمی اللغوی، ابرهیم بن محمدبن ابرهیم ابواسحق الحری المعروف بابی
الحاماك الزاهدالنیسابوری، ابراهیم بن محمدبن احمد الفقیه ابو اسحق النجاری ،
ابرهیم بن محمد بن یحیی المزکی النیسابوری ابواسحق شیخ نیسابور، فی عصره توفی رحمة
الله سنه اثنی وستین وثلثمائه، ابرهیم بن محمد بن الحسین بن الحسن بن الخلیل القطان

Marfat.com

ابواسحق العابد النیسابوری، ابرهیم بن محمد بن مکتوم المستملی ابواسحق المکتومی ـ
النیسابوری، ابرهیم بن محمد بن احمد بن محمومه الصوفی العارف ابوالقاسم النصر ـ
آبادی النیسابوری الواعظ لسان اهل الحقایق، ابرهیم بن محمد بن محفوط بن معقل
ابو اسحق المحفوظی النیسابوری، ابرهیم بن محمد بن ابرهیم بن الفضل بن اسحق ـ
الهاشمی المعدل ابواسحق بن ابی الفضل بن فضلویه المزکی النیسابوری، ابرهیم بن محمد
بن عبدالله بن ابی بکر الخباز المذکر الرازی، ابرهیم بن محمد بن ابرهیم الفقیه الاصولی
ابواسحق الاسفراینی، ابراهیم بن محب بن ابرهیم بن سلیمان بن خالد العبدی ابو اسحق
النیسابوری، ابـرهیم بن مضارب بن ابرهیم ابو اسحق النیسابوری . ابـرهیم بن نصر
ابواسحق المزوری، ابراهیم بن یوسف بن لقمان الفقیه البخاری، اسمعیل بن عبدالله بن محمد
بن میکال ابوالعباس الادیب الشریف النیسابوری شیخ خراسان ووجهها وعینها فی
عصره رضی الله عنه ومیکال کان ابن الواحد بن جبرئیل بن القسم بن بکر بن دیواشی
وهو شور الملك بن سور بن شور بن سور اربعة من الملوك بن فیروز بن یزدجرد بن بهرام
جور بن محمد بن احمد بن یوسف بن سالم بن خالد السلمی ابوعمرو الزاهد ـ
العابد شیخ عصره فی التصوف توفی الشیخ ابوعمرو النیسابوری رضی الله عنه لیلة السبت
الثالث عشر من ربیع الاول سنه خمس وستین وثلثمائه ودفن بشاهنبر، اسمعیل بن محمد
بن الفضل بن محمد بن المسیب ابوالحسن النیسابوری الشعرانی وکان جده شیخ عصره
بخراسان وتوفی بقریة بیهق، اسمعیل بن احمد بن محمد التاجر ابوسعید [illegible]
سکن نیسابور وتوفی بها ، اسمعیل بن عبدالله بن عمر سلیمان [illegible] بن ابی الیس
الکوکبی النیسابوری ، اسمعیل بن احمد بن محمد بن اسمعیل ابومحمد بن ابی الحاتم
الاسماعیلی الطوسی ، اسمعیل بن احمد بن محمد بن یوسف ابو ابراهیم الاسترابادی ،
اسمعیل بن ابراهیم بن محمد الفقیه اسحق بن ابراهیم بن محمد بن محمد ابراهیم الجترجی

Marfat.com

ابو یعقوب العماری النیسابوری، اسحق بن ابراهیم بن عمرویه البخاری ابو ابراهیم الفقیه، اسحق بن سعید بن الحسن بن سفیان الشیبانی ابو یعقوب النسوی، اسحق بن محمد بن اسحق بن محمد قبیصه المعدل النیسابور، اسحق بن محمشاد الزاهد ابو یعقوب الکرامی شیخهم وامامهم

ذکر الحاکم رحمته الله سمت من الثقه انه اسلم علی ید ابو یعقوب الکرامی من اهل الکتاب والمجوس بنیسابور ما یزید علی خمسة آلاف رجل و امراة ، اسحق بن احمد بن شیث بن الحکم ابو نصر الفقیه البخاری الصفار احمد بن احمد بن خبیر ابو احمد البخاری ، اسد بن الهیثم بن عبیدالله المصری ابو الهیثم، اسد بن رستم بن احمد بن عبدالله ابو سعید الرستمی الهروی ، اسامة بن علی الهمدانی نزیل بنسابور، بکر بن محمد بن حمدان المروزی الصیرفی المعروف بالدحمیسی بکر بن احمد بن زکریا ابو عمرو الشاهد المعروف بالعدنی، بالویة بن محمد بن بالویه ابو العباس المزنیانی، بشر بن احمد بن بشر بن محمود بن اشرش الاسفراینی، بشر بن محمد بن یاسین بن النصر بن سلیمان النیسابوری القاضی القضاة بنسابور، بشر بن عبدالله البصری ابو احمد نزیل بنسابور ، جعفر بن محمد بن الحارث المراغی نزیل بنسابور، جعفر بن احمد بن محمد الصوفی العابد ابو القاسم بن المقری الرازی شیخ عصره فی التصوف والتوکل، جعفر بن نعیم بن شادان بن قنبر ابو محمد النیسابوری، جعفر بن محمد بن جعفر ابو محمد بن ابی بکر بن جعفر البشتی النیسابوری، جعفر بن الفضل بن عیسی الفقیه ابو محمد الشاشی، جمیل بن محمد بن جمیل ابو الحسین الرازی صمعه بنت احمد بن محمد بن عبیدالله الرئیس النیسابوریه من ولد عثمان بن عفان رضی الله عنه، الحسن بن ابراهیم بن یزید الاسلمی ابو محمد الفارس القطان نزیل بنسابور، الحسین بن احمد بن موسی ابو علی الفارسی، الحسن بن احمد بن الحسن بن موسی القاضی ابو علی البیهقی، الحسن بن احمد بن الحسن بن محمد ابو منصور بن ابی الحسن المعاذی المزکی النیسابوری ، الحسن بن احمد عبیدالله ابو الغازی الصوفی البغدادی ، الحسن بن احمد بن یعقوب بن موسی بن امیر المومنین ابو محمد المامونی ، الحسن بن احمد بن محمد بن حفص الحرسی

Marfat.com

النیسابوری ابوعلی بن ابوعمرو الحیری ، الحسن بن احمد بن محمد بن الحسن بن علی بن مخلد بن شیبان العدل ابومحمد المخلدی النیسابوری ، الحسن بن احمد بن جعفر بن ابوسعید بن ابی بکر البزازی التاجر ، الحسن بن احمد بن علی بن مهران القهستانی ، الحسن بن جعفر بن عبیدالله الکوفی ابومحمد الکاتب المقیم بنیسابور ، الحسن بن الحسین بن محمد العابد ابوعلی القاری النیسابوری ، الحسن بن سختویة بن نصر التمیمی النیسابور ، الحسن بن الحسن بن محمد الحکیمی الجرجانی ، الحسن بن زید الکاتب ابومحمد البخاری نزیل بنسابور ، الحسن بن شابور ابوعلی الطبری ، الحسن بن علی بن محمد البلخی ابوعلی ، الحسن بن علی بن یحیی بن عبدالرحمن التمیمی النیسابوری ، الحسن بن عثمان بن محمد بن عثمان الصبی التمامی البغدادی ابومحمد ، الحسن بن علی بن عمرو القزوینی ، الحسن بن عبدالحمید بن عبدالرحمن بن الحسین ابوسعید الحاکم النیسابوری من اعیان ائمة اهل النظر ، الحسن بن علی بن محمد بن محمد بن الحسین بن علی بن عبدالله بن الحسین بن عبیدالله بن العباس بن علی بن ابیطالب ابومحمد العلوی الواعظ الشهید رضی الله عنه ، الحسن بن کوشاد الادیب البارع الرئیس العالم ابوالعلاء الاصبهانی استوطن نبسابور و بهامات ، الحسن بن محمد بن محمد بن اسحق بن الازهر ابو محمد الاسفراینی ابن اخت ابی عوانه ، الحسن بن محمد بن محمد بن شیظم التمیمی ابوعلی الحاکم البلخی ، الحسن بن محمد الفقیه ابوعلی الطبسی ، الحسن بن محمد بن اللیث المقری ابوعلی الفارسی الحسن بن محمد بن المومل بن الحسن بن عیسی بن ماسرخسی النیسابوری ، الحسن بن محمد بن نصر بن عثمان بن الولید بن مدرك الرازی ، الحسن بن محمد بن علی الرود باری الطوسی ، الحسن بن محمد احمد بن زیاد العدل ابوسعید الرازی الحسن بن محمد بن الحسن العدل ابوسعید بن ابی العباس بن الحسن الصیدلانی

Marfat.com

النیسابوری ، الحسن بن محمد بن عبدالله الدنیوری ابومحمد ، الحسن بن یعقوب بن یوسف العدل ابوالفضل البخاری ، الحسن بن یعقوب بن یوسف الصوفی النیسابوری الزاهد صاحب الخانقاه مجمع الزاهد و الصوفیه توفی رحمه‌الله فی رجب سنه ست وثلثین وثلثمائه وهوفی سن النبی صلی الله علیه و سلم و شهدت جنازته بالحیره ودفن بقرب المشایخ الستة ، الحسن بن محمد بن یحیی بن الحسن السحری ابومحمد الادیب ، الحسن بن احمد بن موسی ابوعلی الفامی النیسابوری ، الحسن بن احمد بن الحسن القاضی ابوعلی البیهقی الادیب الفقیه ، الحسن بن محمد بن علی ابوعلی بن ابی الحسن بن ابی عبدالله الطوسی الرود باری ، الحسین بن علی بن یزید بن داود بن یزید بن الحافظ ابوعلی النیسابوری واحد عصره فی الحفظ والایقان والورع والرحله ذکره فی الشرق کذکره فی الغرب مقدم مذاکیر الأئمة وکثرة التصنیف توفی رضی الله عنه الخامس عشرمن جمادی الاولی سنه تسع واربعین وثلثمائه ودفن فی مقبره باب معمر، الحسین بن داود بن علی بن عیسی بن محمد بن القاسم بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابیطالب ابوعبدالله العلوی رضی الله عنهم، الحسین بن الحسن بن ایوب الادیب ابوعبدالله الطوسی، الحسین بن علی بن محمد بن یحیی بن عبدالرحمن ابو محمد الحسینك بن ابوالحسن التمیمی النیسابوری ، من بیت الشرف والمروة قریب حسین بن معاذ، الحسین بن سختویه ابومحمد البزاز، الحسین بن محمد بن احمد بن ابوعلی الماسرحسنی النیسابوری الحسین بن احمد بن جعفر ابوعلی الکرامی النیسابوری، الحسین بن محمد بن علی بن محمد الزبیری القرشی ابوعلی النیسابوری الحسین بن حمیدی سیبویه المعدل ابوعبدالله النیسابوری، الحسین بن احمد بن عبدالرحمن ابوالصفار الهروی، الحسین بن عبدالله بن محمد الفقیه ابوالطیب الشیرازی، الحسین بن محمد بن الحسین بن یحیی الواعظ ابوسعید البسطامی، الحسین بن جعفر بن محمد الجرجانی ابوعبدالله الحسین بن جعفر بن یزید ابوعبیدالله الرازی، الحسین بن عبدالحمید بن

Marfat.com

عبدالرحمن ابوعبدالرحمن الادیب النحوی النیسابوری، الحسین بن احمد بن جعفر
الصوفی ابوعبدالله الرازی، الحسین بن یحیی بن زکریا بن یحیی الواعظ ابوعلی الشافعی
رضی الله عنه وقبله زعم بشقان، الحسین بن الحسن القاضی ابوعبدالله الحکیمی، الحسین
بن عبدالله بن محمد بن عبدالعزیز ابوعبدالله النیسابوری، الحسین بن علی بن محمد الحسینی
العلوی رضی الله عنه . الحسین بن علی بن بندار ابوالقسم بن ابی الحسن الصوفی ،
حسان بن محمد بن احمد بن هرون القرنی ابو الولید الفقیه امام اهل الحدیث
بخراسان فی عصره توفی رضی الله عنه الیلة الجمعه الخامس من ربیع الاول سنه تسع
واربعین و ثلثمائه و دفن فی مقبرة نصر بن زیاد القاضی المدفون فیها ثلثة من الصحابه
و قد قال بعض العلماء فی القصیده التی یرثی له بها و قد بقی ربیه و معرفه امام هذا
الدهور و الاعصار ابوالولید الفقیه و السید القوم و فخر الخلایق الاکبر معدن
کنز العلوم حمزة بن محمد بن احمد الزیدی الحسینی العلوی
ابوعلی نجم اهل بیت النبوة فی زمانه الشریف حسبا و نسبا ، حمزة بن احمد بن
محمد بن حمزة الفقیه ابوعلی الشاعر الزوزنی ، حمزة بن عبدالعزیز بن محمد ابوعلی
المهلبی الصیدلانی النیسابوری ، حاجب بن احمد بن جم بن سفیان ابو محمد الطوسی
حامد بن محمد بن عبدالله بن محمد الهروی ابوعلی الواعظ المعروف بالرفاء حامد بن
محمد بن عبدالله الخیاط النیسابوری ، حامد بن محمد بن احمد بن [illegible]
ابواحمد الکاغذی النیسابوری و توفی بسجستان، حامد بن احمد بن [illegible]
الفقیه ابواحمد المناشکی النیسابوری ، احمد بن محمد بن حمدان بن مرداس [illegible]
ابو منصور الجرجانی مات بنیسابور حیدر بن فتح بن محمود بن هرون القرشی
النیسابوری ، حمد بن محمد بن الخطاب الفقیه الادیب البستی ابوسلیمان [illegible]
خلف بن احمد بن محمد بن خلف الامیر بن الامیر و من بیت [illegible]

Marfat.com

بن احمد بن الجلیل القاصی شیخ اهل الرأی فی عصره ، الخضر بن احمد بن محمد القروینی ابوعلـی ، الخضر بـن محمد بن یحیی البلخی و کان ابوه بنیسابور ، خلف بن ابراهیم بن عصمة بن ابراهیم البیلی النیسابوری ، خلف بن محمد الواسطی ابو محمد ، خطاب بن علی بن الخطاب ابومحمد القروینی ، خدیجه بنت احمد بن محمد بن رجا القاضی النیسابوریه و کان ابوها ابورجاء قاضی القصاة و کانت تحسن العربیه و الخط ، دعلج بن احمد بن دعلج الفقیه ابومحمد السجزی شیخ اهل الحدیث فی عصره ، داودبن محمد بن نصیر الاسفراینی ، داودبن محمد بن الحسین بن داود الحسین العلوی ، رشیق بن عبدالله الرومی ابونصر یسکین طابران من قری طوس ، رافع بن عبدالله ابو اسامة المرو الرودی : رافع بن عصم بن العباس الصبی الهروی ، ربطه بنت عبدالله العابدة الزاهدة النیسابوریه ، زبیربن عبدالواحد بن احمد بن زکریا ابو عبدالله الاسترابادی ، زید بن الحسین داود بن علی الحسینی العلوی ، زید بن عیسی بن جعفر بن مهدی الکوفی الزبیربن عبدالله بن موسی بن الحارث الثوری ابوعلی البغدادی ، زاهر بن احمد بن محمد بن عیسی السرخسی ابو علی المقری شیخ عصره ، سلمین بن محمد بن ناجیه ابوالقسم ابی بکر بن ناجیه النیسابوری ، سلمین بن محمد بن سلیمن بن خلد العبدی النیسابوری من میدان هانی، سلیمن بن محمد بن داود الفقیه ابوعلی الفقیه الداودی الهروی ، سلیمان بن محمد بن علی ابوالقاسم المناشکی النیسابوری ، سعید بن عبدالله بن محمد الزاهد ابوعثمان السمرقندی سکن بنسابور من صباه الی ان مات بها ، سعید بن نصر ابوعثمان الاندلسی ، سعید بن محمد بن احمد بن جعفر الشعیبی ابوسعد ، سعید بن القسم بن العلابن الخالد البروعی ابو عمر المطوعی ، سعید بن محصن الفقیه ابو عثمان الکشی ، سعید بن محمد بن سعید الفقیه ابواحمد المطوعی ، سعید بن محمد بن سلمه العارف

Marfat.com

ابوعثمان الزاهد المغربی ولادته بالقیروان فی قریة یقال لها کرکنت، کان واحد عصره فی الورع والزهد والصبر وجاور مکة فوق العشره وکان لایظهر فی المواسم و توفی بنیسابور رضی الله عنه سنه ثلاث وسبعین وثلثمائه ودفن بجنب ابی حفص وابی عثمان فی الحیره رضی الله عنهم. سعید بن المسیب ابوعثمان الشیرازی. سعید بن مشکان ابوعثمان الفاریابی، سعید بن محمد بن الفضل الفقیه ابوسهل بن ابی سعید النیسابوری، سعید بن عبدالله بن سعید بن اسماعیل بن ابوعمرو بن ابی عثمان النیسابوری، سعید بن محمد بن احمد بن سعید الصوفی ابوعثمان النیسابوری. سهل بن محمد بن سلیمان بن محمد بن ... العجلی الفقیه ابوالطیب بن ابی سهل الحنفی الصعلوکی النیسابوری ای مفتیها، سهل بن احمد ابن سهل الدیوندی ابوسعید المروزی، سهل بن عثمان بن محمد بن سهل ابومحمد بن ابی سلمة البخاری، سلامة بن احمد بن سلامة بن ... ابونصر ... الادیب النیسابوری، سلامة بن محمد الفقیه ابونصر الصیدلانی النیسابوری، ... بن عبدالله ... ویعرف عندنا بابی علی شداد بن احمد البوزجانی ابوعبد الرحمن قریب ... شافع بن محمد بن یعقوب الاسفراینی ابوالنصر، شجاع بن الحسن ... شعیب بن محمد بن شعیب بن محمد بن العجلی ابوصالح البیهقی ... بن محمد بن شعیب بن هارون ابو محمد الشعیبی النیسابوری. صالح بن محمد بن داود ابو محمد ... ضمرة بن یحیی الدمشقی، طاهر بن محمد بن یوسف البوشنجی ابوالحسین ... بن محمد بن سهلویه بن الحارث العدل ابوالحسین ... بن محمد بن عبدالله بن ابراهیم ابوعبدالله البغدادی نزیل نیسابور، طاهر بن محمد ... عبدان ... المعروف بابی الطیب بن عبدان وکان من الامناء الصالحین

قال الحافظ ابوعبدالله: وکنت اتبرک بدعائه. طاهر بن علی العیسی، طاهر بن احمد بن عبدالله البیهقی ابوالطیب، طاهر بن احمد بن محمد بن طاهر الوراق ابوالقاسم ... النیسابوری

طالب بن القسم بن ابحرك الثغری ، ظفر بن محمد بن احمد بن زمادة الشريف ابو منصور بن زماده العلوی العابد الزکی النیسابوری رضی الله عنه، عبدالله بن احمد بن سعد الحافظ ابو محمد البزاز المعروف بالحاجی النیسابوری، عبدالله بن احمد بن اسحق الصنعی النیسابوری عبدالله بن احمد بن جعفر بن احمد بن بکر بن زیاد الشیبانی ابو محمد بن ابی حامد ، عبدالله بن احمد بن محمد بن عمر ابو القاسم بن عمر النیسابوری من اعیان مشایخنا، عبدالله ابن احمد بن محمد الابریشمی ابو محمد بن ابی الحسین النیسابوری عبدالله بن احمد بن اسکاف ابو محمد الاصبهانی نزیل نیسابور ، عبدالله بن احمد بن محمد بن احمد بن حفص الحرشی ابو محمد بن ابی عمر الحیری النیسابوری ، عبدالله بن احمد بن سامه بن مسلم ابو القاسم المعادی النیسابوری ، عبدالله بن ابراهیم الابندونی ابو القاسم الجرجانی نزیل بنسابور، عبدالله بن احمد بن عبدالله بن محمد بن عبدالله المزنی ابو بشر بن الشیخ ابی محمد ، عبدالله بن احمد بن محمد سعید الفقیه، ابو القاسم بن ابی سعید النسوی ، عبدالله بن اسمعیل بن عبدالله بن محمد بن میکال رئیس بنسابور ابو محمد المیکالی النیسابوری توفی بمکة رضی الله عنه ، عبدالله بن ابی بکر ابو النصر البزاز النیسابوری عبدالله بن جعفر بن مره المنصوری ابو محمد المقری التاجر، عبدالله بن جعفر بن الحسین الاسترابادی، عبدالله بن الحسین بن بالویة بن یحیی الوراق المعروف بابی القسم الصوفی النیسابوری، عبدالله بن حمدون الادیب الشاعر ابو حاتم النیسابوری، عبدالله بن حامد بن محمد بن عبدالله الفقیه ابو محمد الواعظ النیسابوری، عبدالله بن خالد عبدالله البغدادی عبدالله بن سعید الادیب الشتی ، عبدالله بن صالح بن عبدالله الواسطی نزیل بنسابور عبدالله بن طاهر بن علی الزمجاری النیسابوری ، عبدالله بن علی بن محمد بن احمد بن علی الحصیری النیسابوری، عبدالله بن علی بن عبدالله القاضی ابو محمد الطبری ویعرف بالعراقی واهل جرجان یعرفونه بالمنجنیقی ، عبدالله بن عمرو بن محمد بن الحسین الفقیه

Marfat.com

ابوالقاسم البخاری ؛ عبداللہ بن علی بن جمشاد بن شختویہ بن مہرویہ ابو محمد بن
ابی الحسن التمیمی النیسابوری ، عبداللہ بن عمرو بن محمد التاجر ابو محمد النیسابوری
عبداللہ بن عالم بن حمویہ بن الحسین الصیدلانی ابو محمد ، عبداللہ بن فارس بن محمد
علی ابو طاہر البلخی ، عبداللہ بن الفضل بن الحسین البخاری ، عبداللہ بن القسم الکرابیسی
عبداللہ بن محمود بن حمدویہ بن نعیم بن الحکم المؤذن ابو محمد والد الحاکم
ابو عبداللہ الحافظ النیسابوری مصنف ہذا التاریخ ، عبداللہ بن محمد بن موسیٰ بن کعب
ابو محمد الکعبی النیسابوری ، عبداللہ بن محمد بن علی بن زیاد ابو محمد العدل النیسابوری
عبداللہ بن محمد بن بدیل ابو بکر البدیلی البخاری المعروف بالاشقر ، عبداللہ بن محمد
ابن عمر الفقیہ ابو محمد البخاری ، عبداللہ بن محمد بن محمد بن حمویہ بن عبد
ابو القاسم بن ابی بکر الغضنی ، عبداللہ بن محمد بن عبدالرحمن [illegible] ابو محمد
الحیری النیسابوری المعروف بالرازی ، عبداللہ بن محمد بن [illegible] الدہقان ابو طاہر
الجوزی النیسابوری ، عبداللہ بن محمد بن محمد [illegible] ابو القسم الحیری النیسابوری
عبداللہ بن محمد بن [illegible] بن حسان القاضی [illegible] النیسابوری ، عبداللہ
ابن محمد بن عبداللہ بن عطاء [illegible] العدل [illegible] الرازی [illegible] بن عبداللہ
الحیرازی الرازی ، عبداللہ بن [illegible] بن عبداللہ [illegible] الذہبی [illegible] ، عبداللہ
ابن محمد بن احمد بن [illegible] عبداللہ الزاہد [illegible] النیسابوری [illegible]
الدعوۃ رضی اللہ عنہ ، عبداللہ بن محمد بن عبداللہ [illegible]
عبداللہ بن محمد بن محمد بن عبد [illegible] النیسابوری
عبداللہ بن محمد بن مہیمن الیزدی ابو محمد [illegible] ، عبداللہ بن
احمد بن محمد بن عبداللہ بن بالویہ ابو محمد البالوئی النیسابوری ، عبداللہ بن محمد
ابن عبداللہ بن دینار ابو محمد بن ابی عبداللہ النیسابوری ، عبداللہ بن محمد بن فضلان

الصوفی الزاهد ابومحمدالمعروف بالمعلم النیسابوری ودفن بشاهنبر، عبدالله بن محمد بن السری بن الصباح الکرمانی ابومحمد القبانی، عبدالله بن محمد بن احمد بن محمد ابن عبدالله المحمی النیسابوری، عبدالله بن محمد بن اسحق الزاهد ابومحمد الانماطی الزمجاری النیسابوری ودفن رضی الله عنه فی مقبرة ابی علی الثقفی، عبدالله بن محمد بن احمد بن محبوب التاجر ابی العباس المحبوبی المروزی، عبدالله بن محمد ابوالقاسم الاصبهانی، عبدالله بن محمد الساوعری ابومحمد المستملی، عبدالله بن محمد بن احمد بن حبیب الفقیه ابوذر بن ابی جعفر الکرابیسی النیسابوری، عبدالله بن محمد بن برزه التاجر ابو محمد التاجر الرازی نزیل بنسابور، عبدالله بن محمد بن ابراهیم بن الفضل بن اسحق الهاشمی ابومحمد بن ابی الفضل النیسابوری، عبدالله بن محمد بن عبدالله بن محمد حمدویه بن نعیم ابوالحسن الضبی النیسابوری، عبدالله بن موسی بن رامك النیسابوری ابوالقسم نزیل ببغداد، عبدالله بن موسی بن الحسین بن ابراهیم السلامی ابوالحسن البغدادی، عبدالله بن مضارب بن ابراهیم ابوالقاسم المقری النیسابوری وکان من العباد المجتهدین، عبدالله بن مفاح ابومحمد البغدادی نزیل بنسابور، عبدالله بن یحیی بن محمد بن عبدالله بن العنبری ابومحمد بن ابی زکریا العنبری النیسابوری، عبیدالله بن احمد بن محمد بن عبیدالله بن النضر بن محمد الرئیس بن الرئیس النیسابوری، عبیدالله بن احمد القاضی الکلاباذی ابوالقاسم البخاری، عبیدالله بن محمد بن نافع بن مکرم بن حفص الزاهد ابوالعباس العابد البشتی وکان من الابدال وجرب مرة بعد اخری انه کان مجاب الدعوة وتوفی رضی الله عنه سنه اربع وثمانین وثلثمانه ودفن فی بیته، عبیدالله بن علی بن عبیدالله بن داود القاضی ابوالقاسم الداودی المصری سکن بنسابور، عبیدالله بن محمد بن ابراهیم بن جبرئیل ابوبکر النیسابوری، عبیدالله بن ابی ذر بن ابی رجا النیسابوری، عبیدالله بن محمد بن عبدالرحمن بن مخلد

Marfat.com

الدهان البلخی ، عبیداللّٰه بن منصور بن عبداللّٰه الکلاحی المصری الشاعر ، عبیداللّٰه بن محمد المتکلم النیسابوری ابونصر ، عبیداللّٰه بن محمد بن محمد بن حامد ابوالقاسم الزاهد البلخی ، عبدالرحمن بن محمد بن جعفر بن احمد بن سعید ابو محمد بن ابی بکر الجرجانی ولکن ابوه جرجانیا وهو نیسابوری ، عبد الرحمن بن احمد بن حمدویه المؤذن ابوسعید بن ابی حامد النیسابوری ، عبدالرحمن بن محمد بن عبداللّٰه بن مهران ابومسلم الحافظ الزاهد البغدادی ، عبدالرحمن بن محمد بن محبوب بن حفص بن ابراهیم التمیمی النیسابوری الدهان. عبدالرحمن بن محمد بن حمدان القاضی ابومحمد الجرجانی عبدالرحمن بن علی بن محمد بن یحیی بن عبدالرحمن ابوالفضل التمیمی النیسابوری و کان من وجوه نیسابور ثروة وشهادة ومروة، عبدالرحمن بن محمد بن حسبکا ابوسعید الحاکم العری ، عبدالرحمن بن محمد بن جعفر الواعظ ابونصر العقیلی النیسابوری، عبدالرحمن الحسن بن یعقوب الصوفی ابوالقاسم بن الحسن الحداد النیسابوری، عبدالرحمن حمدون بن تجار الفقیه ابوالولید النیسابوری، عبدالرحمن بن ابراهیم بن محمد بن یحیی ابوالحسن بن اسحق المزکی النیسابوری، عبدالرحمن بن عبداللّٰه بن یعقوب بن سعدویه ابوسعید النیسابوری ، عبدالرحمن بن احمد بن جعفر ابوالقاسم الشیبانی النیسابوری عبدالرحمن بن محمد بن الحسین الصوفی النیسابوری ابوالقاسم الحجاج حج ثمانی [illegible] حجة مدفون فی مقبرة الحسین بن معاذ وهو مات بنساحمل تابوده الی نیسابور، عبدالرحمن بن محمد بن محمد بن داود السجزی ابومحمد النیسابوری، عبدالرحمن بن علی بن محمد [illegible] ابوالقاسم صاحب الترمذ ، عبدالرحمن بن محمد بن عبدالرحمن الواعظ [illegible] السرخسی عبدالرحمن بن محمد بن الحسن ابومحمد النصرآبادی النیسابوری ، عبدالرحمن بن حمدان العیدلانی الزمجاری النیسابوری ، عبدالرحمن بن عبداللّٰه بن احمد بن اسحق وجده امام اهل ابوبکر محمد بن اسحق وهو نیسابوری ، عبدالرحمن بن محمد بن

Marfat.com

احمدبن بالویه ابومحمدالمزکی النیسابوری ، عبدالرحمن بن احمدبن محمدبن ابرهیم من اولاد سعدبن عباده الخزرجی الانصاری رضی الله عنه ابومحمدبن ابی عمرو العماری النیسابوری ، عبدالرحمن بن الحسن بن علی ابوسعیدبن احمدبن علی الصفار النیسابوری ، عبدالواحدبن احمدبن عمربن عبدالرحمن القرشی ابو عمرو الکندری، عبدالواحدبن محمدبن الشاه ابوالحسین الصوفی الشیرازی ، عبدالواحدبن احمدبن القسم من ولد عبدالرحمن بن عوف وهو ابن ابی الفضل المتکلم الاشعری ، عبدالواحدبن محمدبن عبدالرحمن ابوالحسن النیسابوری ، عبدالواحدبن علی بن عبدالله ابوالیسار المروزی عبدالواحدبن عبدالعزیز بن الحارث التمیمی ابوالحسن الواعظ الحنبلی ، عبدالصمدبن احمدبن الحسین بن علی الزبیری ابوذر القاری النیسابوری ، عبدالصمدبن محمد البخاری ابومحمد الحافظ النیسابوری ، عبدالحمید بن عبدالرحمن بن الحسین القاضی بن القاضی ابوالحسن بن ابی سعید النیسابوری وکان من افراد زمانه و من الدین به افتخار الاهل زمانه لااهل نیسابور خاصة توفی ببخارا رضی الله عنه حمل تابوته الی نیسابور ، عبدالعزیز بن احمدبن محمد اسحق ابواحمد الوراق النیسابوری، عبدالعزیز بن عبدالملک بن نصر الاموی ابوالاصبع الاندلسی ، عبدالصمدبن محمدبن محمدبن اسحق الزاهد الصوفی ابونصربن احمد الصفار النیسابوری، عبدالعزیز بن الحسن بن احمدبن الدارکی الاصبهانی ابوالقاسم الفقیه ، عبدالعزیز بن محمدبن الحسن الفقیه ابوالفضل البصروی، عبدالعزیز بن محمدبن البختری الدامغانی ابومحمد التاجر، عبدالعزیز بن محمد بن محمد بن اسحق ابو محمد المعدل النیسابوری ، عبدالمؤمن بن عبدالملک ابونصر الدهستانی ، عبدالرحیم بن محمدبن یحیی القاضی النیسابوری ، عبدالوهاب بن حمزه بن نصر ابوابرهیم الجرجانی عبدالجلیل بن مذکوربن ثابت ابو محمد السعدی ، عبدالملک بن محمد بن ابرهیم ابوسعیدبن ابی عثمان الواعظ

Marfat.com

الزاهد بن الزاهد النيسابوری وقد صنف فی علوم الشریعة و دلائل النبوة وفی سیر العباد والزهاد کتباً وصارت تلك المصنفات فی بلاد المسلمین تاریخاً للنیسابور ، عبدالملك بن احمد بن الحسین ابو محمد الصیدلانی ، عمر بن محمد بن مسعود الفقیه ابو حفص الاسفراینی ، عمر بن احمد بن عبدالله الاحدی ابو حفص البصری ، عمر بن احمد بن عمر ابو حفص الزاهد النیسابوری ، عمر بن عبدالعزیز بن محمد بن الحسن المنصوری ، عمر بن محمد بن داؤد ابو سعید النیسابوری ، عمر بن احمد بن ابرهیم بن عبدویه المسعودی ابو حازم بن ابی الحسن العبدوی النیسابوری ، عثمان بن محمد بن مسعود الاسفراینی ابو یحیی الفقیه ، عثمان بن عمران بن الحارث المقدسی ابو عمرو الصوفی ، علی بن احمد بن ابرهیم البوشنجی ابو الحسن الصوفی الزاهد الورع ، علی بن احمد بن الحسن الفقیه ابو الحسن العروضی ، علی بن احمد بن عبدالعزیز الجرجانی ابو الحسن المحتسب ، علی بن احمد بن علی بن نصیر التاجر ابو الحسن المعدل النصیر النیسابوری ، علی بن اسمعیل بن عبدالله ابو القاسم المطوعی النیسابوری رحمه الله خرج مرتین الی طرسوس وغزا الروم عنهم بعد غزواته بخراسان ، علی بن احمد بن عیسی ابو الحسن بن ابی بکر بن علی الرواسی ، علی بن احمد بن فیروز الجلاب ابو الحسن الصیدلانی النیسابوری ، علی بن احمد بن بختیار ابو الحسن النیسابوری ، علی بن احمد بن احمد التمیمی ابو الحسن الاخباری ، علی بن احمد بن محمد بن الحسین الانماطی ابو الحسن الروعی ، علی بن احمد بن واصل المستملی ابو القاسم الواصلی الزوزنی ، علی بن احمد بن محمد بن احمد بن عیسی ابو الحسن الطرسوسی ، علی بن احمد بن الادیب الکاتب النحوی ابو الفتح البستی ، علی بن احمد ابن محمد بن اسمعیل ابو الحسن البخاری القاضی ، علی بن بندار بن الحسین بن علی الصوفی ابو الحسن الصیرفی الزاهد النیسابوری علی بن بشر بن علی الصوفی ابو الحسن القزوینی ، علی بن بکران بن علی الوراق ابو الحسن الواسطی ، علی بن حمدل المزوینی

Marfat.com

ابو الحسن الصوفی ، علی بن جعفر الکاتب ابو الحسن الفارسی ، علی بن جعفر بن عبیداللّٰه الطوسی ابو الحسن النوقانی ، علی بن جمشاد بن سختویه ابو الحسن النیسابوری محدث عصره بنیسابور وله تصانیف توفی فی شوال سنه ثمان وثلثین وثلثمائه ودفن فی مقبرة المصلی رحمه اللّٰه ، علی بن الحسن وحید البلخی ابو الحسین علی بن الحسن المثنی العنبری ابو الحسن الصوفی الطبری ، علی بن الحسن بن عبدالرحمن القاضی ابو الحسن البخاری السردری ، علی بن الحسین بن علی الطوسی ابو الحسن التاجر ، علی بن الحسین بن محموه ابو الحسن الصوفی الزاهد ، علی بن رشیق الصوفی ابو الحسن البغدادی ، علی بن صالح بن سلمین النمیری ابو القاسم البصری ، علی بن عیسی بن ابرهیم بن عبدویه الحیری النیساری ابو الحسن الوراق ، علی بن عمر بن نصر الدقاق ابو الحسن البغدادی ، علی بن عبداللّٰه بن محمد الدورقی ابو الحسن النیسابوری ، علی بن عبدالملک بن سلیمن الفقیه الطرسوسی ابو الحسن ، علی بن عبدالعزیز القاضی الجرجانی ، علی بن الفضل بن محمد الخزاعی ابو الحسن بن فضلان النیسابوری ، علی بن الفضل بن العباس الفقیه ابو الحسن الشاشی ، علی بن القاسم بن العباس بن الفضل ابو الحسن الرازی علی بن محمد بن ایوب بن یزید ابو الحسن الصنعی علی بن المومل بن الحسن ابو القاسم النیسابوری ، علی بن محمد بن احمد بن الطوسی ابو الحسن بن ابی احمد ، علی بن محمد بن اسمعیل ابو الحسن الکادری الطوسی ، علی بن محمد بن الحسن المقری ابو الحسن الجرجانی الخبازی ، علی بن محمد بن احمد دلویه ، علی بن محمد بن احمد دلویه المذکر ابو الحسن الخانقاهی النیسابوری علی بن محمد بن العباس الصوفی الرازی ، علی بن محمد بن عبداللّٰه الصوفی ابو الحسن القزوینی ، علی بن محمد بن ابراهیم بن حمدان ابو الحسن الفارسی ، علی بن محمد بن علی ابو الحسن الزمجاری النیسابوری ، علی بن محمد بن کهمس ابو الحسن العجلی النیسابوری وکان معوج الرجلین ویرکب حمارا قصیرا ولا تخلف عن السماع فیکتب فی السماع علی العجلی

Marfat.com

وحماره ، علی بن مضارب بن ابراهیم ابوالقاسم القاری النیسابوری ، علی بن مأمون العابد ابوالحسن النیسابوری، علی بن محمد بن معاذ ابو سعید المولقابادی النیسابوری، علی بن محمد بن ابراهیم ابوجعفر القشیری ، علی بن محمد بن محمود الفامی النیسابوری ابوالحسن ، علی بن محمد بن ابراهیم ابوالحسن الفقیه النیسابوری، علی بن محمد بن اسمعیل النجاری، علی بن محمد بن عبدالرحمن ابوالحسن الساکنی، علی بن محمد بن احمد بن موسی القاضی ابوالقاسم بن ابی عبدالله الرازی ، علی بن محمد بن الحسین البصری ، عمرو بن محمد بن منصور العدل ابوسعید الحنجرودی النیسابوری الختن و قیل له الختن لانه ختن ابی بکر محمد بن اسحق بن خذیمه، عمرو بن اسحق بن ابراهیم بن احمد ابو محمد المکنی بالبخاری محدث عصره ببخارا ، عیسی بن زید بن عیسی الطالبی ابوالحسن العقیلی العلوی النیسابوری الادیب سکن فی رستاق بشت عمران بن موسی بن الحصین ابو موسی الخنوشانی ، عباس بن الحسین بن احمد الرازی ابوالفضل الصفار ، عباس بن محمد بن العباس البغدادی ابومحمد الجوهری ، عمار بن محمد بن مخلد بن ابوذر البغدادی ، عصم بن العباس بن احمد الصبی ابو محمد الهردی ، عاصم بن الحسین بن یحیی الاصبهانی ابوالحسین الوراق عتبة بن علی ابو بکر البشتی النیسابوری، عطیه بن سعید ابو محمد الاندلسی ، عوام بن محمد بن حامد القرشی ابونضر النیسابوری ، عتبة بن خیثمه بن محمد بن حاتم القاضی الامام الادیب ابوالهیثم النسابوری ، فارس بن عیسی الصوفی البغدادی ، فتح بن عبدالله الفقیه ابو نضر السندی النیسابوری ، فایق بن عبدالله الرومی الخاصه و انما قیل له الخاصه لاختصاصه بالسلطان الفضل بن محمد بن العباس ابواعظ ابوالعباس الهروی ، الفضل بن محمد بن نصیر الاصبهانی الفضل بن محمد بن ابراهیم العدل ابوالعباس بن ابی الفضل المزکی النیسابوری ، الفضل بن محمد بن الفضل ابوالهیثم التاجر النیسابوری ، قاسم بن احمد بن محمد المزکی

Marfat.com

ابوذر النیسابوری وکان شیخ بنشابور فی‌عصره ، قیس بن طلحه بن احمد الفارسی ابومازن ، قاسم بن‌عبدالله‌بن محمدالعدوی ابونضرالجوهری النیسابوری ، قناده بن محمدبن احمدبن عمرالنیسابوری ،کثیربن احمد الوزیر ابو منصور العمید القاینی یتولی بنسابور نیفا وثلثین سنه ومات بهامحمل‌الی قاین ، کامل‌بن احمدبن محمد ابن جعفر المفید النیسابوری ، لیث‌بن طاهربن اللیث ابونصر النیسابوری ، لیث‌بن نصربن جبرئیل البخاری ابونصر الفقیه ، محمد بن احمد بن محمد بن زید المعدل ابوعلـی بن حیکان النیسابـوری ، محمد بـن احمد بن بالویه الجلاب ابومحمد المحدث النیسابوری ، محمد بن احمد بن طه الاصبهانی ابو عبدالله ، محمد بن احمد بن سعیدابوجعفرالرازی ، محمدبن احمد بن محمد بن عقبه‌القاضی‌ابواحمد الحنفی المروزی ، محمدبن احمدبن‌عبدالله ابوالحسن الصفارالنیسابوری ، محمدبن احمد بن زکریا ابوالحسن بن زکریا کان من افاضل شیوخنا و هونیسابوری و مدفون بمقبره شاهنبر ، محمد بن احمد بن الحسن الحیری النیسابوری ابوالطیب المنادلی ، محمدبن عبدالله بن محمد الفقیه ابوبکر البخاری ثم‌الاودمی ، محمد بن احمدبن‌محمد بن‌ابوالحسین‌المعادی الحسن الادیب النیسابوری ، محمدبن احمد بن محمد بن ابی الحیری ابوبکر بن ابی‌الحسین‌الغازی النیسابوری ، محمدبن‌احمدبن شعیب بن هارون ابواحمد الشیبی‌العدل النیسابوری ، محمد بن احمدبن اسحق بن ابراهیم الصیدلانی ابوعمرو بن ابی‌بکر العدل‌المتطیب النیسابوری ،محمدبن‌احمدبن حمدون بن الحسن بن یزید ابو بکر الطیب المذکر النیسابوری ، محمد بن احمد بن اسحق ابوعمروالصغیر و لقدکان‌کبیراً فی‌العلوم و العدالة و هونیسابوری ، محمد بن احمد بن بشرالصوفی ابو منصورالحیری النیسابوری ، محمد بن احمد بن حمدان ابو عمرو بن ابی جعفر الحیری النیسابوری ، محمد بـن احمد بن موسی

Marfat.com

الجامعی ابو حبیب المصاحفی النیسابوری ، محمد بن احمد بن جمشاد ابوالعباس الدقاق النیسابوری ، محمد بن احمد بن حمدون الصوفی ابوبکر القراء النیسابوری مدفون فی مقبره جنیدالله ، محمد بن احمد بن عبدالرحمن ابو بکر الزیقی النیسابوری ، محمدبن احمدبن عبدالله بن احمد الفقیه ابوزید المروزی، محمد بن احمد بن منه السمسار النیسابوری ، محمد بن احمد بن بالویه المعدل ابوعلی النیسابوری ، محمدبن احمدبن هارون الله مویدی ابوبکر الشافعی النیسابوری ، محمدبن احمدبن محمد النیسابوری و هو الملقب بزیارة السید العلوی شیخ الطالبیه بنسابور بل بخراسان فی عهده رضی الله عنه مدفون فی مقبرة العلویة بجنب عبدالله طاهر الامیر ، محمدبن احمدبن محمدبن عبدالله ابوالحسین بن زبارة العلوی ولدالسید ابی محمدبن زیارة ، محمدبن احمدبن مالومه ابونصر بن جلاب النیسابوری ، محمد بن احمدبن محمد ابوبکر بن الحسین الابریشمی النیسابوری ، محمدبن احمد بن محمد ابوسهل بن ابی بشر الحسنوی النیسابوری، محمدبن احمدبن علی الادیب التاجر ابوالحسن بن الصفار النیسابوری ، محمدبن احمدبن عبدالله بن شهمراد ابوالحسین الفقیه النصرآبادی النیسابوری من محله نصرآباد ، محمد بن احمد بن بشر المزنی ابوعبدالله بن بشرویه النیسابوری شیخ اهل الرأی فی عصره ، محمدبن احمدبن محمد الخفاف ابوعمرو القهندزی النیسابوری ، محمدبن احمدبن جعفر الیزدی ، محمد بن احمدبن محمدبن محمود ابوالعباس القبادی النیسابوری ، محمد بن احمدبن شعیب الفقیه ابوسعید الخفاف النیسابوری ، محمدبن احمدبن موسی ابوالطیب الرازی، محمد بن احمدبن قحطبه ابوالحسن المروزی ، محمدبن احمدبن الحسن الفامی ابو احمد النیسابوری ، محمد بن موسی ابواحمد المهانی النیسابوری ، محمد بن احمدبن موسی البخاری ابونصر الملاجمی ، محمد بن احمد بن حامد ابواحمد الکرابیسی

Marfat.com

النیسابوری ، محمد بن احمد بن محمد بن جعفر ابوعمروبن ابی الحسین السحری النیسابوری، محمدبن احمدبن حاضر الطوسی ابو بشر الحاضری، محمدبن احمدالخالدی النیسابوری ، محمد بن احمد بن الحسن ابوالفضل الصابع النیسابوری ، محمد بن احمدبن ثابت البزازابوالحسین البغدادی ، محمدبن احمد بن جعفرابو نصر الطوسی، محمدبن احمد بـن عبدوس ابوالحسن الحـاتمی النیسابوری ، محمد بن احمد بن عبد الاعلی ابو عبدالله المغربی ، محمد بن احمد الفقیة ابو بشر الادیب الشروطی؛ محمد بن احمد بن ابی الفوارس ابوالفتح البغدادی ، محمد بن احمدبن عبدالوهاب الواعظ ابوبکر الاسفراینی ، محمدبن احمدبن یزیدابوبکر الاصبهانی ولکن ابوبکر النیسابوری و ابوه کان اصفهانیا ، محمدبن احمدبن الحسین السمسار النیسابوری ابوطاهر الطاهری ، محمدبن احمدبن محمدبن محمدبن خاقان ابو عبدالله البخاری محمدبن احمد بن یحیی الفقیه ابوالفضل الترمذی ، محمدبن احمدبن محمدالتمیمی ابوالعباس بن ابی الحسن السلیطی النیسابوری ، محمد بن احمدبن عبدالله السکری ابواحمد المسکی النیسابوری، محمدبن احمدمحمدحفص الحرشی ابونصر النیسابوری: محمد بن احمد بن نجم ابو الفضل الحلومی النیسابوری ، محمد بن احمدبن محمد الطوسی ابی بکرین ابی تراب المسافری النوقانی ، محمدبن احمد بن علی ابوبکر القاضی الفارسی، محمد بن احمد بن حسنویه العارف الـزاهد ابو احمد الحسنوی النیسابوری من کبارمشایخ التصوف مدفون فی مقبره شاهنبر ، محمدبن احمدبن محمد محمود ابوالحسن المراجمی النیسابوری نفقه عندالاستاد ابوالولید ، محمدبن احمدبن عمر الخفاف ابونصر النیسابوری ، محمدبن احمدبن الحامدابوالحسن العطار النیساری محمدبن احمدبن سهل ابو سهل الوراق الزوزنی، محمد بن احمدبن عمرویه النیسابوری محمدبن احمدبن علی ابوالحسن الصنعی الخنجرودی النیسابوری ، محمدبن احمدبن

Marfat.com

محمد الفقیه ابو بکربن ابی سعید النسوی ، محمدبن احمد بن علی بن عبدالرحیم ابوالحسن بن ابی احمدالصفار النیسابوری ، محمدبن احمدبن سعید ابونصربن ابی سعیدالوالی النیسابوری، محمدبن احمدعلی بن شعیب ابوبکر الکرابیسی النیسابوری من خان الدستی ، محمد بن احمد بن عبدالله الاردبیلی ابوالعباس الوراق ، محمد بن الحسن بن سعیدالجرجانی ابوبکر الوراق ، محمدبن احمدبن محمدبن عقیل ابوبکر القطان النیسابوری ، محمدبن احمدبن سعید الانماطی البخاری ابومحمد ، محمدبن احمدبن موسی القاضی ابوعبدالله الحازنی الداری ، محمدبن احمد بن یحیی الفقیه ابونصر السرخی ، محدبن احمدبن بالویه ابومنصورالکساینی النیسابوری، محمدبن احمدبن یعقوب المذکی ابوعبدالله الادیب ، محمدبن احمدبن علی بن نصیر المعدل ابوعبدالله النصیری النیسابوری، محمدبن احمدبن عبدوس ابوبکربن ابوعلی بن عبدوس النیسابوری المزکی ، محمد بن ابراهیم بن الفضل الهاشمی ابو الفضل المزکی النیسابوری و اکثر شیوخ نیشابور فی العدالة ، محمدبن ابراهیم بن عمران بن موسی الجوری ابوبکر النحوی من جور فارس ، محمدبن ابراهیم بن علی حسنویه الزاهد ابوبکر الوراق النیسابوری و کان من البکایین من خشیة الله تعالی حتی لقب بالبکاء محمدبن ابراهیم بن الحسن موسی المناشکی النیسابوری ابو العباس المحاملی ، محمدبن ابراهیم الفامی ابوبکر النیسابوری، محمدبن ابرهیم بن نصر ابوعبدالله الاربندی محمدبن ابرهیم بن اسحق ابوبکر الصانع ، محمدبن ابراهیم بن ابی عمران الامیر بن الامیر ناصرالدوله ابی الحسن النیسابوری ، محمد بن ابراهیم بن حمش ابوعبدالله النیسابوری نزیل نسا ، محمدبن ابراهیم بن یحیی الادیب ابوعمرو البشتی وانشد فی ذکر اصحاب الحدیث قصیدة بعضها هذا

ودع فکر جرجان فان شیوخنا ببلدة نیسابورا علی فما الحزن

Marfat.com

فیحیی بن یحیی لا یقاس بغیره		کلاك به عزا اذ اکنت ممتحن
و تا بعهم اسحق لله درة نعم		و الر باطی فضلهم غیر مکتمن
ابوالا ظهر المفضال ثم ابن هاشم		ومسلم ارباب الحدیث فلا تجن
فمن مثلهم فی حفظهم ومحلهم		فاثارهم یسعی و تدفع فی المحن
ومنا ابن اسحق الخزیمی شیخنا		ومفخر ناشیخ قوم المشایخ والزمن
ولقد کان للا سلام رکنا ومرکزاً		فبقی الله قبرا فیه ذاشیخ مندفن
و منا ابو عمر بن نصر رئیسنا		به عرف العز الذی اهله سکن
و نفخر با لسراج فخرا مواظبا		و با لحیری من او ضحو السنن
حسین و جارو دنیا و مسدد		وعن جعفر بن العلم بالحفظ مقرن
ولم اطمأن الا بذکر مفضل		ابی طالب کن بذکره مطمئن
و بعدهم الشوقی ثم مؤمل		اثلث بنا لمکی یا حبذ القران
ومنا ابو عثمان ثم محمد		عتیب ابا بکر افردایة ادن
ومنا الادیب الاریحی الذی مضی		ابو القاسم الشیخ المذکور وامنن
ومنا الفقیه البیهیقی محمد		فکیف الطباری وموفی اللحدو الکفن
و منا الرئیس الفاضل ایسد		الذی بنصرنه لم ترتفع راس
اقول له و العقول منی تحیت		سلام علی الرئیس ابی الحسن
و منا من الاحیاء طال بقاء هم		دوام لهم فضل و عبر بلا شحن
کمثل ابی بکر بن اسحق صدرنا		امام الا سباب الفرایض والسنن
ومنا من الاصحاب قام ومنه		هو البقی الطالب الحمد بالثمن
لقد بلغوافی الدین اشرف خطبه		ویحیی بن منصور وهم سادة الزمن
و حسان سیف الله و الصارم الذی		بدین به ولم یفروا لم یدن

Marfat.com

علیهم صلوة الله ما ذرّ سارق ویا صاح قمری علی شعب النن
وکل فقیه حاکم و مذکر فمنا ابرهیم المداین و الفطن

محمدبن ابرهیم بن علی النیسابوری ابوالعباس من رستاق باخرز ، محمدبن ابرهیم بن سعید ابوجعفر البوشنجی ، محمدبن ابرهیم بن ابوعثمان الزاهدالنیسابوری وکان من الصوفیه العباد رحمةالله علیه ، محمد بن اسحق بن ایوب بن یزید الصنعی ابوالعباس اخوشیخ ابوبکر النیسابوری ، محمدبن ابراهیم بن یحیی ابوبکر الکسامی النیسابوری، محمدبن ابراهیم بن نضر الوکیل ابوبکر النیسابوری، محمدبن ابراهیم ابو سعید الادیب النیسابوری ، محمد بن اسحق بن محمد بن یحیی الاصفهانی ، محمدبن اسحق بن محمد المعدل ابوالحسن المولقا بادی النیسابوری ، محمد بن اسحق بن بشرویه الزاهد من قریة ازاء ابوجعفر الزائی ، محمدبن اسحق بن محمد السجستانی ابوالحسن النیسابوری ، محمد بن بشر بن العباس ابو سعید الکرابیسی النیسابوری المعروف بالبصری ، محمد بن بکر بن بشر البونی ابو عبدالله الفقیه محمدبن بسطام الحسن ابوجعفر الاستوائی ،

محمدبن جعفر بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب رضی الله عنهم السید ابوجعفر الموسوی وکان اوحد الاشراف فی عصره ، محمدبن جعفر احمد بن موسی الفقیه الادیب، ابوبکر بن ابی جعفر المزکی البشتی، محمدبن جعفر بن ابرهیم بن یوسف ابوبکر الفامی النیسابوری ، محمدبن جعفر بن محمد بن مطر العدل ابو عمرو الزاهد النیسابوری محمدبن جعفر بن محمود ابوسعید الهروی، محمدبن جعفر بن ابرهیم النسوی ابوجعفر ، محمدبن جعفر بن الحسین بن محمد بن المفید ابوبکر البغدادی محمد بن الحسن بن ابوطاهر المحمد آبادی النیسابوری ، محمد بن الحسن بن علی بن بکر العدل ابوالحسن النیسابوری ، محمدبن الحسن بن الحسین التاجر العدل

Marfat.com

ابوالحسن من اجل مشايخ العلم النيسابورى ، محمدبن الحسن بن احمد بن اسمعيل ابوالحسن المقرى السراج النيسابورى ، محمدبن الحسن المو لقابادى، محمد بن محمد الصوفى ابوالعباس البغدادى ابن الخشاب ، محمد بن الحسن الفقيه ابوعبدالله الجر جانى الحسين ، محمد بن الحسن بن فواك ابو بكر الا صبهانى ، محمد بن الحسن بن ثابت ابوبكر النيسابورى ، محمدبن الحسين بن محمد بن اسمعيل السلمى ابوالحسن الكرابيسى النيسابورى ، محمدبن الحسين بن محمد ابوالحسن الجرجانى محمدبن الحسين بن محمد ابو الحسن المادى النيسابورى ، محمدبن الحسين بن يحيى ابوجعفر المؤدب البشتى ، محمد بن الحسين الجرجانى ابو الحسين الخياطى النيسابورى الوراق امام نيشابور ، محمدبن الحسن بن زيد ابو احمد الوراق الطوسى محمد بن الحسين ابوعبدالله الانبارى الموضاحى ، محمدبن الحسين بن داود الحسينى العلوى ابوالحسن النيسابورى رضى الله عنه ، محمدبن الحسين بن داود بن على ابو على الحسنى النيسابورى العلوى رضى الله عنه، محمدبن الحسين بن موسى السمسار النيسابورى ابو سعيد ، محمدبن الحسين بن مهران ابو الحسن الفقيه النيسا بورى محمدبن الحسين بن موسى السلمى ابوعبدالرحمن النيسابورى ، محمدبن الحسين بن محمد ابوالفضل قاضى المعروف بالحدادى النيسابورى ، محمد بن الحسين الفقيه ابوعمرو البسطامى ، محمدبن حاتم الكشى ، محمدبن حيان التميمى ابوحاتم البشتى القاضى ، محمدبن حبكان ابوالحسن السحورى النيسابورى ، محمدبن حفص بن عمر ابوالعباس النيسابورى المعروف بالهروى ، محمد بن حيان الصوفى ابوبكر صاحب الاحوال مدفون فى مقبرة الحسين رضى الله عنه ، محمد بن محمدبن حامدبن محمود القطان ابوالعباس السامانى النيسابورى ، محمدبن حامدبن امة النيسابورى ، محمدبن حامدبن على ابوبكر النجارى ، محمد بن حام بن متك النيسابورى ابوعبدالله الحمال

Marfat.com

محمد بن محمد بن حمدون المعدل ابو بکر، محمد بن حمدون بن مالک ابو عبدالله البغدادی محمد بن حسنویه بن سلمویه البغوی ابوجعفر، محمد بن حسان ابومنصور القرشی المصنف النیسابوری، محمد بن حسان بن محمد ابوعبدالله القرشی النیسابوری، محمد بن الخلیل المعدل ابوعبدالله الاصبهانی، محمد بن الخالد بن الحسن ابوبکر البخاری، محمد بن خشنام بن احمد ابوعمرو الکاغذی النیسابوری، محمد بن خلف بن جعفر السلمی المنجم، محمد بن داود بن سلیمان ابوبکر النیسابوری شیخ التصوف فی عصره، محمد بن ابوالعباس الامیر القیسی، محمد بن زید بن علی البلخی ابوالحسن الکوفی، محمد بن سلیمان الحنفی العجلی الامام ابوسهل الصعلوکی، الفقیه الادیب اللغوی النحوی، الشاعر المتکلم، المفتی الصوفی الکاتب العروضی، العلامة النیسابوری رضی الله عنه وایضاه، محمد بن احمد بن سلیمن بن محمد ابو جعفر الابراری النیسابوری وابرار قریة علی فرسخین من البلد. محمد بن سلیمان بن بلال ابوبکر المقری المنیری النیسابوری، محمد بن سهل بن ابرهیم بن سهل ابوعبدالله التاجر النیسابوری، محمد بن سعید بن محمد الکرابیسی النیسابوری، محمد بن سیما القطان النیسابوری، محمد بن شعیب بن جبریل ابوبکر المؤدب، محمد بن سادل السحری ابونصر الادیب. محمد بن صالح بن هانی المیدانی ابو جعفر النیسابوری الوراق، محمد بن صالح بن علی ابوعبدالله البشتی النیسابوری، محمد بن صالح بن محمد بن سعید القحطانی ابوعبدالله الاندلسی، محمد بن صالح بن علی العباس المطلی ابوالحارث، محمد بن طلحة بن منصور بن هانی ابوبکر النیسابوری، محمد بن طاهر بن محمد ابو طاهر الصوفی النیسابوری، محمد بن علی الانی ابو یعلی، محمد بن طاهر بن الحسین ابوالحسن النیسابوری محمد بن طاهر بن محمد ابونصر الوزیری النیسابوری، محمد بن ابی طاهر بن یحیی ابوالحسین الفلقی النیسابوری. وفلق قریة علی نصف فرسخ من البلد کبیرة عامره، محمد بن

Marfat.com

ظفر بن محمد العلوی الحسینی المصنف العالم النیسابوری رضی اللّٰه عنه ، محمد بن عبداللّٰه بن احمد ابوعبداللّٰه الصفار الاصبهانی محدث عصره بخراسان و کان مجاب الدعوه لم یرفع الاکما بلغنا اربعین سنه توفی رضی اللّٰه عنه فی سنه تسع وثلثین ثلثمائه و دفن فی داره فی سلمة العنبی ، محمد بن عبداللّٰه التاجر ابوعبد الرحمن النیسابوری، محمدبن عبداللّٰه بن دینار العدل ابوعبداللّٰه النیسابوری ، محمدبن عبداللّٰه بالویه ابو جعفر السامانی النیسابوری ، محمد بن عبداللّٰه بن محمد ابوبکر النیسابوری محمد بن عبداللّٰه بن محمد ابوعبداللّٰه المزنی اخوالشیخ المزنی توفی بنیسابور ، محمدبن عبداللّٰه بن محمدبن صبیح العمری النیسابوری رضی اللّٰه عنه، محمدبن عبداللّٰه بن محمد الرازی ابوالحسین ،محمدبن عبداللّٰه بن جمشادالغازی ابوبکر النیسابوری، محمد بن عبداللّٰه بن محمدبن بشر المزنی ابوالحسین الهروی ، محمدبن عبداللّٰه بن عبدالعزیز ابوبکر الرازی، محمدبن عبداللّٰه بن قریش الوراق الریدیجی النیسابوری، محمد بن عبداللّٰه بن ابرهیم ابوالحسن السلیطی النیسابوری ، محمد بن عبداللّٰه محمد الاسفراینی ، محمدبن عبداللّٰه بن ابرهیم ابوسعید الزاهد المروزی ، محمدبن عبداللّٰه ابن ابوجمشاد ابومنصور النیسابوری ، محمدبن عبداللّٰه بن الحسن السمیری النیسابوری محمدبن عبداللّٰه الشیبانی ابوبکر بن الحسن المعدل النیسابوری ، محمد بن عبداللّٰه البزازی البخاری ، محمدبن عبداللّٰه بن یعقوب ابوبکر النیسابوری ویعرف بالنسال ، محمدبن عبداللّٰه بن شنویه الهمدانی ، محمدبن عبداللّٰه بن الحسین الفقیه ابوبکر الصنعی النیسابوری ، محمدبن عبداللّٰه بن احمد البوشنجی ابوبکر الواعظ الصوفی، محمدبن عبداللّٰه الفضل الفارسی ابو عبداللّٰه الوراق ، محمد بن عبداللّٰه بن اسمعیل ابو جعفر الادیب الرئیس النیسابوری ، محمدبن عبداللّٰه بن محمد ابوبکر الفارسی محمدوعلی انباء عبداللّٰه بن محمد الدورقی النیسابوری، محمدبن عبداللّٰه بن ادریس ابوعبداللّٰه، محمدبن

Marfat.com

عبدالله بن جمشاد ابو سعید الحاسب النیسابوری ، محمد بن عبدالله بن حمدون ابو سعید النیسابوری ، محمد بن علی بن الحسن الحسینی مولده بهمدان و منشاؤه بعراق رضی‌الله‌عنه ، محمدبن علی بن الحسین ابوعلی الاسفراینی، محمد بن‌علی بن الخلیل الزمجاری ابوبکر التاجر النیسابوری ، محمدبن علی بن‌علی ابوعلی البرنودی النیسابوری، محمدبن‌علی بن احمد الجلاب ابو منصور الفارسی ، محمد بن علی‌بن محمد بن الحسن الطوسی ، محمد بن علی بن‌الحسن ابوالطیب الخیاط النیسابوری وکان مجاب الدعوة ، محمدبن علی الدمشقی ابوبکر ، محمدبن عبدالله الکلاتی ابو احمد النیسابوری ، محمدبن علی‌الادیب ابوالعباس الکرخی، محمدبن علی بن اسمعیل ابوبکر القفال الشاشی امام عصره بماوراءالنهر ، محمدبن علی بن الحسین ابوبکر المودل النسابوری ، محمدبن علی عبدالله الزوزنی ، محمد بن علی بن محمدبن یحیی النیسابوری ، محمدبن علی بن مومل النیسابوری ، محمد بن علی العلوی ابو جعفر الیمانی ، محمدبن‌علی بن‌عمرو الاصبهانی ابوسعید ، محمدبن علی بن الحسن ابوبکر المروزی ، محمد بن علی سهل ابوالحسن الماسرخسی ، محمد بن علی بن بکر النیسابوری، محمدبن‌علی بن محمد ابوعلی الموذن النیسابوری ، محمدبن علی بن الزراد ابوعبدالله البصری، محمدبن علی بن محمد الرازی ابوالحسن الفامی النیسابوری محمدبن عبیدالله بن محمد ابوبکر بن عبید النیسابوری ، محمدبن عبدالله ابن بالویه ابوالقاسم النیسابوری ، محمد بن عبدالرحمن بن محمد ابوالحسین بن ابی القاسم النیسابوری ، محمد بن عبدالرحمن بن محمد ابوالعباس ماماله ابی العباس الذعولی السرخسی ، محمد بن العباس بن احمد الضبی ابوعبدالله الهروی الوجیه الرئیس العالم رضی‌الله‌عنه ، محمدبن‌العباس بن حمویه ابوبکر الصیدلانی النیسابوری محمد بن العباس احب محمدبن جریر ابوبکر الادیب الخوارزمی، محمدبن العباس بن

Marfat.com

محمد بن قوهنارا بوبکر الکساسی النیسابوری، محمد بن عیسی بن محمد ابوصالح بن عیسی احد مشایخ خراسان ، محمد بن علی بن عبدل ابواحمد الجرجانی، محمد بن عیسی بن محمد بن عبدالرحمن ابو احمد الحلودی النیسابوری من کبار عباد الصوفیه، محمد بن عبدالعزیز بن عبدالله بن ابرهیم ابوعلی الزعوزی النیسابوری ، محمد بن عبدالعزیز بن علی الحشتاب ابوالحسین ، محمد بن عبدالعزیز بن علی ابوبکر الجرجانی محمد بن عبدوس المقری ابوبکر المفسر ،محمد بن عمر بن قتادة بن نظر ابوالحسن الزمجاری النیسابوری ، محمد بن عبدان ابوعبدالله خادم الجامع بنیسابور النیسابوری محمد بن عمر بن محمد الاسفراینی ابوبکر الفقیه ، محمد بن عبدوس بن الحسین ابوعبدالله السمسار النسابوری ، محمد بن عون بن اسحق المروزی ابوسعید الزاهد، محمد بن عبدوس بن حاتم ابونصر الدهان النیسابوری ، محمد بن الفضل بن محمد الکرابیسی ابو احمد الوراق النیسابوری و کان من المعروفین بطلب الحدیث فی الشرق والغرب، محمد بن الفضل بن محمد اسحق المذکر ابوسعید المقری النیسابوری، محمد بن الفضل بن العباس الشافعی ابوالفضل النیسابوری، محمد بن الفضل بن محمد بن اسحق خزیمه ابوطاهر النیسابوری، محمد بن الفضل بن محمد الادیب البلخی الربیع، محمد بن الفضل بن محمد الفقیه ابوبکر اهل بخارا، محمد بن الفضل بن لولو الحلوانی ابوالحسین، محمد الفتح الانماطی ابوالعباس المعدل ، محمد بن القسم بن عبدالرحمن ابومنصور الصنعی النیسابوری ، محمد بن القسم بن محمد بن الحسین الکرابیسی النیسابوری ، محمد بن القاسم محمد بن بشر بن سالم الفارسی ابوبکر، محمد بن کافور بن کافور مولی احمد بن خذیقه، محمد بن محمد بن محمد بن عبدالله بن خالد البغدادی ابوجعفر التاجر محدث خراسان فی عصره، محمد بن محمد بن یوسف ابونصر الامام الطوسی، محمد بن محمد بن الحسن الشیبانی ابواحمد النیسابوری ، محمد بن محمد بن یوسف المقری

Marfat.com

ابوبکر البخاری اللحیانی ، محمدبن محمدبن محمش ابوطاهر الزناطی النیسابوری، محمدبن محمدبن احمدبن عبدالله السلمی الحنفی ابوالفضل الوزیر عالم مرورحمة الله محمدبن محمدبن علی العطار ابوسعید النیسابوری ، محمدبن محمدبن احمد ابوبکر البلخی، محمدبن محمدبن احمدبن اسحق ابوالحسن الحربی النیسابوری، محمدبن محمدبن جعفر ابوبکر النیسابوری، محمدبن محمدبن جعفربن مطر ابواحمدبن ابی عمروالمعدل النیسابوری ، محمدبن محمدبن احمدبن اسحق القاضی ابواحمد الحافظ امام عصره وصنف علی کتاب مسلم البخاری وعلی کتاب ابی عیسی الترمذی وصنف کتاب الاسامی والکنی والعلل والمخرج علی کتاب المزنی وکتاب الشروط وصنف النسوح والابواب توفی رحمة الله یوم الخمیس الرابع والعشرین من الربیع الاول سنه ثمان وسبعین وثلاث مائة وهوابن ثلث وتسعین سنه وصلی علیه الرئیس فی دیوان الجین ودفن فی داره، محمدبن محمدبن حامد الترمذی ، محمدبن محمدبن عبدان ابوسهل بن ابی عبدالله النیسابوری ، محمد بن محمد بن الحسن الکازی وهی قریة علی فرسخ من البلد ، محمدبن محمدبن اسحق بن النعمان العدل ابواحمد الصفار النیسابوری ، محمدبن محمدبن عبدوس المقری ابوعمرو الزاهد الانماطی النیسابوری ، محمدبن محمدبن الحسین الترمذی ابوسهل، محمدبن محمدبن یعقوب الحافظ المقری ابوالحسین الحجاجی النیسابوری، محمدبن محمدبن اسمعیل بن منصور الفقاهی ابوبکر النیسابوری محمدبن محمدبن عبدالله بن عمرو الجرجانی؛ محمدبن محمدبن علی النسوی ابواحمد المعروف بالبغدادی، محمدبن محمدبن یحیی بن عامر الفقیه ابوالحسین الاسفراینی، محمدبن محمدبن داود السجری العدل ابوبکر، محمدبن محمدبن عبدالله ابوالحسین بن ابی عبدالله المزنی المهروی، محمدبن محمدبن اسحق الثقفی ابوعمرو ابی العباس السراج النیشابوری ، محمدبن محمدبن ابوزرعة الکشی، محمدبن محمدبن الحسن بن

Marfat.com

علی بن الحسین بن السری بن یزدجرد بن سیبویه‌بن شاپور الذی بنا بنسابور الفقیه الحاکم ابوالحسین الصفار النیسابوری ، محمدبن محمدبن شاده الزاهد ابوالخیر الکرابیسی النیسابوری، محمدبن محمدبن احمد ابوعمرو الفامی النیسابوری، محمد بن محمدبن علی بن الحسن بن قتیبه، محمدبن محمدبن احمد الفقیه ابوسعید المطوعی النسابوری محمدبن محمدبن سمعان الحیری ابومنصور المذکر النسابوری ، محمدبن محمدبن احمدبن عثمان البغدادی ابوبکر الطرازی، محمدبن محمدبن سعید المعدل ابوطاهر بن الکسکری النیسابوری، محمدبن محمدبن سعد الانماطی النیسابوری ویعرف بابی الحسین المدنی، محمدبن محمدبن اسحق السعدی ابواحمد الهروی، محمدبن محمدبن رجا الامین ابونصر الزمام علی الضی النیسابوری ، محمدبن محمدبن احمد المعدل السراج ابوبکر النیسابوری ، محمد بن محمدبن عبدالله‌بن محمدبن صبیح العمری النیسابوری ، محمدبن محمدبن الحسین الکرابیسی ابوعبدالله الخالدی ، محمدبن محمدبن عبدالله المطوعی ابومنصور النیسابوری ، محمد محمدبن احمد بن انس ابونصر بن ابی الفضل الصرام النیسابوری ، محمدبن محمدبن احمدبن عبدالله السلمی النیسابوری، محمدبن محمدبن احمدبن احمدبن اسحق الکرابیسی النیسابوری، محمدبن محمدبن اسمعیل الزاهد ابونصر الکرابیسی النیسابوری، محمدبن محمدبن سهل بن ابرهیم النیسابوری ابونصر امام اهل الرأی بخراسان، محمدبن محمدبن احمد المروزی ابوالفضل الروحی ، محمدبن محمدبن الفضل الخفاف ابوعمرو القهندری النیسابوری محمدبن محمدبن ابراهیم بن سیمجور، محمدبن محمدبن عزیز بن محمد ابوالحسن دوست محمدبن محمدبن عبدالله بن ادریس ابوعبدالله الاسترابادی، محمدبن محمدبن ابو عمرو الرازی ، محمدبن عبدالرحمن النیسابوری ابوبکر ، محمدبن المومل بن الحسین الماسرخسی النیسابوری وکان احد وجوه خراسان رضی الله عنه

Marfat.com

وما حالاتنا الا ثلث شباب ثم شیب ثم موت ومن انساده فی وقت دخوله علی بعض الوزراء الم تی انی ازور الوزیر وامدحه ثم استغفر واثنی علیه ونثنی علی وکل لصاحبه نسخر، محمدبن موسی بن عمران الفقیه ابوالحسن الصیدلانی ، محمدبن محمدبن موسی الحسین بن الثعلبی ابوالحسن الکوفی ، محمدبن موسی بن عمران ابوجعفر الموذن الطوسی، محمدبن موسی بن القاسم ابوسعید الدباس النیسابوری، محمدبن نصرویه بن البغدادی ابوعبدالله البزاز ، محمدبن نصرالطبری ابوعبدالله الفقیه ، محمدبن الولید ابوالعباس الزوزنی ، محمدبن هشام ابوعبدالله المروزی ، محمدبن یعقوب بن یوسف الاموی مولاهم ابوالعباس الاصم النیسابوری رضی الله عنه و ارضاه مدفون فی مقبره شاهنبر، محمدبن یعقوب بن یوسف الشیبانی ابوعبدالله الاحرم الحافظ وکان یعرف بن الکرمان ولکن هو نیسابوری وله تصانیف کثیرة وهو صدر اهل الحدیث فی زمانه رضی الله عنه وارضاه ، محمدبن یعقوب النحوی الاصبهانی ، محمدبن یعقوب بن اسحق ابومصعب الاسفراینی، محمدبن یوسف بن حمدان ابوجعفر التاجر النیسابوری، محمدبن یوسف ریحان النجاری الامیر ابوالفضل، محمدبن یوسف بن ابرهیم الموذن ابوعبدالله الدقاق النیسابوری ، محمد بن یوسف بن یعقوب ابوسعید السوسی ، محمد بن یحیی ابن محمدبن عبدالله العنبری ابوالعباس بن ابی زکریا النیسابوری، محمدبن یزیدبن محمدالعدل اخو عبدالله الزاهد النیسابوری ، منصور بن احمدبن هارون الفقیه المزکی ابوصادق نیشابوری، منصور بن محمدبن احمدبن حرب القاضی ابونصر البخاری ، منصور بن عبدالله خالد الذهلی ابوعلی ،منصور بن عبدالرحمن بن الحسین ابواحمد النیسابوری مکی بن احمدبن سعدویه البردعی ابوبکر ،مسیب بن محمدبن مسیب ابوعمرو ابی عبدالله الارغیانی موسی بن محمدبن موسی ابوالمعشر المالینی ، سعیدبن جمعة بن خاقان الادیب المطوعی الطبری ، موفق بن محمدبن الجراح الادیب ابوسعید الهروی ، محمودبن الحسین بن

Marfat.com

محمود ابوحامد القطان النیسابوری ، محمود بن محمد بن محمود ابومحمد المطوعی من اهل فواده عبدالله حمزة بن حبه ابومنصور الدهقان القندشنی النیسابوری منصور بن عبدالله بن حمزه ابونصر بن ابونصر النیسابوری، معاذ بن محمد الحسین المعدل ابوالحسن الانماطی المعروف بالمعادی النیسابوری دنه المنان بن محمد بن سلمویه ابورشید العدل النیسابوری ، مطهر بن محمد بن حاتم بن عبدالله ابوعلی النیسابوری ، مسلم بن عبدالعزیز الیمانی ابوعبدالله الخصیب نوح بن قلج بن احمد بن ابوحاتم النیسابوری ، نصر بن محمد بن احمد بن یعقوب ابوالفضل الطوسی ، نصر بن حاتم بن بکر بن ابو اللیث الشاشی ، النصر بن محمد بن احمد بن محمد ابوالقاسم المحمی النیسابوری ، نصر بن محمد بن عبدالملک الصوفی الاندلسی ، النعمان بن محمد بن محمود بن احمد بن الحسن الطوسی ابوالحسن الروغندی ، النعمان الجرجانی ابونصر ، ناصر بن محمد بن ابی المعالی المروزی، نعیم بن الحسین المجرجانی ابوالحسین التاجر ناصر بن عبدالرحمن بن ناصر ابونعیم الجرجانی ، ولید بن احمد بن محمد الولید ابوالعباس الزوزنی، ولید بن بکر بن مخلد بن ابی زیاد العمری ابوالعباس الفقیه المالکی الاندلسی، هارون بن احمد بن هارون ابوسهل الاستراابادی ، هارون بن محمد هارون الصوفی ابوسهل الحمامی النیسابوری ، هارون بن محمد الازواری الجوینی ابوموسی هبته الله بن الحسن الادیب النحوی العلامة ابوبکر الفارسی، هشام بن محمد بن بکر ابونصر السرخسی ، لاحق بن الحسن بن عمران ابوعمرو الوراق البغدادی ، یحیی بن منصور بن یحیی عبدالملک ابومحمد الحاکم العالم الدین النیسابوری الجرودی ، یحیی بن محمد بن عبدالله بن العنبر بن عطا مولا ابی خرقا السلمی ابو زکریا العنبری النیسابوری ، یحیی بن محمد بن احمد بن محمد الحسینی العلوی ابومحمد ابی الحسین بن ابی زیاره النیسابوری رضی الله عنه ، یحیی بن محمد بن سهل الاسفراینی ابوزکریا،

Marfat.com

یحیی بن محمد بن احمد المقری ابوبشر القطان النیسابوری قریب محمد بن اسحق، یحیی بن عمرو بن صالح بن محمد بن یحیی ابوزکریا البشتی ، یحیی بن احمد بن ابو عمرو المخلدی النیسابوری ، یحیی بن اسمعیل بن یحیی المزکی ابوزکریا الحربی النیسابوری ، یحیی بن یحیی بن عبدالله ابوزکریا المحسودی البخاری ، یحیی بن محمد بن احمد بن المذکر الطوسی ابوزکریا ، یحیی بن محمد یحیی المعدل ابوالقاسم الصیدلانی النیسابوری ، یحیی بن زکریا بن الشاه السرخسی ابومنصور ، یحیی بن احمد بن ابوزکریا بن ابی طاهر السکری النیسابوری ، یحیی بن عبدالرحیم بن یحیی ابوزکریا الحیری النیسابوری ، یحیی بن عثمان الواعظ السحری ابوزکریا ، یوسف بن یعقوب بن اسحق ، یوسف بن احمد بن سلیمان الدیر عاقبی ، یوسف بن یعقوب بن ابرهیم البغوی ابویعقوب ، یوسف بن اسحق الفقیه ابوالحسین الجرجانی ، یوسف بن اسمعیل بن یوسف ابو یعقوب الساوی ، یوسف بن محمد بن محمد بن یوسف ابوالجراح الطوسی یعقوب بن احمد بن محمد بن یعقوب الخسروجردی ابویوسف البیهقی ، یعقوب بن محمد بن اسحق بن یزید ابو یوسف المذکر النیسابوری ، یاسین بن محمد بن محمد بن یاسین ابویوسف النیسابوری

قال الحاکم الامام ابوعبدالله الحافظ النیسابوری وقع الفراغ بعون الله وحسن تقدیره شهر رمضان سنه ثمان و ثلثمائه

فذکرت بعد الاربعین سنة منها شیوخی واخوانی الذین استفدت عنهم حدیثا اوحکایة اوانشادا وخرجوا من العلوم الی هذا الشهر فماتت جماعة من توفی من هذا الوقت ، عبیدالله بن محمد بن عبدالله ابوالفضل الفامی النیسابوری ابوعلی بن ابی الصامت بن ابی محمد النیسابوری ، محمد بن احمد بن محمد السختیانی النیسابوری ، العباس بن

Marfat.com

ابی القاسم الرمکی الوزیر النیسابوری ، عبدالواحد بن محمد ابوالوفا البزاز النیسابوری
محمد بن محمد بن علی بن سہل بن مصلح الفقیه ابوبکر الماسرخسی النیسابوری، ابوبکر
بن محمد بن محمد بن علی بن بکر النیسابوری ، عبدالعزیز بن عبدالله محمد بن عبدالعزیز
ابوعمرو النیسابوری المعروف بابی عبدالله الهروی، یحیی بن یحیی بن احمد بن ابوزکریا عمرو
الخالدی النیسابوری ، محمد بن الحسین بن الحسن الاصبهانی المقری، مہدی بن محمد بن
محمد ابوسلمة الصیدلانی النیسابوری محمد بن عبدالله ابوالعباس الزاهد السختیانی
النیسابوری عبدالرحمن بن محمد بن احمد ابوالقاسم بن ابی بکر المسکی التاجر النیسابوری
عبدالله بن احمد بن محمد الماسرخسی النیسابوری ابومحمد، محمد بن احمد بن عبدالله بن
سلیمان السلیطی ابوعمرو النیسابوری ، ختن ابی بکر بن اسحق محمد بن عبدالاعلی بن
محمد بن ابوبکر الشاهد النیسابوری، محمد بن احمد بن حبیب ابوسہل المقری النیسابوری
ابراهیم بن محمد الاصبهانی ابواسحق ، محمد بن محمد بن الفضل ابوحاتم القهندری،
فاطمه ام علی بنت ابی جعفر النیسابوری، محمد بن محمد بن عبدالله بن محمد ابوسہل بن
اخو الحاکم المصنف النیسابوری، محمد بن عبدالرحمن بن ابرهیم ابوالحسین النیسابوری
ابوعلی ، الحسین بن شیخ الرئیس ابی الحسین النیسابوری ، علی بن عبدالله محمد بن
جعفر ابوالحسن المیسکی احمد بن عبدالحمید بن عبدالرحمن النیسابوری ، محمد بن
احمد ابوبکر الفرائضی البطحی النیسابوری ، عبدالله بن محمد عبدالله بن الرومی ابو
محمد الحیری النیسابوری ابو عبدالله ، سعید بن محمد بن سعید ابوعثمان السکری
النیسابوری ابوالقاسم علی بن محمد بن علی الجرجانی ، عبدالرحمن بن محمد بن محمد
بن حمد ابوسعید النیسابوری ، الحسن بن داود رضوان ابوعلی الفقیه السمرقندی، عبدالله
بن احمد المذکر ابوالحسین الحنبلی وهو ابن بنت علی الجنابذی ، محمد بن علی بن الفضل
بن محمد الخزاعی ابونصر النیسابوری ، محمد بن علی بن الحسین الحلقانی المعروف بابی

Marfat.com

نصر القصار ، محمد بن القاسم ابو منصور المنادی النیسابوری ، محمد بن احمد بن محمد
ابو بکر المقری النیسابوری ، عبدالرحمن بن محمد بن محمد بن احمد ابو القاسم المزکی
النیسابوری الحسین بن محمد بن ابرهیم ابو علی النسوی ، ابو سهل بن ابی بشر بن محمد
هارون النیسابوری ابو سهل بن ابی القاسم النیسابوری ابو بکر ، محمد بن محمد بن
جمش النیسابوری ، محمد بن ابی اسحق الکیال المطوعی الجرجانی ، محمد بن محمد بن
احمد المعدل ابو عبداللہ شیخ اهل الرأی النیسابوری ، یحیی بن یحیی بن عبدالرحمن ابو احمد
النیسابوری ، عبداللہ بن محمد بن احمد الصوفی الزاهد ابو العباس السختیانی النیسابوری ،
یحیی بن عبدالرحمن ابو زکریا العاصمی النیسابوری طغرل الترک مولی الشیخ العمید ،
محمد ابو عمرو السلیطی النیسابوری ، السید ابو الفضل احمد بن محمد الحسینی العلوی
النیسابوری ، محمد بن عبدالاعلی بن محمد ابو بکر الفقیہ النیسابوری ابو اسحق
محمود التاجر الاصبهانی ابو سهل بن حبیب المقری ابو عمرو بن علی الانماطی ،
عبدالرحمن بن عبداللہ بن حمدون ابو سعید ابو نصر العصائی العارضی ، محمد بن احمد
بن سهل ابو سهل الدستی علی بن محمد المذکر ابو الحسین [illegible] ، عبداللہ بن محمد
بن علی ابو محمد النیسابوری ، عبداللہ بن محمد بن عبداللہ [illegible] المطوعی النیسابوری
المعروف بالحرضی ، محمد بن عبداللہ بن محمد ابو نصر الصوفی الانماطی النیسابوری ،
علی بن محمد بن احمد ابو الحسن السلیطی النیسابوری ، علی بن محمد بن احمد بن
الحسن ابو الحسن المعاذی النیسابوری ، ابراهیم بن احمد بن محمد ابو اسحق [illegible]
الحسین بن علی بن الحسین الجوری النیسابوری ، محمد بن الفضل بن محمد بن [illegible]
النیسابوری ، شیبة بن محمد بن احمد بن ابو محمد التمیمی النیسابوری ، عصمة بن [illegible]
النیسابوری ، ابراهیم بن محمد بن ایوب الفقیہ ابو اسحق [illegible] النیسابوری ، محمد بن
احمد بن حاتم ابو حاتم الطوسی ابو عمرو الحمدوسی احمد بن ابی الفراقی الاسوانی احمد

Marfat.com

بن منصور بن عبدالله اخو المعتز النیسابوری ، عبدالرحمن بن محمد ابوسعید الشریفی الصوفی النیسابوری، محمد بن عبدالله بن احمد بن محمد ابوالفضل بن الرئیس النیسابوری، محمد بن احمد ابوبکر الحموسی الفقیه النیسابوری، محمد بن احمد بن حمویه ابوالحسن الرئیس بابیورد ، الحسن بن محمد بن شاذان الشاهد ابومحمد النیسابوری ، محمد بن احمد بن معاذ ابوبکر الفامی النیسابوری ، عبدالرحمن بن عبدالله بن الشیخ ابی بکر علی بن محمد الفازی ابوالحسن القطان الجرجانی، عبدالحمید بن محمد المذکر الخانقاهی ابوالقاسم ابوسهل البقال الواعظ ، اسمعیل بن الشیخ ابی علی العبدوی النیسابوری ، علی بن محمد بن عبدالله بن محمد بن عبدالله ابوالحسن الحداد النیسابوری ، علی بن محمد ابوالحسین بن غلکان الخیاط النیسابوری ، عبدالله بن محمد بن علی الصفار ابومحمد الشاهد محمد بن احمد المولی ابونصر النیسابوری ، محمد بن علی بن الفضل الخزاعی ابوبکر النیسابوری ، محمد بن علی الطبری ابوجعفر البلادری الشریف ، ابوجعفر بن ابی محمد العلوی العباس بن محمد بن علی بن معدویه ابوجعفر بن ابی الحسن صهر الحاکم المصنف النیسابوری ابوسهل بن ابی بشر ، محمد بن هارون التاجر عبدالرحمن عبدالله بن علی بن محمد بن سختویه النیسابوری ، محمد بن علی المذکر ابوجعفر الجوردی ابوسهل بن مهران العدل النیسابوری ابوسعد الفلاحی الفقیه وتوفی سنه اربعمائه ، محمد بن یعقوب الفقیه الزاهد ابوبکر بن مخلد بن بنت ابی بکر بن ابی عثمان الزاهد النیسابوری ، احمد بن محمد ابونصر البالوی النیسابوری ، یحیی بن یحیی بن محمد بن عبدالله العنبری النیسابوری ابواحمد ، عبدالله بن محمد بن الحسن المهرسنان بن عمرو بن محمدك ابو منصور فاطمه بنت بکر بن محمد بن اسحق بن خزیمه سمعت اباها وحدیث و توفت رحمها الله فی رجب سنه اثنین اربعمائه والله تعالی اعلم.

Marfat.com

قال الحاکم الامام ابوعبدالله النیسابوری سألنی جماعة من اخوانی ان اذکر بعض ما انتهی الی من بناء المسجد القدیمه بنسابور و القهندز و المدینة الداخله و ذکر الاودیه و المحال و الرساتیق و الارباع فلم احد السبیل الی الاستقصاء فیه بالاسانید فقد اجبتهم ان اذکر بعض ما یمکن ذکره بالاسانید و هذا کلامه الامام الفقیر محمد بن الحسین الخلیفه النیسابوری فترك الاسانید اعتمادا علی صحة قوله رضی الله عنه و اجتنابا من الاطالة

ذکر بناء قهندز و شهر قدیم و مفاخر و اوضاع و محلات و باره و وادیها و محولات نیسابور و آنچه تعلق بامثال این امور دارد

امام حاکم فرمود اول کسیکه قهندز بنا نهاد انوش بن شیث بن آدم بود علیه السلام اساس آن برسنگی بزرك سفید مدور اساس نهاد و ازاینجهت در افواه خلق بود که آنرا قلعهٔ حجریه یعنی سنگی گفتندی بعد از آن بمدتی مندرس شد و چند گاه ماند ذوالایکه دوم بار بنا نهاد بعد از آن بطوفان خراب شد و در زمان ایرج بن افریدون مهمل ماند از آن جهت که افراسیاب ساحر با لشکر عظیم بر ملك ایران غالب کرد و شهرها خراب میکرد و اسیر و غارت میکرد و در سحر و شعبده بود دفعها متعدد بود در اثناء اینکه در ملك ایران میگشت بصحراء قهندز رسید و اول کرد شهر ... بجوانب نظر کرد میدانی وسیع دید از اینطرف کوهی قوی خوش منظر از ... طرف کوهی مقابل از جوانب جبال ... بوصف اتصال داده روان چشمها جاری اشجار مثمره ثمار لذیذه میدانی مستدیر جبال محیط در شگفت افتاد قلعه اعلا قهندز بنا کرد و دیوارها احکام کرد و بسی اساس مرتب گردانید و بعضی کسان ساکن کرد و در زمان ایرج افریدون عمارت آن بیشتر و تمامتر شد.

Marfat.com

ذکر حفر خندق قهندز

امام حاکم فرمود که چون نوبة حکومت بمنوچهر رسید بقهندز آمد و در حوالی آن خندق حفر کرد و در جوانب مردم را ساکن کرد و بعضی را درون قلعه اسکان نمود و اهل مملکتی را بعمارة و رفع دیوار و توطن در جانب آن تکلیف کرد و آتشکده در آنجا ساخت وقومی را بر آن خانه موکل کرد وحکم کرد که بچهل روز اهل مملکتی از عماراتی که گفته بود فارغ شوند بس درجوانب قهندز اماکن ومساکن پیدا شد و درون قلعه مسکون گشت واجتماع مردم دست داد .

ذکر بناء شهر قدیم

امام حاکم فرمود که چون هرمز پادشاه شد وملك اورا مسخر گشت منجمان وفال گویان او را خبر کردند که فرزندی اورا متوقع است که همهٔ روی زمین را مسخر کند وفرزند درراه بود هرمز بود مادرش را از حال بسرش خبر کردند در محافظه آن بسر قوی جدی مینمود ووزراء بدرش طریق وفاداری رعایت نمودند تاج بدرش می فرستادند ومادرش تکیه میکرد آن تاج بر سینه مادر می نهادند یعنی تاج پدر بر سر پسر است و آنچ مصلحت میدیدند درمملکت جهت آن بسر حکم میکردند واحکام می نوشتند وبسلاطین زمان از زبان آن پسر منشور میفرستادند واورا شابور نام نهاده بودند یعنی شاه پسر یعنی پسر یعنی بسر بادشاه بقصد آنك چون بیدا شود هر نام که جهت خود اختیار کند نام او آن باشد چون بالغ شد نام خود همین اختیار کرد وبشاپور شهره یافت یعنی شاهزاده وبحسب دنیا عالی همت بود ورأی صائب داشت ملك شرق وغرب او رامسخر شد این شاپور شهر قدیم نیشابور درحوالی قهندز بنا نهاد ومعماران وعمله تعیین کرد و گفت که برجوانب شهر خندق حفر کنند و باصل

Marfat.com

مملکت بدرش که دیار بغداد ومداین است و آن جوانب بودرفت وایوان مدائن بساخت وددیار شام‌شهر انبار بناکردوشهر کرخ وسجستان دراطراف بصره بساخت وشهری ساخت فیروز شابورنام نهاد وبعد ما بنیسابور عودکردوبرحوالی‌شهرخارج خندق عمارات آغاز کرد انبار ده نام نهاد معماران وعمله مرتب کرد و تکلیفات شاقه فرمود رعایا عاجز آمدند معماران‌را امر کردکه هرروز بیش از آفتاب بسر کارها روند وهرکه ازرعایا پیش از آفتاب حاضر نشود زنده درمیان خشت و گل دیوار گیرند وچنان کردندوخلق بر آن رنج قرار گرفتندو بعدازسنین کثیره که‌چندران وبنیان انبار ده منهدم میشد استخوان جسد بنی آدم ازسرتاقدم ازمیان گل برخاک میافتاد وآن انبارده ازسده بنابود تاقریب زمان سلطان محمود عمروبن لیث که والی نسابور بود خراب بودوازخاک آن بازاری مقابل جامع‌شهر بنانهاد چه شهر قوی وسیع بود واسباب عمارت بغایت متعذر

ذکر حفرخندق در جوانب شهر قدیم

امام حاکم فرمود که چون شابور بمملکت دررفته بودلشکر ترک بار دیگر برملك ایران غلبه کردند چون شابور باز آمدخلق از آن فتنه فریاد برآوردند با لشکر جرار بسر آن اتراك رفت ومحاربه ومقاتله ایشانرا از ملك ایران اخراج کرد وبازبنیسابور آمد بوقت‌طیب هوا وزینة فضا و کثرة غذا وسعة معاش ورفاهه ارتیاش وسکون غبار ونمار بسیار وعذوبه میاه وانبساط جایگاه فرع‌البال منتظم الحال مملکت مسخر ومهمات میسر دشمن مقهور ولشکر منصور انجا مقام نمود وبناء شهر متصل بقهندز واقامه شهرستان واخراج ابراج وتشییداساس فرمودومحلات وعمارات بهم واصل کرد وخندق شهر وقهندز بهم متصل کرد وبرچارجانب‌شهر چار

Marfat.com

دروازه مرتب داشت شرقی وغربی وجنوبی وشمالی ومهندسان رافرمودو طریق بنـا بایشان نمودتاچنان بنانهادندکه چون آفتاب طلوع کردی شعاع آن ازهرچاردروازه در درون شهر سطوع کردی و آن ازعجایب بناها بود و بوقت غروب ازهرچاردروازه آفتاب درنظر بودی که بوشیده شدی همچنین ساختند و بسی زمان بنیان بر آن سان بود و بنام خودشهررانام نهاد .

امام حاکم فرمود و آن بناست که تاغایة اثر آن بیدا وعلامة آن هویداست ودروقت حفر خندق بوی خبر آوردند که گنجی بیداشد اندك اهتمامی نمودوضبط آن بیکی ازنواب فرمود گفتند هشتادخروارزر بوداز آن اهتمام بشیمان واز آن التفات بریشان شد جه آن مقدارراکم داشت واندك بنداشت وترسیدکه برقصورهمة اوو فرط خست حمل کنند اشارتی کردکه همه رانفقه کنیدودیگر ذکر آن نکرد

ذکر ارتفاع زمین نیشابور بنسبت با بلاد دیگر

امام حاکم فرمود کهدر کتب متقدمان حکما ثابت است که زمین نشابور ارفع مقام مسکون است ویك دلیل آنستکه دردواوین قدیمه نام این شهرابرشهرنوشتندی یعنی شهریکه باابر نزدیکست ازکمال ارتفاع خصوصیة دارد باابر اورا باابراضافت کنند ودیگر دلیل آنك معتدل الهواست نه حار مفرط نه بارد مفـرط نه سموم مفسد مهلك بخلاف باقی ممالك

Marfat.com

ذکر قری وقنوات که بر حوالی شهر وقهندز بود باز دیاد عمارات در شهر وسور داخل شد و باغات و بساتین محلات شهر گشت

امام حاکم فرمود که شصت دیه بااسواق و بساتین ومقابر داخل محلات شهرست ودراطراف شهراکنون متفرق مشهور بکوجها ومحلهاء شهر معدود واز بنیان بالده اما:

آن مصر و مملکت که تو دیدی خراب شد

وان نیل مکرمت که شنیدی سراب شد

وناممهاء دیهها که یکان یکان بوده همکنان بعماره همه را جمله ساختند این است.

الزیـق بویابـاد، حنانهٔ خشات، شحنهٔ علیا، شحنه سفلی، مـاهکاباد، سورین کوی، دزدان، زمجار سفلی، زمجا علیا، باغ لبار، وینکاباد، عار کاباد، دودیه بود باغات وشهرستانه، شابور واین رانصر آباد گفتندی، لعانجی سفلی، بشماناباد، داربجرد حیره طبیرانه واین راکوی دزکان گفتندی، وافکر سابط، وافکر معاد، مناسات سفلی مناسات علیا، خرقن علیاباد، حافظ محفوظ، باغ بهله، برزکرابـاد، محمد آبـاد، خول خندرون، کنار سفلی، راقعه، سیمجرد علیا، سیمجرد سفلی، حفصـاباد، تلاجرد علیا، تلاجرد سفلی، حنجرود علیا، حنجرود سفلی، سبل تاشیش، قناه، خشانه قناة حمزه علیا، خرکابـاد، عمرویاباد، قناه علیا ازجـودی، بـاب طاق، ومسجد قریه بود، جوری علیا، جوری سفلی، حوسق، سیسنویه، حایط، سامه، سوانقادر علیا، سوانقادر سفلی، ورودهای وفراتاباد، ودستجرد، سهرامقان، قناه جهم ازدستجرد ماغین، کرم بکر فازرشك ورقاب فارس، این مجموع قنوات وقری بود برجوانب شهر بکثره عمارات همه محلات

ر کوجها شهر شد و باغات و بساتین ومقابران درمحلات داخل گشت و بقضاء ازلیه درسنه خمس وخمسین وخمسمائه دور وقصور خارجها وداخلها

توقیع اذازلزلت الارضش کرد دریك دوسه دم عالیها سافلها

ذکر محلات شهر واوضاع واوصاف آن

وتمامی محلات چل وهفت بود ویك محله متوسطه را که نه بزرگ و نه خرد محله جولاهکان گفتندی سیصد کوچه زیادت داشت: محله حیره، محله‌جامعه، فایده‌بود: اشرف‌محلات مقام اولیا و بازار حیره اعظم، اعظم اسواق‌شهر بود واول‌بازار ازسرحیره بود و مقطع اوقربی روضه سلطان حسین و یك فرسخ هست تقریباً وتمام پوشیده بود

محله بویاباد درعماره ورتبه وجلاله اهل محله مواضع را بآن مثل‌زدندی ابومسلم مروزی رحمة‌الله بیش‌از ظهور سلطنت دُر آن محله فرود آمد در کاروان سرائی برزبان او گذشت که زود باشد که همه خراسان مسخر من باشد بعضی جوانان سفها دنب دراز گوش او بریدند جون دید برسیدکه نام این محله چیست گفتند بویاباد گفت زود باشد که این محله را گند آباد گردانم و برفت دیگر بار که آمد والی بود آنرا خراب کرد وهمچنان خراب ماند دیگرمعمور نشد

محله مولقاباد بیوسته اعلاء حیره است

محلهٔ میدان زیاد بغایة بزرگ بود.

محله نصر آباداعلاء شهربود بزرگ وعریض محله علما و تجار بود

امام حاکم فرمود چل بازرگان بوددر آن محله بوقت‌عبدالله طاهربهرعیدی یکی از ایشان اهل شهررا دعوتی کردی که همه خلایق شهررا فرا رسیدی عبدالله

Marfat.com

طاهر پرسید که از آن جماعت کدام طعام دهنده ترست وطریق تر گفتند حسین بن محمد نصرآبادی او را حاضر کرد واز رسوم دعوت و عادة ایشان برسید قضا بگفت در ترتیب دعوة که عبدالله از آن تعجب کرد وجاه ومال و حشمة ودعوه وسخاوه نفس او بیش او اندك نمود گفت خراب مباد شهری که دروچنین ارباب مروة باشد.

محله دیگر بود بزرگ درومسجدی بود متبرك و حوضی که باب آن تبرك جستندی حوض کسلان گفتندی و قصه این محله و حوض مستوفا ذکر خواهد شد بطریق اوضح.

محله‌الزیق، محله مناسات علیاوسفلی گویند اعالی حده شهری بود

محله دیز بوقت فتح شهر صحابه آنجا مسجدی ساختند مبارك طابه دیز واهل آن نبود مسجد و اهل آن منطفی گشت.

محله نمد آباد بزرگ بود

محله باب ابی الاسود محله قباب محله خواست متصل شادیاخ است

محله‌شادیاخ مکان‌عبدالله طاهر بودو یعقوب لیث خراب کرد و بساتین ساخت و بعد از آن‌شهر شد

محله جلا باد بزرگ بود متصل بشادیاخ

محلهٔ تلاجرد محله قوی بزرگ بود یکطرف بجلاباد دیگر طرف متصل بحنجرودمحله حفصاباد

محله خمزکابادمحله بزرگ بود

محله محمدآباد درو ریاض وحیاض است

Marfat.com

محلـه قز محلهٔ بزرگ معمور بود بعلم وهدی وعماره وارفع محلها بود وآب وهوای اوخوشتر بود ووصف او بیاید

محله درباغ وآن باغ ابومسلم بود صاحب دولة

محله باب عقیل محلـه باب عسکر همه بازار اش بزان وطعام فروشان بودی وبازار علافـان

محله باب عروه محله حرب، محله باب معاذ، محله بیدستان درخت بید بسیار بوددرو ، محله مـرتعه محلهٔ سرپل ، محلـهٔ دزدان موضع کنارنك بود و او در جاهلیة ملك خراسان بود

امـا بعبـدالله بـن عامـر او کاغـذ و کس فـرستاد تـا آمدند و خراسان فتح داد

محله باب معمر، محلـه در باغ ملاجرد ، محلـه میدان حسین و او صاف بسیار دارد محله سمیجرد، محلهٔ الرلقیا، محله جولاهگان محلهٔ جودی علماء عیدگاه آنجا بود ودر و بساتین وانهار بسیار بود

محلهٔ جوری سفلی محلهٔ سرکوی محله سنجد ستانه ،

محله بـاغ رازیان اهل علم وتجارة آنجا بسیار بودی

محله باغك متصل بود بمحله قز عبدالله عامر که فتح کرد آنجا نزول کرد مسجد او آنجاست

محله زمجار محله خرکلاباد متصل بزمجار بود وعلماء صحابه وتابعین آنجا بودندی

محله سرواقه طرف مغرب بود محله کرمانیان در زمان امام حاکم این محلات معمور بوده واوصاف بسیار هریك را فی الجمله نوشته بود جون حالا نیست نبشته نشد یاقومی را ابومسلم از شهر بیرون کرد محلهٔ داشتند آن نوشته نشد.

Marfat.com

ذکر فتح نیشابور بردست صحابه و تابعین رضوان الله علیهم

و مقصود از کتابه این است و بیان مفاخر نیشابور در این است و بالله التوفیق.

امام حاکم رحمة الله ورضوانه علیه فرمود که بنقل صحیح از ثقات اثبات ثابت شد کی بوقت حکومة عبدالله بن عامر بن کریز بن حبیب بن ربیعه بن عبدالشمس در بصره وحکومة سعید بن عاص در کوفه در خلافت امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه کنارنك که والی خراسان بود واو مجوسی بود نامه فرستاد بایشان وایشانرا بخراسان خواند وبفتح وعده داد و گفت که یزدجرد بی مروة درمرو کشته گشته ومقصود نامه این بود که اشاره بساره ظهور نور اسلام وسطوع طلوع شموس هدایه واحکام سید انام و شفیع روز قیام ماحی ظلام وهادی کرام خواجه کاینات علیه الصلوة والسلام باستماع جموع این اماکن و مقام رسیده بیماران ضلاله فرو مانده گان تیه جهاله محتاجان شفاء هدایة تشنگان شربت عنایه دلزندگان عهد ازل کمر بستگان عبودیه ابد چشم برراه و گوش برآواز منتظرند.

گر یك نظر بسوی من خسته می‌کنی　　همچون مسیح مرده بدم زنده می‌کنی

ایشان این خبر بامیرالمؤمنین فرستادند رضی الله عنه بایشان نامه فرستاد و وعده خلعة جنة داد که هر کدام سبقة گیرند و در نشر نور اسلام جد نمایند و بوالده حرفه ولد وجد باز نمایند حکومت درین جهان ودرجه جنان در آن جهان اورا باشد

فرمان مدینه را ز جابر جستم　　احکام همی گفت کمر می‌بستم

عبدالله بن عامر سرعة نموده سعی فرمود وعن قریب بازاد وار جوین نزول کرد وسعید بن عاص چون بقومس یعنی ولایت سمنان رسید وهر یك از راهی دنیوی بطالب جاهی اخروی می شتافتند خبر سبقة عبدالله عامر شنود مراجعه فرمود واهل ازاد وار

بسلم اسلام یعنی بصلاح صلح درآمدند . وجوینی گندم که داشت دریغ نداشت.

عبدالله عامر، عبدالله خازم‌را طلیعه‌لشکر کرد وبالشگر خودواهل‌جوین برأی صائب و فکر صواب قصد صوب نیشابور نمود وبفیروزی وبه روزی طلایع جیوش اسلامیان جوانب ان‌شجاعه واستیلاءاسلام بسکان آن‌مقام نمود پس عبدالله عامر ازعقب‌رسیدبالشگری جرار و شجعان کرار در میان دو دروازه جرجان و فارس

فروشد بماهی وبرشد بماه بن نیزه وقبه بارگاه .

و آن نسا اهلان نشابور بر جوانب برج و بارو معرضین عن‌التذکره کانهم حمر مستنفرة فرت من قسورة بباطل برحق اعتراض کرده وجون خران از شتران اعراض‌کرده از شرع اجتناب ودردین ارتیاب نمودند و تا نه‌ماه شام وسحرگاه مقابله ومقاتله امتدادیافت بعدهاشبی لشگریان در برجها دریجهاکردند و بقوه بازودربارو ثامها افکندند وریشه ریشهای کافران‌جون‌سلمها برکندند جون مدة حمله جمله شهریان تمام‌شد بامداد رافتح‌الباب دست‌دادو چون نه ماه تمام شده بود وضع حمل دورازحرب نمودند و مستسلم و منقاد گشتند .

روایةاخری

امام حاکم رحمةالله فرمود جون‌از زمان مجاهده ومحاربه تاوقت این‌کتابة سنین کثیره گذشت لاجرم‌درخبرها اختلاف‌واقع گشت.

روایتی‌دیگرچنان است، واین روایة در تاریخ عیان است،که چون مکتوب امیرالمؤمنین عثمان رضی‌الله‌عنه بعبدالله عامررسید، با لشگری‌همه کریمان، ازراه

Marfat.com

کرمان، و باجیشی همه موافق، و دوستان بناحیه قهستان، نزول کرد و بقاع و قلاع آنرا بعده بسیار، و مدت اندك، فتح فرمود و بدست هداة، بهراة، مکتوبات فرستاد، وایشانرا باتباع طریق رشاد، وشداد، وسرعت خروج بسوی او واداء خراج باو دلالت کرد جواب فرستادند که مآل حال ومال، و انتظام احوال، ومرجع کبار، این دیار، ابرشهر مشهور یعنی نشابور است، چون ایشان تابع شوند همه مطیعیم، وطوس وابیورد، ونسا دران تاریخ توابع نسابور بود بس عبدالله طاهر قصد ظاهر نسابور مصمم داشت و اعلام مجاهده فی سبیل الله برافراشت و چون بحوالی ابر شهر رسیدند و پوش زره پوشیدند برزان جاه طاغی و یاغی که در آن زمان والی این زمین بود باقوم او آن دولة وصولة، بدیدند او نیز باحمران دیگر ازمیدان آن مردان بجایگاه و پایگاه خود باز دویدند و، بکره واجبار دستار چون افسار بر گردن زیردستان کرده بربالاء دیوار حصار ودزقهندز کشیدند، ویکماه تمام از صباح تاشام وازاول شام تابانگ خروس آوازو خروش جنك بود، ناگاهی شبانگاهی هوا متغیر و حرکة متعذر گشت و غمام بر تمام جوانب ابرشهر احاطه کرد، واز میغ بی دریغ برفها چون تگرك باران شد، وغموم بر دلهای مؤمنان عموم یافت، اقربا اززبان ضعفا پیش عبدالله عامر گفتند که ما غریبیم واز عربیم در برف سرما، بسرما فرود آمد: الحریوذی والبردیقتل لعن الله العجم یموتون من البرد ویقولون خنکل گرما گریبان چاك کند اماسرما ابدان هلاك کند

نی روی سفر کردن و نی جای اقامت

عبدالله عامر با سعاف حاجات ضعفا برداخت و لواء کوچ برافراشت و آن لشکر را بملاطفه و مکالمهٔ اجلی از قند بمرغزار غندبردچه او دید که آنجا هوا باعتدال و مقام بودن را محال است چون چندروزی نجح وفیروزی در آن

Marfat.com

منزل روزی شد شبی بمقتضای قضا در آن فضا چندان برف بر طرف جویباران مرغزار متراکم شد که از ثلوج بروج آن: اشد البلاء علی الانبیاء ثم علی الاولیاء و برد چنان دست بردی نمود که از خوف شرار شرر آتش را از جوف آهن و سنگ قوه حرکت نماند.

سرماست چنانکه بینی گوش وفسرد   سرماست چنانك دیك در جوش فسرد
کر آتشکی مانده بدور دوزخ   آن نیز پریر و دینه و دوش فسرد

ضعفا دلها از غم بخستند، و سرما و هواء نسابور باز جستند، معتق که یکی از مقربان عبدالله عامر بود، گفت صواب آنست که بنسابور رویم، وهر آینه نصرت ما راست، دل اعداء ما مقهور ست، بیرون در خانها با جامها زمستان بگذرانیم، چون ربیع بدیع و روزگار بهار آید بصلح یا بجنك آن شهر بچنك آوریم وهرجا فرمایی برویم صواب دیدند و باز عبدالله خازم را طلیعه لشگر کردند و عبدالله عامر در آن زمستان بنیسابور بازعبور فرمود، و برزان جاه مذکور ضال مضل نسابور رااز آن معاد ومخافة تمام مراجعه کرد، وقوی ضعیف وسخت سست وحال او تنك بدشد. و آن قلعها وحصارها بتأیید خدای در زمان قریب همه فتح شد، و کنارنك بآستانهٔ عبدالله عامر آمد. وخراج ابرشهر یعنی نشابور وطوس هفتصد هزار درم که قریب بپانصد هزار مثقال نقره باشد با بسیاری از انواع اشیاء ذکر قبول کرد، وچون این فتح دست داد ملوك خراسان ازهراه و بلخ و مرو وغیر آن دیدند، جاء نصرالله والفتح و رأیت الناس یدخلون فی دین الله افواجاً واموال کثیره از انواع زر و نقره وثیاب وافراش ومواشی آوردند و باضعاف قبول کردند

آن فوج مسلمان شد تا باد چنین بادا   کفرش همه ایمان شد تا باد چنین بادا

Marfat.com

وعبدالله عامر درون شهر ببقعه محله شاهنبر فرود آمد، و آنجا مسجدساخت وسرائی برای خود بنا نهاد، وخراسان آسان برایشان قرار گرفت.

امام حاکم فرمود دربیان کرامة وشرف عبدالله بن عامر رضی الله عنهما: روی ان عامر بن کریز اتی با بنه عبدالله الی النبی صلواة الله وسلامه علیه وهو ابن خمس اوست سنین فقبل النبی صلواة الله وسلامه علیه ان ابنك لمسقا قال فكان یقال لو ان عبدالله قدح حجر اماهه یعنی یخرج الماء من الحجر من برکته: ترجمه والعلم عندالله آنست که عبدالله بسرخود عامر را بحضرت خواجه ما صلواة الله و سلامه علیه برد واو پنج ساله بود یا شش ساله پس بوسه دادند حضرة خواجه ما صلواة الله و سلامه علیه دردهن او آن سعادت مندازل وابد بس شروع کردیعنی عبدالله فرو میبرد آب دهان حضرة خواجه ما صلواة الله وسلامه علیه

بس فرمود حضرة خواجة ما صلواة الله وسلامه علیه بدرستی که بسرتو این همه آینه آب داده شده است

بس چنان بود که اگر عبدالله سر انگشتی یا سرپائی بر سنگ زدی ، خواستی انفجرت منه انتاعشرة عینا روان شدی از یک سنگ ده سنگ آب از برکت آن تربیت

امام حاکم فرمود رحمة الله: که چون عبدالله نیشابور فتح کرد عبدالله بن طاهر را درنیشابور بگذاشت و خود ببصره رفت و بدرخود را بازیافت بعد ها باز نیشابور باز گشت ودرهمان حوالی وسرای خود که بشاهنبر ساخته بود نزول فرمود وازنیشابور بهمه بلاد واماکن امرا فرستاد ونیشابور دارالاماره وساخته کرد و اموال این ممالک همه بنیسابور آوردندی آنچ بشرع آوردن جایز بود نه بجور

بعضی ارباب تاریخ گفته اند که نیشابور بجنگ مسخر شد واضح آنست و بیشتر مشایخ بر آنند کـــه نشابور بصلح فتح شد

Marfat.com

و نقلست که عبدالله طاهر چون والی و مطلق العنان شد بر نشابور خواجگان شهر را جمع کرد و مال خراج برایشان الزام میکرد و قصد کرد که نواحی شهر و ولایت را مساحه کنند و زمینها محیاة و موات را ضبط کنند و بر هر جریبی مالی خراجی وضع کنند و در چار ربع و همه ولایاتی که تعلق بنسابور داشت چنین کنند

احمد بن حاج بکر از کبار نشابور بود گفت تو امیر مایی نه شریك مایی و این شهر ما بصلح فتح شد نه بقهر و جنك آنچ بقهر و جنك فتح کنند در آن خراج است و آنچ بصلح فتح شد شرعا خراج نیست آنچ حاصل کنیم عشر آن بمستحقان رسانیم و معهذا خراجی نیز بتو بدهیم اما مساحتی در این ناحیه بیشتر شده است باتفاق همه رعایا و سلطان سلیمن بن مطر و در دواوین ثابت است اگر بآن رضا دادی فبها و نعم، و اگر آن تغییر میکنی راضی نیستیم از شهر بیرون رو و ما را یکسال مهلت ده تا غلات خود را برداریم و بحصار بریم و آنچ خواهیم ذخیره نهیم پس بیا و جنك کن اگر بقهر و غلبه بگیری و مسخر کنی مساحة نو کن و هرچ خواهی بکن پس عبدالله طاهر توقف کرد و تامل نمود و بر مساحت سلمین بن مطر برفت و مصالحه کرد با اهل این شهر یعنی نشابور برد و بار هزار هزار درم و دویست هزار درم که تسلیم نمایند مجموع هزار هزار و پانصد هزار و چل هزار مثقال نقره باشد

امام حاکم رحمة الله فرمود که بااین روایات معلوم شد که نشابور بصلح فتح شده نه بجنك و آنك نسابور همیشه قصبه خراسان بود و دار اماره و سلطنت و مال کبار اماکن و بلاد حفظت عن الفتور الی یوم النشور

Marfat.com

مفاخر نیسابور قدیم که برکه آن تا ابد برستمان این بلد فایض و باقی است

از جمله انك چون سلطان اولیا برهان اتقیا وارث علوم المرسلین مهبط اسرار رب العالمین ولی الله صفی الله فلذة کبد رسول الله غوث الامة و کشف الغمة یوم الاخذ بالنواصی و اضطرار المذنبین الی الخلاص لامتحان الاعمال بموازین الاخلاص حین النحات و الاستبات یوم البعث کماورد فی المواقف الثلث عند المیزان و تطایر الصحف و الصراط ببسط بساط الشفاعه و السری بالانبساط سلطان المقربین یوم الحشر و الجزا الامام ابوالحسن علی بن موسی الرضا صلوة الله وسلامه علی رسوله و علی آله الائمة المعصومین و التابعین اجمعین الی یوم الدین

در مدینه در شهور ثمان و اربعین و مائة نور مقدس ایشان ظهور [illegible] و در شهور اربع و تسعین و مائة ببصره بدرس حدیث و نشر علم بصرة [illegible] هدایه ایشان برامة یافت و بتدوین نسخه مبارك صحیفه [illegible] فرمودند [illegible] بمقتضای قضای ازل و حکم مبرم قدیم لم یزل بصوب خراسان عزیمت نمودند [illegible] مائتین من الهجرة نشابور بمقدم حضرة ایشان روضات جنان شد و چون [illegible] شعشعه اشعه آن نور بر قطر نشابور میان سکان شهر مشهود شد [illegible] برهان المجتهدین این محب محبوب حقیقی نه مجازی شیخ [illegible] قدس سره شیخ شهر و مقدم ارباب کشف و ولایة بود در [illegible] آن شیخ [illegible] باقدام بر اشغال اقدام نمود بتأیید توفیق عینیه تا [illegible] از صدق رفیق در پی پیشوا رفتند

و نقلست که حضرة سلطان صلواة الله علی رسول الله و علی آله در [illegible]

ناقه عضباء خودسوار بودندوقدوۀاهل انس وانیاس شیخ محمدبن اسلم طوسی را قدس سره درمحفۀ دیگر اجلاس فرموده بودندفایده قبراین دوبزگوار درنشابور بر کناره خندق شادیاخ برطرف راه روضۀتلاجرودر بناء یك صنعة قوی بهم قریب است وان اسوه احرار کمربندگی بسته وبحکم من اغبرت قدماه فی سبیل الله حرمه الله تعالی علی النار دامن تاتتمه ساق بر کشیده وشربت وعدۀ کمال قربت چشیده زمام خطام مرکب حضرت انام اولیا ملاك علام بردوش احترام گرفته

ونقاست که متوجه بآن ابرارذره واردرهواء ولاءازوراء قهقری بشهر باز آمد استفاده احکام و استکشاف اسرار میکرد و بزبان فصیح و عبارة صریح میگفت که بروزقیام ملاك علام جل جلاله وسیلۀ نجاح و وصیله فلاح من اینست که روزی در دنیا خادم ومهارکش مرکب حضرت سلطان خود بوده ام وچون بنسابور ورود فرمودند در محلۀ قز در کوچه بلاس آباد خدام مقام اختیار کردند و در افواه و استماع فقراء مشهور بود که چارسال درنشابور توطن فرمودند والعلم عندالله

وآن استانه منزل مبارك کـه مهبطـه ارواح مقربیـن و مطاف ملائکـه علیین بـود مـانده بقـاء آن شهـر مـآل اولیـا و مـلاذ اصفیا و محـل اجـابـة دعا اشراف آن شهر بود و خدام آن آستانۀ ولایت مـرتب و بـانواع اعـزاز و اکرام موظف میبودند وبعضی از کرامه که در آن محله واقع شد آن بود که برسر آن کویچه حمامی خراب وقناتی بایر ومحوطۀ بود که آنرا حمام و قناة و محوطۀ کهلان گفتندی اهل محله بعماره حمام اهتمام کردند تابوقت التفات خدام باستحمام حاجت بمحالات نباشد وقصد میداشتند که چون عماره تمام شوداسان آب ازچاه یاغیر آن پیدا کنندوچون حمام تمام شدبی حرج وخرج وسعی مقنی ازقناه کهلان بشتاب آب روان شد وحضرت سلطان صلواةالله علی رسول‌الله و علی اله الائمه المعصومین اجمعین بآن

Marfat.com

حمام درآمدند و بشرف انتساب بحضرت ایشان متبرك شد و آن حمام بنام مبارك ایشان شرف اضافه یافت حمام سلطان گفتندی .

وامام حاکم اززبان خود نوشته‌است که آن حمام هنوزهست ومتبرك خلق است ، یك کرامهٔ دیگر آن بود که روزی یك بادام بیکی ازخدام دادندوفرمودند که درطرفی از محوطه کهلان غرس نماید خادم چنان کرد غرس الفردوس بیده سبز شد و درهمان تابستان بادام بسیار بار آورد و برگ وشکوفه و پوست ومیوهٔ آن درخت سبب برگ ونوا وصحت وشفاء مرضی آن زمان بودی تاچون بسی زمان بگذشت ظالمی غاشم در قهندز حاکم شد وازقصورعقل خواست که در آن محوطه قصری سازد که محل آن درخت داخل قصراو می‌بود ودرخت رانظاره بذبول بدل رفته بود و بعضی اجرا ومعمار و نجار را گفت تاآنرا قطع کنند عمارة تمام نشده آن ظالم ومعمار ونجار ومزدور وهرکس بآن کار منسوب وبرآن منصوب بودهم درزمان اندك مردند بعدازچند سال حاکمی ظالمی دیگر پیدا شد بعمارهٔ همان قصرقصد کرد چون بناء دیوار می کندند اصل آن درخت درزمین نمود تمام قصهٔ گذشته باو گفتند چون دلش سیاه وقصدش تباه بود بعین استبصار در آن نگاه نکرد وچون درخت نیست واین در زیرخاك پنهان بوده سهل پنداشت و آن بی‌اصل آن اصل را برداشت عماره ناساخته او وهمه آن اقوام دراندکی ازایام هلاك شدند.

واز فواید مقام خدام ایشان نیشابور

یکی دیگر آنستکه روزی صاحب دوانی دعوتی ساخت و حضرة سلطان را صلواةالله وسلامه علی رسول‌الله وعلی آله الائمه المعصومین التماس اجابة نمود وعده فرمودند وعادة آن عصر آن بود که شریفی که دعوت بجهت ایشان بودی

Marfat.com

صاحب دعوة بیشتر طفیلیانرا بنشاندی بس آنرا که اول مقصود بود آخر حاضر کردی تا انتظار احضار نباشد آن عزیز باین معنی اولیا و اعاظم و علما و اشراف آن شهر را جمع کرد و عادة دیگران بود که در مجامع بیشان صفها صدر بودی و بزرگان آنجا مجالس اختیار داشتندی و خدام بر کنار صفها بودندی چون حضرة سلطان صلواة الله علی رسول الله و علی اله الائمه المعصومین و سلم رسیدند صوفیان صفوف بیشان صفها صفا بانیل سعادت و اقبال استقبال نمودند حضرة سلطان بمتکا و نمارق مصفوفه بیشان صفه التفات نفرمودند و کنار صفه بشرف ذیل خلعت ولایت حضرت ایشان شرف یافت از آن حین تا قیام قیامت درین دیار و سایر اقطار کنارها صفها صدر صدور و منازل افاضل شد و منبعد آن یك بقعه سایر بقاع که آن نام داشت دواة آن مکرمة و تعزز برداشت .

و از مفاخر نیسابور

دیگر آنستکه روزی حضرة سلطان صلواة الله و سلامه علی رسول الله و علی اله المعصومین در مجلسی بنماز قصد فرمودند کسی سؤال کرد که محراب موضع قبله مستقیم هست دست آنکس را گرفتند و بانگشت مبارك اشاره فرمودند باب کعبه در مواجهه نموده شد و آن محل باغایه متعین است بر طرف قبله شارع عام از امام قهندز میگذرد واقع است.

و از مفاخر نیسابور

دیگر آنستکه حضرة سلطان صلواة الله وسلامه علی رسول الله و علی اله الائمه المعصومین و سلم روزی فرمودند که عبارتی که فی الجمله حکایت آن اینست

Marfat.com

که مخدوم ما اینجا مدفون است بزیارة ایشان رویم وبروضهٔ سلطان محمد محروق در تلاجرد تشریف آوردند و آن روضهٔ مقدسه را زیارت فرمودند وحال آنکه سلطان محمد محروق درمرتبه نسب باوالد حضرة سلطان صلواةالله وسلامه علی رسول الله وعلی جمیع آله الائمة المعصومین مساواه دارند وبیان هردو نسب چنین ثابت ومحقق است

الامام موسی بن الامام جعفر بن الامام محمد بن الامام زین العابدین علی بن الامام امیر المومنین ابو عبدالله الحسین بن امیرالمومنین کرم الله وجههم .

ونسب دوم الامام محمد بن الامام محمد بن الامام زید بن الامام زین العابدین علی بن الامام امیر المومنین ابی عبدالله الحسین بن امیرالمومنین کرم الله وجههم

وازمفاخر نیشابور

دیگر آنستکه اگر جماعهٔ سادات درخاک پاك بسیار روضات دارند اما اگر روضات قرب ازعیون اعیان وصدور نسابور پوشیده است مثل آنکه در یکشنبه شانزدهم جمادی الاولی سنه اثنین وثلثین وثمانه مائه درقرب جوار روضه تلاجرد روضهٔ سلطانی ازاهل البیت قدوهٔ اولیا واصفیا صلواةالله علی رسول الله وعلی اله الائمة المعصومین اجمعین بیداشد باین لقب ونسب که مسطور میشود مکتوب بر ورقی منشور درسی معمور بخطی مطبوع موضوع درون روضهٔ حضرت ایشان :

هذا قبر الشریف الحسین بن ابو عبدالله داود بن علی بن عیسی بن محمد بن القاسم بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابیطالب کرم الله وجههم دفن فی تلاجرد العلیا توفی رضی اله عنه لیلة الخمیس من ربیع الاول سنه اثنین وثلثمائه من الهجرة وازدر خانقاه تلاجرد بجانب شرق بمقدار ده ذراع تقریبا روضهٔ مقدسه ایشان است رضوان الله تعالی علیهم اجمعین .

Marfat.com

وازمفاخر شهر قدیمی

این قصه کریم درالسنه مذکور ودرافواه‌مشهور است که حضرت سلطان‌صلواة الله وسلامه علی رسول‌الله وعلی آله‌وسلم درنسابور به منبر بر آمدند ونقلست که‌چند هزار دوات وقلم اعیان وامم مرتب داشته اقتباس انوار اسرارافادهٔ ایشان میکردند حضرت سلطان این حدیث‌معنعن ازاباء اولیا اصفیا خودباحضره خواجه‌کائنات‌صلواة الله‌وسلامه علیهم وعلی الهم‌الائمه‌المعصومین‌الاجمعین‌الی‌یوم‌الدین روایت‌فرمودند : التعظیم‌لامرالله والشفقه علی‌خلق‌الله

دیگر ازمفاخر نیسابور

آنستکه منشاء و مقر و مظهر انوار ولایت چند هزار از مقربان حضرت وائمه‌عظام ماة بودکه اسامی نفیسه حضرت بعضی‌از ایشان رضوان‌الله علیهم اجمعین درین اجزاواوراق سابقه ذکر شده وهریک را ازکرامات ومقامات بسیار بودکه‌این نسخه‌قابل بیان آن نبود .

وازمفاخر نیشابور

امام حاکم رحمة‌الله‌فرمود کی ازدلائل ارتفاع بقاع نیسابور بربلدان‌واماکن قریب ودور آنستکه: ثماردر هیچ دیاز در دوره سال بر قرارنماند الانیسابورکی مثل‌امرود وسیب‌و بهی درددوازده ماه هرگاه که خواهید فی‌الجمله‌موجود است‌و درقرب نه ماه وده‌ماه انگور وخربزه تر وتازه در بیوت و اسواق و دروازه بنها و دریوزه توان‌یافت وازآن‌ثمارشربتهای نافع‌توان گرفت‌ودربلاد شرق این‌مذکورات اگرباشد زودمنقص شود ونبسابور برکمال خود باقی ماند مگردرمحافظه مساهله نموده باشند.

Marfat.com

امام حاکم فرمود که نسابورست، هوای اوصافی بصحت ابدان وافی، خالی از خطایا، عاری ازوبا واکثر بلایا، مصر امصار حلیه مقدار ، عروس بلدان، خزانهٔ خراسان، دارامارة بطیف، عماره معدن فتوه مخزن مروة، وموطن ادیان، مقرسلطان موضع اعلام هدی ، مطلع انوار بقی ، رحمت دروی نازل ، برکت باو واصل در نسابور زنبور کند و جهان پرانگبین کند، زیره اوفیروزه، وحصول آن نحرهر روزه ، حجر او جوهر کمراونقره وزر ، نبات او بر اطراف عیون وجالسان زیباش در ومخافه سموم نی‌مرض او را عموم نی سلاطین با مارهان متفاخر و در انتزاع آن از یکدیگر متظاهر ، منازل کبرا ، مناهل عظما ، ماوی اشراف، مثوی‌عدل وانصاف، همه جیزاوموصوف، سکان او بسخا وجودموصوف‌اهل کمال را درو مقام همهٔ کمالات او تمام این معانی و اوصاف قدیمه کثرتی داشت ختم‌شد.

ذکر وادیهاء نیسابور

امام‌حاکم فرمود که‌میان یکی‌از نیسابور ودیگری ازشهری‌دور معارضه‌شد غریب گفت درشهر شما مسافر راباب نیست ودر صحرا راهگذری را آب نیست‌در بلاد دیگرمثل‌دجله وجیحون‌ودراطراف این‌شهرهامامون‌است نسابوری گفت‌این سخن هرنادانست ومرا برصدق خودروشن صدبرهان است‌ازدیر باد که‌طرف ولایت ماکالکا بادکه آن کنف ناحیه است وادیها وجویها و چشمها که بر دیدها عیان است زیاده ازسیصد موضع آبها روان است که همه بی سعی انسان است که اگر اکثر آن جمع بودی بیشتر ازجیحون وسیحون شدی و نزد همه عقلا معقول‌است که ازمتفرق بودن آن بیش محصول است‌واز عین‌اخضر وآب‌انبوه‌آن که‌در کوه است

Marfat.com

جمه‌جوال مقال است و مابین دو طرف ولایت زیادت از چهار هزار قناوه است غیر قنواتی که دیهها بر آن مبنی است و آب کاریز شیرین تر و پاك‌تر از آب بلاد دیگری است که بسیار قاذورات در آن واقع شود تا بخانها رسد

و اول کسیکه کاریز و بهندیسه آب از زیر زمین بر روی زمین اجرا کرد پادشاه منوچهر بود و اجرا قنوات نسابور آزاو شد و نیز گویند که بعضی از اوضاع کاریز کندن و آبها بر بلمدیها بردن بدولاب ومثل آن ابی الریحان حکیم خوارزمی اخراج و اما آن وادیها که بشهر جاری میشود و شرب باغات و یا داخل شهرست شغاند یر ووادی بوشنقان وحرو اسب و آنچ داخل نمی‌شود جارست : وعطی رود ووادی شامات وادی بشفروش وادی دیزباد

امار باع نسابور جارست

ریوند ، مازل ، شامات ، بشفروش وکیفیه قسمت ومساحة آنست که از جار طرف مسجد جامع بهرطرفی رفتند وما کبار زمین ولایة قری وقنوات را با آن ربع نسبت دادند وبقریه که در آن جانب معمور ومیسر بود اضافه کردند

اما ربع ریوند از حد مسجد جامع بود تا مزرعه احمدآباد

اول حدود بیهق طول او سیزده فرسخ از حدود ولایت طوس تا حدود بشت پانزده فرسخ مشتمل برزیاده از پانصد دیه که بعضی را یك قناه بود یا دو یا سه یا چهار پنج وریوند که ربع بآن منسوب است قریه کبیره معموره بود بانی آن انوشروان عادل در و مسجدی جامع منیع رفیع و خانقاهای بسیار و در اول اسلام حکام ماوراء النهر سه برادر بودند محمد و عطریف ومسیب هر سه از ریوند هریك در آن مملکه درم و دینار بسیار زدند و آثار آن پیدا است :

Marfat.com

ربع شامات از مسجد جامع تا حدود بشت طول آن شانزده فرسخ و عرض آن از حدود بیهق تا رخ چارده فرسخ قری آن سیصد زیاده بوده راه فارس و کرمان از سوی قهستان بر آن است .

ربع مازل ازهمه ارباع، قری بیشتر دارد، متنزهات و موضع تفرج وتنزه اهل بلده قرای این ربع است واکثر قرای این متصل است .

- فرهنك و موسنقان و باغ فرك در ربیع و خریف مطاف هر حریف و ظریف است.

ربع بشفروش ناحیه بزرگتر ولایت است ودیهها بزرگ معمور بخراسان از آن معمورتر ناحیتی نیست

ذکر ولایات کی از نواحی واقطار خراسان بنشابور نسبة دادندی اشراف واکابر آنرا نشابوری خواندندی

وآن دوازده ولایت است طول وعرض یعنی آن از سی فرسخ و بیست وپنج کمتر نباشد بهریکی از آن قری وقنوات وباغات وعمارات مالایعد ولایحصی منها

ولایة بیهق من حدود ریوند تا ولایة دامغان بیست وپنج فرسخ زیاده است وعرض مثل این

ولایة جوین منشأ اولیاء وعلما، قری وقنوات درعمارات بحدغایات بیکدیگر قریب چنانچ همه را بمثابه یك ربع مسکون مملکت توان گفت اهل دین ودیانت وخداوندان باهوس وهمه ایوان خانها رفیع ومهمان خانها وسیع اصناف اشراف وعوام ایشانرا همتها عالی ودل اکرام اصناف وانعام الطاف دلها از ملال خالی.

Marfat.com

ولایة اسفراین پادشاه قباد بن فیروز چند روز آنجا بود از خضرة صحرا وصحة هوا آنرا مهرجان نام نهاد امام حاکم فرمود رحمة الله که خواندم در تاریخ وشنیدم از مشایخ آنك پادشاه قباد از برادرش بلاش فرار کرد سوی خاقان ترك میرفت تا لشکر بمدد ستاند وملك را ازبرادر بستاند راه براسفراین بود بخانه خواجه نزول کرد وداعیه تأهل کرد و فرزندان میزبانرا بنکاح مهمانی کرد واورا فرزندی متوقع شد بجانب خاقان رفت واین ضعیفه رابخانه بدرش بگذاشت اما ازو نگذشت وچارسال بترکستان توقف کرد وبالشکری عظیم معاوده کرد وبمهرجان آمد وحلال خود را جست حلال او بابسری سه ساله بنزدیك او آمـد نام بسر سلطان انوشیروان لقب کسری وباین جهت انوشیروان رادر آن دیار نسابوری گفتندی ونقلست که این خواجه ازقریه فریمان بودند واقرباء انوشیروان از آن جهت دراسفراین هستند بعدها سلطان حمومه بن علی ازاولاد او در خراسان سلطان بود وخودرا باسفراین وقریه فریمان نسبت میداد سبهدار ونـامدار لشگرهاء شرق بودوهفتاد کرت بامخالفان دین جهاد کرد ودرهفتاد بار آن لشکرها شکسته وایشان مظفر ومنصور بودندوعلماءاسفراین ازحد بیشتراند.

ولایة خبوشان وآنرا استوا گفتندی تاحد نساوتا اسفراین وولایة طوس وارغیان حد آنست قرای کثیرۀ کبیره معموردارد منابع ومراتع ومزارع بسیاردارد.

ولایة ارغیان ولایتی معمور وبکثرة علماء کبارمشهور

ولایة بشت آنرا عربستان خراسان گفتندی ازبس که ادباوبلغاء آنجا واز آنجا بودندی یك دیه معمور آن خاررنج ودیگر کندر که باقهندر بناکرده‌اند .

Marfat.com

ولایة رخ ولایتی قدیم معمور کبار بسیار در وقرار گرفته

ولایة زوزن عمارة وعلماء آن مستغنی از بیان

ولایة خواف متصل بزوزن وسلومد دیهی است از آن ویکی است از آن هفت دیه که باقهندز بنانهاده اند وابوقابوس که مدتها ملك شام بود ازسلومد خواف بود

ولایة ازقند ولایتی معمور درومرغزار ها موضع بودن عبدالله عامر از آنجا بنسابور آمد وفتح شد.

ولایة جام وباخرز وولایة جاجرم اول ولایت متصل بجوین وآخر بجرجان درود پهاء معمور و بزرگان دین و دنیا مشهور.

ذکر بنـاء مسجد جامع ـ جون عبدالله عامر رضی الله عنهما نسابور فتح کرد آتش کده قهندز را خراب کرد و بجای آن جامع ساخت و صحابه بآن در آمدند و باحکام دین فتوی دادند کسان کنارنك آمدند گفتند که جزیه قبول کرده ایم تا آتشکده ایشان خراب نشود عبدالله عامر ایشانرا دور از جامع مکانی تعیین کرد آنجا کوجه آتشکده گفتندی ومسجدی بی مناره بود تاابن مهلب بنسابور آمد بناء مناره فرمود درقهندز وامام شهر ین خوشب وعکرمه را بجهة فتوی دادن بنشاند.

اما مسجد جامع بزرگ و مقصورهٔ بزرگ

بلاخلاف ابومسلم مروزی بنانهاد مساحة زمین جامع سی جریب بود وهزار ستون داشت شصت هزار خلق بیکبار دروی نماز کردندی درو آبهاء روان وحوض های عمیق دروسط آن یخدانی ساخته وهرسال ازبرف مملو داشته وهمه تابستان

Marfat.com

بتبرك بیماران و غیرایشان بآن انتفاع یافته بی‌ثمن، درودرختها ناژوتوت که ازهر یکی ازآن غالباً جند ستون حاصل شدی جنان بزرگ، زیاده از صدخادم و فراش داشت ودرموضعی ازومثل خانه مبنی بردوازده ستون بعماره ممتاز شش ستون از مرمر و دوستون ازبیشه طرف دجله آورده برناك مهرهاء سیاه وسفید وجهارستون ازگج وخشت پخته ساخته سقف وستونهاء آن بزرتذهیب کرده وقبه‌مذهب بالای آن مرتب مقومان و مبصران بیست هزار مثقال زر راتقدیر می‌کردند

اما حاکم فرمودکی سقف و ستون وبابها و منابر وصنادیق و مصاحف وقنادیل وحصیرهاوفرشها وتوابع اینها راقیمة کردند بصد هزار مثقال زررسید و صد هزار مثقال‌زرطلارا اوقاف‌مسجدجامع‌زیاده بودوبخراسان منبری‌احسن‌تراز آن‌منبر نبود که ابومسلم درین‌جامع نهاده بود.

ذکر دومنار جامع

ابومسلم‌درجامع‌منارساخت‌بعدازوارباب مناصب‌را آن‌منارقصیروان‌بنابنسبت باجامع‌حقیر نمودجون‌حکومه بمنصور بن‌طلحه‌بن‌طاهر برادرزاده عبدالله‌طاهر رسید آن منارر‌ا منهدم ساخت‌ومناردیگر برافراخت وبسیاری‌از اول بلندتر و قوی‌تر وعمارة اوبزینت وتذهیب آراسته‌تر کرد وبطریق هندسه جنان‌کردند که در دورهٔ سال از ظلال آن‌انتقال شب‌وروز معلوم‌شدی بعداز زمان اوبحرکتی درایامی میلی دروی پیداشد چون‌نوبة بعمرولیث رسید آنرا نیست‌کردو دیگری برداشت ونام ولقب‌خود برآن بنگاشت بعد از آن جون‌نوبت بخمارتکین رسید مناری رفع کرد وصیت آن دومنار دفع کرد جنانچدر دنیا ارفع‌از آن‌واعجب وآراسته‌تر و پیراسته تروداپرتر

Marfat.com

منار درهیچ دیار پنج نجار ندیدار فوق عالی بام جامع تا سر منار نمود و چارذراع بوداجرة استادان بی مزد در خرج عمارة دو هزار مثقال طلا مقرر کرده بودند و بهندسه چنان ترتیب کرده بودند که چون باد آمد فراخورد قوه‌بآدان منار حرکت کردی امانیفتادی و هیچ خشتی وجزئی ازوی فاسدنشدی

ذکر مسجدهای متبرک شهر قدیمی که محل قبول طاعات واجابت دعوات بودی

اول مسجد که صحابه بنانهادند بوقت فتح شهر قدیم در موضع شاهنبر و در آنجا نماز گذاردندی و سنگی قوی بزرک جمع صحابه باتفاق خود برداشتند و در آن مسجد آوردند وبرای علامة بگذاشتند

مسجد محله قز در جوار منزل خدام سلطان صلواة الله وسلامه علی رسول الله وعلی آله الائمة المعصومین اجمعین

مسجد معروف بمسجد روی بکوه مسجدی قدیم وعزیز بود

و مسجد باب معمر میان دو مقبره

مسجد رجا بن معاذ بن مسلم

مسجد دروازه قهندز که بیش از نه ماه صحابه در آنجا عبادة کردند

مسجد سرا معارمسجد که مصلای جنیان گفتندی ، مسجد امام یحیی مصل سرای بستان، مسجد ابن حرب ، مسجد ایوب بن الحسن ، مسجد جوش از اجابة دعا درین مسجد عجایب بسیار منقول بود

Marfat.com

ذکر میادین نیسابور

میدان تلاجرد ودرصدراین میدان قصر مطبوع مرفوع مرغوب محبوب مزین بود هرون رشید جون به نیسابور رسید مدة اقامة او آن کوشك مقام او بود .

میدان هانی، میدان حسین بن معاذ بن مسلم مجمع سلاطین و میان بلد بود و میدان زیاد

ذکر مقابر وقبور کی مزارات نیسابور بود

مقابر وقبور اولیا واصفیا در محلات وقری بیشتر بود ازعددو احصاء تا آنچ علی التعمیم زیارة کردندی ازمقابر وقبور بیشتر آنست

مقابر صحابه در بالای مقبره حیره و آنرا مقبره نصر بن زیاد القاضی گفتندی و وسه صحابی در آنجا مدفونند اما آن قبر که سرحلاب است یقین قبر همام بن زید است که از صحابه کبار وقدوهٔ ابرار بود درهمین مقبره در حیره روضهٔ شیخ ابی حفص وابی عثمان وزهاد بسیار است و شیخ ابوجعفر مدنی در بالای مقبره است ،

مقبره تلاجرد مسجد سلطان علوی شهید مقبول ولی الله المقتول فلذه کبد الرسول صلوة الله وسلامه علیه و آله و علی آله المعصومین اجمعین نام ونسب مبارك ایشان برلوحی مسطور برسرروضه ایشان باین ترتیب است: هذا قبر الامام محمد بن

محمد بن زید بن علی بن الحسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام ورضی الله عنهم اجمعین

مقبره سر میدان قبر نصر بن زیاد القاضی و امام احمد بن ابراهیم وابی عبدالله البوشنجی وابی الولید و و ایوب الحسن الزاهد و امام مسلم الحجاج صاحب صحیح وبشر بن الحکم و عبدالرحمن بشرو محمد بن عبدالوهاب ؛

مقبرهٔ شاهنبر بسیاری از علماو اولیاء تابعین آنجا مدفون اندودر آن مقبره

Marfat.com

آن امام زکریا و ابراهیم بن محمد سفیان و ابو عمرو بن جنید وابوالحسن قاضی الحرمین وابوالعباس الاصم ،

مقبره محله قزالشیخ حمدون العصار وابوعلی الثقفی وعبدالله بن منازل وابوالحسن علی بن احمدالبوشنجی

مقبره باب معمر، قبر امام احمد بن حرب ودعا آنجا صباح جمعه مستجاب است شیخ یحیی معاذ وبسیاری ازعلما ،

مقبره حسن بن معاذ بن مسلم بباب عروة الحسین بن الولید القرشی و حفص بن عبدالرحمن ویحیی بن یحیی و براهین روشن است بر آنکه دعا بنزدیک قبر ایشان مستجاب است وعبدالله الرماخ و یاسین بن النقصر الباهلی والحسین بن الفضل احمد بن المبارک الزاهد وابوالعباس السراج وابراهیم بن ابیطالب،

مقبره امیر عبدالله بن طاهر واولاد وعشیره او: امام الحدیث محمد بن یحیی الذهلی وبسیاری ازسادات علویه در بالاء این مقبره درحظیره که منسوب است باهل البیت آسوده‌اند و درین حظیره است روضه مقدسه سید شهید الامام ابی جعفر الصوفی وهو محمد بن جعفر بن الحسین بن علی بن عمر بن الامیر المؤمنین و یعسوب المسلمین کرم الله وجههم وقبر سید بزرگوار امام جعفر بن زیاره ودو پسر واحفاد ایشان رضوان الله علیهم اجمعین ،

مقبرهٔ جلاباد علماء بسیار و اولیاء کبار در آن مقبره آسوده‌اند از آن جمله: امام اسحق بن ابراهیم الحنظلی وامام محمد بن اسلم العابد ومحمد بن رافع القشیری وامام احمد بن سعید الدارمی وابوزکریا عنبری وبسیاری از علماء اکثراین اشراف بیش ازچهارصد ازهجرة بوده‌اند درقرون اول وبعضی ازهجرة بوده‌اند وبعدازچهارصد بزرگان که بوده اند تا پانصد و پنجاه وپنج که آن شهر بزلزله خراب دلی شد و

Marfat.com

بزرگان که بعد از آن تا ششصد وشصت و شش که خرابی شادیاخ شد و بعداز آن در آن شهردیگر که عدوحصر این بزرگان مقدور ومیسر نیست یکی ازایشان‌درین اسامی مذکور نیستند

فایده

وبعضی‌از وقایع نیشابور آنست که‌در حواشی تاریخ یمینی که درچارصد و کسری ازهجرة نوشته‌شده آورده‌که نیسابور ازابتداء بناءآن تااین‌غایة هیثرده بار بزلزله خراب‌شده وبعداز آن‌در تاریخ پانصدو پنجاه‌و پنج ازشهرقدیم خرابی کلی یافت‌و قومی که ماندند بمحله‌شادیاخ‌اجتماع کردندو شهرساختندصدوده‌سال‌مجال بقاءشهر بودمجمع افاضل ومعدن کرام وعظام ایام‌بود ودرآن ایام‌بزرگان‌شادیاخ‌بر اشراف‌سایر بلادفضیله داشتندی‌خصوصاً سیدبزرگوار سید صدرالدین الحسینی که مراتب‌علم وعمل‌لاحق باولین وسابق‌بر آخرین‌بودند وازمکارم حضرت ایشان‌یکی آنست‌که امام امة ومقتدای‌ملة امام‌فخرالملة والحق‌والدین‌الرازی رضوان‌الله‌علیه مکتوبی نوشته‌اند بایشان بعضی از آن اینست: کتبت من‌هراة ضینت عن‌الافات رایت فی‌السفرالخامس من التورة ان‌الله سبحانه قال‌لموسی یاموسی احب ربك بكل قلبك واناخبر سیدی‌وسندی ومولای‌الصدر الاجل المنجل‌السیدالسند الظاهرالازهرالتقی النقی‌صدرالملة والدین شمس‌الاسلام والمسلمین ملك‌السادات افتخار العترةالطاهره قدوة المحققین فی‌العالم حصه‌الله تعالی من السادات القدسیه والكرامات العلویه باكمل درجاتها و افضل غایاتها بانی احبه من صمیم قلبی واحب ان احبه الی اخرالمكتوب

حاصل کلام ماتخفیف ابرام آنك‌فرمود امام که خواندم درسفرپنجم ازتورة که

Marfat.com

حق سبحانه وتعالی فرمود موسی را علیه السلام که ای موسی دوست داری پروردگار خود را بتمام دل خود و من خبر میکنم سید خود وسند خودو و خواجه خود را که من ایشانرا دوست میدارم انك ایشانرا دوست میدارد با آنچ در آن مکتوب است از براهین برین معنی بعدها در شب جمعه سنه ست وستین وستمائه این شهر نیز بزلزله خراب شد هفتاد کس بصحراها ماندند ان شهر سیم بنا نهادند آن نیز بجاست یکشنبه اخر جمادی الاولی سنه ثمان وثمانمائه بزلزله خراب شد

اندرسه زمان سه زلزله واقع گشت بدپانصدواند آنك شد شهر جودشت

شش سال فزون دوم وره از ششصدوشصت از زلزلهٔ بارسیم هشتصد و هشت

جون بیان اسامی وکرامات و مقامات سادات و اتباع حضرت ایشان از اولیاء کرام و علماء عظام مقدور مقدار بشر نیست برین مختصر ختم اولیتر

اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء منهم والاموات بحرمة النبی، محمد و آله خیر البریات وادخلهم برحمتك فی روضات الجنات والحمد لله رب العالمین آمین رب العالمین

Marfat.com

بسم الله الرحمن الرحیم رب یسر و تمم

الحمدلله رب العالمین و الصلوة والسلام علی حبیبه و رسوله محمد و آله اجمعین . قال الله تعالی ولاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون وقال رسول الله صلی الله علیه وسلم ان اولیاء الله لایموتون ولکن ینقلون من دار الی دار وقال صلی الله علیه وسلم کنت نهیتکم عن زیارة القبور الافزوروها

برمقتضی آیه وحدیث چون زیاره دوستان خدای متضمن ثواب بسیار وفواید بی شمار بود بعضی از احبه که امتثال التماس ایشان واجب بود درخواست کردند از بندهٔ کمینه احمد: محمد بن حسن بن احمد المعروف بالخلیفه النیسابوری تاب الله علیه باسامی بزرگان که درنیسابور آسوده‌اند در قلم آورد و ذکر اسامی ازجملهٔ بزرگان متعذر بود از بهر آنک نیسابور کهنه که محط رجال: رجال لاتلهیهم تجارة ولا بیع عن ذکر الله بوده چهل وهفت محله داشته که یکی از آن محلات متوسط را محله جولاهگان گفتندی و آنرا سیصد کوچه زیارت بودی وهر محله رامقبره بوده وشصت دیه در ربض درآمده بود ومقابر آن دیهها که مملو باولیا وصلحا بوده در میان شهر ناپیدا گشته و بعد از خرابی آن شهر بسبب غارات و تاراج مزارات مندرس و قبور منطمس شده و کسی نمانده که گورستانها راباز شناسد فکیف بالقبور وهرچند چنین بود امابرموجب ان لم یدرك الکل لم یترك الکل . اسامی این بزرگان که درطبقات شیخ عبدالرحمن

Marfat.com

سلمی ورسالهٔ استاد ابوالقاسم وتذکرهٔ شیخ فریدالدین عطار وتاریخ امام ابوعبدالله نیسابوری مسطور است که درنشابور آسوده‌اند جمع کرد حق سبحانه و تعالی همگنانرا رعایت اقوال این بزرگان ومتابعت افعال ایشان کرامت کناد و از برکت و شفاعت ایشان محظوظ گرداناد وهوولی الاجابة و التوفیق

اسامی سادات کبار

محمدبن محمدبن زیدبن علی‌بن‌الحسین بن علی‌بن ابیطالب صلوة الله علی رسول‌الله‌وعلی آله‌الطیبین الطاهرین‌مدفونست بمقبرهٔ تلاجرد، ابوجعفرالصوفی محمدبن جعفربن الحسین‌بن علی‌بن عمربن الحسین بن علی‌ابن ابیطالب، محمدبن احمد بن عبدالله وپسر بزرگواراو، محمدبن محمدالملقب بزباره نقیب سادات خراسان این دو شریف بزرگ واولاد واحفاد ایشان رضی‌الله عنهم درمقبره عبدالله طاهراند و آنرا گورستان سادات گفتندی

اسامی صحابه رضی‌الله عنهم

عامربن سلیم الاسلامی علمدار رسول خدای عزوجل، عثان بن حبیب، همام‌بن زیدبن‌وابصه این سه‌صحابی‌وسه‌صحابه دیگر که نام‌ایشان معلوم‌نیست بیقین در نسابور آسوده‌اند و گفته‌اند که نیز: ابوبریرهٔ اسامی‌درنیسابور آسوده است

اسامی مشایخ طبقات

ابوحفص حداد نیسابوری : ابوعثمان حیری نیسابوری، حمدون قصار نیسابوری، محفوظ بن محمود نیسابوری، ابوعلی ثقفی نیسابوری، یحیی‌بن‌معاذرازی ابوالحسن علی الفوشنجی، ابوبکرطمستانی فارسی، عبدالله بن مبارک نیسابوری

Marfat.com

ابوبکر مرار نیسابوری، ابوعمر بن جنید نیسابوری ابوجعفر احمد بن حمدان نیسابوری ابوعثمان مغربی ، ابوالقاسم مغربی این مشایخ در نیسابور آسوده‌اند

امام حاکم ابوعبدالله وشیخ سلمی یا یکی ازاین دوحکم کرده‌اند بوفات ایشان و ابوالحسن علی بن بندار وعبدالله النیسابوری المعـروف بالرازی وابوبکر السهی و ابوالحسین الوراق وابوحمزه خراسانی هم در نیسابور آسوده‌اند ازبهر آنك ظهور ولایات ایشان ومسکن ایشان در نیسابور و نیسابور اند اما دراین کتب مذکور ذکر مدفون ایشان نیافتیم شاه ابوالفوارس شجاع کرمان خلاف است که در نیسابور ست یادر سیرجان ودراین کتب ذکر مدفون او نیست.

اسامی علماء بزرگ

امام محیی السنه مسلم قشیری ، امام المذهب اسحق راویه ، امام محمد بـن یحیی ذهلی، امام محمد بن اسحق خزیمه ، احمد بن حرب نیسابوری ، محمد بن اسلم طوسی ، امام ابوسهل الصعلوکی امام قاضی الحرمین. امام ابوالعباس الاصم ، امـام نصر بن زیاد القاضی، امام محمد بن الهیثم، امام ابوعلی الکوفی، امام احمد الکندری امام ابومحمد حصیری ، امام عباس بن حمزه ، امام ابوعبدالله السراج، امام ابوالقاسم الواعظ ،امام ابوالطیب الصعلوکی ، امام ابوعلی نیسابوری ، امام ابویعقوب الکرمانی پنج هزار جهود یا بیشتر بر دست اومسلمان شده

اسامی کسانی که قبور ایشان مزارات آن شهر بوده بعضی آن بزرگـان و بعضی غیر ایشان

یحیی بن یحیی ودعا برسرخاك اومستجاب است ، احمد بن حرب ودعا بامداد جمعه برسرخاك اومستجاب است ، ابوحمزهٔ مدینی علی بن هانی بن قنبر و ظاهـر

Marfat.com

آنست که هانی آنجاست، ابوبکر الزاهد ؛ ابوالحسن الکوفی ، ابرهیم بن ابی طالب ابویعقوب اسحق . ابوعمر والحیری ، ابوعمرو المستملی ؛ ابوعمر والخفاف ، ابو عمرو الزاهد ، عباس بن حمزه ، ابوسعید الاصم ، ابوالحسین الخفاف ، الحسن الحداد ، ابوالولید ، ابوالعباس العابد ، ابوعبدالله الصفار ، ابوالفضل الواعظ ، زکریا بن ولویه ابرهیم بن محمد بن شعبان ، عبدالله بن عمر الریاح ؛ یاسر بن نصر الباهلی ، حسن بن الفضل الحلی ، بشر بن الحکم العبدی ، عبدالرحمن بن بشر ، محمد بن عبدالوهاب احمد بن سعید داریی ، ابوزکریا عنبری ، بعضی ازاین بزرگان مجاب الدعوه بوده اند ودعا برسر خاك هریکی ازبزرگان مرجو الاجابة است ،

این بزرگان از متقدمان اند اما بزرگانی که بعد از طبقه ششم در این شهر آسوده اند از آن جمله ، شیخ عالم ابوعلی دقاق ، استاد ابوالقاسم قشیری ، امام احمد میدانی ، شیخ علی مؤذن ، امام بن فورك اصبهانی ، امام الحرمین ابوالمعانی ، امام علی واحدی ، شیخ فرید الدین عطار ، شیخ طبسی ، شیخ مجنون اولیا ، شیخ مجد الدین بغدادی

ارزقنا الله متابعتهم والانخراط فی سلکهم بفضله و کرمه وهو اکرم الاکرمین وارحم الراحمین صلی الله علی نبینا محمد و آله اجمعین

اسامی بزرگانی که درشهر نسابور مدفون اند .
نقل از خط خواجه قطب الدین رحمة الله

مقابر صحابه رضی الله عنهم در اعلی حیره درمقابر منسوب بنصر بن زید القاضی ، سید بزرگوار محمد محروق صلی الله علی رسول الله و علی آله و سلم وهو محمد بن محمد بن زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب کرم الله وجهه ورضی الله عنهم ، جوانمرد معروف بابو شختویه از شهدای صدر بیشین است ، تربة اومحل اجابت دعاست

جوانمرد علمدار حضرت مصطفی بوده قبراومشهور است ،

جوانمرد ثرد باد اونیزازشهداء صدر اول است، احمد حرب رحمه‌الله تربت اووتربت یحیی معاذرازی که ازکبار طبقات است رحمة‌الله درمقبره‌معمراست، شیخ محمدبن‌اسلم‌طوسی‌تربت اودرراه‌مزار تلاجرداست زاهدزمان بوده‌است‌و خدمت‌امام علی‌بن‌موسی‌الرضارا دریافته صلی‌الله علی‌رسول‌الله‌وعلی آله‌وسلم وحدیث ازاوشنیده

امام مسلم بن الحجاج القشیری تربت او در حوالی تربا باد در شرقی کهن دیر نشابور قدیم‌است رحمة‌الله

امام ابوبکرفورك و یحیی‌بن یحیی دربر حیره هر دو در یك حظیره اند از زاهدان و عباد زمان بوده ،

امـام الحرمین عبدالملك ابوالمعالی بن الامـام ابی محمد یوسف الجوینی رحمة‌الله تربت او در جوار مزار تلاجرد است ،

شیخ محمد فنال تربت اودر قبلهٔ مقبرهٔ حیره است ، رحمة‌الله

شیخ عبدالرحمن کوف وشیخ عبدالرحمن سلمی و ناصر الدین محمد کوف رحمة‌الله تربتهاء ایشان در قبلهٔ مقبره حیره است

امام بیان الحق قاضی محمود نیسابوری مصنف عمل‌الغرائب وغیره‌تربت‌اودر جوار نمازگاه عید درشهر شادیاخ ، رحمة‌الله قنبر امیرالمؤمنین علی‌کرم‌الله وجهه تربت اودر جوارفرات آباد ،

شیخ علی مؤذن رحمة‌الله تربت او در جوارمقبرهٔ حیره است

استاد ابوعلی دقاق واستاد ابوالقاسم قشیری ومحمد بن یحیی رحمهم‌الله‌دریك حظیره‌اند در شهر قدیم در قبله‌کهن دیر ،

شیخ فریدالدین عطار رحمة‌الله تربت اودرشادیاخ است،

شیخ محمد ماهی و امام جمال الاسلام رحمهماالله تربت هر دوبهم نزدیك

Marfat.com

است در شادیاخ ،

شیخ ابوحفص حداد و شیخ ابوبکر صیدلانی تربتهای ایشان در راه شارع ادك است در غربی علمدار رحمهم الله ،

شیخ مجد الدین بغدادی که از خوارزم صندوق اورا نقل نسابور کرده اند تربت او در شادیاخ است رحمة الله

شیخ طبسی و تربت شاه شجاع کرمانی بهم نزدیک است رحمهم الله

شیخ مجنون اولیا تربت او در مقبره جلسر ، مقبرة باب عروه فیها حسن بن الولید وجعفر بن عبدالرحمن و عبدالله بن عبدالرماح و حسن بن الفضل وابوالعباس السراج و ابرهیم بن ابیطالب رضی الله عنهم شیخ حمدون قصار وابوعلی ثقفی وعبدالله مبارك در جوار حیره رحمهم الله مقبره عبدالله طاهر فیها قبره وقبر اولاده و قبر امام الحدیث . محمد بن یحیی الزاهدی ائمه تربتهاء ایشان در جوار نرخاب زر کان نساید است قبر ایشان ، عبدالله الغوشنجی ، ابو ایوب بن الحسن الزاهد شیخ محمد بن عبدالوهاب بشر بن الحکم العبدی استاد ابوالولید مقبره حدابد

امیر طاهر میفرمود که علماء وزهاد آن زمانرا درین مقبره دفن میکردند فیها اسحق بن ابرهیم الحنظلی و محمد بن اسلم و محمد بن الرافع القشیری واحمد بن مؤید الروقی واسحق بن المنصور ابو زکریا القشیری رحمة الله علیهم اجمعین

بسم الله الرحمن الرحیم رب یسر

هذه اسماء المشایخ الذین سماهم السلمی مشایخ الطبقات من الرساله التی هی معروفة بطبقات السلمی مما جمع الشیخ العالم الربانی المحقق الصمدانی عبدالرحمن السلمی رحمة الله علیه

Marfat.com

الطبقة الاولی منهم

فضل بن عیاض بخاری الاصل مات فی الحرم ووفاته سنه سبع وثمانین و کنیته ابوعلی

و منهم: ابواسحق ابرهیم بن ادهم بن منصور مات بالجریر فحمل لی صور ودفن لهافی الشام

و منهم: ذوالنون المصری قیل مات سنه ثمان واربعین ومأتین و قیل سنه خمس واربعین و کنیته ابوالفیض

و منهم: شیخ بشرخافی مات سنه سبع و عشرین و مأتین ببغداد و دفن فیها و کنیته ابونصر

و منهم: الشیخ سری مسقطی رحمة الله مات سنه احدی وخمسین ومأتین و کنیته ابوالحسن

و منهم: الشیخ ابوعبدالله حارث المحاسبی من بصره مات ببغداد سنه ثلث واربعین ومأتین

ومنهم: الشیخ ابویزید البسطامی رحمه الله مات بسنه احدی وستین ومائه واسمه طیغور

ومنهم: الشیخ ابوسلمان دارانی مات بسنه خمس عشره ومأتین واسمه عبدالرحمن بن عطیه

ومنهم: الشیخ معروف الکرخی مات ببغداد بسنهٔ مأتین وقیل سنه احدی و مأتین و کنیته ابو محفوظ

ومنهم: الشیخ حاتم الاصم مات سنه اربع عشر ومأتین و کنیته ابوعبدالرحمن وقیل سنه سبع وثلثین ماتین

Marfat.com

ومنهم الشیخ احمد بن الحواری مات سنه ثلثین ومأتین و کنیته ابوالحسن

ومنهم الشیخ ابوصالح حمدون بن احمد القصار مات بنیسابور سنه احدی وسبعین ومأتین

ومنهم الشیخ منصور عمار من اهل مرو وکنیته ابوالسری

ومنهم الشیخ ابوتراب النخشبی توفی بالبادیه سنه خمس واربعین ومأتین واسمه علی بن الحسین

ومنهم الشیخ ابوعلی احمد الانطاکی و قیل ابوعبدالله مات سنه تسع و تسعین و مأتین

ومنهم فی الطبقات السلمی الشیخ ابوالقاسم جنید رحمة الله

الطبقة الثانیه

ومنهم: الشیخ ابوالقاسم الجنید بن محمد بن الجنید الجوار علی قول بعضهم رحمة الله سنه سبع وتسعین و مأتین

ومنهم : الشیخ ابوالحسن النوری مات ببغداد فی سنه خمس وتسعین ومأتین واسمه محمد بن احمد بن محمد

ومنهم : الشیخ ابوعثمان الحیری اصله من الری مات بنیسابور فی [illegible] وتسعین ومأتین واسمه اسمعیل بن سعید بن منصور

ومنهم : رویم بن احمد مات بسنه ثلث و ثلثمائه ببغداد و کنیته ابو محمد

ومنهم الشیخ یوسف بن الحسین مات سنه اربع و ثلثمائه و کنیته ابو یعقوب

ومنهم : الشیخ ابو عبدالله جلا اصله من بغداد کان بالشام مات سنه عشرین وثلثمائه واسمه احمد بن یحیی

Marfat.com

ومنهم : الشیخ سمنون بن حمزه مات ببغداد بعد الجنید و کنیته ابو الحسن ومنهم شاه شجاع الکرمانی مات بنیسابور قیل سنه ثمان وثمانین ومأتین و قیل ثلثمائه و کنیته ابو الفوارس

ومنهم : الشیخ ابو عبدالله عمر بن عثمان المکی مات ببغداد سنه احدی وتسعین ومأتین و قیل سنه سبع وتسعین .

ومنهم : الشیخ سهل بن عبدالله التستری مات بسنه ثلاث وسبعین ومأتین وقیل سنه ثلاث وثمانین ومأتین و کنیته ابو محمد

ومنهم : الشیخ محمد بن الفضل البلخی ساکن سمرقند ومات بها سنه تسع عشر وثلثمائه و کنیته ابو عبدالله

ومنهم : الشیخ ابو عبدالله محمد الترمذی

ومنهم: الشیخ ابو بکر الوراق اصله من ترمذ واقام ببلخ واسمه محمد بن عمر الحکیم

ومنهم : الشیخ ابو سعید الخراز هو من بغداد مات بسنه سبع وسبعین و مأتین واسمه احمد بن عیسی

ومنهم: الشیخ علی بن سهل الاصفهانی و کنیته ابو الحسن

ومنهم : الشیخ ابو العباس احمد بن محمد بن مسروق من اهل الطوس سکن ببغداد ومات بسنه سبع وتسعین و مأتین وقیل سنه ثمان

ومنهم : الشیخ ابو عبدالله محمد بن اسمعیل قیل عباس مأته وعشرین سنه ومات جبل طور سنه تسع وتسعین ومأتین وقیل سنه سبع

ومنهم : الشیخ ابو علی الجوزجانی اسمه الحسن بن علی

ومنهم : الشیخ ابو عبدالله السجزی من مشایخ خراسان ومنهم الشیخ محمد بن احمد بن ابی الورد من مشایخ عراقین .

Marfat.com

الطبقة الثالثه

ومنهم : الشيخ ابومحمد الحريری مات بسنه احدی عشر وثلثمائه واسمه احمد بن محمد الحسين

ومنهم : الشيخ ابوالعباس العطامات بسنه تسع وثلثمائه و قيل سنه احدی وعشر واسمه احمدبن محمد سهل بن عطا

ومنهم : محفوظ بن محمود من اصحاب ابی حفص النيسابوری مات بسنه ثلاث اواربع وثلثمائه بنيسابور ودفن بجنب ابی حفص

ومنهم: الشيخ ابوعمروالدمشقی مات بسنه عشرين وثلثمائه هو مشايخ الشام

ومنهم : الشيخ محمدبن حامد الترمذی من مشايخ خراسان و كنيته ابوبكر

ومنهم : الشيخ طاهر المقدسی من اصل مشايخ الشام

ومنهم : الشيخ ابومحمد عبدالله بن محمد الحراز من مشايخ الرازيين مات قيل البعد الاربعين و ثلثمائه

ومنهم : الشيخ نعمان بن محمد الحمال الواسطی ساكن مصر مات بباقی رمضان سنه ست عشر وثلثمائه وكنيته ابوالحسن

ومنهم: الشيخ ابرهيم بن احمد الخواص مات فی جامع الری بسنه احدی وتسعين و مائتين وكنيته ابواسحق

ومنهم: الشيخ ابوحمزة البغدادی مات قبل الجنيد سنه تسع وثمانين ومائتين واسمه محمد بن ابرهيم

ومنهم: الشيخ ابوالحسن الوراق من مشايخ نيشابور مات قبل العشرين وثلثمائه واسمه محمدبن سعد

Marfat.com

ومنهم: الشیخ ابوبکر الواسطی اصله من خراسان استوطن کورة مرو ومات بها بعدالعشرین و ثلثمائه واسمه محمد بن موسی

ومنهم: الشیخ ابوالحسن الدینوری من مشایخ الجبل اقام بمصر ومات بها بسنه تلثین وتلثمائه اسمه علی بن محمدبن سهل

ومنهم: الشیخ ابوالمغیث حسین بن منصور الحلاج قتل بباب الطاق ببغداد یوم الثلثاء من ذی القعده سنه تسع وثلثمائه

ومنهم: الشیخ خیرالنساج اصله من سامره اقام ببغداد و کنیته ابوالحسن

ومنهم: الشیخ حمشادالدینوری من کبارمشایخها مات بسنه تسع وتسعین ومأتین و

ومنهم: الشیخ ابوحمزة الخراسانی من نیسابوره من محل ملقاباد مات بسنه تسعین ومأتین

و منهم: الشیخ الصبحی من اهل البصره و کنیته ابوعبدالله مات بالسوس وقبربها

ومنهم: الشیخ ابواسحق ابرهیم بن داود الرومی مات بسنه ست وعشرین ومأتین وقیل ثلثمائه

ومنهم: الشیخ ابوجعفر احمدبن حمدان بن علی بن سنان من مشایخ نیسابور مات فی سنه ست عشر وثلثمائه

الطبقه الرابعه

ومنهم: الشیخ ابوبکرا الشبلی خراسانی الاصل عاش سبعا وثمانین سنه و مات فی ذی الحجه سنه اربع وثلثین و ثلثمائه ببغداد واسمه دلف بن مجدر

ومنهم: الشیخ المرتعش وهو ابو محمد بن عبدالله بن محمد النیسابوری من محلة حیره مات ببغداد سنه ثمان وعشرین وثلثمائه وقیل من محله ملقاباد

ومنهم: ابوعلی الرود باری توفی بسنه اثنین و عشرین و ثلثمائه بمصر واسمه احمدبن محمد بن ابی القاسم

Marfat.com

ومنهم: الشیخ ابوالحسن الاقطع اصله من المغرب مات بسنه اربعین وثلثمائه

ومنهم : ابوعلی الثقفی مات بسنه ثمان و عشرین وثلثمائه بنسابور واسمه محمدبن عبدالوهاب

ومنهم : ابومحمد عبدالله بن محمد بن منازل من مشایخ نیسابور مات بها بسنه تسع و عشرین اوثلثین و ثلثمائه

ومنهم ابوالحسن المزین واسمه علی بن محمد اصله من بغداد جاور بمکه ومات بهاسنه ثمان و عشرین وثلثمائه

ومنهم : الکتانی و هو محمدبن علی بن جعفرالکتانی امام بمکه ومات بها بسنه اثنین وعشرین وثلثمائه وکنیته ابوبکر

ومنهم : النهرجوری و هو ابویعقوب اسحق بن محمد امام بمکه و مات بها سنه ثلاثین و ثلثمائه

ومنهم : ابوالخیربن منار من مشایخ مصر مات فی البتیه

ومنهم ابو الکاتب من کبار مشایخ المصرمات بسنه ست واربعین وثلثمائه واسمه الحسین بن احمد

ومنهم: ابوبکر عبدالله بن طاهر الاهری من مشایخ الجبل قیل مات بقرب الثلثین وثلثمائه

ومنهم : الفرسسی من مشایخ الجبل مات فی سنه ثلاثین وثلثمائه

ومنهم : ابوالحسین علی بن هندا الفارسی من کبار مشایخ الفرس

ومنهم : ابواسحق بن شیبان القرمیسینی

ومنهم : الحسین بن علی مردمن اهل ارمنه مات فی الصفر سنه ثلاث و ثلاثین وثلثمائه

ومنهم : محمدبن احمد بن سالم النصری و کنیته ابو عبدالله

ومنهم ابرهیم بن احمدبن مشایخ الرق و کنیته ابواسحق

Marfat.com

ومنهم: محمد بن علیان النسوی من کبار مشایخ النسا

ومنهم: ابوبکر محمد بن احمد رآنی سعد البغدادی

ومنهم: ابوسعید الاعرابی سکن بمکة ومات بها سنه احدی واربعین وثلثمائه واسمه احمد

الطبقة الخامسه

ومنهم: ابوعمر الزجاجی نیسابوری الاصل توفی بسنه ثمان واربعین وثلثمائه

ومنهم: ابوالعباس السیار من اهل مرو توفی سنه اثنین واربعین وثلثمائه واسمه قاسم بن محمد

ومنهم: جعفر الخالدی البغدادی المولد والمنشأ توفی سنه ثمان واربعین وثلثمائه ببغداد وقبره عند قبر الجنید وکنیته ابومحمد

ومنهم ابوبکر داود الدینوری الرقی مات بعد الخمسین وثلثمائه

ومنهم عبدالله بن محمد رازی الاصل مولد بنسابور مات سنه ثلاث وخمسین وثلثمائه وکنیته ابومحمد

ومنهم: ابو عمرو السلمی و هو اسماعیل بن جنید بن احمد السلمی مات سنه ستین وثلثمائه

ومنهم: ابوالحسن الفوشنجی مات سنه ثمان واربعین وثلثمائه واسمه علی بن احمد بن سهل:

ومنهم: ابو عبدالله محمد بن حفیف الشیرازی واسمه محمد بن جعفر مات بسنه احدی وسبعین و ثلثمائه بشیراز و کانت امه نیسابوریه

ومنهم: ابو عثمان المغربی من ناحیة مرو بنسابور و مات بها سنه ثلث

Marfat.com

وسبعین وثلثمائه

ومنهم : ابوالقاسم النصرآبادی نیسابوری الاصل والمولد خرج آخر عمره الی مکه سنه ست وستین وثلثمائه واسمه ابرهیم بن محمد .

ومنهم : بندار بن الحسین من اهل شیراز مات بسنه ثلث وخمسین و ثلثمائه و کنیته ابوالحسین

ومنهم : الحضیری وهو ابوالحسن علی بن ابرهیم بصری الاصل مات ببغداد یوم الجمعه ذی الحجه سنه احدی وسبعین وثلثمائه

ومنهم : ابوبکر الطمستانی الفارسی ورد نیسابور ومات بها بعد سنه اربعین وثلثمائه

ومنهم : ابوعبدالله البروغندی واسمه محمد بن محمد بن الحسن من مشایخ مات بعد الخمسین وثلثمائه

ومنهم : ابوالعباس الدینوری مات بسمرقند بعد الاربعین وثلثمائه واسمه محمد بن احمد بن محمد

ومنهم : محمد بن احمد و کنیته ابوبکر مات قبل الستین وثلثمائه وهو من مشایخ نیسابور

ومنهم : ابوعبدالله الرودباری واسمه احمد بن عطا بن احمد مات سنه تسع وستین وثلثمائه

ومنهم : ابوالحسن بن علی بن بندار الحسین الصوفی من مشایخ نیسابور [illegible] بسنه تسع وخمسین وثلثمائه

ومنهم : ابوعبدالله وابوالقاسم ابناء احمد بن محمد المقری [illegible] بسنه ست وثلثمائه واما ابوالقاسم مات بنیسابور بسنه ثمان وسبعین وثلثمائه

ومنهم : محمد بن احمد بن حمدون الفرا من کبار مشایخ نیسابور [illegible] سنه سبعین وثلثمائه

ومنهم : محمد بن عبدالخالق الدینوری مات بها کنیته ابوعبدالله

ومنهم : ابوعبدالله محمد بن محمد الواسی

پایان

Marfat.com

Marfat.com

بنام خدا

در مقدمه گفته شد که کتاب تاریخ نیسابور تألیف الامام الحاکم ابوعبدالله محمدبن محمدبن حمدون شامل چندین هزاراسم رجال: اعم ازفضلا، حکما، علما زهاد،شعرا، بترتیب حروف تهجی‌است. بعبارة آخری اسامی‌اشخاص از(الف) شروع شده وتا (ی) ختم گردیده است. ازاین‌نظر برای‌قسمت‌اول ازاین کتاب‌فهرست اسماء خاصه تهیه نشد، چه‌احتیاج بتدارك و تنظیم این‌مبحث نبود. اما درقسمت دوم کتاب که ذکرابنیه وعمارات وقبور و وادیها وبساتین میباشد فهرست‌اسماء خاصه لازم‌بود وتهیه گردیده زیرا مؤلف دراین قسمت: هم، ازبناها وتکایا نام‌میبرد، وهم ازمقابر مزارات شیوح و زهاد و مردگان ذکرمیکند ونام اشخاص را بانام پدر وجد یکجا رقم‌زده‌است‌بدین‌جهت درفهرست بهمان ترتیب متن کتاب طبقه‌بندی‌شده وامیداست که مطبوع طبع گردد . والله‌المستعان

Marfat.com

Marfat.com

الف

Marfat.com

Marfat.com

Marfat.com

Marfat.com

Marfat.com

Marfat.com

Marfat.com

Marfat.com

Marfat.com

ب

Marfat.com

Marfat.com

ح

Marfat.com

خ

د

Marfat.com

ذ

ر

ز

Marfat.com

Marfat.com

Marfat.com

Marfat.com

Marfat.com

ق

Marfat.com

ک

گ

Marfat.com

ل

م

Marfat.com

Marfat.com

Marfat.com

Marfat.com

Marfat.com

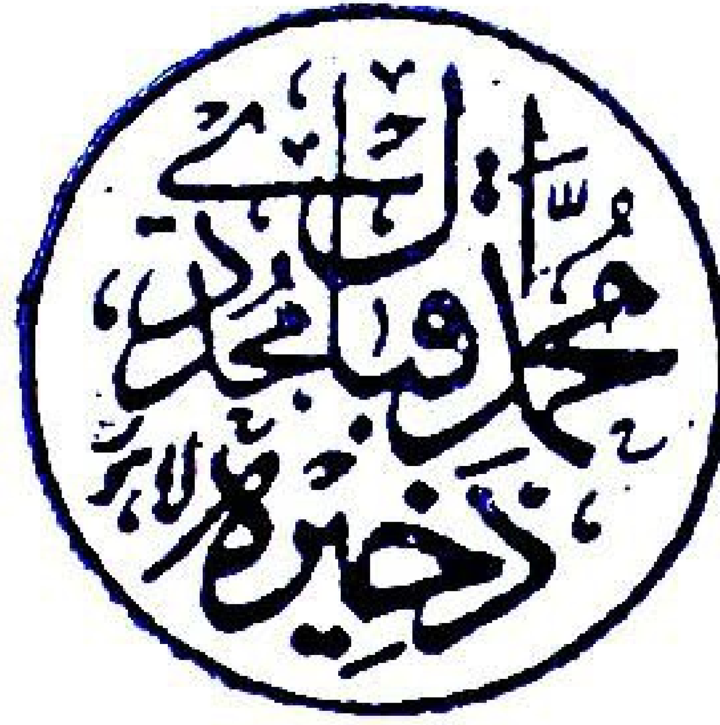
ن

و

Marfat.com

Marfat.com

ی



Marfat.com